



آزمودن کُر و نای

جلد دوم
دیدگاه‌ها و راه‌بردها



به اهتمام:
دکتر محمد هادی همایون
دکتر رضا بنی‌اسد

دانشگاه
اسلامی
مرجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (جلد ۲)

با مقالات و یادداشت‌هایی از:
جمعی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه

به اهتمام:

محمد‌هادی همایون
استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

رضا بنی‌اسد
استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (جلد ۲)
با مقالات و یادداشت‌هایی از: جمعی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه
به اهتمام: دکتر محمدهادی همایون و دکتر رضا بنی‌اسد
ویراستار ادبی: دکتر احمد توانایی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
طراح جلد: محمد روشنی
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۳۹۹
قیمت: ۶۸۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۱۴-۸

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

همایون، محمدهادی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲) // با مقالات و یادداشت‌هایی از:
جمعی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه؛ به اهتمام: محمدهادی همایون و
رضا بنی‌اسد.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ج۲.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۱۲-۴
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۱۴-۸
موضوع: کروناویروس‌ها - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: کروناویروس‌ها - ایران - جنبه‌های اجتماعی - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: کروناویروس‌ها - ایران - جنبه‌های اقتصادی - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: کروناویروس‌ها - ایران - پیشگیری - مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افزوده: بنی‌اسد، رضا، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده: توانایی، احمد، ۱۳۵۴- ویراستار
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: QR ۳۹۹
رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۲۵۶
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۳۵۲۲۶

تمام حقوق محفوظ است، این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

تقدیم به

مدافعان سلامت

فهرست اجمالی

فهرست اجمالی.....	۹
فهرست تفصیلی.....	۱۳
فهرست نمودارها.....	۲۳
فهرست جدول‌ها.....	۲۵
سخن ناشر.....	۲۷
پیش‌گفتار.....	۲۹
بخش اول: چیستی و پیام کرونا.....	۷۱
۱: فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا.....	۷۳
۲. پیام کرونا برای انسان مدرن.....	۸۱
۳. چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟.....	۸۵
۴. شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم.....	۹۱
۵. بحران در بدن و بحران در مدینه!.....	۱۰۳
۶. کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی - ایرانی.....	۱۱۱
۷. کرونا در هفت روایت: درنگی توصیفی - تحلیلی از تعبیر و تفاسیر مختلف از ویروس کرونا.....	۱۱۹
بخش دوم: تمدن و آینده‌نگری.....	۱۲۹
۸. مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا.....	۱۳۱
۹. کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی.....	۱۳۷
۱۰. پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵۷
۱۱. کرونا و بی‌نظمی جهانی.....	۱۶۹
۱۲. فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پساکرونا.....	۱۷۵
بخش سوم: اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی.....	۱۸۹
۱۳. مصائب انسان واپسین.....	۱۹۱

۱۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

۱۴. برساخت کرونا ویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس ۱۹۹
۱۵. کرونا و طبی‌سازی زندگی روزمره ۲۰۵
۱۶. کشکول کرونا! ۲۱۱
۱۷. جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸ ۲۲۱

بخش چهارم: سیاست فرهنگی و دینی ۲۳۱

۱۸. «تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت محتوایی رسانه با رویکردی تحلیلی - قرآنی ۲۳۳
۱۹. فرهنگی شدن ویروس کرونا ۲۵۱
۲۰. چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران ۲۵۷
۲۱. تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی ۲۶۵
۲۲. کرونا و تجلی عقلانیت جمهوری اسلامی ۲۷۱
۲۳. کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین در حکومت اسلامی ۲۷۳
۲۴. سه سناریو برای بستن حرم‌ها ۲۷۹
۲۵. گردشگری و کرونا ۲۸۷
۲۶. صنایع دستی و کرونا ۲۹۷
۲۷. دعوت به طراحي «کنش نجات» ۳۰۳
۲۸. چند میلیون نفر مبتلا به کرونا هستند؟! ۳۱۹

بخش پنجم: مدیریت و حکمرانی ۳۲۳

۲۹. کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا ایران موفق بوده است؟ ۳۲۵
۳۰. وضعیت کرونایی و ضرورت گفتگو درباره شیوع کووید ۱۹، احتمالات آینده و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ۳۳۷
۳۱. زنده باد سیاست در عصر پسا کرونا! ۳۴۱
۳۲. کرونا و فتح مکه ۳۴۵
۳۳. ویروس کرونا؛ نعمت یا نعمت؟ (خودباوری ملی، علاج بیماری‌های اقتصادی) ۳۴۷
۳۴. ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت» ۳۵۵
۳۵. تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا ۳۶۳
۳۶. رهبران کسب‌وکار در خط مقدّم عبور از بحران کرونا ۳۷۷
۳۷. دیپلماسی عمومی در عصر کرونا: فرصت‌آفرینی‌های بین‌المللی در جهان پس از کرونا ۳۸۷
۳۸. تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا ۳۹۳
۳۹. طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی ۴۰۱

فهرست اجمالی □ ۱۱

۴۰. بهبود آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس تحت تأثیر ویروس کرونا: مشکلات و آرایه راهکارهای مناسب آموزشی..... ۴۰۹
۴۱. کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش..... ۴۱۷
- بخش ششم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی..... ۴۳۵
۴۲. فرصت ویژه ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس منحوس کرونا..... ۴۳۷
۴۳. تلاش جهادگران سلامت، گامی به سوی ظهور..... ۴۴۱
۴۴. کرونا و بازگشت به خانواده..... ۴۴۵
۴۵. تداوم کرونا و ضرورت احیای نظم اجتماعی خانه‌محور..... ۴۴۹

فهرست تفصیلی

فهرست اجمالی.....	۹
فهرست تفصیلی.....	۱۳
فهرست شکل‌ها و نمودارها.....	۲۳
فهرست جدول‌ها.....	۲۵
سخن ناشر.....	۲۷
پیش‌گفتار.....	۲۹
بخش اول: چیستی و پیام کرونا.....	۷۱
۱: فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا.....	۷۳
مقدمه.....	۷۳
۱. روایت از کرونا در ایران.....	۷۵
۱-۱. روایت «ایران بحرانی و بدبخت».....	۷۵
۲-۱. روایت «ایران تاریک‌خانه مخوف».....	۷۶
۳-۱. روایت «ایران توانمند».....	۷۷
۲. فراروایت «ایران سربلند».....	۷۸
۲. پیام کرونا برای انسان مدرن.....	۸۱
۳. چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟.....	۸۵
۱. صحنه اول (مرگ‌آگاهی).....	۸۵
۱-۱. پرده اول.....	۸۵
۲-۱. پرده دوم.....	۸۶
۳-۱. پرده سوم.....	۸۷
۲. صحنه دوم (آزمون گروهی خاص).....	۸۹
۴. شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم.....	۹۱

- مقدمه ۹۱
۱. گونه‌های نعم الاهی ۹۲
۲. نعمت در دایره صبر و شکر ۹۴
۳. صبر یا رهایی مصائب ۹۶
۴. اجتماع مطلق و مقید، جمع شادی و غم ۹۷
۵. عافیت و تقوی ۹۸
۶. صبر فاقد، شکر واجد ۹۹
۷. کرونا تعلیقی بین صبر و شکر ۹۹
۸. منابع و مأخذ ۱۰۲
۵. بحران در بدن و بحران در مدینه! ۱۰۳
۶. کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی - ایرانی ۱۱۱
- مقدمه ۱۱۱
۱. کرونا مصداقی از مسئله شرّ ۱۱۲
۲. پاسخ‌های مختلف به مسئله شرّ ۱۱۳
۳. به سلامت رساندن بار امانت در مواجهه با شرور در جهان اسلام ۱۱۵
۴. الاهیات سیاسی - اجتماعی و غلبه بر شرّ کرونا ۱۱۶
۵. منابع ۱۱۸
۷. کرونا در هفت روایت: درنگی توصیفی - تحلیلی از تعابیر و تفاسیر مختلف از ویروس کرونا ۱۱۹
- مقدمه ۱۱۹
۱. روایت اول: عامل طبیعی (ریشه پزشکی) ۱۲۲
۲. روایت دوم: عامل حیوانی (ریشه انسانی) ۱۲۲
۳. روایت سوم: عامل اقتصادی (ریشه رسانه‌ای) ۱۲۳
۴. روایت چهارم: عامل ناکارآمدی (ریشه مدیریتی) ۱۲۴
۵. روایت پنجم: عامل شبکه‌ای (ریشه زیست‌شناسانه) ۱۲۴
۶. روایت ششم: عامل دشمنی (ریشه شیطانی) ۱۲۵
۷. روایت هفتم: عامل معنوی (ریشه آخرالزمانی) ۱۲۶
۸. روایت روای ۱۲۷
- بخش دوم: تمدن و آینده‌نگری ۱۲۹

۸. مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا.....	۱۳۱
۹. کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی.....	۱۳۷
۱۰. پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵۷
مقدمه.....	۱۵۷
۱. کیفیت مواجهه تمدن غرب با پدیده کرونا.....	۱۶۰
۲. پدیده کرونا و فرصت ارائه نسخه‌های جدید تمدنی.....	۱۶۳
۳. رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران در عصر پساکرونا.....	۱۶۵
۴. منابع.....	۱۶۷
۱۱. کرونا و بی‌نظمی جهانی.....	۱۶۹
مقدمه.....	۱۶۹
۱. اقتصاد جهانی.....	۱۷۱
۲. امنیت جهانی.....	۱۷۲
۳. نتیجه‌گیری.....	۱۷۳
۱۲. فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پساکرونا.....	۱۷۵
مقدمه.....	۱۷۵
۱. شیرجه ناگهانی در فضای مجازی در دوران کرونا.....	۱۷۶
۲. قوی شدن در فضای مجازی دیجیتال و کوانتومی.....	۱۷۷
۳. سرمایه‌گذاری‌های عظیم کشورها روی فناوری‌های کوانتومی.....	۱۷۸
۴. ضرورت رشد و توسعه فناوری‌های کوانتومی در کشور.....	۱۷۹
۵. گسست‌های نسلی در دوران فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های فناوری.....	۱۸۰
۶. انقلاب کوانتوم مکمل انقلاب دیجیتال و مشکلات ایران در مواجهه با آن.....	۱۸۱
۷. ضرورت بهره‌برداری از مطالعات جهانی.....	۱۸۲
۸. پیشنهادی برای مطالعه تطبیقی فناوری‌های کوانتومی.....	۱۸۵
۹. نتیجه‌گیری.....	۱۸۶
۱۰. مأخذ.....	۱۸۷
بخش سوم: اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی.....	۱۸۹
۱۳. مصائب انسان واپسین.....	۱۹۱
۱۴. بر ساخت کرونا ویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس.....	۱۹۹

۱۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مقدمه.....	۱۹۹
۱. بعد عینی مسئله کرونا.....	۲۰۰
۲. بعد ذهنی مسئله اجتماعی کرونا.....	۲۰۱
۳. ترس به چه میزان؟.....	۲۰۲
۴. منابع.....	۲۰۴
۱۵. کرونا و طَبّی‌سازی زندگی روزمره.....	۲۰۵
۱۶. کَشکول کرونا!.....	۲۱۱
۱. کرونا و تباهی و ناپدیدي سَنَت‌ها!.....	۲۱۲
۲. اهتمام به بلای کرونا و التزام به واجبات الهی!.....	۲۱۳
۳. از رفاقت تا شهادت! (بلای کرونا و رفاقت پزشک، پرستار و بهیار با بیمار).....	۲۱۶
۴. کرونا و «بحران‌زیستی» ما!.....	۲۱۸
۵. بحران کرونا و ضرورت گفتگو از/ در اجتهاد، حجیت و قطع در سیاست‌گذاری!.....	۲۱۹
۱۷. جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸.....	۲۲۱
۱. فرهنگ دینی؛ زیربنای جامعه.....	۲۲۲
۲. تفاوت‌های کنشی مردم ایران و متغیر «مُلوک».....	۲۲۶
۳. دو توصیه برای قوی‌تر شدن حکمرانی.....	۲۲۸
بخش چهارم: سیاست فرهنگی و دینی.....	۲۳۱
۱۸. «تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت محتوایی رسانه با رویکردی تحلیلی-قرآنی.....	۲۳۳
مقدمه.....	۲۳۴
۱. هم‌طرازی «دین، رسانه و کرونا».....	۲۳۵
۲. تحلیل مفاهیم و اوصاف درجه اول و درجه دوم.....	۲۳۶
۳. تعالی مفاهیم.....	۲۴۰
۴. روابط وجودی و ارجاع.....	۲۴۱
۵. نگاه آیه‌ای در قرآن کریم.....	۲۴۲
۶. ویژگی‌های قرآنی مفهوم درجه دوم «کرونا» و تأثیر آن بر مبنای نظریه برجسته‌سازی.....	۲۴۴
۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۴۹

۲۵۱	۱۹. فرهنگی شدن ویروس کرونا.....
۲۵۷	۲۰. چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران.....
۲۶۵	۲۱. تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی.....
۲۶۵	۱. هم‌نشینی و جانشینی دو رویکرد کلیدی در نشانه‌شناختی.....
۲۶۵	۲. نحوه مواجهه سیاست‌گذارانه در تعطیلی اجتماعات مردمی.....
۲۶۶	۳. دو سیاست در خصوص اجتماعات مردمی از بدو شیوع بیماری کرونا.....
۲۶۶	۴. سیاست تعطیلی بدون قید و شرط تمامی اجتماعات مردمی.....
۲۶۷	۵. سیاست‌گذاری مواجهه با و تداعی نشانه‌شناختی ناخودآگاه در افکار عمومی جامعه.....
۲۶۸	۶. تک‌بعدی شدن سیاست‌گذاری مقابله با کرونا.....
۲۶۸	۷. سیاست بازگشایی اجتماعات اقتصادی پر تردد و غیرضروری.....
۲۶۹	۸. معیشت و سلامت: دوگانه مبنایی سیاست‌گذار.....
۲۶۹	۹. آسیب‌شناسی دو سیاست.....
۲۷۱	۲۲. کرونا و تجلی عقلانیت جمهوری اسلامی.....
۲۷۳	۲۳. کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین در حکومت اسلامی.....
۲۷۹	۲۴. سه سناریو برای بستن حرم‌ها.....
۲۸۰	مقدمه.....
۲۸۱	۱. سناریوی اول: باز بودن بدون محدودیت.....
۲۸۲	۲. سناریوی دوم: بستن/زیارت محدود.....
۲۸۳	۳. سناریوی سوم: محدودیت/بستن کامل.....
۲۸۵	۴. جمع‌بندی و پیشنهاد.....
۲۸۷	۲۵. گردشگری و کرونا.....
۲۸۷	مقدمه.....
۲۸۸	۱. پیشنهادهایی برای رونق کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری.....
۲۹۱	۲. مهم‌ترین اقدامات دولت در این مدت.....
۲۹۲	۳. ارزیابی اقدامات دولت در حوزه گردشگری.....
۲۹۲	۱-۳. اقدامات سلبی و ایجابی.....
۲۹۳	۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۹۷	۲۶. صنایع دستی و کرونا.....
۲۹۷	مقدمه.....

۱۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

۱. مهم‌ترین اقدامات دولت در این مدت ۳۹۹
۲. ارزیابی اقدامات دولت در حوزه صنایع دستی ۳۰۰
۳. موارد پیشنهادی جهت مدیریت حوزه صنایع دستی ۳۰۱
۲۷. دعوت به طراچی «کنش نجات» ۳۰۳
۱. انفعال علوم انسانی ۳۰۴
۲. طراچی کنش نجات ۳۰۹
۳. منابع ۳۱۶
۲۸. چند میلیون نفر مبتلا به کرونا هستند؟! ۳۱۹
- بخش پنجم: مدیریت و حکمرانی ۳۲۳**
۲۹. کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا ایران موفق بوده است? ۳۲۵
- مقدمه ۳۲۵
۱. کشورداری: فهم محتوای و روابط سطوح ۳۲۶
- ۱-۱. سطح حکمرانی یا راهبری ملی ۳۲۶
- ۱-۱-۱. تبیین اهداف عرصه‌های ملی ۳۲۶
- ۱-۱-۲. تعیین چارچوب اخلاقی حاکم بر عرصه‌های ملی ۳۲۶
- ۱-۱-۳. تعیین چارچوب شکل دهنده تعاملات مردم با هم (فرهنگ ملی) ۳۲۶
- ۱-۱-۴. تعیین چارچوب تبعیت‌پذیری ملی مدیریت و کارکنان کشوری ۳۲۷
- ۱-۱-۵. تضمین پاسخگویی مدیریت در قبال اهداف محوّه و اختیارات واگذار شده: ۳۲۷
- ۱-۱-۶. عملکردی، پایش و نظارت بر مدیریت ۳۲۷
- ۲-۱. سطح مدیریت ۳۲۷
- ۳-۱. سطح عملیات ۳۲۸
۲. کیفیت کشورداری در مبارزه با کرونا ۳۲۸
- ۱-۲. چابکی در راهبری ۳۲۸
- ۲-۲. چابکی مدیریتی ۳۲۹
- ۳-۲. سطح عملیات ۳۳۱
۳. چالش فرارو ۳۳۲
۴. فهرست مأخذ ۳۳۵

۳۰. وضعیتِ کرونایی و ضرورت گفتگو درباره شیوع کووید ۱۹، احتمالات آینده و پیامدهای فرهنگی -	
اجتماعی.....	۳۳۷
۳۱. زنده باد سیاست در عصر پسا کرونا!.....	۳۴۱
۳۲. کرونا و فتح مکه.....	۳۴۵
۳۳. ویروس کرونا؛ نعمت یا نعمت؟.....	۳۴۷
مقدمه.....	۳۴۷
۱. نقاط قوت.....	۳۴۸
۱. ۱. سرمایه انسانی متعهد.....	۳۴۸
۲-۱. نیروهای مردمی داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد.....	۳۴۹
۳-۱. شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی.....	۳۴۹
۲. نقاط ضعف.....	۳۵۰
۱-۲. فقر فرهنگی در مواجهه با بحران.....	۳۵۰
۲-۲. ضعف در زیرساخت‌های زنجیره تأمین و لجستیک.....	۳۵۰
۳-۲. نظارت ضعیف.....	۳۵۰
۳. فرصت‌ها.....	۳۵۱
۱-۳. تولید اقلام بهداشتی و درمانی و صادرات به کشورهای منطقه.....	۳۵۱
۲-۳. توسعه فناوری اطلاعات.....	۳۵۱
۳-۳. باور بیش‌ازپیش به توان داخلی و اتکا به نیروی جوانان.....	۳۵۲
۴. تهدیدها.....	۳۵۳
۱-۴. آسیب‌پذیری کسب‌وکارهای کوچک.....	۳۵۳
۲-۴. کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی.....	۳۵۳
۵. جمع‌بندی.....	۳۵۴
۳۴. ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت».....	۳۵۵
مقدمه.....	۳۵۵
۱. بازاندیشی در صورت مسئله.....	۳۵۶
۲. اهمیت اتخاذ رویکرد متناسب.....	۳۵۸
۳. پیشنهاد.....	۳۵۹
۳۵. تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا.....	۳۶۳
۱. سناریوهای احتمالی.....	۳۶۴
۱-۱. سناریوی اول؛ خوش‌بینانه.....	۳۶۴

۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- ۲-۱. سناریوی دوم؛ واقع‌بینانه ۳۶۴
- ۳-۱. سناریو سوم؛ بدبینانه ۳۶۴
۲. مواجهه درستی با بحران داشته باشیم ۳۶۵
۳. به فکر بقا باشید، توسعه تعطیل! ۳۶۶
۴. کسب‌وکارها باید چه کنند؟ ۳۶۷
۵. تغییر و تحولات پیرامون را در قالب راهبرد، ترجمه کنید ۳۶۷
۶. برای عبور از طوفان، پس‌انداز کنید ۳۶۸
۷. تعدیل نیرو ممنوع! ۳۶۹
۸. تعلل نکنید ۳۶۹
۹. لطفاً جوّزده نشوید ۳۶۹
۱۰. رنجی کم کنیم ۳۷۰
۱۱. نوآوری؛ یک ضرورت انکارناپذیر ۳۷۱
۱۲. دلسوزانه از کارمندان خود مراقبت کنید ۳۷۲
۱۳. گذشته را جبران کنید و آینده را بسازید ۳۷۲
۱۴. دنیای پس از کرونا ۳۷۳
۱۵. تأثیر کرونا در مناسبات بین‌المللی ۳۷۴
۱۶. نقش دولت در این برهه تاریخی ۳۷۴
۱۷. منابع ۳۷۵
- ۳۶. رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا ۳۷۷**
۱. بهبود ارتباطات در شرایط بحران ۳۷۸
- ۱-۱. گام اول: یک گروه را برای ارتباط متمرکز شکل دهید ۳۷۸
- ۲-۱. گام دوم: با کارمندان ارتباط برقرار کنید ۳۷۹
- ۳-۱. گام سوم: به صورت منظم با مشتریان ارتباط داشته باشید ۳۷۹
- ۴-۱. گام چهارم: به سهامداران اطمینان بدهید ۳۸۰
- ۵-۱. گام پنجم: به صورت فعال با جامعه در ارتباط باشید ۳۸۰
۲. تبدیل فعالیت‌های حضوری به دورکاری ۳۸۱
- ۱-۲. اهداف و نقش‌ها را با جزئیات و مو به مو بیان کنید ۳۸۱
- ۲-۲. بر تعاملات شخصی تأکید کنید ۳۸۱
- ۳-۲. محیط‌های کاری جدید را عادی‌سازی کنید ۳۸۲
۳. حفاظت از کارکنانی که در محیط کار در خطر هستند ۳۸۲

فهرست تفصیلی □ ۲۱

۴. منع آمدوشد در سازمان در صورت بروز علائم..... ۳۸۳
۵. تجدید نظر در سیاست‌های حقوق و مزایا..... ۳۸۳
۶. دیوانسالاری را کنترل کنید..... ۳۸۴
۷. شفاف باشید..... ۳۸۴
۸. فهرست منابع..... ۳۸۵
-
۳۷. دیپلماسی عمومی در عصر کرونا: فرصت‌آفرینی‌های بین‌المللی در جهان پس از کرونا..... ۳۸۷
۱. دیپلماسی عمومی در عصر کرونایی..... ۳۸۷
۲. فرصت‌آفرینی بین‌المللی در عصر کرونا و پسا کرونا..... ۳۸۸
- ۱-۲. بازنمایی شکست تمدن غرب و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی فطرت..... ۳۸۸
- ۲-۲. کمک‌های بشر دوستانه به ملت‌های مستضعف جهان و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی خدمت..... ۳۸۹
- ۳-۲. بازنمایی اقتدار و همدلی ملی ناشی از فرهنگ اسلامی ایرانی..... ۳۹۰
- ۴-۲. آفرینش فرصت‌های بین‌المللی در زمینه دیپلماسی پزشکی..... ۳۹۰
-
۳۸. تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا..... ۳۹۳
۳۹. طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی..... ۴۰۱
۴۰. بهبود آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس تحت تأثیر ویروس کرونا: مشکلات و آرایه راهکارهای مناسب آموزشی..... ۴۰۹
- مقدمه..... ۴۱۰
۱. به کارگیری آموزش مجازی در شبکه آموزش..... ۴۱۳
- ۱-۱. تهیه منابع درسی، آموزش و ارزیابی..... ۴۱۳
- ۲-۱. آموزش مبتنی بر وب..... ۴۱۳
۲. آموزش برخط چالشی جدی در آموزش..... ۴۱۴
- ۱-۲. مدیریت آموزشی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها..... ۴۱۴
- ۲-۲. معلمان و دانش آموزان با تدریس سازگار نیستند..... ۴۱۴
۳. پیشنهادهای کاربردی جهت آموزش بهتر در ایام کرونا..... ۴۱۵
- ۱-۳. بستر شبکه مخابراتی در آموزش..... ۴۱۵
- ۲-۳. آموزش استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان جهت استفاده بهینه از آموزش مجازی..... ۴۱۵
- ۱-۲-۳. تعامل میان استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان..... ۴۱۵
۴. پیشنهاد نهایی: یادگیری تلفیقی..... ۴۱۶

۵. منابع..... ۴۱۶
۴۱. کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری در آموزش و پرورش..... ۴۱۷
۱. اهمیت فضای مجازی..... ۴۱۹
۲. آموزش و پرورش مجازی و نوآوری به سبک مکانیکی و بخشنامه‌ای..... ۴۲۴
۳. آموزش مجازی بخشنامه‌ای و نقدی بر وضع موجود اشاعه نوآوری در آموزش و پرورش..... ۴۲۴
- ۱-۳. سطحی‌نگری..... ۴۲۶
- ۲-۳. کاهش‌گرایی..... ۴۲۷
۴. فهم اثرات نامطلوب آموزش مجازی بخشنامه‌های بر اهداف علمی و تربیتی..... ۴۳۱
- ۱-۴. آموزش و پرورش در چنگال دیوانسالاری و قفس آهنین..... ۴۳۱
- بخش ششم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی..... ۴۳۵**
۴۲. فرصت ویژه ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس منحوس کرونا..... ۴۳۷
۴۳. تلاش جهادگران سلامت، گامی به سوی ظهور..... ۴۴۱
۴۴. کرونا و بازگشت به خانواده..... ۴۴۵
۴۵. تداوم کرونا و ضرورت احیای نظم اجتماعی خانه‌محور..... ۴۴۹
- مقدمه..... ۴۴۹
۱. اصلاح نظام اقتصادی و کسب‌وکار..... ۴۵۱
۲. اصلاح نظام اداری..... ۴۵۱
۳. اصلاح نظام آموزشی..... ۴۵۲
۴. اصلاح مناسک و آیین‌های دینی..... ۴۵۲
۵. اصلاح الگوهای خانواده..... ۴۵۲

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: تعابیر و تفاسیر هفتگانه از پدیده کرونا..... ۱۲۲
- نمودار ۲: روش‌شناسی، راهبرد پژوهش و طرح پژوهشی برای مطالعه فناوری‌های کوانتومی..... ۱۸۵
- نمودار ۳: مثلث معرفتی در تبیین ارتباط میان هدف، حالت ذهنی و محتوای ذهنی..... ۲۳۷
- نمودار ۴: ماتریس تصمیم‌گیری آیزنهاور..... ۳۶۶

فهرست جدولها

جدول ۱: پژوهش‌های مرتبط با کاربرد فیزیک کوانتوم در حوزه علوم اجتماعی ۱۸۴

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه «نمل»، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست فقید آن، به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق، دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث، «تربیت» مقوله‌ای محوری است که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه»، بیش از آن که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر، «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها، در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌ها است. از این منظر، پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی، به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد. سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در واقع، یک الگوی عملی برای تحقق آرمان دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده، محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی، و تلاش همه‌جانبه استادان، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی، با طرحی جامع، نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی — کارکردی آن‌ها، و بالاخره تحلیل شرایط آتی، اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق، زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت، مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. ان شاء الله.

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

پیش‌گفتار

«در مورد این حادثه رایج کشور که حادثه کرونا است؛ خب این یک ابتلای عمومی است، یک *آزمون* است؛ *آزمون* برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها. دولت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند، ملت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند. *آزمون* عجیبی است... . ملت ایران در *آزمون* کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند».

بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه‌العالی، نیمه شعبان ۱۳۹۹/۱/۲۱

فرصت و توفیق شکرگزاری، خود نعمتی است کمیاب که هرکس بدان نائل نشود. اذعان به کاستی‌ها در مقابل کمال مطلق، اقرار به خرد بودن در مقابل تمام عظمت، اعتراف به کاهلی‌ها در مقابل رحمت و اسعه برای هر موجودی توفیق نمی‌شود. پس باید سپاس گفت پروردگاری که به ما فرصت تأمل در عبد بودنمان می‌دهد و ما را آرام و ظریف به نشانه‌های بلند و عظیم خود می‌نوازد که:

هان ای بشر! ببین، بنگر، فکر کن، تماشا کن و عمیق شو در هر آنچه در تو و بر تو و برای تو پدید آمده است، تا بیشتر بر رحمت و فیض الهی، خاکساری کنی و بندگی.

آیات متعددی در قرآن بر این نگاه توحیدگونه بر عالم و آدم تأکید دارد. همه این تأکید نه فقط برای شکرگزاری آنچه در اختیار داریم، بلکه بیشتر به جهت غور و اندیشه‌ورزی و شاید رسیدن به حکمت و چیستی هستی عالم و نقش‌آفرینی انسان در این وانفسا است. هر قدر که بیشتر می‌نگریم بیشتر

به بندگی خدا می‌رسیم، و آنگاه فقط خداست که برای ما خدایی می‌کند. این عبودیت، کلید حرکت صحیح بر مدار تعالی و رشد انسانی است که آدمی را به موجودی پربها و ارزشمند تبدیل کرده، و راه‌گشای حرکت عالم به سمت راستی و درستی و گشایش و فرج است. با هر نعمت و نعمتی، این فرصت دوباره پدید می‌آید که بیشتر در خودمان بیاندیشیم.

بزرگی که عمرش دراز باد می‌فرمود: «هرگاه که ابتلائی در قالب یک مصیبت بر تو فرود می‌آید قبل از اینکه استغاثه و اضطرار را فریاد بزنی، شکر کن و شاکر این فرصت باش، چرا که خدا می‌خواسته خودش و خودت را به خلوتی ببرد و حرف‌های «تنهائی» بزند و چه فرصتی از این خلوت بهتر و کارگشاتر. اگر آدمی قدرشناس باشد و زود از این ابتلا به تنگ آید، خدا شاید فرجی برایش مهیا کند، اما دیگر آن فرصت تنهائی و خلوت پشت حجاب‌های زودخواهی‌های انسان عجول و کم‌اندیش، محو و زائل می‌گردد».

ویروس کرونا و احوالات پدید آمده، یکی از همین نقاط عطف و سکت است. شاید یکی از بزرگ‌ترین آنها نه در یک نقطه که در گستره عالم، و نه در یک آن، که در مبسوط زمانی، فکر و ذکر آدمی بدان سخت معطوف شد. شاید وقتی که کرونا، برای فکر کردن به مبدأ و معاد برای جمع آدمیان قرن بیست و یکمی فراهم کرد، یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های بشری برای تأمل در چیستی‌ها و چرایی‌های عالم امکان باشد. در واقع، کرونا با همه نحسی و بشرساختگی‌اش، یک پیغام آور بود با این پیام که:

کمی آرام‌تر، کمی آهسته‌تر و بدون عجله، صبر کن و صبور باش؛ شاید لازم باشد راهی که می‌روی برگردی یا مایل شوی تا نائل شوی. فرصت بده به خودت، فرصت بده به اطراف، فرصت بده به عالم... شاید کارستانی که می‌سازی ناکارآمد باشد و بیشتر از آنکه برایت بسازد، بساید!

کرونا بیشتر از هر پدیده‌ای برای انسان معاصر، فرصت توحیدی فراهم کرد و هرکس و هر چه، شیطان صفتی بلندپایه و بلندبالا داشت، کرونا بلندمرتبه‌تر خود را به رخ کشید و نگذاشت هیچ بنی بشری، خود را از مرئی و منظرش، پنهان بدارد. اینکه این بشرساخته و به حکمت الهی در بشر اوفتاده، چه عیون و عقولی را متأثر سازد، بسته به «افلا ینظرون» های تربیت شده‌ای دارد که آدمی برای روزهای بادا و مبادا در خود نگه داشته است.

جمع علمی ما در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام نیز، در این فرصت، به غور و فحص نشست و از زوایای مختلف این مهمان ناخوانده را بازخواند. هنوز برای اینکه بتوان خوانش جامعی داشت وقت‌ها لازم است، اما خوش دیدیم که همین نگاه‌های کوتاه آشنائی‌مان را با همه دانسته‌ها و خواننده‌های پیشین گره بزنیم و برای فرصت‌اندوزی بیشتر، آن را به جمع مخاطبین اندیشه‌های معرفت دینی عرضه نمائیم تا از این رهگذر، از دیگرانی که طور و قدر دیگری این پدیده و مافیها و ما حولها را فهم کرده‌اند، بشنویم و یاد بگیریم. در این مجموعه دوم، علاوه بر همکاران علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، از اندیشه‌ورزی جمع گرانقدری از استادان و صاحب‌نظران سایر مراکز علمی نیز بهره‌مند شده است. با معرفی اجمالی این نوشته‌های ارزشمند، این فرصت مغتنم را مجدداً قدرشناسی می‌کنیم:

بخش اول، با ۷ نوشتار در زمینه چیستی و پیام کرونا آراسته شده است:

۱. فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا در ایران

دکتر جبار شجاعی در یادداشت خود می‌کوشد نشان دهد که ویروس کرونا در ایران، میدانی از جنگ روایت‌ها ساخت که هر جریان فکری درصدد است

تا پیدایی، پویایی و پیامدهای این ویروس را به نفع خود صادره کند. از این رو، سه روایت «ایران بحرانی»، «ایران خطرناک» و «ایران توانمند» را تبیین می‌کند. نویسنده روایت اول را چنین شرح می‌دهد که در نگاه روایانش، ایران در وضعیت کرونا، چنان مفلوک و بحرانی است که آینده‌ی روشنی برای مردمی که هم‌اکنون در فقر و بدبختی به سر می‌برند، نمی‌توان متصور بود. روایت دوم، اما با اجرای فرمان منادیان بیگانه از سوی وطن‌فروشان خارج‌نشین در تلاش است تا جمهوری اسلامی ایران را در لبه پرتگاه فروپاشی نشان دهد و چنین تجویز کند که راه برون‌شد از وضعیت بحران همه‌گانی در ایران، تقابل با ایدئولوژی اسلامی است. از نظر دکتر شجاعی روایت سوم، هرچند در تلاش است تا خط فکری «ما می‌توانیم» را دنبال کند، ولی یأس از نیافتن نتیجه ملموس و انتشار حداکثری ویروس، روایانش را کلافه کرده است. در پایان نویسنده با تبیین مواضع مقام معظم رهبری در رابطه با ویروس کرونا، بیان می‌کند که روایت رهبری هم تصویری جامع و واقعی از وضعیت جامعه ایرانی و جوامع غیرایرانی ارائه می‌نماید و هم در تلاش است تا با اشاره به پتانسیل‌های داخلی، امید و نشاط را به جامعه، نخبگان و مسئولان تزریق کند. بدین ترتیب روایتی فراتر از همی روایت‌ها می‌آفریند که تسخیرگر درک و تحلیل نخبگان داخلی و خارجی گشته است.

۲. پیام کرونا برای انسان مدرن

دکتر محمدمهدی طهرانچی در ابتدای یادداشت خود به رفتارهای متفاوت مردم اشاره می‌کند که این رفتارها به باورهای هر جامعه مرتبط است و ریشه در باورپذیری مردم آن جامعه در مواجهه با وقایع دارد. وی در ادامه، رفتار دو گروه از انسان‌ها را بررسی می‌کند که یک گروه فقط و فقط خدایشان در

مسجد و کلیسا حضور دارد و بستن اماکن را مساوی بستن در ارتباط با خالق هستی می‌داند و گروه دوم افرادی که خدایشان همه‌جا حاضر و ناظر است. ریاست دانشگاه آزاد اسلامی، بخش دوم یادداشت خود را به چالش‌های مرتبط با جدال علم و دین در معرکه کرونایی متمرکز می‌کند. وی بر این باور است نسلی که ما با آن مواجه‌ایم، نسلی است که مقهور توسعه علمی و فناوری مغرب زمین است و دهه‌هاست به یک کمال‌انگاری در تکیه به علوم و فناوری بدست آمده به وسیله بشر امروز رسیده است و نگاه توحیدی آن بسیار تقلیل یافته است. این نسل بر این باور است آنچه رفتار اجتماعی بشر را می‌سازد، دستاوردهای علمی و فناورانه دهه‌های اخیرش است. حال این باور با شیوع کرونا به چالش کشیده شده است؛ با وجود معجزات عجیب در علم پزشکی جای بسی تعجب است که طبیب قرن بیست و یکمی دارو و واکسنی برای کرونا ندارد. عضو پژوهشکده لیزر و پلاسمای دانشگاه شهید بهشتی در ادامه نسل جدید را به دو نکته مهم انذار می‌دهد؛ اول، نباید نسبت به پروردگار کریم مغرور شد و دوم، دستاوردهای بشری در حد وسیله‌ای هستند که خدای بزرگ خود، راه رسیدن به آن را برای ما فراهم آورده است.

۳. چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟

حسین سوزنچی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم در یادداشتی که اندکی پس از شیوع کرونا در ایران منتشر کرد، سعی کرده مواجهه متفاوتی با ویروس کرونا داشته باشد. اگر همه از شیوع این ویروس منحوس و سختی‌هایی که این ویروس برای زندگی عمومی انسان‌ها پدید آورده گلایه‌مندند، او می‌خواهد این ویروس را به مثابه یک تلنگری که به

جامعه زده شده است، بنگرد که از این جهت باید قدردان او هم بود! کرونا با آمدنش موجب شده که مرگ را - که یک پدیده گریزناپذیر برای بشر است و در مدرنیته سعی کرده انسان را دائماً از آن غافل کند - برای انسان مدرن جدی کند و انسان را به ساحت مرگ‌آگاهی برساند؛ و نیز ابتلایی بوده که برخی از ظرفیت‌ها و خوبی‌های نهفته در انسان‌ها را بروز داد؛ مانند اینکه نشان داد که در میان کارکنان بخش سلامت و درمان کشور چه اندازه انسان‌های ایثارگر وجود دارد. وی اینها را تنها دو صحنه از ابعاد مثبت نهفته در این حادثه جدید می‌بیند و متن خود را با این جمله تمام می‌کند که «و صحنه‌های بعدی هنوز در راه هست».

۴. شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم

کرونا بیماری ابدانی است که نگرش‌های ادیانی را نیز به چالش کشیده است و در میان نگرش‌های ادیانی، منظر عرفان اسلامی تلاش می‌کند راهکارهای بهتری را ارائه نماید. ابن عربی به مثابه مهم‌ترین عارف نظری حوزه اسلامی، در کتاب المعرفه در باب بیماری از دو مفهوم صبر و شکر توأمان استفاده می‌کند. این مقاله تلاش می‌کند در نگاهی گذرا مفهوم صبر در اندیشه ابن‌عربی را در مقوله نعم الاهی تبیین نموده و صبر را غیر از حبس نفس، در تقسیم‌بندی نعم الاهی مطلقه و مقیّده، در کنار مفهوم شکر مورد مذاقه قرار دهد؛ چرا که ابن‌عربی توانگری ناظر به صبر را، بر دارندگی نعمت و حفظ قناعت به آن می‌داند. در این نوشتار تلاش شده است عدم زیاده‌طلبی و بسندگی در داشتن نعمت برای انسان، در دو قطب (نعمت و نعمت) مورد تحلیل قرار گیرد. نویسنده در این مقال، به صبر فاقد در کنار شکر واجد می‌پردازد و عافیت و تقوی را در این بین از مفاهیم کلیدی درک عمیق و صحیح از صبر می‌داند.

۵. بحران در بدن و بحران در مدینه!

سجاد هجری در این یادداشت می‌نویسد: در تاریخ وام‌گیری واژه‌ها از ساحت‌ها و حوزه‌های معرفتی دیگر، بارها رخ داده است. امروزه، در دانش‌های انسانی سخن از اهمیّت استعاره‌ها می‌رود. در این میان، لفظ پرکاربرد «بحران» در عرف عام و همچنین علوم گوناگون انسانی، گویا از این دست واژه‌های وام‌گرفته‌شده از علوم طبیعی (طب و نجوم) است که اکنون، با وجود بلای کرونا، پربسامدتر از پیش بکار می‌رود و جا دارد کوتاه، از پیشینه‌ی آن گفتگو کرد. یادداشت «بحران در بدن و بحران در مدینه!» بدین پیشینه و به طور کلی، تاریخ این لفظ، می‌پردازد و واژه‌ی بحران را در کتاب‌های لغت تازی، فرهنگ‌های فارسی می‌کاود. همچنین در این باره برخی کتاب‌های جهان اسلام را که به معرفی و طبقه‌بندی علوم عصر پرداخته‌اند، در کنار کتاب‌های طبّی، مورد پژوهش قرار گرفته است در این تناظر، پرسش‌هایی درباره بحران با توجه به پیشینه طبّی آن، طرح شده است.

۶. کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی- ایرانی

دکتر محمدرضا قائمی نیک بر این باور است که کرونا به مثابه یک شرّ، هم‌اکنون همه جهان را در بر گرفته است. در طول تاریخ اندیشه بشری، پاسخ‌های مختلفی به مسئله شرور طبیعی و اخلاقی داده شده است. از این منظر، بخش زیادی از نظریات علوم انسانی و اجتماعی مدرن، در پاسخ به مسئله شر صورت‌بندی شده‌اند. در جهان اسلام نیز متکلمین و حکمای بزرگ در هر دوره، در پاسخ به شرور زمانه‌شان، با صورت‌بندی نظام‌های فکری، اعتقادات و باورهای دینی جامعه را در مواجهه با شرور مصون داشته‌اند و امانت دین را به سلامت به ما منتقل کرده‌اند. استادیار دانشگاه علوم

اسلامی رضوی بر این باور است که تمایز علوم انسانی مدرن و علوم اسلامی، می‌تواند به معنای پاسخ متفاوت این دو جهان به شرور تلقی شود. وی به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا می‌توان با اندیشیدن به نوعی از الاهیات سیاسی- اجتماعی، در مواجهه با شروری نظیر کرونا، بار امانت دین، به مثابه منبع اصلی امیدبخشی به جامعه ایرانی را به آیندگان منتقل کرد و از این تهدید جهانی، فرصتی برای ظهور تمدن اسلامی فراهم آورد؟

۷. کرونا در هفت روایت: درنگی توصیفی- تحلیلی از تعبیر و تفاسیر مختلف

از ویروس کرونا

آقای محمدمهدی حکیمی در یادداشت خود، ضمن بیان اهمیت پدیده ذوابعاد کرونا، در افکار عمومی جامعه ایرانی و جامعه جهانی، آن را به مثابه یکی از مهم‌ترین چالش‌های مشترک همه دولت‌ها می‌داند که در صدر اخبار رسانه‌ها، و نگرانی همه طیف‌های فکری و طبقات مختلف اجتماعی بدل شده است. دانش‌آموخته رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام معتقد است در مواجهه شناختی و نگرشی باید به بررسی ریشه‌های شکل‌گیری و تأثیرات فرهنگی اجتماعی کرونا توجه کرد و خرده‌گفتمان‌های فکری و طیف‌بندی نگرشی در میان نخبگان و عامه مردم را در حیطه‌های مختلف مورد واکاوی قرار داد. این فعال فرهنگی- رسانه‌ای در حوزه افکارسنجی، در این نوشتار سعی دارد با بررسی دیدگاه‌ها و نظرات در ابتدای شروع پدیده در ایران، این موضوع را در بیان نخبگان، رسانه‌ها و عامه مردم، و قرائت کلان از ریشه‌های شکل‌گیری «ویروس و پدیده کرونا» را در هفت روایت متنوع اشاره نماید. روایت اول: عامل طبیعی (ریشه پزشکی)؛ روایت دوم: عامل حیوانی (ریشه انسانی)؛ روایت سوم: عامل اقتصادی (ریشه رسانه‌ای)؛ روایت چهارم: عامل ناکارآمدی (ریشه مدیریتی)؛ روایت پنجم:

عامل شبکه‌ای (ریشه زیست‌شناسانه)؛ روایت ششم: عامل دشمنی (ریشه شیطانی) و روایت هفتم: عامل معنوی (ریشه آخرالزمانی). نگارنده در پایان یادداشت، سعی دارد در قالب یک روایت جامع و منتخب، نگاه الهی نسبت به این پدیده پیچیده را به صورت کلان بیان نماید. بنابراین، معتقد است: آنچه می‌تواند این روایات هفتگانه را معنا ببخشد و واقعیت را از توهم جدا ساخته و حقیقت را از واقعیت تفکیک دهد، توجه به عامل ایجاد هستی است؛ که در ید قدرت الهی قرار دارد و در این نگاه الهی، هیچ بن‌بستی وجود نخواهد داشت.

بخش دوم، ۵ یادداشت در زمینه تمدن و آینده‌نگری را به خوانندگان گرامی پیشکش می‌کند:

۸. مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا

آیت‌الله محمد مهدی میرباقری، بیماری کووید ۱۹ را ابتلای بزرگ برای جامعه جهانی می‌داند که از سو، از نظر اجتماعی و تمدنی یک پدیده چند وجهی است، نه یک وجهی و از سوی دیگر، یک امر فرارشته‌ای است، نه صرفاً تکرشته‌ای یا حتی میان‌رشته‌ای. به همین منظور لازم است همه ابعاد آن همچون پزشکی و دانش‌های وابسته به آن، وجهه علوم انسانی و علوم شناختی، دانش‌های تمدنی و فلسفه تاریخ، حوزه رسانه، جنبه‌های امنیتی و جنگ‌های زیست‌شناسانه بررسی شود. استاد حوزه و دانشگاه در ادامه می‌افزاید: بعضی از صاحب‌نظران جهانی درباره جنبه‌های مختلف دنیای پسا کرونا شروع به نظریه‌پردازی کرده‌اند اما یک جنبه و مقصد جدی‌تر و بزرگتری هم در پشت صحنه وجود دارد که همانا عبور دادن جامعه جهانی از نظم کنونی زندگی به یک سامان و نظم جدید است. ایشان برای جنبه اخیر

دو احتمال را بیان فرموده و تحلیل می‌کنند؛ در احتمال اول، این پدیده‌ها یک امری تلقی شود که تحت تدبیر ولی الله الاعظم (عج) جامعه جهانی را به تدریج از نظم مادی و سیطره قدرت‌ها، به سمت یک نظم معنوی و رهایی از تسلط مادی سیر دهد. در احتمال دوم، با توجه به عدم اتمام مهلت شیطان، ممکن است دستگاه ابلیس و شیاطین انس و جن از این فرصت استفاده کنند و با طرّاحی‌های بزرگ و پنهان در پشت صحنه، به دنبال تغییر مفهوم و سازکارهای حکمرانی بر جهان و ایجاد یک نظم پیچیده‌تر مادی، یعنی عبور از حاکمیت کنونی قدرت‌های مادی بر جهان به سمت حاکمیت مجازی و حکمرانی مجازی و سایبری باشند که فضایی مدیریت‌پذیرتر، خشک‌تر و سخت‌تر است. ایشان در پایان نوشتار بر این نکته تأکید دارند که این فضای ناامنی کنونی می‌تواند جامعه جهانی را برای پذیرش یک پیشنهاد جدید برای تحقق یک نظم مادی و ایجاد حکمرانی مجازی مهیا کند؛ بنابراین، در این رقابت تمدنی بین جبهه غرب و جبهه اسلام باید مقاومت کرده و در فضای مجازی هم‌همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند- و سایر عرصه‌های مختلف اقتصادی، علمی و فرهنگی قوی شد.

۹. کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی

در این یادداشت دکتر محمود دلفانی، آینده‌پژوه و تاریخ‌نگار، جستاری کوتاه درباره رویکرد روش‌شناسی مفهوم‌گرا — در چهارچوب اساس آینده‌پژوهی تمدنی — در حوزه‌های تمدنی غربی و اسلامی انجام داده است. وی با طرح و تبیین برخی از مفاهیم بنیادین در حوزه‌های تمدنی، لزوم بررسی و بازبینی مفاهیم به کار گرفته شده و بررسی ظهور و ترسیم مفاهیم جدید تمدنی را مطرح می‌سازد. مفاهیمی مانند گسست و تداوم تمدنی، تکانه تمدنی، بحران تمدنی، ایستگاه‌های تمدنی، تصمیم تمدنی و ... به شکل موجز در بافتار

مسئله کووید ۱۹ مطرح شده است. محمود دلفانی که در حوزه آینده‌پژوهی تمدنی غرب پژوهش نموده، به مسئله اساسی «پاسخ‌های تمدنی» در مواجهه با تکانه‌ها و کارزارهای تمدنی پرداخته است. وی با ارائه برخی از روندها و واکنش‌های احتمالی تمدن غرب به مسئله کووید ۱۹، به دیدگاه‌های آینده‌پژوهان و اندیشمندان غربی درباره آینده تمدن بشری اشاره داشته و به واکنش احتمالی تمدن‌های بشری به مسئله کووید ۱۹ پرداخته است. دلفانی با طرح مفهوم «مدیریت تمدنی» و لزوم به کارگیری آینده‌پژوهی راهبردی در پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های تمدنی در ایران، بازبینی مفهومی در حوزه تمدن اسلامی را ممکن دانسته و ترسیم چهارچوب نوین مدیریت تمدن اسلامی را در تقابل با تمدن‌هایی که در آینده نزدیک از تمدن‌های رقیب به تمدن‌های متخاصم تبدیل می‌شوند، ضروری و ممکن می‌داند.

۱۰. پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران

در این یادداشت آقای حسین ابراهیمی کوشالی با رویکرد تمدنی، پدیده کرونا و عوارض آن بر جامعه بشری را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. برای تحلیل اثرات تمدنی پدیده کرونا بر جامعه جهانی، دو ساحت ایضاح از وجود و ایجاد در وجود آن مورد بررسی قرار گرفته و بیان می‌شود که تمدن غربی حاکم بر جوامع، نتوانسته در ساحت ایضاحی خود، پاسخ‌های قابل‌قبول به مسائل و مشکلات ناشی از شیوع فراگیر کرونا ارائه کند. این ناتوانی به صورت ملموس‌تر در ساحت ایجاد در وجود، مشاهده شده و در عمل کنش‌ها و واکنش‌های جوامع متأثر از تمدن غرب در قبال پدیده کرونا بسیار ضعیف و منفعلانه بوده است. این آینده‌پژوه معتقد است که در این شرایط، انتخاب رهیافت‌های صحیح به وسیله جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با پدیده

کرونا، می‌تواند جوامع بشری را با توانمندی‌های تمدن نوین اسلامی آشنا کند. توانمندی‌هایی که در بهره‌گیری از ویژگی‌های طب سنتی ایرانی اسلامی، قدرت بسیج‌شوندگی جامعه ولایی، ظرفیت نیروهای مؤمن و جهادی و قدرت عملیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان به منصف ظهور رسیده و می‌توانند نظام جمهوری اسلامی را به رهیافت‌هایی همچون سرمایه‌گذاری بیشتر در طب سنتی اسلامی ایرانی، تقویت زمینه‌های رشد اعتقادی و باورمندی دینی جامعه و ایجاد نهضت نرم‌افزاری برای تولید فناوری‌های اسلامی در حوزه‌های مختلف مورد نیاز جوامع بشری، رهنمون شوند. در عرصه هدایت افکار عمومی جامعه جهانی، وی معتقد است که رهیافت میان‌مدت جمهوری اسلامی در ساحت ایضاحی، طراحی و تحقق نظام رسانه‌ای تراز انقلاب اسلامی، به گونه‌ای است که بتواند با بهره‌گیری صحیح از ظرفیت هنر، ذائقه‌سازی پاکیزه را، متناسب با ضرورت‌های یک جامعه اسلامی مهدوی، در دستور کار قرار داده و بتواند نسبت به حمایت فکری از مستضعفین این عرصه همت گمارد.

۱۱. کرونا و بی‌نظمی جهانی

بحث نظم جهانی و نقش بیماری کرونا در ارائه تصویری نامنظم از جهان پیرامونی، یکی از مباحث مهم و چالش برانگیز محافل علمی و رسانه‌ای دنیا شده است. امیرحسین عرب پور، دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در این یادداشت به تشبیه همه‌گیری جهانی بین مولکول‌ها و درجه بی‌نظمی سیستم جهانی پرداخته و تصویر پر آشوب جهانی که آنقدر غرق در فناوری و صنعت بود و دم از دهکده واحد منظم می‌زد را به نمایش گذاشته است. او معتقد است که فراگیری بیماری کرونا در بیش از ۲۰۰ کشور دنیا، چنان تغییراتی در نظم

جهانی امروز ایجاد کرده که دو رکن اساسی این سیستم؛ یعنی اقتصاد جهانی (کاهش شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی) و امنیت جهانی (افزایش هرج و مرج و بی‌اعتمادی) را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. به عقیده عرب‌پور، فرآیند جهانی شدن و ایجاد دهکده جهانی با فراگیری این ویروس، با مانعی جدی روبرو شده و با توجه به بی‌اعتمادی ایجاد شده بین ملت‌ها و دولت‌ها، تصویر نظم جهانی آینده در ابهام و پیچیدگی فرو رفته است.

۱۲. فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پسا کرونا

رضا بنی‌اسد، تمرکز یادداشت خود را زمانی که بحث و بررسی روی فضای مجازی دیجیتال زیاد است بر جنبه‌های آینده‌پژوهانه فضای مجازی کوانتومی در دوران بعد از کرونا متمرکز کرده است. وی فضای مجازی کوانتومی را چنین تعریف می‌کند: *به مجموعه‌ای از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، شبکه‌ها، ارتباطات، محتوای برخط، مغزافزارها و فرآیندهای مبتنی بر فناوری کوانتومی، فضای مجازی کوانتومی گفته می‌شود.* وی با استناد به مطالعات مختلف و البته اندک، آینده را از آن فضای مجازی کوانتومی می‌داند که با وجود رشد و توسعه برخی از جنبه‌های فضای مجازی دیجیتال همچون هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، رایانش ابری، این زوج مکمل - فناوری دیجیتال و کوانتومی- اثرات شگرفی را در زندگی بشر به جای خواهند گذاشت. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام بر این باور است که پدیده کرونا محاسبات تدریجی در زمینه فضای مجازی را به یکباره به هم ریخت و باعث شیرجه ناگهانی در آن شد. وی قوی شدن در فضای مجازی کوانتومی را انتظار جدی نسل جدید که همانا به نسل شبکه معروف است می‌داند و با وجود

شواهدی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های زیاد روی فناوری‌های کوانتومی در کشورهای مختلف، به ضرورت رشد و توسعه فناوری‌های کوانتومی در کشور اشاره می‌کند؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاری در این بخش مغفول واقع شود قطعاً کشور در آینده با زیان‌های جبران‌ناپذیری مواجه خواهد شد. وی در پایان به برخی از مشکلات ایران در این زمینه اشاره کرده و مطالعه تطبیقی و بهره‌برداری از مطالعات جهانی را در کنار توسعه فکر و اندیشه ایرانی از راهکارهای توجّه به این مهم می‌داند.

در این مجموعه، بخش سوم اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی را انسجام می‌بخشد که در آن با ۵ یادداشت همراه شما خواهیم بود.

۱۳. مصائب انسان واپسین

دکتر ناظمی قره‌باغ در این یادداشت می‌نویسد: در هنگامه‌ای که کرونا ایجاد کرد، همه دنبال مقصر بودند و دنبال این‌که نسبت این ماجرا را با خود و ایدئولوژی‌های رقیب پیدا کنند. این همان مسئله‌ای است که خود به بحران دامن زد. یادداشت پیش رو، قصد دارد تا اساس و اصول مهمّ این ماجرا را روشن کند. همچنین، سعی دارد دریابد که کرونا، چه چیزهایی را درباره تاریخ امروز ما روشن‌تر کرد و چه پرسش‌هایی را پیش روی ما قرار داد. این یادداشت می‌تواند در نسبت پزشکی و تفکر هم سخنی گفته باشد. چرا که کرونا نوعی تردید در همه نظام پزشکی انسان امروز هم ایجاد کرد. در واقع پزشکی هیچگاه از تاریخ و تفکر منتزع و مستقل نیست و امروزه هر پرسشی درباره نسبت پزشکی و کرونا، به نوعی پرسش درباره نسبت انسان جدید و علم جدید هم هست.

۱۴. بر ساخت کروناویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس

محمدرضا زهرایی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، در این مقاله با رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی توضیح می‌دهد که پدیده ویروس کرونا، یک مسئله اجتماعی است که دارای شرایط عینی و برساخت ذهنی است. برساخت ذهنی مسئله کرونا دارای مقصران، قربانیان و ذی‌نفعانی است. ذی‌نفعان با برساخت مقصر و قربانی، با دو عنصر ترس و خشم، جامعه را به میدان نبرد شناختی تبدیل می‌کنند که می‌تواند بحران‌های دامنه‌دارتری ایجاد کند، در حالی که در یک سوی دیگر، می‌توان با بازی مسائل اجتماعی و مدیریت ترس و خشم، شرایط عینی مسئله را بهبود بخشید. بدین ترتیب که در مرحله آغازین و وحشت‌زای بحران، خشم و ترس را متوقف، ولی در مرحله بعد، ضمن حفظ ترس، اجرای دستورالعمل‌ها را برای بهبود شرایط عینی مسئله که کاهش شیوع بیماری است، تضمین کرد. محمدرضا زهرایی در این یادداشت تحولات اجتماعی متأثر از همه‌گیری بیماری کرونا و رابطه آن با تغییرات سبک زندگی را مورد بررسی قرار داده است. این یادداشت فهرستی از مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی مثل خانواده، کار، مناسک دینی و معنویت‌گرایی، جهانی شدن، دولت، قدرت، مدیریت بدن، مصرف تظاهری را در نظر گرفته و تأثیرات ارزش‌های حفظ بقای دوره کرونا را بر این مفاهیم، توضیح داده است. مهم‌ترین ویژگی این سبک زندگی متأثر از گفتمان در خانه می‌مانیم است که بازگشت به ارزش‌های خانواده سنتی است. به علاوه ارزش‌های حفظ بقا با تأکید بر افزودن دستورالعمل‌ها، منجر به بازاندیشی در فلسفه سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری و تمایل به دولت‌های اقتدارگرا و در سطح جهانی، نیازمند حاکم عادل، مقتدر خواهد بود.

۱۵. کرونا و طبّی‌سازی زندگی روزمره

در این یادداشت تلاش شده است سویه‌های طبّی‌سازی کرونا در زندگی روزمره رهگیری شود. پزشکی امروزیین هنجاری‌ترین نظام حقیقتی است که بر انسان‌ها حکمرانی می‌کند. پزشکان برای سلامت فردی، تجویزهایی می‌کنند و نسخه‌هایی می‌پیچند و بیماران برای بهبود خود می‌بایست این «بایدها» و «نبایدها» را پیروی کنند، اما پزشکی جدید، مرز بیمار و غیربیمار را برداشته و برای همگان نسخه تجویز می‌کند. این یادداشت با الهام از کتاب تولّد پزشکی بالینی میشل فوکو، وضعیّت کرونایی را بررسی می‌کند. از نظر میشل فوکو، طبّی‌سازی، مسئله‌ای غیرپزشکی است که جزو مسائل پزشکی تلقی شده و دارو برای آن تجویز می‌شود. بر همین اساس ویروس کرونا، طبّی‌سازی زندگی را به مرحله عینیّت رسانده است. در ادامه یادداشت نیز ذکر می‌شود که کرونا یک آگاهی سیاسی است و نهادهایی به واسطه این آگاهی سیاسی به وجود آمده‌اند. به نظر می‌رسد کرونا از یک آگاهی صرف فراتر رفته و به عمل و کنش نیز رسیده است.

۱۶. کشکول کرونا!

سجاد هجری می‌نویسد: بلای کرونا پدیداری است که ابعاد بسیار دارد و آن را می‌توان از روزه‌های گوناگون دید و با نگاه‌های متنوّع رسید. در این روزها، اندیشمندان و دانشمندان به پژوهش این ابعاد پرداخته‌اند و نوشتارهایی تأمل‌برانگیز درباره آن ارائه کردند؛ چنانچه می‌توان گفت که کرونای شرّ، زمینه خیر اندیشه‌ورزی و قلم‌فرسایی شده و بی‌گمان، جهان دانش و هنر را پیش برده و می‌برد! بیماری کرونا مرض‌های فرهنگی-تمدّنی را نیز بخوبی روشن کرده و بویژه، ضعف‌های حکمرانی‌ها را بخوبی نمایانده و اگر به آن، همچون «عبرت» نگریسته شود، امید است که جهانی بهتر در پیش باشد! نوشتار «کشکول کرونا» نخست کوتاه از «تباهی و ناپیدیدی سنت‌ها» در ظرف

بلایا می‌گوید، و سپس دعای هفتم صحیفه سجادیه را در نسبت «التزام به واجبات الهی» می‌کاود و آن گاه از جایگاه «رفاقت پزشکان، پرستاران و بهیاران با بیماران» در بحران کرونا سخن می‌راند، و در بخشی دیگر، «بحران زیستی» ایرانیان را به شکل موجز طرح می‌کند و در پایان، از «ضرورت گفتگو در/ از اجتهاد، حجیت و قطع در سیاست‌گذاری» بحث می‌کند!

۱۷. جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸

مهدی مولایی آرانی عضو هیأت علمی گروه مطالعات فرهنگی- اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در این یادداشت، به این سؤال مهم پرداخته است که چرا جامعه ایرانی علی‌رغم مواجه شدن با یک زمستان نسبتاً سخت و پرحادثه، همراه با تحریم‌های ظالمانه؛ همچنان نسبت به آینده امیدوار است؟ ایشان پاسخ به این سؤال را در فهم دقیق از بسترهای حقیقی و معرفتی جامعه ایران جستجو کرده و معتقد است که زیربنای فرهنگ دینی جامعه و اعتقاد به خداوندی که قادر و تواناست، و باور به معاد و امور معنوی، مانند توکل و توسل؛ بنیانی است که نه تنها جامعه را از فروپاشی نجات می‌دهد، بلکه آن را برای مواجهه با بحران مقاوم می‌کند و به آینده‌ای درخشان امیدوار می‌کند. در ادامه، نویسنده به این سؤال می‌پردازد که در صورت وجود این فرهنگ، چرا در مواجهه با حوادث زمستان ۹۸ که همگی در یک بستر زمانی و مکانی رخ داده است، کنش‌های جامعه ایرانی در مواجهه با آن‌ها متفاوت بوده است. مولایی معتقد است پاسخ به این سؤال را باید در حضور و نقش‌آفرینی یک متغیر تعدیل‌گر قوی به نام «ملوک» جستجو کرد. ملوکی که هم می‌تواند تحت عنوان رفتار مسئولان رسمی صورت‌بندی شود و هم می‌تواند به گروه‌های مرجع همسو و غیرهمسو اشاره

داشته باشد. در پایان این یادداشت نیز، دو پیشنهاد برای قوی‌تر شدن حکمرانی کشور ارائه شده است.

بخش چهارم این مجموعه به دغدغه‌های سیاست فرهنگی و دینی در قالب ۱۱ مقاله و یادداشت خواهد پرداخت:

۱۸. «تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت محتوایی رسانه با رویکردی تحلیلی- قرآنی

دکتر رضا محمدزاده در این مقاله می‌نویسد: پدیده‌ها و بلاهای طبیعی از دو جهت قابل توجه‌اند: نگاه «منفصل» عرفی که اگر در جامعه گسترش یابد موجب تنش فکری و مقتضی درگیری روحی و آسیب‌های روان جمعی می‌شود، و نگاه «پیوسته» یا به تعبیر قرآن، «آیه‌مدار» که از جمله عوامل تحکیم و تقویت روحیه ایمانی در جامعه دینی می‌شود. یافتن مبنای ایجاد تغییر در محتوای ذهنیت اجتماعی از جهت اول به جهت دوم، نقش بسیار اساسی در برنامه‌ریزی‌های حیطه‌های مختلف فرهنگی، از جمله مدیریت محتوا در رسانه‌های جامعه اسلامی دارد. در این مبنایابی و مبنانگاری، اندیشه «تعالی مفهومی» به همراه نگاه آیه‌ای-قرآنی و نظریه بسیار مهم «برجسته‌سازی» در حوزه ارتباطات و رسانه، می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی روش‌های مناسب ایجاد انتقال مذکور فراهم سازد.

۱۹. فرهنگی‌شدن ویروس کرونا

دکتر فرشاد مهدی‌پور، یادداشت خود را با یک ارزیابی تمدنی از ورود ویروس از شرق آسیا آغاز می‌کند و حل مشکل را با اتکا به یک رمان ادبی مشهور، در شرق معرفی می‌کند. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سه بخش به بحث فرهنگی‌شدن ویروس کرونا پرداخته است؛ فرهنگ عمومی،

فرهنگ سازمانی و سیاست فرهنگی. در هر سه مورد تلاش شده تا تناقض‌ها، تعارض‌ها و نهایتاً جهت‌گیری فعال حوزه فرهنگ مورد توجه قرار بگیرد. واضح است که تجربه مدیریت کرونا در کشور نشان می‌دهد که یک سیر تعالی یا پیش‌رفت را طی کرده، اما توصیف راه طی شده، تحلیل آن و ارائه تجویزی برای وضعیت زندگی کرونایی که نوعی پایداری را از خود در سال‌های آتی نشان می‌دهد، ضروری است. تا سیاست فرهنگ بتواند نقص‌ها را کاسته و بر توفیقات بیفزاید، آن‌چنان‌چه در متن آمده: در «کوری»، سازاماگو برای ما از شهری سخن می‌گوید که همه بیمارند و کسی، کسی را نمی‌بیند و فقط یک نفر زنده است. او یک زن است که می‌تواند ایجادکننده آرامش، برقرارکننده نظم و پایان‌دهنده بحران باشد. توجه به موقعیت این زن به مثابه فرهنگ، در چنین موقعیت کرونایی، برای ما می‌تواند هویداکننده نقش فرهنگ برای کنترل مشکل باشد.

۲۰. چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران

در این یادداشت، مریم منصوری، تلاش دارد تا الگوهای مواجهه شرق و غرب با ویروس کرونا را مورد بررسی قرار دهد. رویارویی کشورهای غربی با کروناویروس، بر مبنای شناختی از انسان استوار است که او را در شرایط کرونایی، طبق نظر متفکرانی همچون هابز، در یک وضع طبیعی در نظر می‌گیرد که انسان، گرگ انسان قلمداد می‌شود و در این شرایط، تنها کنترل همه‌جانبه او بر اساس قوانین سخت است که جامعه را حفظ می‌نماید. از سویی، الگوی سیاستی شرق نیز با یک تلقی از انسان، بدون در نظر گرفتن کرامت او، مواجهه‌ای سرکوبگرانه است. در این میان، در ایران اسلامی، مبتنی بر نگاه رهبران آن، «مردم» به مثابه بزرگ‌ترین داشته حاکمیت قلمداد

می‌شود که در شرایط بحرانی، خود این مردم، نظم خیرخواهانه و دیگر دوستانه‌ای ایجاد می‌نمایند که ذیل امر قدسی و مبتنی بر خدامحوری سامان می‌گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد، در مواجهه با مشکلات و حلّ معضلات، از کوچک‌ترین تا بحرانی‌ترین آن‌ها، تکیه بر مردم و سیاست‌گذاری مردم‌محورانه و شکل‌گیری ساختارها، ذیل این اندیشه و مبتنی بر نگاه کریمانه بر انسان مسئول، می‌تواند یکی از راهگشاترین طرح‌ها برای پیشبرد وضع موجود باشد که حداقل کژکارکردها را به همراه دارد.

۲۱. تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی

دکتر سید محمدحسین هاشمیان در این یادداشت در ۹ پرده، تحلیلی نشانه‌شناختی از سیاست تعطیلی اماکن مذهبی ارائه می‌کند. وی در ابتدا به دو رویکرد هم‌نشینی و جانشینی به مثابه مبنایی برای تحلیل نشانه‌شناختی سیاست‌ها اشاره می‌کند و از این روزه دو سیاست ستاد ملی مقابله با کرونا همچون، اول، تعطیلی بدون قید و شرط تمامی اجتماعات مردمی و دوم، بازگشایی برخی اجتماعات و اصرار بر بسته ماندن برخی دیگر را تبیین می‌کند. وی ادامه می‌دهد که در تحلیل نشانه‌شناختی سیاست اول، برخی از اماکن مذهبی همچون حرم حضرت رضا سلام‌الله‌علیه، هم‌نشینی با یک مکان فرهنگی- تاریخی، نظیر پل خواجه یا تخت جمشید شناخته شده که از این منظر شاهد معنازدایی و قدسیّت‌زدائی از این اماکن متبرّکه شده است. ایشان توصیه می‌کنند که به جای تعطیلی مطلق می‌توان محدودیت در دسترسی را در دستور کار قرار داد. عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام بر این باور است که سیاست‌گذاری مقابله با کرونا تک‌بعدی شده است که پیامدهایی نیز در بر داشته است. وی در تحلیل سیاست دوم به بازشدن بعضی از اجتماعات اشاره می‌کند که طبقات اقتصادی مردم

بیشتر مصرف‌کننده فضای اجتماعات و گشت‌وگذار در آن هستند تا مصرف کالاهای موجود در آن. اینگونه سیاست‌گذاری‌ها به دوگانه مبنایی معیشت سلامت سیاست‌گذاران بر می‌گردد و توجه کمتری به معنویت جامعه می‌شود. وی در پایان به آسیب‌شناسی این دو سیاست پرداخته و می‌نویسد: سیاست دوم ناخواسته، امر معیشت و امر سلامت مردم را جانشین امر معنویت و دینداری کرده است و بی‌شک سطح آسیب سیاست دوم به مراتب از سیاست اول بیشتر است، چرا که نشان از آن دارد اماکن مذهبی، علی‌رغم آن که در پژوهش‌های علمی کمترین سهم را در شیوع بیماری داشته است، برای سیاست‌گذار جمهوری اسلامی در رده آخر اهمیت قرار دارد.

۲۲. کرونا و تجلی عقلانیت جمهوری اسلامی

دکتر شهاب اسفندیاری عضو هیأت علمی دانشگاه هنر در این یادداشت کوتاه که در زمان انتشار بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت به بررسی یکی از اتهامات رسانه‌های بیگانه و برخی کنشگران سیاسی داخلی علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخته است که در دوران شیوع کرونا بطلان و پوچی آن بر همگان آشکار شد. بر اساس این ادعا، جمهوری اسلامی از آنجا که نظامی ایدئولوژیک است در هنگام تعارض منافع ایدئولوژیک با حفظ جان انسان‌ها، دومی را قربانی اولی می‌کند. دوران شیوع کرونا نشان داد که در حالی که در برخی کشورهای غربی هنوز مسابقات ورزشی و اجتماعات کنار سواحل دریا برقرار بود، جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار در تاریخ اسلام اقدام به تعطیلی تمامی مساجد، نمازهای جمعه و جماعت، حرم‌های مقدّسه، بقاع متبرّکه و هیأت‌های عزاداری کرد. در حالی که این اماکن و مناسک جمعی

آن‌ها، مهمترین ارکان هویت جمعی دینی و مذهبی این نظام را تشکیل می‌دهند. دلیل این اقدام نیز چیزی نبود جز تلاش برای حفظ جان انسان‌ها.

۲۳. کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین

از نظر خانم لعیا شکوهی ستا، مسئله کرونا به مثابه یک مسئله عالم‌گیر امروز جهان در هر کشور و فرهنگی بنا بر بافت فرهنگی - اجتماعی آن کشور، روایت خاصّ خود را پیدا می‌کند و نقاط قوّت و ضعف مخصوص همان کشور را هویدا می‌سازد. از پایان بهمن سال ۱۳۹۸ مسئله عالم‌گیر کرونا در ایران اسلامی روایت خود را آغاز کرد و از آن زمان تا کنون جلوه‌های مختلفی از مسائل را برای کشور ایران پدید آورده است. یکی از مسائل، با توجه به بافت دینی فرهنگ ایرانیان، تغییر و تحولات در برخی مناسک دینی است که در روند مقابله با کرونا در برهه‌ای از زمان مدیریت این بحران از سوی سیاست‌گذاران کشور اتخاذ شد که به تبع خود واکنش‌های متفاوتی را از سوی اقشار مختلف جامعه ایران برانگیخت. این مقال به دنبال بررسی دقیق‌تر این واکنش‌ها، از منظر رابطه اصول و فروع دین است، تا شناخت عمیق‌تری نسبت به این مسئله حاصل شود

۲۴. سه سناریو برای بستن حرم‌ها

بررسی سناریوهای مطرح شده پیرامون محدودیت زیارت اماکن متبرّکه در ایّام شیوع ویروس کرونا موضوع این یادداشت است. در این نوشته محمدرضا بذرافشان از سه سناریو برای بستن حرم‌های مقدّس سخن به میان آورده که هر یک از آن‌ها در میان صاحب‌نظران، موافقان و مخالفان خود را دارد و در انتها با بررسی هر یک، سناریوی مطلوب و پیشنهادی را جهت اجرا در اماکن متبرّکه مطرح ساخته است. در اولین سناریو عده‌ای با اشاره به شفاخانه بودن و پاک بودن حرم‌های اهل بیت علیهم السلام قائل به باز بودن

بدون محدودیت حرم‌ها در هر شرایطی بودند و بستن اماکن مقدّسه را «بزرگترین توهین به حرم می‌دانستند». قائلان به سناریوی دوم علی‌رغم درنظرگرفتن شرایط حادثّ شیوع ویروس کرونا در ایران و انتقال آن از ناقلان به افراد سالم در تجمّعات، زیارت اهل بیت علیهم‌السلام را ضمن شعائر اسلامی برشمرده و تعظیم آن را از واجبات می‌دانند و بر این اساس بجای بستن حرم‌ها، قائل به محدودکردن زیارت به منظور جلوگیری از ازدحام زائران هستند. در نهایت سومین گروه از صاحب‌نظران با توجّه به خطرات ناشی از تجمّع زائران در اماکن مقدّس علی‌الخصوص در تعطیلات نوروزی که سیل مسافران به سوی شهرهای زیارتی روانه می‌شود، بازبودن حرم‌ها را مشوّقی برای سفر به سوی شهرهای قم و مشهد می‌دانند که با توجّه به ظرفیّت درمانی محدود و ناقص این شهرها، پیامدهای ناگواری را به دنبال خواهد داشت. نویسنده این سه سناریو را تحت عناوین *باز بودن بدون محدودیت*، *بستن محدود و بستن کامل* مطرح ساخته و در نهایت با توجّه به جوانب هر یک از آن‌ها، سناریوی بستن کامل را به منظور اجرا در اماکن مقدّسه به مثابه سناریوی مطلوب در ایّام شیوع کرونا در ایران پیشنهاد نموده است.

۲۵. گردشگری و کرونا

دکتر شهاب طلایی در این یادداشت می‌نویسد: بررسی آمار گردشگران ورودی به کشور نشان می‌دهد که ایران در رتبه دوم کشورهای با بیشترین رشد ورودی در چند سال اخیر مواجه بوده است، به طوری که تعداد گردشگران ورودی به کشور در سال ۹۸ حدود ۸ میلیون نفر بود. در این میان، سهم سفر و گردشگری در بین خانواده‌های ایرانی روند مثبتی داشته و امروزه سفر به مثابه یکی از هزینه‌های پیش‌بینی شده خانواده‌های ایرانی جای خود را در

بین هزینه‌های دیگر باز کرده است (هرچند که با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم). بحران کرونا یکی از بیشترین اثرات خود را بر این صنعت و کسب‌وکارهای وابسته به آن گذاشت، چرا که لازمه سفر و گردشگری بیرون رفتن از خانه و رفتن از مکانی به مکان دیگر است و این امر با مهم‌ترین توصیه ستاد ملی کرونا یعنی «در خانه بمانیم» در تضاد آشکار است و به نظر می‌رسد صنعت گردشگری آخرین حلقه‌ای خواهد بود که به شرایط عادی بر خواهد گشت. با وجود این، می‌توان دو سناریو کلان برای آن متصور بود. خوشبینانه این که چرخ سفر و گردشگری تابستان ۱۳۹۹ دوباره به حرکت در آید و شرع به فعالیت نماید و بدبینانه این که کرونا حداقل تا یکسال آتی با ما همراه باشد. نکته مهم این است که حدود ۸۰ درصد کسب‌وکارهای صنعت گردشگری بنگاه‌های خرد هستند و بخش بسیار بزرگی از شاغلان این صنعت به صورت غیر رسمی در آن فعال هستند. لذا باید متناسب با موارد و سناریوهای بیان شده به ارائه راهکار مناسب همت گماشت.

۲۶. صنایع دستی و کرونا

دکتر شهاب طلایی در این یادداشت می‌نویسد: صنایع دستی با سهم بالا در ایجاد اشتغال، هزینه تولید پایین، تنوع تولیدات و مناطق تولیدی، عدم نیاز به زیرساخت‌های گسترده و حجم بالای سرمایه‌گذاری، یکی از ارکانی است که می‌تواند سهمی عمده و چشمگیر در رشد اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صادرات غیرنفتی داشته باشد. سهم بالای نیروی کار زنان به صورت غیررسمی و در غالب مشاغل خانگی، باعث شده است که آمار و ارقام تأثیرگذاری این بخش در حوزه‌های مختلف دارای ابهام باشد. با وجود همه مسائل و مشکلات حوزه صنایع دستی کشور، نمایشگاه‌های فصلی و بهاره و مناسبتی و بازارچه‌های دائمی و موقت، سهم بسیار بالایی در حفظ و

افزایش حجم تولیدات در این حوزه را دارا بود، لکن بحران کرونا تأثیر فراوانی بر توزیع و فروش صنایع دستی داشته و درآمد و اشغال ایجاد شده در این زمینه را با مشکل مواجه کرده است. آنچه مشخص است این که سیاست‌گذاری دولت برای حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی نمی‌تواند دارای یک رویه یکسان و مشابه باشد و باید متناسب با هر بخش نسخه حمایتی متفاوتی ترسیم و تنظیم گردد. بخش صنایع دستی کشور به علت سهم بیش از ۷۰ درصدی زنان در تولیدات که به مثابه عاملی برای تعادل کار و زندگی عمل می‌کند، نیازمند تدابیر و راهکارهای متفاوتی برای جلوگیری از آسیب بیشتر و عمیق‌تر شدن چالش‌ها دارد.

۲۷. دعوت به طّراحی «کنش نجات»

دکتر سید محمدعلی غمامی با اشاره به بحران‌های طاقت‌فرسای سال ۱۳۹۸، از بحرانی خطرناک‌تر و غفلتی عمیق‌تر خبر داده است؛ بحران علوم انسانی. بلایایی همچون شیوع ویروس کرونا، جسم انسان را نابود می‌کنند، اما در بحران علوم انسانی، روح انسان در معرض نابودی است. در مواجهه با بحران‌های پیاپی به خصوص کرونا، طنینی از سوی محققان علوم انسانی چه در دانشگاه‌ها و چه در حوزه‌های علمی شنیده نمی‌شود. گویی که توصیه آن‌ها چیزی فراتر از رعایت نکات ایمنی و بهداشتی نیست: رعایت خونسردی، استفاده از ماسک و اطمینان از بسته بودن شیر گاز! (ابزارانگاری فردگرایانه). عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) از محققان علوم انسانی دعوت کرده است تا در یک گفتگوی میان‌رشته‌ای، کنشی را تحت عنوان «کنش نجات» طّراحی کنند. در بحران کرونا، ما به مردم و خانواده‌ها توصیه کردیم در خانه سرگرم بازی و فیلم باشند، غافل از آن که راه حلّ اصلی مواجهه با

بحران‌ها کنشگری مردم و خانواده‌هاست. مدیر گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع) تلاش نموده از چشم‌اندازی فرهنگی، ابعاد کنش نجات را بررسی کرده و با کمک دانش بلاغت، پیام‌هایی را طراحی کند که بهترین راهنمای کنش نجات باشند.

۲۸. چند میلیون نفر به کرونا مبتلا هستند؟

محمدرضا آرام در این یادداشت می‌نویسد: نحوه مواجهه ما با بحران‌ها باید به گونه‌ای باشد که حتی‌الامکان بحران جدیدی ایجاد نکند؛ چه رسد به اینکه بحران بزرگتری ایجاد کند. بدترین نحوه مواجهه با یک بحران این است که همان عواملی که می‌توانند همواره بحران‌زدایی کنند را فدای یک بحران کنیم. نحوه مواجهه ما با بیماری کرونا نباید به گونه‌ای باشد که برای درمان و پیشگیری از این بیماری ذهن تمام افراد جامعه را کرونازده کنیم و با این مستمسک، نهادهای اجتماعی اصیل که در طول تاریخ همواره حلال مشکلات و کمک‌کار در بحران‌ها بوده‌اند را با مشکل مواجه کنیم. مشکل اساسی بسیاری از توصیه‌های پزشکی، مواجهه‌های فردگرایانه آن‌ها با بیماری‌هاست. پژوهشگر سیاست خانواده مرکز رشد بر این باور است که معضل اساسی این نحوه مواجهه با بحران‌ها در این است که دولت‌های مدرن در رفع کامل مشکلات و بحران‌ها عاجزند و شهروندان هم به آن‌ها برای حل مشکلات اعتماد کافی ندارند. در این اوضاع بهترین نهادهایی که می‌توانند با اتکا به نوعی مسئولیت همگانی به بهبود وضع موجود کمک کنند، نهادهای خانواده، خویشان و مساجد هستند. نهادهایی که در عین احساس مسئولیت، به اطرافیان خود احساس تعلق و وابستگی دارند.

بخش پنجم نیز در ۱۴ یادداشت و مقاله، به جنبه‌های مدیریت و حکمرانی،

در زمان شیوع ویروس کرونا و پس از آن مبادرت می‌کند:

۲۹. کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا ایران موفق بوده است؟

در این یادداشت، دکتر حسن دانایی‌فرد، کنترل هر نوع پدیده طبیعی و انسان‌ساز را از وظایف اصلی حکومت‌ها و دولت‌ها می‌داند. وی بر این باور است که این روزها، کرونا کیفیت کشورداری ایران را در بوته آزمون قرار داده و برای شناخت کشورداری لازم است ابتدا به فهم محتوا و سطوح روابط اشاره و سپس بر اساس آن کیفیت کشورداری در زمان کرونا و چالش‌های پیش روی را بررسی کرد. وی برای کشورداری سه سطح حکمرانی (راهبری ملی)، سطح مدیریت و سطح عملیات را به منظور تحلیل توصیه می‌کند. استاد دانشگاه تربیت مدرس، برای کیفیت کشورداری در زمان شیوع کرونا به چندین اصل همچون چابکی در راهبری اشاره می‌کند که با همراستایی سه قوه با رهبری نظام از یک طرف، انسجام وزارت‌خانه‌ها، نهادها و سازمان‌های تحت نظارت رهبری و همچنین، قوای نظامی در رسیدن به خط‌مشی‌ای واحد برای هدایت مدیریت عملیات مبارزه با کرونا اشاره دارد. وی برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل را چابکی مدیریتی می‌داند که برای مدیریت بحران به دارا بودن یک طرح، تعیین یک سخنگو، صداقت و باز بودن در گفتار و کردار، آگاهی‌بخشی مستمر شهروندان، بروزرسانی مستمر اطلاعات و مدیریت رسانه‌های اجتماعی در یک فرآیند گام به گام نیاز است. استاد مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی چابکی عملیات را در سه طبقه پیشابحران، واکنش به بحران و پس‌ابحران قرار می‌دهد که در زمینه پیشگیری، آمادگی مبارزه با کرونا، واکنش به بحران و بازیابی اوضاع قابل پیاده‌سازی است. وی در پایان نوشتار خویش به چالش‌های کشورداری جمهوری اسلامی

ایران اشاره می‌کند و در برخی جهات کشورداری دولت را موفق و در برخی موارد ناموفق ارزیابی کرده است. وی سرانجام پژوهش خود را به نظریه‌ای تکامل تدریجی توقعات پیوند زده و از زاویه اقتصادی رفتاری، خستگی رفتاری و عقلانیت هیجانی وضعیت کشورداری در دوران کرونا را ارزیابی می‌کند.

۳۰. وضعیت کرونایی و ضرورت گفتگو درباره شیوع کووید ۱۹، احتمالات آینده و پیامدهای فرهنگی- اجتماعی

دکتر شهاب اسفندیاری عضو هیأت علمی دانشگاه هنر در این یادداشت از تمرکز صرف بر ابعاد بهداشتی و درمانی کرونا انتقاد کرده و ضرورت توجه به ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی شیوع بیماری کرونا و نیز عوارض فرهنگی و اجتماعی قرنطینه و خانه‌نشینی عمومی پرداخته است. نویسنده در این یادداشت حضور و مشارکت فعال صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روان‌شناسی و تربیتی و نیز استادان علوم اقتصادی و سیاسی و علمای دینی در مباحث مربوط به مبارزه با کرونا را ضروری دانسته و ضمن ارجاع به نظر برخی دانشمندان که دوره شیوع ویروس کرونا را نه محدود به چند هفته و چند ماه، بلکه تا چند سال آینده هم محتمل دانسته‌اند، تأکید می‌کند که در سیاست‌گذاری و تبلیغات عمومی، بجای تمرکز بر شکست دادن کرونا، باید برای آماده کردن افکار عمومی برای زندگی با کرونا نیز برنامه‌ریزی شود.

۳۱. زنده‌باد سیاست در عصر پساکرونا

یحیی شعبانی در این یادداشت می‌نویسد: آمارها هیچ‌گاه واقعیت فی‌نفسه پدیده‌ها را چنان که باید و شاید منعکس نمی‌کنند، بلکه همواره ابزاری برای حکمرانی به شمار می‌روند. این نکته را از مقایسه رفتار زبانی دو واژه آمار (Statistics) و دولت (State) نیز می‌توان مشاهده کرد. هر دو واژه در عبارت لاتین Status (وضع، حالت، موقعیت) ریشه دارند. دولت‌ها در آمار اساساً خودشان را

بازتولید می‌کنند نه واقعیت را. وحشت و انزوایی که ویروس کرونا با خود به همراه آورده است حکایت از ترسیم مرزها در جهانی دارد که شعار و نویدش برچیده شدن مرزهای سیاسی بود. کرونا نه تنها مرا از همسایه‌ام بلکه مرا از خودم نیز دور ساخته است. «من» دکارتی که سنگ‌بنای جهان جدید بود اکنون دیگر بداهت دکارتی سابق را ندارد. رؤیای جهان نولیبرال عصری بی‌سیاست بود که امور آن با نظمی خودجوش به پیش می‌روند. اما ویروس کرونا نشان داد که این رؤیا به پایان رسیده است و سیاست باید مسؤولیتش را بپذیرد و تمام‌قد وارد گود شود.

۳۲. کرونا و فتح مکه

در این یادداشت کوتاه، دکتر فرزاد جهان‌بین، موفقیت کشور را نسبت به دشمنان در مهار کرونا همچون فتح مکه می‌داند. وی بر این باور است که در دوران شیوع ویروس کرونا، کشور ما با دو آزمون بزرگ دولت‌مندی و ملت‌مندی مواجه شد؛ دولت‌مندی بدین معناست که یک نظام سیاسی به چه میزان می‌تواند در برابر چالش‌ها دوام آورده و در شرایطی که اوضاع از حالت عادی خارج شده، وضعیت را مدیریت کند. ملت‌مندی نیز بدین معناست که یک ملت چگونه در بحران‌ها، با تاب‌آوری و عقلانیت رفتار می‌کند. عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد در تعیین مصادیق دولت‌مندی و ملت‌مندی بیان می‌کند: تأمین دارو، رفع مناسب و قابل قبول کمبودهای اولیه، واردات و ساخت کیت، ایجاد سامانه غربالگری، تنوع روش‌های درمان و خیز برای ابداع روش‌های علمی جدید، اقدامات گسترده نیروهای مسلح در مباحث درمانی، عدم کوچک‌ترین کمبود در نیازمندی‌های خوراکی و اولیه مردم، مرجعیت صدا و سیما در جهت‌دهی و اطلاع‌رسانی، سیاست‌گذاری برای

ترمیم فشارهای معیشتی گروه‌های آسیب‌پذیر، مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال ضررهای اقتصادی بخش‌های مختلف ...، از جمله مصادیق دولت‌مندی است. همراهی بالای مردم و تن دادن به رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، اعتماد به تصمیمات نظام و پرهیز از رفتارهای هیجانی، از جمله نشانه‌های ملت‌مندی بالا است. فعالیت‌های تحسین برانگیز و فوق‌العاده گروه‌های جهادی در تأمین نیازمندی‌ها، از دیگر نشانه‌های این ملت‌مندی است. اینها در حالی است که کشور با تحریم‌های ظالمانه همه‌جانبه از زمین، آسمان، دریا، کشتی، هواپیما، بانک، بیمه، پول، نفت و دارو و غیره مواجه است.

۳۳. ویروس کرونا؛ نعمت یا نعمت؟

مسعود رسولی امیرآبادی، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی، در بخش ابتدایی یادداشت خود با بررسی شرایط و اتفاقاتی که در پی شیوع ویروس کرونا در کشور ایران به وقوع پیوست، به تحلیل و ارائه نقاط قوت از جمله؛ سرمایه انسانی متعهد، نیروهای مردمی داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد، ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی و سپس نقاط ضعف، شامل فقر فرهنگی در مواجهه با بحران و تهدیدها، ضعف در زیرساخت‌های زنجیره تأمین و لجستیک و نظارت ضعیف می‌پردازد و در ادامه فرصت‌هایی که این شرایط برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است و یا در آینده نه چندان دور، به وجود خواهد آورد از جمله تولید اقلام بهداشتی و درمانی و صادرات به کشورهای منطقه، توسعه زیرساخت فناوری IT و باور بیش‌ازپیش به توان داخلی و اتکا به نیروی جوانان می‌پردازد. همچنین، آسیب رسیدن کسب‌وکارهای کوچک و کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی به مثابه مهم‌ترین تهدیدهای شیوع این ویروس منحوس در کشور ما مورد توجه قرار گرفته شده است. در انتها

نگارنده بر این بوده است که با توجه به تجربیات به دست آمده از این دوران، یک بار دیگر علاج مشکلات کشور را می‌توان در خودباوری و توجه به نیروی جوان و پرتوان داخلی دانست که بواقع در این آزمون سخت به خوبی موفق عمل نمودند.

۳۴. ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت»

سید آرش وکیلان در این نوشتار توضیح می‌دهد که بحران اصلی مربوط به خود بیماری کرونا نیست و ابعاد بیماری آن قدر بزرگ نیست که به تنهایی یک بحران سلامت عمومی محسوب شود، بلکه بحران مربوط به اختلال کارکرد نظام سلامت در نتیجه ناکافی بودن منابع آن برای پاسخگویی به بیماران بدحال است. در نتیجه، خود این دستگاه بحران‌زده نمی‌تواند همزمان مسئولیت خطیر ستاد بحران را هم پذیرا باشد و لازم است بخشی دیگر از زیرنظام‌های اجتماعی، به یاری زیرنظام سلامت بیایند و کارآیی آن را حفظ کنند، و همچنین مانع از سرایت بحران به دیگر زیرنظام‌ها نظیر آموزش و اقتصاد بشوند. علاوه بر آن با توجه به فراگیر و طولانی شدن بحران، لازم است بسیج و مشارکت گسترده اجتماعی نیز به کار گرفته شود، چرا که در میان‌مدت منابع حکومت برای پاسخ به بحران ناکافی خواهد بود. تنها در این صورت است که جامعه از تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی مناسب در برابر بحران برخوردار می‌شود.

۳۵. تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا

محمد مرادی در این یادداشت می‌نویسد: شیوع ویروس کرونا یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و بحران بشریت به شمار می‌آید و مشخص نیست تا چه زمانی به طول انجامد. این ویروس، علاوه بر تراژدی بیماری، یک تراژدی

اقتصادی بزرگی را به دنبال دارد. این بحران یک معادله چند مجهولی است، چرا که حواشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیرامون بحران، خود ممکن است باعث بروز عامل دیگری به بحران فعلی باشد. در کشور ما ایران، علاوه بر بحران کرونا، عوامل خارجی دیگری مانند تحریم‌ها، کاهش تقاضای نفت در بازارهای جهانی، بر اقتصاد ما اثرگذار است. پس لازم است ابعاد دقیق این بحران را بشناسیم، با راهکارهای مقابله با این بحران آشنا شویم تا آسیب ناشی از این شرایط را به حداقل رسانده و یا حتی تهدید به وجود آمده را به فرصت تبدیل کنیم.

۳۶. رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا

آقای قنّادان‌زاده در این یادداشت می‌نویسد: بحران جهانی کرونا آسیب‌های زیادی را در کشورهای گوناگون ایجاد کرده است. یکی از جدّی‌ترین آسیب‌هایی که اکثر کشورهای جهان با آن روبرو هستند، مشکلات اقتصادی است که در نتیجه‌ی از کار افتادن کسب‌وکارهای مختلف به وجود آمده است. در این میان، رهبران کسب‌وکار، نقش عمده‌ای را در کنترل و مدیریت بحران ایفا می‌کنند. رهبران باید پیش‌فرض و انگاره‌های ذهنی گذشته خود را مورد بازنگری قرار داده و خود را برای شرایط عدم اطمینان آماده کنند. بنابراین، اغلب رهبران، فارغ از این که در چه نوع کسب‌وکاری و در چه اندازه‌ای در حال فعالیت هستند، وظایف مشترکی دارند. بهبود ارتباطات در شرایط بحران، تغییر شرایط کار به دورکاری، حفاظت از کارکنان در محیط کار، اندیشیدن به تمهیداتی جهت منع آمد و شد، تجدید نظر در سیاست‌های حقوق و مزایا، شفافیت و ... از جمله وظایف مشترکی است که تمام رهبران کسب‌وکار به منظور عبور از بحران، می‌بایست ایفا کنند.

۳۷. دیپلماسی عمومی در عصر کرونا: فرصت‌آفرینی‌های بین‌المللی در جهان

پس از کرونا

احسان امینی باغبادرانی در این یادداشت می‌نویسد: از مهم‌ترین آزمون‌های کرونا، فعالیت کشورهای مختلف در زمینه دیپلماسی عمومی و ارائه تصویر مطلوب از کشور خویش است. کرونا باعث شده است تا چهره کشورها در دریای افکار عمومی، مورد ارزیابی دوباره قرار گیرد. موج کرونا در این دریای پهناور، چهره برخی کشورها را مخدوش کرده و از طرفی فرصتی برای مطلوب جلوه دادن چهره برخی دیگر از کشورها، شده است. این فرصت برای همه ملت‌ها فراهم است تا آشکار گردد که این آزمون جهانی و بین‌المللی را با موفقیت سپری خواهند کرد یا خیر. احسان امینی، دانشجوی رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، در این یادداشت به تحلیل تحولات دیپلماسی عمومی در جهان کرونایی و پساکرونایی می‌پردازد. او بیان می‌کند که مدیریت تصویر در این روزگار بحرانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این ویروس همان گونه که تهدیدی برای سلامت بشری است، فرصتی برای ارتقای تصویر مثبت و جلب افکار عمومی جهانی و همچنین بازشناسی قدرتهای حقیقی در برابر قدرتهای پوشالی است. این فرصت بزرگ برای کشور عزیزمان ایران، نیز فراهم است. ارائه کمک‌های بشردوستانه به ملت‌های مستضعف، بویژه ملت‌های منطقه در جهت جذب آن‌ها به جبهه مستضعفان عالم، بازنمایی اقتدار حقیقی و همدلی ناشی فرهنگ اسلامی-ایرانی در جهت تبلیغ طب اسلامی و جایگاه سلامت در ادیان الهی، بویژه اسلام، توسعه زیرساختی گردشگری پزشکی و تبلیغ دیپلماسی آموزشی در زمینه علوم پزشکی، به مثابه فرصتی اقتصادی و فرهنگی و با استفاده از بازنمایی مطلوب، و در پایان بازنمایی شکست قدرتهای پوشالی و استکباری

تمدن غربی در برابر ویروس کرونا و بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی فطرت در جهت جذب ملت‌های آنان، از راهبردهایی است که در این یادداشت به آن‌ها اشاره شده است.

۳۸. تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا
این یادداشت با رویکردی نقادانه به شناسایی نقاط ضعف برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا می‌پردازد. دکتر سعید مسعودی‌پور، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری با اشاره به حساسیت بیماری کرونا، به غافلگیری مسئولان دستگاه‌های متولی اشاره می‌کند و این سؤال مطرح می‌شود که چرا نباید قبل از ورود این بیماری به کشور، با وجود گسترش آن در یکی از استان‌های چین، مانورهای مختلفی برای ارتقا توان عملیاتی انجام می‌شد؟ همچنین این پژوهشگر به این نکته اشاره می‌کند که در روزهای اول ورود کرونا به ایران، سردرگمی برنامه تبلیغاتی کشور باعث شد تا وضعیت، کاملاً عادی جلوه داده شده و حتی از مردم برای ادامه زندگی روزمره خود در خیابان دعوت شد. جاذبه ترس به مثابه عاملی مؤثر برای کنترل رفتارهای اجتماعی در بسیاری از مدل‌های تبلیغات اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که در رویکرد اولیه تبلیغاتی کشور در موضوع کرونا، به کنترل رفتارهای اجتماعی توجه نشده و این مسئله به مثابه یکی از نقاط ضعف برنامه تبلیغاتی این ستاد محسوب می‌شود.

۳۹. طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی
این یادداشت در صدد است تا راهکارهایی را مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی برای کنترل بیماری کرونا، پیشنهاد دهد. دکتر سعید مسعودی‌پور، فارغ‌التحصیل دکتری مدیریت بازاریابی، بازاریابی اجتماعی را به مثابه حوزه‌ای پرکاربرد و مؤثر برای کنترل بیماری کرونا معرفی می‌کند. این پژوهشگر

پژوهش‌کننده مطالعات فناوری تأکید می‌کند که القا ترس کنترل شده به مخاطبین باید در دستور برنامه‌های تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا قرار گیرد. به این معنی که بر خلاف برنامه تبلیغاتی آغازین ستاد، نباید احتمال ابتلا به بیماری، محدود به گروه‌های خاص (نظیر افراد مسن و یا دارای بیماری زمین‌های) شود. افزایش هزینه‌های اجتماعی برای افرادی که تبعیت شهروندی نداشته و توصیه‌های ستاد را جدی نمی‌گیرند، موضوع دیگری است که در این یادداشت به آن اشاره شده است. از دیگر راهکارهای پیشنهادی در این یادداشت، می‌توان به تولید برنامه‌های تلویزیونی و تلاش برای تغییر سبک خرید مردم نام برد.

۴۰. بهبود آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس تحت تأثیر ویروس کرونا: مشکلات و ارایه راهکارهای مناسب آموزشی

بحران کرونا، قرنطینه دانشجویان، تعطیلی روند آموزش و روی آوردن به سامانه‌های آموزش برخط، می‌تواند الهام‌بخش نوآوری و ایجاد روش‌های نوین آموزشی برای مؤسسات آموزش عالی گردد. یکی از محسوس‌ترین نتایج همه‌گیری این بیماری، چالشی جدید در سیستم آموزش برای استادان و دانشجویان در ایران است. دکتر محمّدامین مذهب، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دکتر عباس منفرد که از متخصصان آموزش زبان انگلیسی هستند، با ارائه کاربرد آموزش تلفیقی، با استفاده از تجربیات دوره شیوع ویروس کرونا در زمینه آموزش الکترونیک، راهکارهایی برای آموزش بهتر در این شرایط ارایه داده‌اند. در این نوشتار سعی بر این است تا شیوه‌های مدیریت آموزش برخط، چالش‌های پیش رو، و راه‌حلهایی برای آموزش بهتر در این شرایط ارایه گردد.

۴۱. کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری در آموزش و پرورش
امیرحسین غفّاری، یادداشت سه بخشی خود را با بیاناتی از مقام معظم
رهبری درباره اهمیت فضای مجازی و اتخاذ رویکرد توأمان فرصت‌محور و
تهدیدمحور در اندیشه معظم له که در دیدار با معلمان و فرهنگیان بیان
فرمودند، آغاز می‌کند. نویسنده بر این باور است که کرونا برای نظام آموزش
و پرورش کشورمان، مسئله‌ی حائز اهمیت است که از جوهی با سیل، زلزله
و آلودگی هوا متمایز است و نقص‌های درونی نظام آموزش و پرورش را در
مواجه با بحران‌ها و مصداق‌های آن که در حال حاضر یکی از آن‌ها، آموزش
مجازی است، به صورت عیان نشان می‌دهد. آنچه امروزه آموزش و پرورش
در خصوص آموزش الکترونیکی در حال انجام آن است، آزمون عملیاتی تجربه
نشده‌ای است که البته باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. اما چرا در سال‌های
گذشته، با وجود قوانین مختلف، آموزش و پرورش در این باره توفیق جدی
به دست نیاورده است، مبحثی است که در ادامه یادداشت به آن پرداخته
شده است. آموزش و پرورش مجازی و نوآوری به سبک مکانیکی و
بخشنامه‌ای، قدرت خلاقیت و اثربخشی را از نظام آموزش و پرورش گرفته
است. نویسنده، پس از بیان و تشریح این نکته، به یک آسیب‌ساختاری
جدی آموزش و پرورش می‌رسد که عدم فهم و تلاش در جهت بهبود این
آسیب، کشورمان را در شرایط بحرانی همچون کرونا با مخاطرات جدی مواجه
کرده و می‌کند و آن این است که آموزش و پرورش در چنگال دیوان‌سالاری
گرفتار شده است. برخی از اندیشمندان به این نکته اذعان داشته و دارند که
وضعیت دیوان‌سالارانه آموزش و پرورش، ثمره‌اش گرفتار شدن انسان مدرن
در قفسی آهنین است که خلاقیت و کنش‌های اثرگذار را از او و نظام
آموزشی که در آن زیست می‌کند، می‌گیرد. در شرایط بحران کرونا نیز با این

واقعیت مواجه هستیم که نظام دیوانسالارانه و بخشنامه‌ای آموزش و پرورش با توجه به موارد گفته شده، فاقد آمادگی‌های لازم برای مواجه شدن با شرایط بحرانی است.

بخش ششم با عنوان ارتباطات انسانی و سبک زندگی که پایان بخش این مجموعه است در قالب ۴ یادداشت به سرانجام می‌رسد.

۴۲. فرصت ویژه ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس

منحوس کرونا

در این یادداشت، حجت‌الاسلام محمدرضا عابدینی ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین را فرصتی ویژه در ایام شیوع ویروس کرونا دانسته و در این زمینه به ۴ نکته اشاره می‌کند؛ اول، نزدیکترین و سریعترین راه رسیدن به ولایت ولیّ الهی، «محبت و خدمت به مؤمنین و ولایت آنها» است. در روایات، زیارت و دیدار مؤمنین با یکدیگر، به مثابه قرب به ولیّ الهی و زیارت او و احیای امر اهل‌بیت علیهم‌السلام و بلکه زیارت خدای سبحان مطرح شده است. دوم، گاهی حجاب عادت، سبب محرومیت‌های بسیاری می‌شود. خدای سبحان برای جلوگیری از سلطه‌ی عادت، تغییر و تفاوت را قرار داد تا دائماً با تغییرها ما را از حجاب عادت بیرون آورد تا گرفتار غفلت و عدم توجه به نعمت‌ها نشویم و اسباب توجّه و تذکّر را از دست ندهیم. سوم، پس از توجّه به نعمت‌هایی که حجاب عادت باعث شده بود قدرت بهره‌مندی از آنها کاسته شود، راه برگرداندن نعمت و جبران آنها، عمل به سنت‌های اسلامی در حد امکان است. لذا درباره ارتباط با ارحام و دوستان، اگر از جهت بهداشتی منع‌هایی در ارتباط عادی ایجاد شده و در اثر این منع‌های پزشکی

که ضروری هم هست، محرومیت‌هایی از جلب رحمت الهی محقق شده است، می‌توان با ارتباطاتی از طریق تماس صوتی و تصویری و پیامکی از احوال همدیگر با خبر شویم. چهارم، اینگونه حفظ ارتباط ولایی میان مؤمنین در حد مقدور، سبب ارتباط با امام می‌شود و این فضای تهدید فعلی در جامعه را تبدیل به فرصتی برای ارتباط ویژه با امام زمان علیه‌السلام می‌کند.

۴۳. تلاش جهادگران سلامت، گامی به سوی ظهور

محمدرضا عابدینی، استاد تفسیر، فلسفه و عرفان اسلامی حوزه‌های علمیه، تلاش جهادگران سلامت را گامی به سوی ظهور می‌داند؛ ایشان با اشاره به اینکه قبل از ظهور حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عده کثیری از افراد با موت ابيض (مرگ سفید) از دنیا می‌روند شاید این مطلب دلالتی بر جنگ‌های زیست‌شنا سانه آخرالزمانی باشد. حجت‌الاسلام عابدینی طبق این بیان، در این برهه، قدرت یافتن ما برای کنترل بیماری‌ها را یکی از مصادیق بارز «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) قلمداد می‌کند و در ادامه می‌افزاید: در عین سختی بیماری کرونا، بسیج کشور در راستای بالاتر رفتن آمادگی‌ها در مقابله با بیماری‌های واگیر، می‌تواند یکی از رزمایش‌های عمومی مهم با مقاومت در جبهه‌ی سلامت، در راستای آمادگی برای ظهور باشد. لذا می‌توان با این نگاه مهم، این فضای تهدید را تبدیل به فضای فرصت کرد و از منظر آمادگی برای مراحل بعدی به آن نگاه کرد. طبق این منظر، جهاد سلامت در میان مردم ما، فقط در کنترل این بیماری خلاصه نشده و بایست نگاه عمیق‌تر و دراز مدت‌تر در نقشه‌ی حرکت به سوی ظهور داشته داشت. توشل و استمداد از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه می‌تواند در حل و تسهیل این حرکت مؤثر بوده و همچنین کوشش بیشتر علمی و درمانی میان جهادگران سلامت، در این راستا حرکتی در جهت بسترسازی برای ظهور امام

زمان ارواحنا فداه باشد.

۴۴. کرونا و بازگشت به خانواده

دکتر عاصمه قاسمی استادیار گروه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات، در این یادداشت به تأثیر شیوع ویروس کرونا بر بازگشت بحث خانواده به کانون مباحث جامعه‌شناسی، پرداخته است. از نظر نویسنده، به حاشیه رفتن موضوع خانواده در مباحث اصلی جامعه، عوارض نامطلوبی به همراه داشته است و اکنون با قرنطینه و خانه‌نشینی اجباری مردم در جوامع گوناگون، اهمیت خانواده بار دیگر آشکار شده است. افزایش آمارهای خشونت خانگی در برخی کشورهای جهان از جمله در کشورهای غربی در دوران قرنطینه، یکی از نشانه‌های ضرورت توجه جدی به مسئله خانواده در جامعه‌شناسی است. نویسنده وضعیت کرونایی را فرصتی برای بازگشت به خانواده به مثابه اصلی‌ترین نهاد در جامعه‌پذیری و تربیت نسل آینده و مهم‌ترین نهاد در زمینه‌سازی گفتگو و تعامل اجتماعی معرفی می‌کند.

۴۵. تداوم کرونا و ضرورت احیای نظم اجتماعی خانه‌محور

دکتر سینا کلهر در این یادداشت بر ضرورت بازاندیشی در بنیادهای نظم اجتماعی مدرن توجه کرده و ابعاد و حوزه‌های مختلف این تغییر و دگرگونی را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار داده است. آنچه در این یادداشت مورد تأکید قرار گرفته است، توجه به جایگزین نظم بنیادین اجتماعی بجای اصلاحات حوزه‌ای و بخشی است. در واقع تا زمانی که تحوّل از جهت نظم سامان‌بخش اجتماعی در جامعه صورت نگیرد، تداوم حیات اجتماعی در صورت درمان‌ناپذیری کرونا دشوار و مشقّت‌بار خواهد بود. با تغییر نظم بنیادین جامعه، نهادهای اصلی اجتماعی نیز تغییر شکل خواهند داد.

نویسنده تلاش کرده است برخی امکان‌های پیش روی این تغییرات را معرفی کند. در این یادداشت، آمادگی ذهنی جوامع برای تغییرات احتمالی و تلاش برای روشن ساختن جنبه‌های احتمالی این تغییرات، از ضرورت‌های گذار به نظم اجتماعی جدید معرفی شده است.

همکاری استادان گرامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و همچنین فرهیختگان محترم حوزه و سایر دانشگاه‌ها در تهیه و تنظیم این مجموعه ستودنی است. تشکر از همه عزیزان، بویژه ریاست محترم دانشگاه، حجة‌الاسلام دکتر حسینعلی سعدی، بر ما واجب است. جای دارد از معاون محترم پژوهشی دانشگاه، دکتر سید مجتبی امامی و همکاران ایشان، دکتر محمد نعمتی، آقای رضا دیبا که زمینه نشر جهادی این کتاب را فراهم کردند، آقای محمد روشنی که طرح جلد را با اندیشه امید به شکست کرونا و طلوع خورشید «یُسر» آمیختند و همچنین استاد عزیز آقای روشن‌ضمیر که در معادل زیبای انگلیسی کتاب به ما یاری رساندند، تشکر کرد. همچنین تشکر از آقای دکتر احمد توانایی را نباید از یاد برد؛ زیرا وی با روحیه‌ای جهادی، ویراستاری ادبی کتاب را با صبر و متانت بر عهده گرفتند و متن پیش‌رو را به زیور زیبایی‌های زبان و میراث کهن فارسی آراستند. در این مجموعه آقای دکتر کمیل قیدرلو و آقای سید آرش وکیلان در شناسایی، معرفی، غربالگری و ارزیابی یادداشت‌ها و مقالات تلاشی مجاهدانه داشتند که بی‌شک بدون یاری آنها مجموعه‌ای این چنین حاصل نمی‌شد. مثل هر کاری، این مجموعه هم مدیون زحمات‌های پنهان و گمنام افرادی است که شاید هرگز شناخته نشوند، ان شاء الله همه نزد خداوند احد و واحد مأجور باشند.

تردیدی نیست که همیشه برای هر پژوهش علوم اجتماعی، نسخه‌ای جدیدتر و بروزتر وجود خواهد داشت، حتی اگر نویسندگان پیشین بخواهند

دوباره آن را بنویسند. زمانی نیاز به بروز بودن بیشتر احساس می‌شود که تخصص‌های مختلف حوزه‌های علوم به آن پژوهش نظاره کنند. بنابراین، این مجموعه هم ممکن است دارای خطاها و نواقصی باشد. در هر صورت مایه تشکر و قدردانی است که مخاطبان عزیز ما را برای بهبود نسخه‌های آتی یاری رسانند. پل ارتباطی ما از طریق رایانامه‌های استادان گرامی و همچنین شبکه‌های اجتماعی و وبسایت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام خواهد بود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد‌هادی همایون، رضا بنی‌اسد

اردیبهشت ۱۳۹۹

بخش اوّل: چيستى و پيام کرونا

۱: فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا

جبار شجاعی^۱

مقدمه

رخداد‌های اجتماعی از دیرباز، علاوه بر این که محملی برای اندیشه‌ورزی صاحبان قلم و نخبگان علوم اجتماعی بوده است، بستری برای نقش‌آفرینی حکمرانان در همراهی یا تقابل با آنها نیز بوده است. در واقع زمینه‌کنشگری اصحاب سیاست و رهبران جوامع، از دل رویداد و روایت از رویداد زاده می‌شود. رویدادها به دو شکل طبیعی و مصنوعی ظهور می‌یابند، اینگونه که دسته‌ای از اتفاقات محصول تغییر و تحولات و قواعد حاکم بر هستی است که بشر در تحقق آنها نقشی ندارد و برخی هم ساخته و پرداخته ذهن و عمل افراد است. به هر حال رویدادها، واقعیت‌هایی هستند که گریزی از رویارویی با آنها نیست و مهمّ ظرفیت کشورها در فهم و مدیریت پدیده‌ها

۱. دکترای علوم سیاسی / دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / مدرّس دانشگاه / رایانامه:

Shojaei67@gmail.com / تاریخ نگارش: شانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

و همین‌طور بهره‌برداری حداکثری از جهت منافع آن است. در واقع، خود پدیده امری خنثی است، لکن آنچه سرمنشأ مواجهه با پدیده خواهد شد، فهم نخبگان جامعه از آن پدیده است که زمین بازی حکمرانان را تا حدودی ترسیم می‌نماید. بنابراین، آنچه در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی مهم جلوه می‌کند، روایت از آن پدیده است. بدیهی است که این روایت، تحت تأثیر جهان‌بینی راویان خواهد بود. از سوی دیگر روایتی را می‌توان روایت نزدیک به واقع دانست که بین سلسله رخداد‌های راوی، پیوند زمانی و پیوند سببی برقرار باشد. اینگونه که راوی شرحی بهم پیوسته و بسامان از رخداد‌های منتهی به آن پدیده ارائه کند که هم انگیزه و هم راه‌حل را در خود جای داده باشد.

شکی نیست که جهان امروز بیش از آن‌که صحنه کشاکش منازعات سخت‌افزار بین مدعیان قدرت و نفوذ است، میدان جنگی شبکه‌ای است که پرچمدار این جنگ، تفاوت در روایت‌هاست. در جنگ روایت‌ها، زمین تقابل و عرصه منازعه، ذهن مخاطبان است. کشورها تلاش می‌کنند تا با مدیریت اذهان نخبگان و توده‌ها در جوامع مقصد، ابتدا طرف مقابل را ناتوان جلوه دهند، آنگاه آن را به انفعال وادارند و در پایان هم با خارج کردن آن از میدان رقابت، مهر فروپاشی بر شناسنامه چنین کشوری بزنند. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه حیات سیاسی و اجتماعی خود، هر نوع جنگی را از سوی دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تجربه کرده است. هرچند در ابتدای ظهور انقلاب اسلامی، جنگ روایت‌ها ابتدا از داخل و به تدریج خارج از مرزها نشو و نمو پیدا کرد، و در بحبوحه دفاع مقدس و تحولات پیچیده سال‌های پایانی آن، تحت تأثیر بُعد سخت‌افزاری قرار گرفته و نتوانست ردپایی از خود برجای

فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا □ ۷۵

بگذارد لکن صحنه را برای سم‌پاشی امروزش فراهم آورد تا با ابتلای ایرانی‌ها به ویروس کرونا، جنگی چندوجهی را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کند.

۱. روایت از کرونا در ایران

روایت از کرونا در ایران، سه وجه دارد. هر روایت تلاش می‌کند تا واقعیتی به نام «ویروس کرونا» را در منظومه نگرشی خود ترسیم نموده و چارچوبی برای کنش بر اساس آن ارائه کند. به این ترتیب که بنیادها و اصول حاکم بر هر روایت را می‌توان در جهان‌بینی راویان آن یافت. اما آنچه وجه ممیزه هر کدام از دیگری می‌شود، چگونگی پیوند مؤلفه‌ها و ابعاد آن واقعیت به همدیگر و همین‌طور وضعیّت نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم و نخبگان ایرانی پیش، حین و پس از «ویروس کرونا» است.

۱-۱. روایت «ایران بحرانی و بدبخت»

یک روایت از این پدیده، روایت بخشی از نخبگان، روشنفکران، مسئولان و عموم مردم است که تأکید دارند کروناویروس را یک «بحران» و در مواردی «ابربحران» بنامند. در این روایت، کرونا همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور را درگیر خود کرده که کرده و پیامدهای آن هم در «وضعیت تعلیق جامعه» خلاصه است. طبیعی است که در چنین شرایطی، مردم بیشتر به مردگانی شبیه‌اند که می‌بایست قرص‌های شفابخشی به آنان خوراند یا آمپول‌های ضدمرگی تزریق کرد که قفس چندروزه زندگی در شرایط کرونایی را قابل تحمل‌تر سازند. هرچند این روایت، طیفی از دیدگاه‌ها را شامل می‌شود، اما هسته مرکزی دیدگاه راویانش «بحران اجتماعی» بوده و تجویزی جز «بساز و بسوز» هم ارائه نمی‌شود. نتیجه این روایت در سطح

نخبگانی، انفعال، نقزنی، وادادگی سیاسی، مقصّرتراشی و خودذلیل‌پنداری خواهد بود. از طرف دیگر، مردم هم با افسردگی، ناامیدی، جنگ با مرگ خاموش، تحمّل درد نابخردی و نابلدی مسئولان کشوری، شادی‌های تصنّعی سست بنیاد و سردرگمی، زندگی را به سر می‌برند. قهراً ایرانِ پساکرونا، با معضلاتی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فجایعی اقتصادی و اداری رویاروی خواهد بود که ممکن است جامعه را تا مرز فروپاشی هم به پیش برد. ناگفته نماند که هرچند تمام راویان این روایت به صراحت چنین نمی‌گویند، لکن مفهوم و پیامد چنین تحلیلی، چیزی جز این نخواهد بود.

۲-۱. روایت «ایران تاریک‌خانه مخوف»

روایتی دیگر که منشأ صوت و متن آن راهروهای سیا و موساد و آبشخورش، چاه‌های نفت سعودی - اماراتی و قلمرانانش خودفروختگان ضدّ ملی و مستبذّان دموکرات‌نمای آمریکایی - اروپایی هستند، با کلیدواژه «بحران» شروع می‌شود، لکن رنگ و نمای این بحران از تمامی بحران‌ها، حتی زایشگاه آن در ووهان چین هم متفاوت است. کرونا ی ایرانی در این روایت، اولاً غیرقابل کنترل است، و ثانیاً چنان قدرتمند است که تمامی کشورهای منطقه را آلوده کرده است. گفتارها و قرائت‌ها در این روایت، چنان همسو و همراهند که انگار راویان این روایت، متن خود را مدت‌ها پیش از بروز کرونا در ایران آماده کرده بودند و امروز مأمورند تا مصوّبات میز مطالعات ایران در سیا و موساد را به سمع و نظر مستمعین برسانند. این روایت که ابتدا با تأکید بر بحران در ایران شروع شد، در ادامه کرونا ی ایرانی را شروعی بر فروپاشی جمهوری اسلامی ایران دانسته و در تلاش است تا با هجمه رسانه‌ای، ایران را تاریک‌خانه‌ای خطرناک و قبرستانی محصور ترسیم کند. یکی از دیگر عناصر

فراروایت رهبری از پدیده ویروس کرونا □ ۷۷

این روایت، ناتوانی مسئولان ایرانی در مقابله با نشر حداکثری ویروس است. این ناتوانی ریشه در فقر اطلاعاتی و فناوری ایرانی‌ها در فهم و درک چیستی ویروس دارد در حالی که هنوز مدعیان توسعه و ناشران فناوری اطلاعات و ارتباطات، نه تنها ویروس را نشناختند که در مدیریت جامعه خود هم سرگردانند. هرچند سخن از زمینه‌های داخلی شکل‌گیری این روایت، مجال دیگری می‌طلبد، لکن گفتمان «ما نمی‌توانیم» که ریشه در بخشی از مدیریت سیاسی سال‌های پس از جنگ دارد، بسترساز مقبولیت حداقلی چنین روایتی در بین مردم شده است. این روایت تنها راه برون‌شد از «بحران اجتماعی در ایران» را نبود اسلام در زندگی مردم و در نهایت زوال جمهوری اسلامی برشمرده و روزهای پسا کرونا را برای ایران روزهای منتهی به فروپاشی به حساب می‌آورد.

۳-۱. روایت «ایران توانمند»

گروهی سوم در داخل تلاش دارند تا کرونا را وضعیتی به شمار آورند که هرچند فهم چیستی آن زمان‌بر است، ولی باید تلاش کرد که از تبعات منفی آن کاست. در روایت این گروه، کرونای ایرانی همچون کرونای اروپایی، آمریکایی و شرقی، کشور را در وضعیت جنگی قرار داده است و امروز ایران صحنه ایثار و دفاع از هم‌وطنان است، لذا آنانی قهرمانند که از جان و راحت خویش برای سلامت و راحت هم‌وطنان‌شان بگذرند. راویان این روایت هنوز هم در اینکه کروناویروس را چه بنامند، سردرگم‌اند. از این رو یا از آن به «پدیده کروناویروس» یاد می‌کنند، یا هم آن را «بحران ویروس کرونا» نام می‌نهند. اگرچه بخشی از روایت‌گران این روایت تا حدودی هوشمندانه در تلاشند تا با گفتار و عمل خود آرامش را به دیگران منتقل کنند، لکن بخشی

دیگر - که کم هم نیستند - گرفتار نوعی روایت‌پریشی‌اند، به این معنی که نتوانستند بین گفتمان «ما می‌توانیم» و «درماندگی فناوری پزشکی در فهم و درمان کرونا» جمع کنند. از این رو، هرچند فداکارانه خود را به خطوط مقدّم جنگ با «پدیده/بحران/ویروس» رساندند، اما چون از منظومه‌ای نامنسجم در شناخت کرونا رنج می‌برند، هرچه جلوتر می‌روند، این احساس به آنها دست خواهد داد که «چرا تلاش‌ها ثمربخش نیست؟». طبیعی است که گسترش و تعمیق چنین احساسی، اگرچه انگیزه ایثار را از آنان سلب نمی‌کند ولی گام‌هایشان را بی‌رمق خواهد ساخت.

۲. فراروایت «ایران سربلند»

در کشاکش رویارویی روایت‌های سه‌گانه از کرونا در ایران، روایتی که از ابتدا بر تمامی آن‌ها سیطره پیدا کرده و به نوعی خود را هژمون میدان رقابت روایت‌ها ساخت، روایتی است که هم پیوند زمانی وضعیت کنونی ایران را به خوبی تصویر ساخته است و هم پیوند سببی و راه‌حل حفظ نشاط، پویایی و تحرّک اجتماعی را جامع و مانع تحلیل و ارائه کرد. مقام معظّم رهبری بالاتر از روایت‌های یادشده، روایتی از ویروس کرونا در ایران ارائه کرده که چپستی، چگونگی مقابله با آن و ایرانِ پساکرونا را در خود جای داده است. ایشان در گام اوّل با تزریق روحیه امیدواری سازنده به عموم مردم و حمایت از کادر درمانی کشور، و همچنین با ارائه روایتی فراتر از تمامی روایت‌ها، مانع گسترش و پذیرش روایت‌های «ایران بدبخت» و «ایران بیمار و خطرناک» شدند. ایشان ضمن تشریح اینکه امروز متّهم اصلی نشر و گسترش کرونا در جهان «ایالات متحده آمریکا» است، از همراهی دشمنان انسی و جنّی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با هویت ملی و اسلامی کشور ایران سخن

گفتند.

از آن جایی که برنده جنگ روایت‌ها، روایتی است که بتواند برای پدیده اجتماعی مدّ نظر، معنایی جامع و مانع همراه با راهگشایی فراگیر ارائه کند، فراروایت رهبری در گام اوّل خود که «هجوم زیست‌شناسانه» آمریکا به جمهوری اسلامی ایران بود، توانست از مقبولیت بالایی در میان نخبگان جهان برخوردار شود و امروزه یک روایت رسمی از کرونا در جهان «جنگ زیست‌شناسانه آمریکا با رقیبان اقتصادی و سیاسی خود» است. حال میدان جنگ روایت‌ها صحنه فهم و درک بخش دوم فراروایت رهبری از «ویروس منحوس کرونا» تا رسمی‌شدن آن است. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران در این جنگ شبکه‌ای با درایت رهبری در دو عرصه اندیشه‌ورزی و مدیریت ذهنی- عینی در داخل، نه تنها از تیررس حملات مصون مانده است که با تبدیل تهدید به فرصت، آرامش اجتماعی را برای مردم خود فراهم کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای در گام دوم تحلیل خود از ویروس کرونا، راه مقابله با آن را در تلازم حداکثری عقلانیت و معنویت دانسته و ضمن اشاره به این نکته که ویروس مذکور امروزه کشورهای زیادی را درگیر خود ساخته است، ظرفیت و توان داخلی برای مقابله همه‌جانبه با آن را کافی می‌داند، لذا در این فراروایت نه تنها به کمک خارجی نیازی نیست که جمهوری اسلامی ایران بعدها از تجارب و دستاوردهای مبارزه با ویروس کرونا، بهره‌مند خواهد شد. بدین ترتیب دنیای پسا کرونا از نظر مقام معظم رهبری برای جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه دنیای تهدیدها و چالش‌ها باشد، عرصه فرصت‌های نو و بهره‌مندی حداکثری از دستاوردهای دوران مبارزه با کروناست. حاصل فراگیری این فراروایت در جامعه ایرانی، تعمیق و تکثیر روحیه ایثار و از خودگذشتگی

۸۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

بین آحاد مردم و بالا رفتن نشاط پایدار بین عموم مردم است، به گونه‌ای که امروزه روحیه شجاعت ایرانی در دو عرصه ظهور یافته است، یکی در عرصه مقابله با کرونا و دیگری در همه‌گیر شدن انگیزه‌ی شکست حتمی کرونا با شعارهایی چون «#ما_به_مدد_الهی_کرونا_را_شکست_می_دهیم».

۲. پیام کرونا برای انسان مدرن

محمدمهدی طهرانچی^۱

امروز جهان، بله جهان یعنی اکثریت کشورهای این کره خاکی گرفتار یک همه‌گیری جهانی است. کشور ما نیز به مثابه یکی از کشورهای جهان از شیوع این ویروس در امان نمانده است و اتفاقاً قبل از رشد بی‌سابقه این ویروس در اروپا یکی از کانون‌های جدی آن پس از آسیای شرقی به حساب می‌رفت و امروز هم اگر آن را جدی نگیریم؛ طوفان این بادی که کاشته شده است، مسلماً در راه خواهد بود. در این شیوع گسترده ویروس کرونا و تلفاتی که حادث شد؛ رفتارهای متفاوتی را از مردم شاهدیم. این رفتارها به باورهای هر جامعه مرتبط است و ریشه در باورپذیری مردم آن جامعه در مواجهه با وقایع دارد.

۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی/ پژوهشکده لیزر و پلاسما/ ریاست دانشگاه آزاد اسلامی/ رایانامه:

/teranchi@sbu.ac.ir

بدیهی است مردمی که درگذشت انسان‌ها را با حضور در مراسم تدفین و ختم و شب هفت و دیگر مراسم متوقّی احساس می‌کنند؛ با مردمی که درگذشت انسان‌ها را فقط با شنیدن خبر فوت آن‌ها حس می‌کنند؛ باورپذیریشان نسبت به مرگ‌آور بودن پدیده‌ها متفاوت است. گروهی که عبادت را فقط و فقط از طریق حضور در اماکن مذهبی دریافته‌اند و به عبارتی خدایشان فقط و فقط در کلیسا و مسجد حضور دارد با در دسترس پذیر بودن اماکن مذهبی در هر شرایطی موافق هستند و بستن در این اماکن را مساوی با بستن در ارتباط با خالق هستی و اولیاء الله می‌دانند. اجازه دهید بررسی موارد بالا را به وقت دیگر بسپاریم و با توجّه به چالش‌هایی که سعی می‌کند به طور کاذب جدال علم و دین را در این معرکه کرونایی راه بیاندازد، از زاویه دیگر به ظهور این پیش آمد در جهان بشری بپردازیم. نسلی که ما با آن مواجه‌ایم، نسلی است که مقهور توسعه علمی و فناورانه مغرب زمین است و دهه‌هاست به یک کمال‌انگاری در تکیّه به علوم و فناوری بدست آمده به وسیله بشر امروز رسیده است و نگاه توحیدی آن به خدای ساعت‌ساز تقلیل یافته و خدای او حداکثر خدای یکشنبه‌های کلیسایی و حلال مشکلات فردی است و خدایش در رفتار اجتماعی شاهد و ناظر نیست و آنچه رفتار اجتماعی‌اش را می‌سازد، دستاوردهای علمی و فناورانه دهه‌های اخیرش است. این انسان باور ندارد که علم به یکباره این چنین در آغاز سال ۲۰۲۰ کم بیاورد و مشکل بزرگی در سر راه زندگی عادی و ارتباطات او خلق کند. او عادت ندارد پزشکی به او بگوید برای این بیماری ساده درمانی را سراغ ندارد و دارویی هنوز کشف نشده است. او معجزات عجیبی را از علم پزشکی سراغ دارد؛ از پیوند اعضا تا خلق پوست و رگ مصنوعی و دیگر اعضا؛ اما حالا چه

پیام کرونا برای انسان مدرن □ ۸۳

شده که این طبیب قرن بیست و یکمی تنها به او می‌گوید: «در خانه بنشین». بحث بر ناکارآمدی مطلق علم، این فضیلت اعطایی خداوند به بشر نیست. نمی‌گوییم توصیه‌های پزشکی را باید کنار گذاشت. ما مفتخر به نگاهی در دین هستیم که توصیه پزشک الزام شرعی می‌آورد. مسئله چیز دیگری است بحث بر سر شکست باور کمال‌انگاری در علم حاصل در قرن ۲۱ و حاکم دانستن آن بر همه چیز است. می‌گفتند بشر دیروز خداپرست بود چون نادانسته‌هایش از هستی بیشمار بود و خدای را جای این علل مجهول می‌نشاند و امروز انسان عالم، همه چیز را می‌داند و بر همه چیز تواناست، پس خدای را در حدّ خدای خالق باید قبول کرد و بشر، فعّال و توانا بر همه چیز است. آری این ویروس با همه کوچکی‌اش، شبیه همان قدرت ارتباطی اینترنتی، همه جهان را خیلی سریع درنوردید و با خود این پیغام را به همراه داشت که ای انسان چه چیز تو را نسبت به پروردگار کریم مغرور کرده است. «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»^۱.

چه این ویروس دستاورد زردخانه زیست‌شناسانه بشری با هدف نسل‌کشی باشد که احتمالش هم می‌رود، و چه در نتیجه خوردن مورچه‌خوار یا خفاش از سوی مردم ووهان چین، هر کدام که باشد کلام حضرت حق را به یاد آوریم که فرمود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۲ آری این بیماری شایع شده در کره خاکی، به ما روی تلخ کردارمان را می‌چشاند و به ما می‌فهماند که راهی جز بازگشت نداریم به دامان خداوندی که خالق و حاکم بر هستی و حکیم و

۱. سوره انفطار آیه ۶

۲. سوره روم آیه ۴۱

مهربان و درگذرنده از اعمال زشت ماست.

دستاوردهای بشری را باور داریم، اما در حدّ وسیله‌ای که خدای بزرگ خود، راه رسیدن به آن را برای ما فراهم آورده است. ما در عرصه فردی و اجتماعی نیازمند تقویّت باور توحیدی خود هستیم. شرک آشکار و پنهان را باید کنار بگذاریم و این ابتلای وارد شده به جهان هستی، تلنگری است که باورهایمان را و در پی آن رفتارهایمان را خدامحور کنیم تا به سعادت برسیم.

«خداوندا، ای کسی که گره مشکلات و بدی‌ها به دست او گشوده می‌شود و برون رفت از این مشکلات از او خواسته می‌شود؛ تو وسیله‌سازی. در آن چه پیش آمده که مرا با غم و اندوه درگیر کرده است، تنها تویی راهگشا و دافع شرّ. ای مهربان‌ترین مهربان‌ها و پرورش دهنده جهانیان!».

۳. چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟

حسین سوزنچی^۱

۱. صحنه اول (مرگ آگاهی)

۱-۱. پرده اول

در میان حقایق عالم، بدیهی‌ترین حقیقت که هیچکس نمی‌تواند انکارش کند «مرگ» است! همه می‌میریم؛ با هر سابقه‌ای؛ با هر امکاناتی، با هر پست و مقامی.

در قبال مرگ، دو راه بیشتر نداریم: یا آن را نادیده بگیریم تا غافلگیرمان کند؛ و یا اینکه آن را جدی بگیریم و آماده‌اش شویم. کسی که به دنیا دل بسته، می‌کوشد دائماً مرگ را نادیده بگیرد؛ اما زندگی وقتی واقعاً زندگی

۱. دانشیار دانشگده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری / دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام / گروه علوم اجتماعی /

رایانامه: souzanchi@bou.ac.ir / تاریخ نگارش: هفدهم اسفند ۱۳۹۸.

است که مرگ هم نتواند به آن آسیب برساند؛ پس تنها کسانی واقعاً زندگی می‌کنند که از مرگ نترسند. اگر قبلاً در کتاب‌ها می‌خواندیم که بزرگترین مرد عالم فرمود «به خدا سوگند، انس پسر ابوطالب با مرگ بیش از انس کودک به سینه مادر است» (نهج البلاغه، خطبه ۵)؛ نمردیم و شاگردی از آن مکتب به نام حاج قاسم سلیمانی را دیدیم که نه تنها از مرگ نمی‌ترسید، بلکه همواره آماده، بلکه مشتاق آن بود؛ و به جرأت می‌توان گفت: «اگر معدود افرادی باشند که بتوان قسم خورد که آن گونه که باید و شاید زندگی کرده‌اند، قطعاً حاج قاسم ما یکی از آنهاست».

۲-۱. پرده دوم

۱. خداوند نظام دنیا را طوری آفریده که هر انسانی می‌میرد. اجل هرکس معلوم است و وقتی اجلش سررسد لحظه‌ای جلو یا عقب نمی‌افتد^۱ (اعراف/۳۴).

۲. می‌گویند وقتی خداوند حضرت عزرائیل را مأمور مرگ انسان‌ها قرار داد، گلایه کرد که در این صورت مردم از من بیزار می‌شوند. خداوند فرمود نظام عالم را طوری قرار می‌دهم که مرگ هرکس به یک عامل طبیعی مربوط شود تا کسی تو را مقصر نداند. صرف نظر از صحت و سقم این روایت، حقیقتی در پس این داستان هست. انسان‌ها بخواهند یا نخواهند می‌میرند؛ و عوامل مختلفی مرگ آن‌ها را رقم می‌زند.

۳. احتمال مرگ بر اثر ابتلا به کرونا را ۲ درصد دانسته‌اند و همه کشورهای

۱. وَ اللَّهُ لَبِئْسَ أَجْرُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَذَى أُمَّه.

۲. وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ: همانا برای هر امتی اجلی است که هنگامی که اجلشان بیاید نه لحظه‌ای از آن عقب می‌مانند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟ □ ۸۷

در حال اجرای مراقبت‌های شدید برای محدود کردن آن‌اند. سالانه ده‌ها میلیون نفر در جهان بر اثر بیماری‌ها و حوادث مختلف می‌میرند. آمار سالیانه مرگ و میر بر اثر حوادث رانندگی، رقمی میلیونی است که با شیوع کرونا عملاً بسیاری از رفت‌وآمدهای در جهان محدود شده و این آمار بشدت افت می‌کند؛ یعنی بعید است با کنترل‌های شدیدی که برای جلوگیری از گسترش این ویروس در کل جهان انجام می‌شود، ویروس کرونا تغییر چندانی در آمار مرگ و میر انسان‌ها ایجاد کند.

اکنون:

اگر قرار است همه بمیرند و اگر عوامل خارجی در مرگ ما مؤثر است؛ و اگر ویروس کرونا تنها یکی از عوامل است که در مقایسه با سایر عوامل نقش مهم‌تری هم ندارد، چرا این همه هیاهو ایجاد کرده است؟!

۳-۱. پرده سوم

به نظر می‌رسد اساس زندگی مدرن بر غفلت است. همه مشغول اموری هستیم که در حقیقت وجود ما جایی نخواهد داشت. برخی در پی جمع‌آوری مال و ثروت، عده‌ای دنبال پست و مقام، برخی در پی شهوت و شهرت؛ و جماعتی هم مبتلا به زن و فرزند.

در منطق اسلام، همراه هر سختی راحتی‌ای هست^۱ (سوره انشراح، آیه ۵-

۱. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: پس همانا با هر سختی آسانی است؛ قطعاً با هر سختی آسانی است.

۶؛ چه بسا چیزی را که ناخوش می‌دارید، اما خیر فراوان در آن است^۱ (سوره نساء/ آیه ۱۹؛ سوره بقره، آیه ۲۱۶). این ویروس هم علی‌رغم همه بدی‌هایش، با آمدنش در این دوره غفلت‌زدگی، همه را به یاد مرگ انداخته است؛ و این خواب انسان‌هایی را که به نادیده گرفتن مرگ، عادت کرده‌اند، برهم می‌زند. کرونا احتمالاً اثر چندانی در آمار مرگ و میر نخواهد گذاشت؛ اما آمده تا محکی باشد برای عیارسنجی زندگی ما، و بلکه عیاری باشد برای شعارهایی که می‌دهیم و ادعاهایمان. آمده تا ما را - قبل از اینکه به رسوایی در محشر گرفتار شویم- در پیشگاه خودمان رسوا کند؛ و مرگ را که واقعیتی انکارناپذیر است و دائماً می‌کوشیم آن را به فراموشی بسپاریم، جلوی چشم ما قرار دهد تا قد و قواره خود را درست ببینیم و قدر و قیمت خود را دقیق بشناسیم. آمده تا به ما بفهماند که نه تنها حاج قاسم، بلکه تمامی آن مدافعان حرم که به استقبال مرگ می‌روند، چقدر بزرگ‌تر از مايند و ما چه اندازه حقیریم. آمده تا

آینه چون روی تو بنمود راست

بله امروزه همگان دست به دست هم داده‌اند که به ما گوشزد کنند که توصیه‌های بهداشتی برای حفاظت از جسممان را جدی بگیریم؛ از همه‌شان ممنونیم و سعی می‌کنیم به این توصیه‌ها گوش دهیم.

شاید این ویروس هم آمده که با یادآوری واقعیتی به نام مرگ - که

۱. فَعَسَىٰ أَنْ تَكَرَّهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً؛ چه بسا چیزی را ناخوش می‌دارید و خداوند در آن خیر فراوانی قرار داده است.

۲. وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ و چه بسا چیزی را ناخوش می‌دارید در حالی که برای شما خوب است، و چه بسا چیزی را دوست دارید در حالی که برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

چرا باید از ویروس کرونا متشکر باشیم؟ □ ۸۹

فراموشی‌اش زندگی‌ها را پوچ و جدی گرفتنش معنای زندگی را عمق می‌بخشد - به ما تذکر دهد که توصیه‌های بهداشتی برای حفاظت از روحمان را هم جدی بگیریم. آیا نباید از او هم ممنون باشیم؟!

۲. صحنه دوم (آزمون گروهی خاص)

مؤمن بودن به قیافه و شغل ... نیست، به شرکت کردن و قبولی در آزمون خداوند متعال است؛ هرکه می‌خواهد در دانشگاه ایمان، کلاس بالاتر برود باید امتحان بدهد:

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْتَغُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (سوره عنكبوت، آیات ۲-۳).

آیا مردم چنین حساب کرده‌اند که رها می‌شوند که بگویند ایمان آوردیم و دچار فتنه نخواهند شد؟ در حالی که قطعاً و حتماً کسانی را که قبل از آنان بودند را به فتنه انداختیم تا خداوند معلوم کند که چه کسانی راست می‌گفتند و نیز دروغگویان را معلوم کند.

از انقلاب تاکنون در این کشور گروه‌های مختلفی وارد آزمون شده بودند و بسیاری از سربلند بیرون آمده بودند. یکی از اقشار مهمی که بویژه به خاطر وجود معدود پزشکان زراندوز فرصت‌طلب و ماجرای حقوق‌های نجومی که پیش آمد، در اذهان بسیاری از اقشار دیگر، متهم به دنیاپرستی و ضعف در دینداری بودند، جامعه پزشکی و درمانی کشور بود.

این ویروس با آمدنش برگه آزمون الهی را جلوی کادر سلامت کشور گذاشت. اندکی با بهانه‌های واهی پا به فرار گذاشتند، خیلی درصد سودجویی از این بحران برآمدند و کالاهای بهداشتی را احتکار کردند و یا به

۹۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

قیمت گزاف فروختند؛ اما اکثریت چشم‌گیری در این قشر با کمال افتخار در این آزمون وارد شدند و بسیاری هم بقدری پاخشان کامل و جامع بود که برگه اضافی هم طلب می‌کنند!

خداوند در این آزمون، عیار افراد را آشکار کرد؛ نه تنها برای خود آن‌ها؛ بلکه برای اینکه همه بفهمند که علی‌رغم وجود دانشجویان مشروطی و رفوزه، مؤمن واقعی هم در این قشر کم نداریم.

آیا نباید از این ویروس که نادرست بودن قضاوت بسیاری از افراد درباره قاطبه این قشر زحمت‌کش را برملا کرد و جلوه‌های ماندگار ایثار و فداکاری در این قشر را به رخ همگان کشید، تشکر کنیم؟

و صحنه‌های بعدی هنوز در راه هست... .

۴. شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم

گزارشی مختصر از مسئله صبر و شکر^۱ از کتاب المعرفه محی الدین ابن عربی

محمدجواد ادبی^۲

مقدمه

در میان انبوه کتب و رسایل عمیق و دقیق عرفانی، نظیر فصوص الحکم و فتوحات مکیّه از ابن عربی عارف ارجمند اسلامی و مؤسس اندیشه پایه‌ای وحدت الوجود (۵۷۰-۶۳۸)، کتاب موجز، اما پراهمیتی وجود دارد بنام «کتاب المعرفه» که به شهادت نگارنده این سطور که بیش از دو دهه است با آموزه‌های ابن عربی نامدار در حوزه و دانشگاه مأنوس است، کتابی است که

۱. مسأله شماره ۲۳۶ از کتاب دفتر دانایی.

۲. استادیار مدعو دانشکده الهیات/ دانشگاه شهید مطهری/ گروه فلسفه و حکمت/ ابن عربی پژوه و محقق مطالعات تطبیقی بین‌الادیانی/ دبیر کارگروه هم‌اندیشی نقد فرق و عرفان‌های کاذب معاونت اجتماعی وزارت کشور/ رایانامه: Ibnarabi638@gmail.com / تاریخ نگارش: بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۹۹

زیده اندیشه شیخ اکبر را درون خود داراست و از خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوتی حکایت می‌کند. در ادامه جهت تحلیل بیماری عالم‌گیر کرونا و طریق مواجهه معنوی با آن، از مسئله «صبر» و «شکر» مورد بحث در این کتاب استفاده شده و موضوع از این منظر تبیین شده است:

۱. گونه‌های نعم الاهی

نیک می‌دانیم که نعم الاهی به مطلق و مقید تقسیم‌بندی می‌شوند. از نظر ابن‌عربی در این مسئله نعمت ایمان و خوش خلقی و آنچه آدمی را به سعادت اخروی می‌رساند، از «نعمت مطلق» است و در برابر، نعمت مقید مثل مال و صحت بدن و غیر آن‌ها را نعماتی می‌داند که مطلق نیستند. حتی ابن‌عربی نعماتی مثل اصلاح دین را با اصلاح دنیا از آن جهت که در شرایط عملی مطلق نمی‌باشند، مقید تلقی می‌کند. بر همین نسق، مصائب نیز مطلق و مقید می‌باشند. او مصائب مطلق را در برابر نعم مطلق قرار می‌دهد و بدین معنا، کفر، در برابر ایمان و سوء خلق در برابر حسن خلق از مصائب مطلق تلقی می‌گردد. او حتی شقاوت را چه ابدی باشد و چه غیر ابدی، از مصائب مطلقه به حساب می‌آورد، اما در این میان مصائب مقیده را نظیر بیماری و فقر می‌داند.

گویی ابن‌عربی تذکار می‌دهد که ما، در امور زندگیمان در حقیقت می‌بایست به «نعمت مطلق و مقید» و تقسیم‌بندی آن‌ها التفات کنیم تا بتوانیم در شرایط زیستی پرچالش، عمل شایسته از خود نشان دهیم. البته نگاه ابن‌عربی به تقدّم و تأخّر امور اخلاقی در زندگی اهل ایمان، می‌تواند متفاوت از مباحث ناظر به روزگار ما باشد، چرا که وی در کتاب دیگری می‌گوید: «بشر شاید در آنچه از نعمت‌ها و نعمت‌ها به وی می‌رسد

شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم □ ۹۳

داوری درستی نداشته باشد^۱» (ابن عربی، ۱۳۸۸، ص. ۴۰).

ابن عربی در این میان، نوع نگاهی را نشان می‌دهد که در آن فضایل اخلاقی نظیر «حسن خلق» می‌تواند جزو نعمات مطلق الهی به حساب بیاید، اما شاید امروز ما در مطلق و مقید بودن نعمتی مثل حسن خلق در برابر نعمتی مثل صحت بدن تفاوت قائل باشیم. البته ناگفته نماند که ابن عربی بالأعم نعمت را هماهنگی و سازگاری در هستی می‌داند. (ابن عربی، ۱۹۷۱، ج. ۴، ص. ۱۵).

ابن عربی در این مسئله «نعم مطلقه» صبر و شکر را توأمان می‌پسندد و معتقد است صبر بر طاعت، خود عین شکر طاعت است، چرا که طاعت در واقع رنج و زحمت ناظر به خود را نیز دارد که قرآن می‌فرماید: «واستعینوا بالصبر و الصلوة و آن‌ها لکبيرة الا علی الخاشعین»؛ از روزه و نماز یاری بجویید وان «نماز» جز بر فروتنان گران می‌آید^۲.

وی در باب مصائب مطلق، صبر بر مصیبت را عین شکر نعمت می‌داند، چرا که در فقره «نعم مطلقه» حکم صبر و شکر را با هم دانسته، اما در باب مصائب مطلقه ما به شکر نمی‌پردازیم، در مصائب مطلقه صبوری پیشه می‌کنیم، از این باب، ابن عربی ظهور جریان صبر و شکر در نعم مطلقه را در یک کفه ترازو، و صبر بر مصائب مطلقه را فقط بدون شکر در یک کفه دیگر قرار می‌دهد. گویی در این دو کفه ترازو، تعادل میان «نعمت و نعمت» با دو عنصر «صبر و شکر» طرح می‌شود.

۱. الملائکه یشهدون بالذهن ما یشاهده البشر بالفکر.

۲. بقره/۴۵ از روزه و نماز یاری بجویید و آن (نماز) جز بر فروتنان گران می‌آید.

۲. نعمت در دایره صبر و شکر

گاهی اوقات قدر نعمت را دانستن موقعیت مهمی را برای آدمی می‌تواند مقدر کند که همان ثباتی که در آن نهفته است را نشان می‌دهد. در واقع ابن عربی صبر و شکر را دو روی یک سکه می‌داند و به این نکته اشاره می‌کند که اگر این دو، دو روی یک سکه‌اند، سازگار این دو روی سکه چگونه است؟ و صبر چیست؟ وی پاسخ می‌دهد که: صبر، ثبات در برابر چیزی است که خدا/ ما را به آن فرا خوانده، در برابر آنچه نفس ما آن را برای ما فرا می‌خواند. پس ابن عربی صبر را با ثبات مترادف می‌داند و این نکته را هم تذکار می‌دهد که چرا صبر همان شکر است؟ ابن عربی می‌گوید همین که آدمی در تربیت دینی یاد می‌گیرد که صبوری پیشه کند، همین یادگیری انگیزشی، خودش عین شکر است. همین که دعایی می‌خوانم و در این دعا خود را در حصن حصین الهی قرار می‌دهم، این دعا که در برابر مشکلات صبوری پیشه کنیم و خودمان را به خدا بسپاریم، واضح است که در چنین نگرشی، شکر است.

شاید در نگاه عمومی، انسان‌ها، صبر را برتر از شکر بدانند یا برخی که به مفهوم شکر بیشتر توجه می‌کنند و با شادی شکر همراه‌تر باشند و این وجه را ارجمندتر از وجه دیگری تلقی کنند، اما مبنا و معنای ابن عربی برای صبر و شکر یکسان است. از نظر وی مجاری صبر، طاعت، مصیبت و معصیت است. او معتقد است که اگر نعمتی را از ما گرفتند، صبر بر از دست دادن نعمت و راضی بودن به رضای الهی خودش می‌تواند «اجر» بالایی داشته باشد. حال سؤال اینجاست که چرا ابن عربی در نعم مطلق، صبر را مطرح می‌نماید، مگر نعم، غیر از شکر نیاز به چیز دیگری هم دارند؟ پاسخ آن است که هیچ

شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم □ ۹۵

نعمتی بدون صبوری حاصل نمی‌شود، چرا که ایمان به خداوند، صبوری پایداری نسبت به امورات دیگر می‌خواهد. پس آدمی برای حفظ نعمت باید صبر بر نعمت نیز داشته باشد. سخن اینجا بدین معناست که در ابتدا نعمت داده می‌شود و آنگاه برای ابقاء نعمت از ما شکر و صبر را توأم می‌خواهند. حال باید پرسید کدام نعمت است که در دسترس قرار گرفتن آن بدون فراز و نشیب است؟ مگر نعمات بدون ابتلاء محافظت می‌شوند؟ پاسخ ابن عربی این است که عافیت به معنای نعمت مطلق، همیشه در دستبرد تهدیدات مختلف است، بدین معنا که در حقیقت آنچه برای حفظ نعمت نیاز است، صبوری بر داشتن آن است، پس حفظ آن صبوری پایدار می‌طلبد، صبوری‌ای که در واقع، تمتّع آن نعمت را نیز برای آدمی بیشتر نشان می‌دهد. گویی انسان هرگاه برای نعم مطلق خود و حفظ آن صبوری می‌کند، در واقع سازگار متفاوتی را برای فهم نعمت پیش روی خود می‌گذارد.

به زبان دیگر ابن عربی با ذهن تیزبین عرفانی - تحلیلی خود، نوع نگاه متفاوتی را پیش روی ما می‌گذارد که «صبر بر دارندگی یک نعمت» را تذکار می‌دهد. از منظر وی برای آن که نعمتی را برای خویش حفظ کنیم، باید به سراغ فرصت‌های دیگر نرویم و در برابر به دست آوردن آن فرصت‌ها، صبوری پیشه کنیم. ابن عربی این صبر را «صبر بر نعمت» می‌داند. طبیعی است که شکر همیشه در دارایی و نعمات مطرح بوده است، اما آنچه پیش روی ما است «صبر بر نعمت» است که به سادگی درباره آن شاید آمادگی تربیتی نداشته باشیم؛ زیرا آدمی در بسیاری از امور، برای داشتن یک نعمت به آن بسنده نمی‌کند، در برابر آن صبوری نمی‌کند و به همین واسطه آن را از دست می‌دهد. به گفته سعدی:

نه عاشق است که هر ساعتش نظر به کسی

نه عارف است که هر روز خاطرش جایی است (سعدی، ۱۳۸۰، ج. ۱، ص.

۳۴۰)

سعدی در این بیت، صبر بر نعمت را به یاد ما می‌آورد. صبر بر نعمت، یعنی زیاده‌طلبی بر خواهش و خواستن نداشته باشیم. از نظر ابن عربی «بسنده‌گی در داشتن امری» ارزشمند است، همان که در بلندی‌ها و اعماق و روشنائی‌ها و تاریکی‌ها به کار ما می‌آید. داشتن نعمت دو نوع صبر می‌خواهد: یکی آن که در به دست آوردنش صبوری کنیم، دیگری آن که در نگاه داشتنش و به ثبات رساندنش، صبر پیشه کنیم. سؤال اینجاست که مگر ما، مأمور به پویایی در خواسته‌های معنویمان هستیم؟ پاسخ آن است که ما مأمور به درخواست موقعیت‌های بهتری در زمینه‌های خیر، برای خویش هستیم، با این شرایط که اولاً آن موقعیت‌ها به دست بیایند، ثانیاً شرایط به نحوی خود را نشان بدهد که موقعیت دوم ارزشمندتر از موقعیت اول باشد، ثالثاً شرایط مخاطره آمیز در به دست آوردن موقعیتی جدید آن گونه باشد که بتواند جایگزین اعتماد پیشینی ما به موقعیت قبلی قرار گیرد تا از این رهگذر آنچه پیش می‌رود، درواقع سامان بهتری را فرا روی ما قرار دهد. به همین دلیل، ابن عربی تنها با «صبر» همراهی می‌کند و آنچه پیش روی ماست در واقع دیدن نعمات در دسترس ما و صبر بر آنهاست، سخنی که گاهی به آن کمتر توجه می‌کنیم.

۳. صبر یا رهایی مصائب

ابن عربی معتقد است صبر بر مصائب مطلقه، در حقیقت رهایی از آنها است؛ یعنی در غم‌ها نمانیم، بلکه آنها را در شرایطی مطلوب در نظر بگیریم؛

شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم □ ۹۷

یعنی گذر از آن‌ها را برای خود معیار قرار دهیم، گذری که همواره و همیشه می‌تواند ما را به سازوکاری بهتر با شرایطمان مواجه نماید. گویی وی اشتباه، تجربه و شکست‌های تکراری را جزو لاینفک زندگی آدمی می‌داند. حتی ابن عربی از این نیز پیش‌تر می‌رود و معتقد است که اگر فردی نتواند از مصائب بگذرد و در این عدم ترک از مصائب بمیرد، مرگ او همراه با عصیان است.^۱ او در حقیقت «صبر بر مصائب» را روا نمی‌داند، بلکه «رها کردن مصیبت» را معنی‌دار می‌داند. گویی وی تعادل میان «اعتماد و ملاحظات موّجه» در ماندن در مصیبت یا رهایی از آن را گوشزد می‌کند (کونگ، ۱۳۹۱، ص. ۵۲).

۴. اجتماع مطلق و مقید، جمع شادی و غم

ابن عربی معتقد است «بلاء مطلق یا نعمت مطلق» اگر به صورت «بلاء مقید و نعمت مقید» مطرح گردند، در آن، صبر و شکر هر دو جمع می‌شود؛ یعنی ما به صبر و شکر با هم و توأمان وقتی نیازمندیم که بلاء و نعمت برای ما مقید باشد. در حقیقت ابن عربی قید مقید را برای بلاء و نعمت از آن جهت در نظر می‌گیرد که با این قید بتوان صبر و شکر را با هم در نظر آورد، از آن جهت که در فقره فوق قواعد ناظر به بلاء مطلق و نعمت مطلق را بیان نمود.

حال اگر گفته شود این دو متضادند و چگونه می‌توانند جمع شوند؟ چون صبر در مورد فرد غمگین است و شکر برای فرد شاد و خوشحال، ابن عربی می‌گوید در هر بلاء مقیدی باید دو حیطة را با هم در نظر آورد. حیطة‌ای که سختی آن بلا را به ما تذکر می‌دهد و حیطة دیگری که فرصت عملی ناظر به دریافت جنبه‌های درس‌آموز آن غم را به شادمانی می‌گرایاند. به زبان ساده‌تر

۱. بل کل مولم یمكن ازالته و مات بسببه مات عاصیا.

ابن عربی به ما آموزش می‌دهد که در بن هر غم مقیدی، درسی عمیق از حکمت ربّانی نهفته است، همان درسی که می‌تواند ما را به فهمیدن آن درس شادمان سازد که این شادمانی در درک پیام غم، شکر می‌طلبد و آن غم که بر فرد سالک بار شده است در بن خویش صبوری را برای او برمی‌پسندد. آنجا که مولوی می‌گوید:

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جدّ

وین عجب من عاشق این هر دو ضدّ (مولوی، ۱۳۹۸، دفتر اول: بخش ۸۴). این «به جدّ بودن» ناظر است به درک توأمان حقیقت صبر و شکر با هم. از این بابت ابن عربی این اعتبار معنوی را برای ما فریاد می‌آورد که مانند آدمیان سطحی تنها به رنجوری غم، بسنده نکنیم، بلکه در حقیقت ماجرا آنچه برای ما میناست، شکر همراه با این صبر است.

۵. عافیت و تقوی

ابن عربی در این بین به روایتی از پیامبر استناد می‌کند که می‌فرماید: «سلو الله العافیه. فما اعطى عبد افضل من العافیه الا المتقین: از خداوند عافیت و سلامت را درخواست کنید که به هیچ‌کس جز به اهل تقوی چیزی بهتر از عافیت داده نشده است» (کتاب‌المعرفه، ۲۰۰۳، ص. ۱۷۳). از عافیت بالاتر، یقین است و از یقین بالاتر، تنها سازکار مطلوب یقینی است وگرنه عافیت داشتن بهره بسیار بالایی از زندگی است. بالاتر از عافیت، یقینی است که خداوند به بندگان می‌دهد، چرا که اهل تقوا چشم گشوده‌تری دارند، اهل تقوا ادراک متفاوت‌تری دارند، در واقع پیامبر می‌فرماید: اگر از عافیت چیزی برتر را برای شما بخواهم قرار بدهم، آن یقین است.

حال باید ابن عربی به این سؤال پاسخ دهد که در کجا، صبر ما با رضای

شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم □ ۹۹

الاهی گره می‌خورد؟ آیا عافیت را باید اینجا بجوییم؟ کجا ما می‌توانیم رضای الاهی را مقدّم بر خواسته‌های خودمان بداریم؟ پاسخ وی آن است که جایی که چیزی را از دست داده‌ایم، یا از ابتدا اصلاً نداشته‌ایم، بر نداشتن و از دست دادن آن اگر صبر پیشه کنیم، اینجا صبر با رضایت گره می‌خورد. نکته جالب آن است که از نظر ابن عربی صبر برای کسی که نعمت دارد، استفاده درست از نعمت است که این خود نشان عافیت است.

۶. صبر فاقد، شکر واجد

ابن عربی می‌گوید بین این که نعمتی را زیاد نداریم و «صبر فاقد» می‌کنیم و موقعیتی که «شکر واجد» را بجای می‌آوریم کدامیک برتر است؟ وی می‌گوید: «شکر آن واجد»، برتر از «صبر آن فاقد» است. ابن عربی ما را به ناداری و گرفتاری دعوت نمی‌کند، بلکه می‌گوید اگر این دو موقعیت را بسنجید که یک فرد داراست و شکر می‌کند و در مسیر درست از آن مال استفاده می‌کند و دیگری ندارد است و صبر می‌کند، آنکه از امکانات بهره‌مند است و شکر می‌کند، برتر است. وی به این نکته هم اشاره می‌کند که اگر شما دارایی بیشتری داشته باشید و شکر کنید و همه این دارایی را برای خودتان استفاده نکنید و برای فقرا صرف نمایید، این خودش نوعی صبر است که باطن شکر را از نظر وی نهفته دارد؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ، لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۱.

۷. کرونا تعلیقی بین صبر و شکر

از آنچه بیان گردید حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکنون در این شرایط،

۱. معارج/۲۴-۲۵ و آنان که در اموالشان حقی است معین- برای گدا و محروم.

ابن عربی به ما تذکار می‌دهد که باید به *مأمن شکر* بگراییم که این بیماری صعب، امورات مختلفی را به یاد ما آورد. مثلاً به جای آن که به «مسائل آفاقی» وابستگی زیادی داشته باشیم، به «مسائل انفسی» هم وابستگی پیدا کنیم. ابن عربی معتقد است در بلای مقید ما می‌بایست صبر و شکر را با هم داشته باشیم. مثل همین حالا که در داستان کرونا همه گرفتار شدیم. صبوری در برابر بیماری، صبوری در برابر تهدیدات، صبوری در برابر شرایط بدی که اکنون داریم، باید همراه شکر باشد! شاید هیچ کس به شکر کردن در این موضع فکر نکند! یعنی بگوییم آمدن کرونا به کشور شکر دارد؟ خیر! از این جهت شکر ندارد چون بسیاری از عزیزان ما جان خود را از دست داده‌اند و به همین دلیل هم ابن عربی می‌گوید بلای مقید، یعنی بلایی که قید دارد از جهاتی می‌تواند ما را صبور کند و از جهات دیگری نمی‌توان در برابرش صبوری کرد. از آن جهت می‌توانیم شکر کنیم که به ما یاد داد چقدر صدمه‌پذیر هستیم، چقدر آدمیان مغروری هستیم! این وپروس «عجز» ما را به ما یادآوری کرد. به ما یاد داد که چقدر تبختر داشتیم و می‌گفتیم که ما به راحتی می‌توانیم بر همه چیز استیلا پیدا کنیم. این وپروس بشریت و استیلای او را در جهان به چالش کشیده است.

فهم این موضوع که اکنون با این همه تفرعن، آدمی دچار «سرگشتگی» شده است شکر دارد؛ نه از آن بابت که این بلا بر سر ما آمده است، چرا که بلا صبر و تحمل و آگاهی می‌خواهد. از آن جهت که ما را به محدودیت‌های خودمان و عجز خودمان و دوری از فرعونیت نفسمان وامی‌دارد، از این جهت شکر دارد، گویی این بلا غفلت ما را به چالش می‌کشد و یک نوع رفتار متفاوتی را برای ما رقم می‌زند که همراه *خسوع و خضوع* است. همان رفتاری

شکر که ما سوختیم، سوختن آموختیم □ ۱۰۱

که مهارت‌های مادی ما را فقیرانه می‌داند و به ما تذکار صد چندان می‌دهد که بتوانیم *ترس‌هایمان* را کنترل کنیم و فرزاندگی را در درک درست صبر و شکر جست‌وجو نماییم، این بیماری به ما یاد می‌دهد که ما آدمیانی هستیم که فکر می‌کردیم کنترل خوبی بر *درون* و *برونمان* داشته‌ایم، اما حال فهمیده‌ایم که اینگونه نبوده و نیست!

با آنچه ابن عربی بیان نمود، شاید بتوان راه بیرون‌شدی از «*الگوریتم* پیچیده» توهم غنای مادی انسان از معنا فراهم آورد. گویی این بلا به ما یاد داد که بیشتر دعا کنیم. به ما یاد داد که بیشتر توبه و انابه کنیم. در حقیقت منظور این است که صبر و شکر را باهم داشته باشیم. نکته اینجاست که بیماری برای ما صبوری به ارمغان می‌آورد که خود این صبوری «اجر» دارد، این ریاضت و رضایت به رضای الهی اجر دارد و صبر و شکر در برابر چنین بلایی کار ارزشمندی است. شاید ما در شرایط عمومی این اجر را بر خودمان هموار نکنیم. شاید در شرایطی معمولی زندگی کنیم و به چالش کشیده نشویم و در برابر عدم چالش، دستاوردهای معنوی کمی هم داشته باشیم. شاید به چالش کشیده شویم و در برابر چالش صبر کنیم و این صبر برای ما اجری به ارمغان بیاورد که آن اجر موقعیت عادی سلوک و زندگی ما را به پیشرفت برساند. به زبان ساده‌تر، زندگی *روال* عمومی خودش را دارد، ما هم *ریاضت* خاصی برای بلای خاصی نمی‌کشیم و چون *ریاضت* خاصی نمی‌کشیم، ارزش امور برای ما معمولی است. حال، شرایط زندگی به هم می‌خورد و سخت می‌گردد، شیوعی پیرامون ما پیش می‌آید که آن شیوع آزاردهنده است، ما در برابر این آزار مجاهده می‌کنیم، در برابر این آزار ایثار و صبر می‌کنیم و به یکدیگر عشق بیشتری می‌دهیم. این موجب می‌شود که

۱۰۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاهها و راهبردها (۲)

اجر بیشتری ببریم و آن اجر بیشتر شرایط عادی زندگی ما را متفاوت می‌کند. چون اجر بیشتر ما را معنوی‌تر کرده است و ما را در زیست مادی و معنوی قوی‌تر کرده است. ابن عربی می‌گوید در بلاها نیمه پر لیوان را هم می‌توان دید، فقط به نیمه خالی لیوان توجه نکنید. الآن همه جهان فقط نیمه خالی لیوان را می‌بینند، اما حکیمان کسانی هستند که این غم را برای خودشان به معنای ریاضت، تبدیل به یک موقعیت معنوی بکنند.

بلا سخت است، اما نگاه حکمی می‌گوید: «البلاء للولاء». خداوند آدمیانی را که می‌خواهد به خودش بیشتر نزدیک کند، دچار بلاء بیشتری می‌کند و صبر بر این بلا، موجب اجر بالاتری نیز می‌شود. همان که ابن عربی از او با عنوان «نعمت» یاد می‌کند و می‌گوید نعمت، صبر بر بلا است، صبر و ریاضت در برابر آن چیزی است که بر ما ایجاد می‌شود.

۸. منابع و مآخذ

ابن عربی، محی‌الدین. (۱۳۸۸). شجون المسجون و فتون المفتون، اندوه‌های زندانی. ترجمه: گل‌بابا سعیدی. تهران: انتشارات نیل.

ابن عربی. (۱۹۷۱). الفتوحات المکیه فی معرفه الاسرار المالکيه و المکیه. بیروت: دار صادر

ابن عربی، محی‌الدین. (۲۰۰۳). کتاب‌المعرفه. دمشق: التکوین

سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله. (۱۳۸۰). غزلیات سعدی. تصحیح: کاظم برگ‌نپسی. تهران: فکر روز.

کونگ، هانس. (۱۳۹۱). هنر زیستن (تأملاتی در معناداری زندگی). ترجمه: حسن قنبری. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۹۸). مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بر اساس نسخه رینولد نیکلسون. تهران: پیام عدالت.

۵. بحران در بدن و بحران در مدینه!

سجاد هجری^۱

این روزها با پدیداری بلای «کرونا» در جهان، «بحران» از پرکاربردترین واژه‌هاست! آن را برابر crisis می‌نهند؛ ولی در فارسی، واژه‌هایی دیگر مانند «معرکه»، «هنگامه» («ولاستون/کمان‌گیر» از نخستین فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی!)، «گاه خطر»، «موقع مهم» (فرهنگ بزرگ حییم)، «بزنگاه»، «سرگشتگی» (آریان‌پور)، «وضع حساس»، «نقطه‌ی عطف» (هزاره حق‌شناس) و ... را نیز برابرش گذارده‌اند! در کجایی و ریشه این واژه، آراییی گوناگون گفته‌اند: برخی آن را «مولد» («جوهری: جمیع ذلک مولد» و «صفی‌پوری: و کل ذلک مولد»)، برخی معرّب از «سریانی» (خوارزمی: وهذه کلمه سریانیه) و برخی تازی شده از «یونانی» (تهانوی: بالضم هو لفظ یونانی معرب) دانستند؛

۱. مشاور و تحلیل‌گر ارشد پژوهش‌کده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت / رایانامه:

sajjadhejri@gmail.com / تاریخ نگارش: بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۹۸.

۱۰۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

اما آشکارا، این واژه زبان‌زد/اصطلاحی در پزشکی است که به شکل «مجازی»، در دیگر حوزه‌ها به کار رفته است: «لفظ مذکور مجازاً در شدت و تزلزل و تصادم امور مهم استعمال می‌شود، مثل بحران سیاست و بحران کابینه و امثال آنها» (فرهنگ نظام داعی‌الإسلام) و این دست بهره‌گیری از واژگان دانش طب در «اجتماعیات»، «اقتصادیات» و «سیاسیات» کم نیست؛ زیرا از گذشته‌های کهن، مدینه را به بدن و سیاست مدن را به صناعت طبّ مانند می‌کردند: «كما أن صحة البدن ... كذلك صحة المدينة ...» (فصول منتزعه فارابی) و آن دو را همانند و در کنار هم به کار می‌بردند: «كذلك في الأفعال الإنسانية أي في الصناعات الفاعله مثل صناعة التمدن وصناعة الطب» (تفسیر مابعدالطبیعه ارسطوی ابن رشد) و حتی برخی، در یک کتاب، این دو را بررسی‌ده‌اند: «حفظ الصحة و سیاست المدن» حکیم ساوجی بفارسی!

این ویژه‌واژه‌ی طبّی را در بسیاری از کتاب‌های پزشکی جهان اسلام مانند «الحاوی» رازی، «الموجز فی الطب» ابن نفیس، «المولودین» حنین، «التصریف» زهراوی، «شرح أقسرائی»، «کناش فی الطب» کشکری، «المختارات فی الطب» بغدادی و ... می‌توان یافت؛ ولی در برخی فرهنگ‌های لغت تازی به تازی کهن (مانند «کتاب العین/ق. ۲»، «المحیط فی اللغه/ق. ۴»، «مقاییس اللغه/ق. ۴» و ... حتی «المعرب من الکلام الأعجمی/ق. ۵» که واژه‌های تازی شده را گرد آورده!) این واژه دیده نمی‌شود و در فرهنگ‌های دیگر تازی به تازی («صحاح اللغه/ق. ۴»، «لسان العرب/ق. ۷» و ... حتی «أقرب الموارد/ق. ۱۴» و «المنجد/ق. ۱۴») نیز تنها به معنای زبان‌زد پزشکی آمده است. در فرهنگ‌های تازی به فارسی (مانند «تکمله الأصناف/ق. ۶»، «دیباج الأسماء/ق. ۷ یا ۸» و ... و فارسی به فارسی (مانند «برهان قاطع/ق. ۱۱» و «فرهنگ رشیدی/ق. ۱۱»)

بحران در بدن و بحران در مدینه! □ ۱۰۵

پیش از دو سده گذشته، این واژه یاد نشده و اگر شده (مانند «فرهنگ نفیسی/ق. ۱۳»، «غیاث اللغات/ق. ۱۳» و ...)، به همان معنای طبّی آمده و سخن «غیاث» در این باب خواندنی‌ست؛ زیرا او چنین شرح می‌دهد که در پزشکی، طبیعت را به پادشاه، بیماری را به دشمن، بدن را به ملک/کشور و روز بحران را به روز قتال/جنگ مانند کرده‌اند که گویی، به عکس آنچه پیش‌تر گفته شد و نامورست، بدن به مدینه مانند شده و خود زبان زد طبّی، استعاری و برگرفته از حقایق اجتماعی-سیاسی است که گویا در این صورت، کاربرد امروزی، بازگشت به وضع نخستین است («تکامل» داروین نیز گویا این‌گونه است!)!

معنای امروزی بحران، تنها در فرهنگ‌های فارسی سده اخیر (مانند «فرهنگ نظام»، «لغت نامه‌ی دهخدا» (دهخدا آن را در آمیزش/ترکیب با «سیاسی» و «اقتصادی» شرح داده؛ ولی هیچ گواهی برای این دست کاربردها از نظم و نثر نیاورده!) و ...) ذکر شده و در این میان، «فرهنگ انجمن‌آرای ناصری/ق. ۱۳» چنین آورده: «بحران محنت، کنایه از در رنج بزرگ افتادن به خلاف بحران طرب که کنایه از رستن از محنت است» (دقّت شود که این دو را «کنایی» می‌دانند!) که به معنای امروزی نزدیک است و کاربردهای استعاری بحران در اشعار فارسی کم نیست: «مسعود سعد: سخن تند راست خواه از من/گر چه جان در میان بحران است» که بیش‌تر به همراه ویژه‌واژه‌های دیگر طبّی به کار رفته: «خاقانی: خیالی که بندد عدو را عجب نی/که سرسام سوداش بحران نماید» و «همو: رست دلش در مرض از سر سرسام جهل/این همه ماخولیاست صورت بحران او» و گاه با واژه «بحر» که (در برخی حروف!) همانند بحران است و برخی آن دو را هم‌خانواده پنداشتند،

۱۰۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

آمده: «مولوی: پس بگو کو جنبش و جولانتان/بحر افکنده است در بحرانتان» و «همو: چون تو آن دو شدی بحر آن تست/گر چه این دم نوبت بحران تست!» «فرهنگ سخن» که بحران را امروزین و «جامع» معنا کرده و به مقتضای سبک و «مأموریت» ش، به پیشینه پزشکی آن اشاره نکرده است، از «شرح زندگانی من» مستوفی که در دهه‌های آغازین سده اخیر خورشیدی نگاشته شده، برایش گواهی آورده: «پس از یک ماه بحران، کابینه مستوفی‌الممالک روی کار آمد» و در درآیند (= مدخل) «بحران‌آمیز» نیز از همان کتاب مثال زده: «وضع بحران‌آمیزی ... برای کشور پیش آمده» که گویا نشان‌گر «جاافتادگی» (پختگی!) کاربرد بحران در معنای امروزینش در متن‌های فارسی آغاز این قرن است!

فرهنگ‌های تازی به فارسی امروز (مانند «عبدالنبی قیّم: فرهنگ معاصر عربی-فارسی»، «پرویز اتابکی: فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی-فارسی» و ...)، همچنان همان معنای طبّی (و پیرامونش مانند «سرسام» و «سختی گرما»!) را برابر بحران تازی نهادند آذرنوش در «فرهنگ معاصر عربی-فارسی» خود که برگردانی از فرهنگ «هانسور» ست، برابر و به مانند هانسور و بی‌کم‌و‌افزون، «بحران (بیماری)؛ اوج، منتها درجه (مثلا بحران روحی)» را در شرح درآیند بحران در تازی آورده؛ ولی با توجه به دو مواردی که در کمان آمده، گویا همه در زمینه‌ی بیماری‌اند!. گویا امروزه در تازی، برابر crisis واژه «آزمه» بکار می‌رود و بحران در تازی، معنای جامع امروزین بحران در فارسی را ندارد!

با توجه به آنچه گفته شد، شاید این معنای امروزین، در فارسی نوست و «نقل» (از معنای پیشین بپسین!) بلکه «توسعه» (معنایی-استعمالی!) این

بحران در بدن و بحران در مدینه! □ ۱۰۷

واژه، به تازگی رخ داده و شاید حتی کسی بگوید که پس از برابرنهی آن با واژه‌ی crisis در برگردانش به فارسی یا مقارن/هم‌زمان با آن، چنین شده که نیازمند بررسی‌ست! «فرهنگ معین» بحران را «آشفتگی و تغییر حالت ناگهانی» و «بالترین مرحله یک جریان» گفته و برخی نیز «آشفتگی»، «آشوب»، «تشنج»، «تلاطم» و ... (این واژه‌ها آدمی را بیاد بحر/دریا می‌اندازد که آن را ریشه بحران می‌پندارند!) را برابرش گذاردند و همچنین آن را به معنای «مخاطره» دانستند و برخی سره‌نگاران نیز «چالش» را برایش پیش نهادند. بحران در پزشکی چیست؟! تهانوی در «کشاف اصطلاحات الفنون» پس از آن که معنای واژه بحران را در یونانی «الفصل فی الخطاب» آورده (که آدمی را بیاد «قضا [ء]/داوری» می‌اندازد و معنای «نقد» را به ذهن می‌آورد!) و ناظر به پزشکی آن را «الخطاب الذی یکون به الفصل بین الخصمین أعی الطبیعه والمرض» دانسته، از جالینوس نقل می‌کند: «هو الحكم الحاصل لأنه به یکون انفصال حکم المرض إما إلى الصحه وإما إلى العطب» و بحران را نزد پزشکان لازمه این معنا می‌شمارد و می‌گوید: «وهو تغیر عظیم یحدث فی المرض دفعه إلى الصحه أو إلى العطب» (سپس گونه‌های بحران را که برخی رو به تندرستی و برخی دیگر رو به نابودی است، برمی‌شمارد!) و مانند آن، داعی‌الإسلام در «فرهنگ نظام» بحران را «نهایت شدت مرض که در آن یا طبیعت غالب شود و صحت آید یا مرض غالب شود و موت» و خوارزمی در «مفاتیح العلوم» آن را «البحران حاله تحدث للعلیل دفعه استفراغا وتغیرا عظیما ... وینتقل المریض من البهران إلى صلاح وربما انتقل إلى ما هو أشد منه» تعریف کرده‌اند (آریان‌پور در فرهنگ: «شور/اوج بیماری»، «نقطه عطف مرض» و «کریز» (تولک و پَرریزی پرنندگان!) را نیز برابر crisis آورده)!

باید دانست که بحران در ویژه‌واژگان «نجوم» و «تنجیم» (أحكام النجوم) نیز در آمیزه «مراکز بحران/البحران» بکار رفته که بدان «تأسیسات القمر» نیز گویند! تهنوی آن را «رسیدن ماه به درجاتی معین از فلک بروج» تعریف می‌کند: «نزد منجمان عبارت است از رسیدن قمر به درجات معین از فلک البروج و آن را تأسیسات قمر نیز گویند» (اگر چه کشف تهنوی به زبان تازی است؛ اما بخش‌هایی از آن فارسی است که ویراستاران آن بخش را در به تازی برگردانده‌اند: «عند المنجمین عباره عن وصول القمر لدرجات معینه من فلک البروج ویقال لها أيضا تأسیسات القمر») و آن را بسیار «بدشگون/نحس» و پذیرفتن کارها و به دست گرفتن چیزها (اختیارات الأمور) را در آن، «نکوهیده/مذموم» می‌داند و «پرهیز/حذر» از آن را شایان می‌شمارد: «و در اختیارات امور مذموم‌اند و بغایت نحس؛ یعنی وقتی که قمر بدان درجات رسد، در آن وقت حذر باید نمود» (وهی مذمومه فی اختیارات الأمور وهی فی غایه النحوسه ای أنه عندما یصل القمر لتلك الدرجات فینبغی الحذر فی تلك الأوقات!) و بیرونی در «الآثار الباقیه عن القرون الخالیه» در تأثیرگذاری نیرومند ماه در مراکز بحران می‌گوید: «فإذا اجتمع مع ذلك کون القمر فی مواضع تأسیساته قوی الأمر وظهر التأثير!» شاید این زبان‌زد نجومی نیز از پزشکی به عاریه گرفته شده است؛ ولی سرانجام بحران در این زبان‌زد تنها می‌تواند ناخوشایند باشد!

از تعاریف بحران در پزشکی می‌توان دریافت که آن در زمینه بیماری رخ می‌دهد و ریشه در آن دارد و آن، دگرگونی ناگهانی است که پیامدش می‌تواند چیرگی بر بیماری (در این حالت بحران «اوج/بیشینه» بیماری است!) و بهبود یا چیرگی و افزایش بیماری و در پایان، مرگ باشد! چنانچه یاد شد،

بحران در بدن و بحران در مدینه! □ ۱۰۹

بحران در اجتماعیات، اقتصادیات و سیاسیات، «استعاره» از بحران در پزشکی است؛ ولی باید بررسی‌د که جهت/جهات «مُقرب/نزدیک‌گر» و وجه/وجه «مُبعد/دورگر» در این «مجاز به علاقه تشبیه» چیست! آیا می‌توان بحران‌های اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی را نیز دارای «زمینه» (های بیماری) دانست و آیا می‌توان گفت که آن‌جا که هیچ «انحراف/اختلال» نیست، بحرانی نیز رخ نمی‌دهد و اگر چه بحران اختلالی شدید و دفعی‌ست؛ اما در بستر انحرافی خفیف و بطی پدید می‌آید؟! اگر چنین باشد، در هر بحرانی باید به دنبال این زمینه‌ها گشت و آن‌ها را یافت و همچنین «نقطه اوج» آن را بحران نامید! گویا، بحران‌ها در پزشکی پیش‌بینی‌پذیرند و حتی پزشکان آمیزه «یوم بحران» و «یوم باحوری» را به کار می‌برند و در کتاب‌هایشان روز یا روزهایی را از آغاز بیماری یا پیدایی نشانه آن و پیش‌رفتگی‌ش، به مثابه روز بحران بیماری که گویی می‌تواند مکرر/چندباری رخ دهد، می‌آورند: «ویرتبون له حسابا یطابقون به آیام البحران ... وأما الیوم السابع فهو أفضل آیام البحران ... والثامن لایکاد أن یکون یوم بحران ... والتاسع یوم بحران ...» (بغدادی)! اما آیا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز پیش‌بینی‌پذیرند و می‌توانند چندباره رخ دهند؟! در پزشکی، بحران می‌تواند به تندرستی بینجامد و نیز شاید به مرگ منجر شود و این را در بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌توان دید و چنانچه از انگاره «چالش-واکنش» توین‌بی آشکارست، پاسخ/واکنش سزاوار و درخور به بحران، پیشرفت «تمدن» را در پی دارد؛ اما جای پرسش است که آیا آن بحران‌های پزشکی که منجر به بهبود می‌شد، برای پزشک، خود بیمار یا بدنش «تجربه» و «عبرت» به همراه دارد یا آیا «اعتماد به نفس» و «روحیه» بیمار بهبودیافته را می‌افزاید که در اوضاع/شرایط همانند از نظر

۱۱۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

روحی بتواند بهتر ایستادگی کند؟! پاسخ این پرسش‌ها برای این دست بحران‌ها در مدینه آشکارا، مثبت است! از این سبک پرسش‌ها؛ بویژه با بررسی موشکافانه بحران پزشکی فراوان می‌توان پرسید که در شناخت بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار سودمند است!

منابع

آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ۱ جلد، نشر نی - تهران، چاپ: دوازدهم، ۱۳۸۹

ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، ۱ جلد، مرکز پژوهشی میراث مکتوب - تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۰ ش.

بغدادی، علی بن احمد، المختارات فی الطب، ۴ جلد، مطبعة مجلس - حیدرآباد، چاپ ۱، ۱۳۶۲ ق.

توین‌بی، آرنولد، بررسی تاریخ/ترجمه محمدحسین آریا، ۲ جلد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۳ ش.

تهانوی، علی بن قاضی، کشف اصطلاحات الفنون، ۲ جلد، مکتبه لبنان ناشرون - بیروت، چاپ: ۱، ۱۹۹۶ م.

خوارزمی، محمد بن احمد، مفاتیح العلوم، ۱ جلد، دار المناهل - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۸ ق.

داعی الاسلام، سید محمدعلی، فرهنگ نظام، ۵ جلد، حیدرآباد - دکن، چاپ ۱، ۱۳۰۵ ش.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ۲۰ جلد، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - تهران، چاپ ۲، ۱۳۷۷ ش.

۶. کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی- ایرانی

محمدرضا قائمی نیک^۱

مقدمه

کرونا، هم اکنون تبدیل به مثابه یک اخبار جهانی شده و سرعت ابتلای به آن به حدّی سریع است که نمی‌توان آمار ثابتی را در هر لحظه منتشر کرد. ترس از کرونا نه به خاطر شیوع یا حتی سختی بیماری آن، بلکه به دلیل نزدیکی آن با مرگ است. به همین دلیل، کرونا اکنون یک شرّ مطلق تلقی می‌شود. با این حال شیوع کرونا در ایران، یک تفاوت جدی با دیگر مناطق دنیا داشته و آن، ارتباط عمیق‌ترش با دین و مذهب است. از واکنش‌ها به ماجرای تعطیلی هیئت‌های مذهبی تا تعطیلی موقت اماکن زیارتی یا تعطیلی نماز جمعه‌ها تا رواج یادداشت‌ها و نوشته‌هایی دربارهٔ نسبت دین و

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی/ گروه دانش اجتماعی مسلمین/ رایانامه:

Ghaeminik@gmail.com / تاریخ نگارش: دوازدهم فروردین ۱۳۹۹.

۱۱۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

طبّ سنتی با پزشکی مدرن، همگی گویای آن است کرونا در ایران، به مثابه یک مسئله دینی نیز تلقی می‌شود.

۱. کرونا مصداقی از مسئله شرّ

کرونا، هر چه باشد، خواه به مرگ منتهی شود یا نشود، بی‌شک یک «شرّ» است و مسئله «شرّ» یکی از مسائل مهم آموزه‌های کلامی و اعتقادی ادیان، از جمله اسلام است. همان طور که می‌دانیم در بحث‌های کلامی، چه در سنت اسلامی و چه در دیگر ادیان، مسئله شرّ^۱ یکی از غامض‌ترین مسائلی بوده که متکلمین و متألهین یا حتی حکما و فلاسفه هر دوره سعی کرده‌اند به آن پاسخ دهند. صورت مسئله تحلیلی و روشن آن این است که اگر خداوند قادر مطلق^۲ است، عالم مطلق^۳ است و خیرخواه محض^۴ است، پس چرا در جهان شرّ وجود دارد؟

شرور هم در یک دسته‌بندی کلی به دو دسته شرور طبیعی^۵ و اخلاقی^۶ تقسیم می‌شوند. شرور طبیعی، معمولاً به زلزله و سیل و هر آنچه از جانب طبیعت به انسان می‌رسد اطلاق می‌شود و شرور اخلاقی نیز به شروری گفته می‌شود که از کنش‌های انسانی برخاسته‌اند. حال اگر توضیح شرّ در طبیعت یا جهان انسانی را در ذیل علوم طبیعی و علوم انسانی بدانیم، از این منظر، مسئله شر به مثابه یک مسئله الاهیاتی (کلامی) به علم و دین نیز ارتباط

¹ The problem of evil

² omnipotence

³ omniscience

⁴ omnibenevolence

⁵ Natural evils

⁶ Moral evils

کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی - ایرانی □ ۱۱۳

می‌یابد. علم طبیعی ناظر به قواعد جهان طبیعت و علم انسانی-اجتماعی بیانگر قواعد جهان انسانی-اجتماعی است و آنگاه مسئله شرّ در ارتباط با علم انسانی و طبیعی فهم می‌شود. برای روشن‌تر شدن این مسئله می‌توان به نمونه زلزله لیسبون و تأثیر آن بر بنیانگذاران علوم انسانی مدرن توجه کرد. این زلزله که در ۱۷۵۵ رخ داد بر عقاید کلامی متفکرینی نظیر ولتر یا روسو و حتی کانت که از بنیانگذاران علوم انسانی مدرن شناخته می‌شوند، تأثیری جدی گذاشت.

۲. پاسخ‌های مختلف به مسئله شرّ

راه حل یا توضیح مسئله شرّ، مانند مسئله جبر و اختیار همیشه در تاریخ تفکر بشر به یک شکل نبوده است. توضیح متافیزیک سنتی مسئله شرّ که در سنت اسلامی نیز بسیار رایج بوده، یکی از این توضیحات است؛ اما گاهی نظیر مورد سملر^۱، در سده هجدهم، آن طور که ارنست کاسیرر اشاره می‌کند، مسئله شرّ با ریاضیات محاسبه می‌شده و لذت و الم همچون دیگر امور عالم، مورد محاسبه ریاضیاتی قرار می‌گرفته است. توضیح مسئله شرّ با بهره‌گیری از حیات جمعی تقریباً با روسو^۲ آغاز می‌شود (کاسیرر، ۱۳۹۵: ۲۴۳-۲۶۰) و با صورت‌بندی جامعه‌شناسان کلاسیک در قرن نوزده پایان می‌یابد. جامعه و زندگی جمعی آن جایی است که انسان‌ها از شرور به آن پناه می‌برند. بازار نیز جایگزین تئودوسی یا نظریه عدل الهی می‌شود و بازار، در واقع راه‌حل اقتصاد کلاسیک برای غلبه بر شرّ انسانی «نابرابری» بود که محاسبات در آن،

¹ Johann Salomo Semler (1725-1791)

² Jean-Jacques Rousseau (1712-1778).

با تکیه بر نمودار عرضه و تقاضا صورت می‌گرفت (میلبانک، 1396، ۸۴-۹۰). از این منظر اساساً می‌توان تلاش علوم طبیعی یا علوم انسانی-اجتماعی مدرن را در نسبت به مسئله شرّ مورد توجه قرار داد. اگر به گنوستیسیزم^۱ رایج در قرون وسطی توجه داشته باشیم، جهان مادی سرتاسر، شرّ مطلق است. این جهان، گاهی گرفتار شرور طبیعی است و گاهی درگیر با شرور اخلاقی و انسانی نظیر جنگ. در این میان، دو راه در پیش روی انسان وجود دارد. یا می‌تواند با واقعیت شرور در جهان مواجه شود و شرور را بخشی از این جهان تلقی کند و در اثر ابتلا با این بحران‌ها، زمینه رشد و ارتقاء خودش را فراهم آورد یا جهانی برساخته و موازی با جهان حقیقی ایجاد کند و با این جهان برساخته، از جهان دینی استغنا یابد. راهکار انسان مدرن ایجاد واقعیت ثانویه‌ای^۲ در مقابل جهان طبیعی و واقعی بود که در آن، شرور را مشاهده می‌کرد. جهان، خواه طبیعی و خواه انسانی، برای انسان مدرن، جهانی مملو از شر بود. زلزله لیسبون، جنگ‌های سی‌ساله مذهبی، فقر و نظایر آن‌ها همگی شرور این جهان طبیعی و انسانی بودند؛ راهکار، کنار گذاشتن این جهان با شکّ در واقعی بودنش و جعل جهانی جدید بود. این جهان جدید، ابتدا با تکیه بر ریاضیات شکل گرفت. همان طور که در کتاب تأملاتی در فلسفه^۳ اولی دکارت مشاهده می‌کنیم. فلسفه^۴ اولی ریاضیاتی دکارت برای رهایی از شرور اعتقادی، جهان‌های ممکن لایبنیتس ریاضی‌دان برای رهایی از شرور اخلاقی، قرارداد سیاسی هابز ریاضی‌دان و جعل لویاتان برای رهایی از شرّ جنگ‌های سی‌ساله مذهبی، کیهان برساخته طبیعی کپلر و کوپرنیک و

¹ Gnosticism.

² Second Reality.

کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی - ایرانی □ ۱۱۵

گالیله و نیوتن برای رهایی از شرور کیهانی، جهان زیستی داروین که در ذیل ریاضیات مالتوسی سامان یافت، برای رهایی از شرور زیستی و جهان اجتماعی فارغ از شرّ روسو و دورکیم و کنت که مبتنی بر علم داده‌بنیاد پوزیتیو آماری شکل می‌گرفت، برای پناه بردن به جامعه از دیگر شرور انسانی و طبیعی مطرح شدند. دانش پزشکی نیز در ذیل همین ریاضیات و فهم ریاضی از انسان شکل گرفت و راهکاری برای شرور زیستی بود. میزان فشار خون، قند خون و حتی استرس و دیگر ویژگی‌های روان‌شناختی، همگی امروزه با عدد و رقم تعیین می‌شوند و بنابراین پزشکی جدید، اساساً درکی ریاضیاتی از انسان به‌دست می‌دهد. از یک منظر، همه اینها راهکارهای انسان مدرن برای عبور از مسئله شرّ بود. به همین جهت، همه این علوم، ابتدا در قامتی ظهور کردند که پیش از آن، ادیان و بیشتر مسیحیت و کلیسا ظهور می‌کرد. این بار نه کشیشان کلیسا و اهالی آن، بلکه این دانشمندان با بهره‌گیری از علوم مدرن بودند که راه غلبه بر این شرور را ارائه می‌کردند.

۳. به سلامت رساندن بار امانت در مواجهه با شرور در جهان اسلام

اگر به کرونا به مثابه یک شرّ بنگریم، شاید بتوانیم در پس آمد و رفت این بیماری، افق دینداری و دیانت را در جامعه ایرانی دریابیم. هرچند اغلب توضیحات مسئله شرّ در سنّت اسلامی، متافیزیکی بوده‌اند، اما این توضیحات به قدری قوّت داشته‌اند که توانسته‌اند از پس همه مخاطرات و شرور طبیعی و انسانی، بار امانت دیانت را تاکنون ادا کنند. حضور دیانت در جامعه ایرانی، نشانگر آن است که بزرگان حکمت و فلسفه و عرفان و کلام، علیرغم اختلاف نظرهایی که با یکدیگر داشته‌اند، توانسته‌اند از گردنه‌های پر

مخاطره تاریخ عبور کنند و از کشاکش با شرور زمانه خودشان، یا با شعر و عرفان یا با کلام و حکمت، بار دیانت را به سلامت منتقل کنند. از این منظر، شاید اکنون بتوان همت و بزرگی مولانا جلال الدین محمد بلخی یا خواجه نصیر الدین طوسی را در کشاکش حمله مغول به مثابه یک شرّ ویرانگر دریافت. بزرگی چنین افرادی را تنها زمانی می‌توان بهتر دریافت که آن‌ها را در مواجهه با مسائل مبتلابه‌شان مدّ نظر قرار داد. بنابراین، اگر به شرّ ویرانگر حمله مغول توجه نکنیم، همچون نویسنده «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، خواجه طوسی را فرصت‌طلبی خواهیم دانست که بر کرور کرور کشته‌شدگان حمله مغول پا فکنده و با گسست میان نظر و عمل، در دولت قبل و بعد از مغول بر مسند قدرت نشسته است (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۲۵۹)، اما با نظر به این شرّ فراگیر، می‌توان همچون امام خمینی (ره) خواجه نصیرالدین و المله را بزرگمردی دانست (خمینی، ۱۳۹۱: ۱۵) که با قبول وزارت مغول‌ها توانست بر این شرّ انسانی و اخلاقی فراگیر زمان، افسارزده و آن را رام کند. او با درک درست از این شرّ ویرانگر، از خلال احیاء حکمت اسلامی توانست بر این شرّ انسانی غلبه کند و بار دیگر بستر شکل‌گیری تمدّن اسلامی را از میان آتش و خون حمله مغول فراهم آورد.

۴. الاهیات سیاسی- اجتماعی و غلبه بر شرّ کرونا

کرونا، شری است که نه تنها در جهان مدرن زاییده شده، بلکه نحوه ادراک ما از آن نیز در ذیل علم پزشکی مدرن صورت می‌گیرد. از این منظر، شیوه ظهور آن، شیوه شیوع و انتقال آن، شیوه درمان آن، شیوه ترسیم آن در قالب یک ویروس توپی‌شکل، میزان ماندگاری آن در درجه حرارتی خاص یا در امکان‌های ویژه، حتی شیوه اطلاع ما از آن و شایعات و اخباری که استرس‌زا هستند،

کرونا، مسئله شرّ و آینده جامعه اسلامی - ایرانی □ ۱۱۷

همه و همه در این جهان سامان یافته است. از این منظر، کرونا به مثابه یک شرّ و میزان مرگ و میری که در پی داشته است، می‌تواند بیانگر بحران علم مدرن برای ترسیم جهانی بدون شر باشد.

آنچه برای جهان اسلامی- ایرانی ما در حال حاضر و در آینده آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، نحوه مواجهه با این شر است. ظهور این تهدید، به مثابه یک شرّ، در دست ما نبوده، اما نحوه تبدیل آن به یک فرصت در کف اختیار ماست. به این معنا شاید آنچه برای قلمرو دیانت و اسلام در اوج اهمیت قرار داشته باشد، نه لزوماً نگرانی از بسته شدن موقّتی فلان زیارتگاه یا تعطیلی موقّت نماز جمعه و نظایر آن‌ها، بلکه آینده دین و دینداری، مخصوصاً از وجه اجتماعی و تاریخی‌اش باشد. البته نگرانی برای آینده دین و دینداری، به معنای پا گذاشتن بر درد و غم ناشی از فوت‌شدگان این ماجرا نیست. نمونه خواجه نصیر نشان می‌دهد که در مواجهه با کرور کرور کشته شدگان شرّ حمله مغول، آنچه راهگشا بوده و هست، ترسیم افقی برای آینده دین و دینداری به مثابه مهم‌ترین منبع امیدبخش در جامعه ایرانی است. اگر بتوان فهم درستی از ماهیّت علم پزشکی مدرن، حدّ و حدود و ضعف و قوتش داشت یا اگر درک درستی از تعریف شرّ و لذّت و الم در جهان مدرن داشته باشیم، شاید بتوانیم در پس این ماجراها، به آینده ایران اسلامی یا حتی آینده دیانت در جهان بیندیشیم. موقعیّت‌های انسانی و اجتماعی در تاریخ، پیوسته در لحظاتی گرفتار تضاد می‌شوند، اما آنچه هنر همه اهل نظر و عمل بوده، یافتن بهترین راهکار برای غلبه بر این تضادها و رفع آن‌ها است. با این افق، از قضا این قلمرو دین است که بیش از همه قلمروهای دیگر امکان تجمیع و بسیج تمام نیروهای انسانی و طبیعی برای مقابله با

۱۱۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

این شر را دارد. همانطور که می‌دانیم «نظام احسن»، یکی از رایج‌ترین پاسخ‌های متفکرین مسلمان به مسئله شرّ بوده است. ما اکنون بیش از هر زمان دیگری، نیازمند تلاش برای یافتن بهترین نظم و نظام، مخصوصاً از حیث نظم اجتماعی و سیاسی برای مواجهه با این شرّ هستیم. بی‌شک با داشتن افقی از آینده، می‌توان «نظام احسن»ی را از امکانات سامان داد تا بر این شرّ غلبه یافت. باید در این تأمل کرد که چگونه نوعی از الاهیات سیاسی- اجتماعی می‌تواند در پس مواجهه با این شرور، نظام احسن اجتماعی را سامان بخشد و جامعه اسلامی- ایرانی را برای بهترین شکل مقابله با این شرّ، بسیج کند و از این تهدید جهانی، فرصتی جهانی ایجاد نماید؟

۵. منابع

خمینی، امام روح‌الله (۱۳۹۱) شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).

طباطبائی، سیدجواد (۱۳۸۷) زوال اندیشه سیاسی در ایران، نشر کویر.
کاسیرر، ارنست (۱۳۹۵) فلسفه روشنگری، ترجمه یدالله موقن، نشر نیلوفر.
میلبانک، جان (۱۳۹۶) الاهیات و نظریه اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست، انتشارات ترجمان علوم انسانی.

۷. کرونا در هفت روایت: درنگی توصیفی- تحلیلی از تعابیر و تفاسیر مختلف از ویروس کرونا

محمد مهدی حکیمی^۱

مقدمه

فراگیر شدن یک موضوع در میان افکار عمومی مردم یک جامعه، به گونه‌ای که همه افراد، در یک بازه زمانی مشخص ابتدا درباره آن فکر کنند و سپس در مورد آن سخن بگویند و در وهله بعد، به مثابه دغدغه اصلی و مسئله غالب مردم و حاکمیت شود، معمولاً بسیار اندک اتفاق می‌افتد. شاید در طول سالیان اخیر، هیچ رویداد و موضوعی اینگونه مانند پدیده کرونا، به مثابه چالش مشترک بسیاری از دولت‌ها و در صدر اخبار رسانه‌ها قرار نگرفته و

۱. فعال فرهنگی- رسانه ای در حوزه افکارسنجی/ دانش آموخته رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات/
دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه ghakimy@isu.ac.ir و hakimi4444@gmail.com / تاریخ نگارش:
پانزدهم اسفند ماه ۱۳۹۸.

۱۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

نگرانی همه طیف‌های فکری و طبقات مختلف اجتماعی بدل نشده است. لذا نمی‌توان از بررسی ریشه‌های شکل‌گیری و تأثیرات فرهنگی اجتماعی کرونا غافل باشیم و به‌سادگی از کنار آن عبور کنیم.

در یک دسته‌بندی طیف‌گونه از نگاه نخبگان، رسانه‌ها و مردم، برخی در این میان معتقدند، این مسئله اساساً چندان مهم نیست و یک اتفاق ساده است؛ زیرا که رویدادهای بسیار مهم‌تری نیز در طول تاریخ به وجود آمده است که از این موضوع کمتر به آن پرداخت شده و رسانه‌های مختلف، به دلائل متعدد، آن را برجسته کرده‌اند و ضمن این که اهداف تجاری یا پروپاگاندایی خود را پیگیری می‌کنند، افکار عمومی را نیز از یک اتفاق مهم‌تر منحرف می‌سازند. برخی نیز در آن سر طیف، پدیده بی‌بدیل کرونا را مهم‌ترین مسئله عصر حاضر دانسته و آن را اصلی‌ترین چالش تاریخ بشر معرفی می‌کنند که از بیماری‌های واگیردار قدیم و جنگ‌های جهانی گذشته و مرگ و میرهای آن مهم‌تر بوده که دارد اندک اندک تمام معادلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و اعتقادی بشر را تغییر می‌دهد. نکته مهم این است که در وسط طیف، همچون هر مسئله دیگری، افرادی هستند که کماکان هیچ نظری ابزار نمی‌کند و منتظرند ببینند گرایش افکار عمومی و اطرافیان به کدام سمت می‌رود.

در این میان برخی تمام فکر و ذکرشان کرونا شده است و به مثابه مروّجان یک تفکر و روایت خاص در فضای مجازی و اطرافیان خود تبدیل شده‌اند. در سوی مقابل برخی نیز از ابتدا و یا بعد از پیگیری چند روزه، از موضوع خسته شده و دیگر اهمیتی برای آن قائل نیستند. در کنار مردم، برخی صاحبان رسانه و گروه‌های مرجع نیز از فضای به وجود آمده، بهره‌برداری

کرونا در هفت روایت: درنگی ... □ ۱۲۱

خاص خود را دارند و سعی می‌کنند هر دروغ و راستی را در هم مخلوط کرده و به مخاطبان خود القا کنند و بعد واکنش‌های افکار عمومی را به نظاره بنشینند.

در این نوشتار مختصر، سعی خواهد شد به برخی از قرائت‌ها و روایت‌های ارائه شده به وسیله گروه‌های فکری، رسانه‌های مختلف و نگرش‌های آحاد مختلف مردم در طول روزهای اخیر (اسفندماه ۱۳۹۸) اشاره کنیم. مطمئناً در این بین، سطح ارائه هر روایت و قرائت از موضوع کرونا با دیگری متفاوت است و روایت‌های دیگری را نیز می‌توان به آن اضافه نمود. ولی در این مجال به هفت عامل، منشأ و پشت صحنه کرونا از زوایای دید و روایت‌های مختلف اشاره می‌کنیم که می‌تواند در آینده بر آن افزوده شود، ولی سعی شده است در این هفت روایت، بیشترین فراوانی کمی و کیفی دیدگاه‌های ارائه شده را در روزهای گذشته پوشش داده شود. این روایت‌ها برگرفته از صحبت‌های افراد شاخص، سکوه‌های رسانه‌ای مختلف و دیدگاه‌های مردم دسته‌بندی شده است و الزاماً اعتقاد نگارنده نیست.

چند روایت می‌تواند دارای همپوشانی باشد و لزوماً مخالف همدیگر نبوده و حتی مکمل هم باشد. برخی روایات و قرائت‌های ارائه شده، مبدأ علمی و یا منطقی دارد و طبعاً برخی نیز می‌تواند ریشه در اوهام یا منافع و غرض‌های عده‌ای داشته باشد که نمی‌توان در تحلیل جامع شرایط از کنار آن‌ها به راحتی گذشت و در کنار ویروس کرونا به ویروس‌های فکری نیز باید دقت نمود. امید است در روزهای آتی و تثبیت برخی روایت‌ها و ارائه نکات اصلاحی و تکمیلی برخی بزرگواران، در مجالی دیگر، هر مورد را به صورت مجزا و تفصیلی مورد واکاوی قرار دهیم:



نمودار ۱: تعابیر و تفاسیر هفتگانه از پدیده کرونا

۱. روایت اول: عامل طبیعی (ریشه پزشکی)

برخی همانند ریشه شکل‌گیری عالم خلقت، این موضوع را نیز بر اساس یک جرقه و اتفاق می‌دانند و بر این باورند که ریشه کرونا نیز یک ویروس عادی بر اثر یک اتفاق پزشکی است که به صورت طبیعی در حال گسترش و سرایت است و یک تفسیر عادی و پزشکی از موضوع مطرح می‌کنند که می‌توان با رعایت بهداشت، زنجیره آن را قطع کرد و به زندگی عادی خویش برگردیم. البته این روایت فراگیر، آنگونه نیست که هر کسی این تعبیر را ارائه داد، لزوماً فردی خدانا‌باور بوده و هیچ اعتقاد و باوری به ماوراء نداشته باشد.

۲. روایت دوم: عامل حیوانی (ریشه انسانی)

برخی نیز در تکمیل نگاه قبل، ریشه شکل‌گیری این ویروس را در یک عامل حیوانی و بی‌احتیاطی یک انسان می‌دانند که خود را در معرض این ویروس

کرونا در هفت روایت: درنگی ... □ ۱۲۳

قرار داده و آغازگر این ماجرا شده است. این افراد، ویروس‌های دیگر مانند ویروس ایدز را نیز اینگونه تفسیر می‌کنند و بشر یاغی را عامل آغاز این بدبختی‌ها می‌دانند. لذا معتقدند، بشر باید بیشتر مراقب خود و آیندگان خود باشد و بی‌مهابا از طبیعت خویش استفاده نکند و ملاحظات بهداشتی و نکات معنوی را رعایت کند تا از شرّ چنین آسیب‌هایی مصون بماند. در این نگاه قطع بی‌رویه درختان و وقوع سیل، مصرف بی‌رویه آب و قحطی و خشکسالی و ده‌ها مثال دیگر نیز به خوبی معنا پیدا می‌کند.

۳. روایت سوم: عامل اقتصادی (ریشه رسانه‌ای)

بعد از دو روایت ساده ولی منطقی و فراگیر فوق، برخی رویکرد پیچیده‌تری را مطرح می‌کنند و معتقدند، این یک اتفاق ساده نیست و مسبوق به سابقه نبوده است، لذا یک دست مخوف را پشت پرده کرونا می‌دانند. وجه مشترک معتقدان این روایت، نهفته در عامل اقتصادی است که یک گروه یا یک یا چند دولت، برای آسیب به اقتصاد دیگران از این حربه پزشکی استفاده کرده و از توان رسانه‌های خویش بهره برده‌اند تا اهداف سیاسی و ضربه اقتصادی خویش را دنبال کنند. در یک طیف‌بندی، برخی این مسئله را در سیاست‌های دولت ایالت متحده برای نابودی اقتصاد چین مطرح می‌کنند و برخی نیز بعد از مدتی، خود چین را متولی آن می‌دانند (انتشار ویروس برای کاهش جمعیت و مردن سالمندان چینی) و برخی نیز برخی کشورهای دیگر مانند روسیه و یا یک گروه مخوف اقتصادی فرادولتی و یا غیردولتی را متولی آن می‌دانند. در این نگاه پیوند سه عرصه سیاست، اقتصاد و رسانه به خوبی نمایان است که دارد به خاطر منافع اقتصادی و حفظ قدرت، از هیچ حربه رسانه‌ای فروگذار نیستند و حاضر به کشته شده بسیاری و افسردگی و

۱۲۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)
نامیدی بیشتری از انسان‌ها هستند.

۴. روایت چهارم: عامل ناکارآمدی (ریشه مدیریتی)

برخی افراد و بخصوص رسانه‌ها، همانند هر مسئله دیگری، ریشه موضوع را در ناتوانی مدیران و ناکارآمدی حکومت‌ها و دولت‌های مورد نظر می‌دانند. در این بین، انعکاس ناکارآمدی نظام پزشکی در ایران توسط برخی رسانه‌های خارجی فارسی و غیرفارسی زبان، به مثابه نمونه شاخص این روایت، می‌توان برشمرد. در این نگاه، به گونه‌ای جلوه داده می‌شود که در همه کشورهای اوضاع مساعد است و همه مسئولان سایر کشورها کارآمد بوده و مردم آن‌ها نیز خوب رفتار می‌کنند و تنها کشوری که اوضاع آن وخیم است ایران بوده و ریشه گسترش غیرمنطقی کرونا را در ایران تنها به دلیل ناکارآمدی نظام ایران دانسته و چشم و گوش خود را بر دیگر کشورها بسته‌اند و شاید بتوان گفت همچون هر رویداد دیگری به دنبال ماهیگیری در آب گل‌آلود جدیدی هستند. مهم این است که متأسفانه برخی، این روایت را به مثابه روایت غالب ذهن خود قرار داده‌اند و هیچ روایت دیگری را اساساً نمی‌پذیرند.

۵. روایت پنجم: عامل شبکه‌ای (ریشه زیست‌شناسانه)

آنان که دستی بر آتش تحلیل سیاسی و مطالعه تاریخ دارند و علاقه شدیدی به ترسیم یک شبکه مخوف و پشت پرده در عالم دارند، در این مقوله نیز معتقدند یک سازمان مخوف پنهان، در پشت قضیه قرار دارد که به دنبال اهداف مختلف خود به واسطه گسترش ویروس کرونا هستند. درگیری کشورهای مختلف جهان بویژه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان نسبت به ویروس کرونا این انگاره را تقویت می‌کند.

کرونا در هفت روایت: درنگی ... □ ۱۲۵

بر این اساس، معتقدند، این جریان مخوف می‌تواند برگرفته از یک گروه مافیایی اقتصادی، یا یک شبکه فراماسونری سیاسی و یا یک شبکه صهیونیسم جهانی باشد. در این روایت ما با یک سازمان ناپیدایی طرف هستیم که به دنبال حذف و ترور بیولوژیک بوده است. در طیف نگرشی که سازمان یهود و صهیونیسم را پشت این جریان می‌دانند؛ برخی معتقدند، این گروه فراتر از اهداف اقتصادی و سیاسی دولت‌های شرق و غرب، عمل می‌کند و به دنبال تحقق دو هدف محوری است. نخست به دنبال حذف و نابودی مخالفان دیندار خویش در عامل است که در کنار ترور زیست‌شناسانه مخالفان خود، برخی دیگر از انسان‌ها نیز قربانی می‌شوند؛ و در کنار حذف مؤمنان عامل، به دنبال کم‌رنگ شدن دین و معنویت در ممالک مسیحی و اسلامی نیز هستند تا اهداف شوم سازمانی خویش را جستجو کنند.

۶. روایت ششم: عامل دشمنی (ریشه شیطانی)

برخی گسترش کرونا در سرزمین‌های اشغالی را به مثابه یک ابهام ذهنی مطرح کرده و نمی‌توانند قبول کنند که عامل انتشار ویروس کرونا که شبکه مخوف صهیونیستی و سازمان یهود باشد، به گونه‌ای طراحی کند که خودش نیز قربانی شود، لذا این گروه بر این باورند که این ماجرا نمی‌تواند عامل انسانی در حد فردی (یک انسان فاسد)، گروهی (یک سازمان مخوف) یا جمعی (چند دولت خاص) داشته باشد و ریشه در یک عامل فرا انسانی است. این گروه که فرشتگان را عامل رحمت می‌دانند، لذا به سراغ ابلیس و شیاطین رفته و عامل اصلی این ویروس را همچون برخی از مشکلات بشر، در ایشان جستجو می‌کنند و معتقدند که ابلیسیان، به واسطه کینه و تکبر خویش در طول تاریخ، از هیچ کوششی برای نابودی و انحراف بشر فروگذار

۱۲۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

نبوده‌اند و حال با ایجاد و انتشار این ویروس ناشناخته باز به دنبال تسویه حساب با فرزندان آدم هستند. در این تفسیر، شیاطین سعی کرده‌اند، از راه‌های طبیعی و عوامل حیوانی، انسانی و حتی حاکمیتی استفاده کنند و بشر را به جان خویش اندازند. لذا برخی بر این باورند که وسوسه‌های شیطانی و سلطه غیرمستقیم شیاطین می‌تواند عامل اصلی گسترش واقعی و روانی آن باشد که بشر را از سویی دارد به سمت مرگ می‌کشاند و در سوی دیگر دارد زندگان را در یأس و ناامیدی فرو می‌برد.

۷. روایت هفتم: عامل معنوی (ریشه آخرالزمانی)

برخی نیز موضوع را در قالب یک جنگ آخرالزمانی تعبیر کرده است که از ابتدای تاریخ بین دو جبهه حق و باطل و گروه ایمان در مقابل کفر درگرفته است و حال در این زمان، همچون دوران سلیمان نبی، نبرد همه جانبه ظلمت و تاریکی علیه حق و نورانیت شکل گرفته است و آن را از نشانه‌های برخورد آخرالزمانی می‌دانند. لذا در این بین شواهدی همچون شیوع بیماری‌ها، هجوم حشرات، سقوط دولت‌ها، لشکر کشی گروه‌ها، بسته شدن اماکن مذهبی و بسیاری نشانه‌های دیگر را در همین موضوع ترسیم می‌کنند. البته برخی بر قواعد حرکت آخرالزمانی و توجه به شاخص‌ها تمرکز نموده و برخی نیز مانند قرون اخیر، تنها بر شواهد و نشانه‌های حداقلی آخرالزمانی محصور مانده‌اند. ولی وجه مشترک ایشان در این است که این موضوع کرونا را نیز در جورچین حرکت جهانی بشر به سمت نور و رویکرد آخرالزمانی ظهور منجی بشریت تفسیر می‌کنند.

۸. روایت روای

آنچه می‌تواند این روایات هفتگانه را معنا ببخشد و واقعیت را از توهم جدا ساخته و حقیقت را از واقعیت تفکیک دهد، توجّه به عامل ایجاد هستی است که در ید قدرت الهی قرار دارد و خدا ناباورترین فرد نیز در اعماق درون خویش، به یک قدرت لایزال و دست توانایی معتقد است که دارد تمام امور عالم را هدایت می‌کند. در این نگاه الهی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد و هر فردی در هر جایگاه و نوع نگاهی، می‌تواند همراه با خالق هستی، از بن‌بست‌های فکری، معیشتی و ... آزاد شود و در کنار قدرت معبود خویش از حصار ابهامات عبور کرده و راهی سرمنزل نورانی مقصود شود. در این منزل، منافع اقتصادی محتکران، حربه‌های رسانه‌ای مکاران و فتنه‌های انسانی و شیاطینی مغرضان، جایی ندارد و افرادی به این آرامش درونی خواهند رسید که اندیشه و عمل خویش را در جهت پاکی فردی و آمادگی یک پاکی جمعی منحصر می‌دانند و تا تجلّی نور پروردگار بر روی زمین، به ظهور باقی مانده خویش نزدیک‌تر شود.

بخش دوم: تمدن و آینده‌نگری

۸. مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا

آیت‌الله محمدمهدی میرباقری^۱

بیماری‌ای که اخیراً فراگیر شده و به یک ابتلای بزرگ برای جامعه جهانی تبدیل شده، از نظر اجتماعی و تمدنی، یک پدیدهٔ چندوجهی است، نه یک‌وجهی. ما با یک امر میان‌رشته‌ای و بلکه فرارشته‌ای مواجه هستیم که نباید یک وجه آن غلبه پیدا کند، بلکه باید ابعاد مختلف این پدیده به شکل جدی مورد تأمل قرار بگیرد. وجهی از این پدیده، جنبهٔ بهداشتی است که مربوط به دانش‌های وابسته به پزشکی است. وجه دیگر مربوط به حوزه علوم انسانی و علوم شناختی و همچنین دانش‌های تمدنی و فلسفه تاریخ و حوزهٔ رسانه و امثال اینها است. حتی جنبهٔ امنیتی و جنگ زیست‌شناسانه هم مورد توجه قرار گرفته و آمادگی‌هایی برای مقابله با این تهدید فراهم شده است.

۱. استاد حوزه و دانشگاه / <http://mirbaqeri.ir> / تاریخ نگارش: دهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

امروز این بیماری با تهدید سلامت بشر و مخیر کردن بشر بین انتخاب سلامتی یا انتخاب پیوستارهای کنونی، فضای سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهانی را بشدت تحت‌تأثیر قرار داده و نوعی گسست اجتماعی ایجاد کرده است، به طوری که بعضی از صاحب‌نظران جهانی درباره دنیای پساکرونا شروع به نظریه‌پردازی کرده‌اند. این حوادث نشان می‌دهد که این واقعه، جدی‌تر و فراتر از یک پدیده یک‌بُعدی بهداشتی و پزشکی است.

به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن گستردگی و بزرگی این واقعه و فرض پایداری این شرایط، این احتمال وجود دارد که در کنار همه جنبه‌هایی که عرض شد، مقصد جدی‌تر و بزرگ‌تری هم در پشت‌صحنه وجود داشته باشد و آن، عبور دادن جامعه جهانی از نظم کنونی زندگی به یک سامان و نظم جدید است.

درباره این جنبه، دو احتمال هست و ما باید این احتمالات مختلف را در نظر بگیریم و طراح‌های خود را متناسب با آن‌ها دنبال کنیم. احتمال اول این است که واقعاً در امتداد این واقعه، فضای عبور از نظم مادی مدرن، به نظم معنوی و نظم تحت‌تأثیر هدایت‌های الهی و در جهت غلبه ولایت حق به وجود بیاید؛ یعنی این پدیده‌ها یک امری تلقی شود که تحت تدبیر ولی الله الاعظم (عج) جامعه جهانی را به تدریج از نظم مادی و سیطره قدرت‌ها، به سمت یک نظم معنوی و رهایی از تسلط مادی سیر دهد.

در نقطه مقابل، این هم محتمل است که مهلت شیطان هنوز تمام نشده باشد و خدای متعال مهلتی به شیاطین جن و انس داده باشد و دستگاه ابلیس و شیاطین انس از این فرصت استفاده کنند و با طراح‌های بزرگ و پنهان در پشت‌صحنه، به دنبال تغییر مفهوم و سازکارهای حکمرانی بر جهان

مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا □ ۱۳۳

و ایجاد یک نظم پیچیده‌تر مادّی، یعنی عبور از حاکمیت کنونیِ قدرت‌های مادّی بر جهان به سمت حاکمیت مجازی و حکمرانی مجازی و سایبری باشند که فضایی مدیریت‌پذیرتر، خشک‌تر و سخت‌تر است.

این طرّاحی‌ها ممکن است به وسیله دست‌های پشت‌صحنه قدرت در جهان انجام شود؛ کما اینکه دست‌های پشت‌صحنه در بعد از جنگ جهانی، صحنه را به گونه‌ای مدیریت کردند که جامعه بشری را به پذیرش یک حاکمیت جهانی و محدود کردن اختیارات دولت-ملت‌ها، واداشتند و تحت عنوان سازکارهایی برای تحقّق صلح پایدار، سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن را بر جهان حاکم کردند و فضایی از رعب و هراس و اضطراب و گریز از جنگ را در جامعه جهانی به وجود آوردند. آن‌ها آسیب را به حدّی گسترده کردند که حتی کشورهای مستقیماً درگیر آن جنگ‌ها نبودند، به پذیرش این نظم جهانی و سیطره قدرت‌ها، از طریق شبکه سازمان‌های بین‌المللی تن بدهند.

می‌دانید بیش از هفتاد میلیون کشته رسمی در آن جنگ‌ها بوده که بسیاری از آن‌ها مربوط به کشورهای درگیر است، ولی در ورای آن، کشورهای که درگیر جنگ جهانی نبودند، شاید ده‌ها میلیون کشته‌های خاموش داده‌اند و این هم طرّاحی همان کسانی بوده که این جنگ‌ها را هدایت می‌کردند تا بتوانند آن کشورها را هم به نقطه پذیرش این نظم نوین جهانی بر محور قدرت‌های برنده جنگ برسانند و نیز آن‌ها را در نقطه آسیب‌پذیری قرار بدهند که مسلط بر اوضاع نشوند.

علی‌ایّ‌حال، همان طور که بحران جنگ جهانی اوّل و دوم، بستر جامعه جهانی را برای پذیرش یک نظم جدید با ادّعای صلح پایدار مهیا کرد، این

۱۳۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

فضای نا امن کنونی هم می‌تواند جامعه جهانی را برای پذیرش یک پیشنهاد جدید برای تحقق یک نظم مادّی و ایجاد حکمرانی مجازی مهیا کند.

این دورکاری‌ها و این تعطیل کردن تجمّعات حقیقی و عبور از جامعه حقیقی به جامعه مجازی و ایجاد بستر برای پذیرش حلّ و فصل امور (تحصیل، اشتغال و سایر ارتباطات اجتماعی) در فضای مجازی و قرائن فراوان دیگر، بویژه قرار گرفتن در شرایط یک رزمایش بزرگ زیست در فضای مجازی که آخرین مقاومت‌ها در برابر آن در حال فرو ریختن است و ...، مؤیداتی بر این احتمال است که شاید چنین پشت‌صحنه‌ای وجود دارد تا بتوانند سیطره بلامنازع مجازی بر جهان پیدا کنند. گمان من این است که این بیانی که رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی در روز عید مبعث فرمودند و اشاره کردند که ما در فضای مجازی هم باید قوی بشویم، شاید با توجه به این نکته بوده باشد. این احتمال و فرضیه ممکن است معارضاتی داشته باشد، از جمله اینکه اگر چنین مقاصدی در کار باشد، پس چرا این بیماری دامن اروپا و آمریکا را هم گرفته است؟ در پاسخ باید گفت: منافاتی ندارد، چون در جنگ جهانی هم کل جامعه جهانی نا امن شد و جهان به سمتی کشیده شد که شعار نظم نوین و صلح پایدار را بپذیرند.

به هر حال ما باید احتمالات و فرضیه‌ها، به‌خصوص احتمالات و فرضیه‌های بزرگ و راهبردی را در نظر بگیریم و صحت و سُقم آن‌ها را دنبال کنیم و برنامه‌ریزی و رزمایش متناسب برای مواجهه فعّال و هوشمندانه با آن انجام دهیم و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. نباید فرضیه‌های بزرگ را صرفاً با چند قرینه خرد مخالف رد کرد. البته این فرض هم دور از نظر نیست که این ویروس منحوس، اما هوشمند، از همان آغاز هم با هدف ایجاد

مفروضات بنیادین آینده بعد از کرونا □ ۱۳۵

گسست اجتماعی از یک طرف و شکل‌دهی به پیوست و انسجام مجازی و کلبه الکترونیکی از طرف دیگر، مهندسی و مدیریت شده باشد.

به نظر می‌رسد اگر آن نهادها و ساختارهایی که باید پشتیبانی فکری کنند، شکل گرفته بود و مسیر خودش را طی می‌کرد، امروز می‌توانست درباره این مسائل، نظر کارشناسی بدهد، ولی تلقی حقیق این است که اکنون، شبکه نیروهای جوان و فعال و بخصوص نیروهای آتش‌به‌اختیار و نخبگان، فضاهای اندیشه‌ورزی در این زمینه‌ها را باید به‌سرعت فراهم کنند و بستر *تأیید یا ردّ* این فرضیه‌ها را بررسی کنند و سپس به‌دنبال یک طراحی همه‌جانبه و سازگار جامعی در مقابل این پدیده، با ابعادی که برای آن مفروض است، داشته باشند و در برنامه‌های خود، علاوه بر حوزه بهداشت و حوزه جنگ‌های زیست‌شناسانه که بخشی از کار هستند، به این فرضیه‌ها هم توجه کنند. اگر مقیاس این بحران، عبور دادن جامعه جهانی به سمت یک حکمرانی بلامنازع جدید باشد و ظرفیت چنین تصرفاتی فراهم آمده باشد، باید تحرکات و اقدامات متناسب با آن طراحی و عملیاتی شود و این کار نیاز به فعالیت‌هایی در لایه‌های مختلف بنیادی، راهبردی و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی دارد و بعد اقدام گسترده در صف به‌صورت یک شبکه منسجم انجام بگیرد.

شکی نیست که تاب‌آوری جامعه دینی در برابر این ابتلا بسیار بیشتر از جامعه مادی و مدرن است. این ویروس می‌تواند برخلاف همه طراحی‌ها، ضربه‌های مهلکی بر پیکره مدرنیته وارد کند. این ویروس می‌تواند به ظهور شکاف‌ها و ضعف‌های فراوان مستتر در نظم مدرن (از جمله اصالت منافع فردی) منتهی گردد. از طرف دیگر، امروز، تمدن غرب یک تمدن بی‌رقیب

۱۳۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

نیست. در رقابت تمدنی بین جبهه غرب و جبهه اسلام، اگر مقاومت کنیم و موضع‌گیری و برخورد آگاهانه و فعال در مقابل طرّاحی‌های غیرانسانی غرب داشته باشیم، نتیجه متفاوتی رقم خواهد خورد و فروپاشی تمدن غرب تسریع خواهد شد.

راه ما آماده شدن برای مواجهه با احتمالات است و این آمادگی چیزی نیست جز **قوی شدن** در عرصه‌های مختلف اقتصادی، مجازی، علمی و فرهنگی.

۹. کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی

(جستاری در روش‌شناسی مفهوم گرا بر اساس آینده‌پژوهی در حوزه‌های تمدنی غربی و اسلامی)
محمود دلفانی^۱

پیامد رخدادهای طبیعی، جنگ‌ها، ویرانی‌ها، تحولات و تغییرات اقلیمی و اجتماعی و پیدایش مذاهب و اندیشه‌ها، تمدن‌های بشری یا جهش یافته و پایدارتر شده، یا به سراشیب انحطاط فرو افتاده‌اند، یا تغییر مسیر داده و خود را بازسازی و نوسازی نموده و گاه استحاله یافته و دیگر شده‌اند. در هریک از مسائل مطرح شده در چهارچوب دو مفهوم گسست و تداوم تمدنی، رویه‌ها و سویه‌ها و کارکردهای تمدنی و حوزه‌های آن‌ها قابل تعریف و تبیین

۱. آینده‌پژوه و رییس دانشگاه حکمرانی و آینده پژوهی فرانسه – (Methodologica Governance University Paris) رایانامه: president@mguniversity.eu / تاریخ نگارش: دهم اردیبهشت ۱۳۹۹.

است. در حالی که بیشتر پژوهش‌ها درباره تمدن و تحولات آن بر پایه رویکرد روند‌گرایی تاریخی بوده است، به نظر می‌آید در رویارویی با مسائل نوین تمدنی امروز آنچه بیش از هر چیز به لحاظ روش‌شناسی پژوهش‌های تمدنی کارآمد است، بهره‌گیری از رویکردها و روش‌های پژوهش مفهوم‌گرا با هدف تعمیق پژوهش و گسترده ساختن افق دیدگاه‌ها است.

پیش از پرداخت به دو مفهوم «گسست و تداوم تمدنی»، تبیین مفهوم «بحران تمدنی» و بررسی آن ضروری می‌نماید. بحران یا crisis در ریشه یونانی آن در بر دارنده دو مفهوم «تصمیم»^۱ و «قضاوت»^۲ است. بر این پویه بحران‌های تمدنی ما را به سوی «ایستگاه»های تمدنی برای اتخاذ «تصمیم تمدنی» در چهارچوب «مدیریت تمدنی» می‌کشاند.

اصطلاح ایستگاه‌های تمدنی دارای اهمیت بسیار در مدیریت تمدنی است، بازسازی یا تغییر مسیر آن است که با تصمیم‌های حاکمیت سیاسی و اقتصادی تفاوت بسیار دارد. هر تمدنی هر چقدر هم پویا و قدرتمند و غنی باشد وقتی ادامه مسیر می‌دهد، باید در نقاطی خود را بازبینی و بازیابی و بازسازی کند. تمدن غرب نشان داده است که به صورت مستمر خود را سازگار و بازسازی کرده است. رخدادها و تحولات زیادی به لحاظ تمدنی و فرهنگی در مسیر تمدن غرب افتاده است و این تمدن تا امروز توانسته است خود را به مثابه تمدن غالب و چیره نشان دهد. پیامد چالش‌های عمیق تمدنی است که غرب خود را وارد «عصرهای جدید» نموده است. آنچه از آن به مثابه نقاط عطف تمدنی یا ایستگاه‌های تمدنی می‌شناسیم در تعامل با رخداد‌های

1. Décision

2. Jugement

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۳۹

بحرانی و بازتعریف گسست و تداوم تمدنی است. پویایی فکری و فرهنگی که لازمه تقویت هسته فکری تمدنی است که خود باعث تقویت تمدن می‌شود بیش و پیش از هر چیز در تعامل و چالش‌های مفهومی شکل می‌گیرد. شناخت و بازشناخت نقاط انفصال تمدنی یکی از نشانه‌هایی است که آینده‌پژوهان بر آن تأکید بسیار دارند. مهمترین عاملی که یک تمدن را پیشرو می‌کند و پیش می‌برد هسته اصلی تولید اندیشه است و وقتی اندیشه تولید نمی‌شود، یعنی مجموعه عواملی وجود دارد که مانع اندیشیدن است و همین موانع باعث رخداد گسست و تداوم تمدنی در مراحل که نباید می‌شود. در نظر داشته باشیم که هر گسست تمدنی و فرهنگی ضد تمدنی و هر تداوم تمدنی لزوماً به معنای حیات و پویایی یک تمدن نیست.

اندیشه در حوزه‌های مذهبی با سیر و سازکار اندیشیدن در حوزه‌های گیتی مدار تفاوت‌های بنیادی دارد. در حوزه‌های مذهبی ما با چهارچوب و پاسخ‌هایی از پیش مشخص شده و با مسئله مشیت تمدنی روبه رو هستیم در حالی که در حوزه گیتی مدار به لحاظ اندیشه‌ای هیچ چارچوبی وجود ندارد و طبیعی است که سیر و روند پویایی در این دو حوزه از بنیاد با هم تفاوت دارد. این نکته ما را به مسئله سازگاری تمدنی و توان پذیرش و خلق و پویایی تمدنی راهنمایی می‌کند. در سیر تمدن اتفاقات و رخداد‌های پیش می‌آید که ماهیت و سازکار و روند تمدنی قبل و بعد از آن دچار تغییرات بنیادین می‌شود. بر این اعتبار مسئله جهش و گسترش ویروس کووید، یک رخداد تمدنی تلقی می‌گردد.

پرسشی که هم اکنون دارای اولویت است، مسئله یافتن راه‌های مهار این بحران جهانگیر است و این در حالی است که در اروپا و آمریکا بحث‌های

۱۴۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

تمدنی به طور جدی مطرح شده است. از سخن گفتن از پایان نئو لیبرالیسم گرفته تا تغییر همیشه روابط و مناسبات فردی و اجتماعی، مسائلی است که بافتار همه آن‌ها مسئله تمدن است.

باور بر این است که هر چالش تمدنی یک «پاسخ تمدنی» می‌طلبد؛ اما بحث بر سر چیستی و چگونگی این پاسخ یا واکنش تمدنی است. آیا بازنگری و بازبینی در حوزه‌های فردی و اجتماعی حیات تمدنی امروز کارساز است یا می‌بایست بر راه پذیرش و سازگاری با چالش رفت؟ سازگاری و انعطاف‌پذیری تمدنی یکی از ویژگی‌های استواری و پویایی تمدنی است.

اگر این انعطاف‌پذیری، بازسازی و بازنگری وجود نداشته باشد، خود به خود هر تمدنی هر چقدر هم قوی باشد، اگر به سمت انحطاط نرود که خواهد رفت، یک سیر خطی خواهد داشت و شکوفایی هم اگر داشته باشد، شکوفایی تصادفی بوده و دارای نوسان‌های بسیار خواهد بود. نوسان‌هایی که مهم‌ترین ویژگی آن غیر قابل پیش‌بینی بودن آن‌هاست. تمدن غرب خیلی از این بالا و پایین‌ها را داشته است، ولی در نهایت آن خط سیر صعودی خود را حفظ کرده است. اگر بخواهیم در مورد غرب صحبت کنیم آن حوزه‌های فکری غرب هم اکنون آسیب شدیدی دیده است، یعنی همان است که باعث شده است این تمدن، تمدن برتر باشد و تولیدات و فناوری و صنعت و اینها خیلی پیشرفت کند، اما در کنارش آن هسته فکری و اندیشه‌ای خیلی آسیب دیده است. درست در همین نقطه است که مفهوم «آسیب‌شناسی تمدنی» که آسیب‌شناسی چند لایه و چند ساحتی است پیش می‌آید. مسئله دقیقاً اینجا است که «بحرانی تمدنی کووید ۱۹» همین هسته مرکزی را هم هدف گرفته است. در حالی که همگان به پیامدهای

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۴۱

روانی فردی و اجتماعی، اقتصاد و سیاسی مشغول هستند باید در نظر گرفت که این هسته‌ی درونی تمدنی امروز ماست که بیشترین آسیب را خورده است؛ یعنی حوزه‌های اندیشه‌ای تمدنی چه در تمدن غرب چه در سایر تمدن‌ها، آسیب جدی دیده است. چرا؟ و چطور؟ وقتی واکنش و آمادگی ما که دربردارنده مجموعه منابع فکری، فرهنگی، علمی و فناوری جهان امروز است نمی‌تواند در مقابل یک چالش پاسخ تمدنی مناسب و متناسب ارائه کند، ما وارد مرحله بحران تمدنی می‌شویم که پیامد آن در صورت عدم مدیریت تمدنی به گسست تمدنی می‌انجامد و در این مورد خاص تمدن غرب و پیامد آن سایر تمدن‌ها سیر افولی خواهند یافت. این افول شاید سال‌ها طول بکشد، ولی هنگامی که آغاز شود بسیار سخت و دشوار می‌توان جلوی آن را گرفت. شاید در سال‌های آینده وضعیت ظاهراً مانند قبل شود و به اصطلاح وارد مرحله پسا کرونا بشویم، اما نشانه‌ها بیانگر این است یک افول تمدنی در حوزه‌های مختلف خواهد بود. چرا که یک تمدن مانند قطار می‌ماند هر چقدر سرعتش بالاتر باشد وقتی ترمز کشیده می‌شود، بسته به سرعت و وزنش بیشتر کشیده می‌شود. حال پرسش این است که چرا می‌گوییم افول تمدنی و نه تغییر تمدنی؟

افول و انحطاط تمدنی و فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که رویه و رفتار و سازکار و محصولات تمدنی از منابع و سرچشمه‌های فکری و فرهنگی خود فاصله گرفته تابعی از اجبار و مسئله «بقا» باشد. این هم در مورد تمدن غرب و هم تمدن اسلامی می‌تواند اتفاق بیفتد. در یکی دو ماه گذشته شاهد برجسته ساختن علم پزشکی در مقابل عقاید و باورهای مذهبی و مرجع شمردن مراکز آزمایشگاهی به جای مراکز مذهبی بوده‌ایم. پرداختن به

۱۴۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

این که منجی بشر فقط علم است بسیار خطرناک است و تمدن بشری را بیش از پیش از بنیادهای اندیشه‌ای و باورهایش دور می‌سازد.

مسئله بعد در به کار بردن افول تمدنی، مسئله «تکانه (= شوک) تمدنی» یا «ناگهانی تمدنی»^۱ است. در حالی که تمدن غرب در چالش فکری و تمدنی نئو لیبرالیسم و کاستی آن بوده و از دیگر سو، تمدن اسلامی درگیر چالش‌های درونی و بیرونی بسیار است، ظهور این تکانه تمدنی، باعث می‌گردد که ورود به مرحله بعدی تمدنی کال و نارس باشد، چرا که مسئله «شدن» در سیر تمدنی بنیادین است. ورود ناگهانی و اجباری به مرحله‌ای تمدنی ناشناخته، بدون آمادگی فکری، روحی روانی، علمی و فناوری و ساختاری، خود به خود تمدن‌ها را به سوی افول می‌کشانند.

برخی از آینده‌پژوهان غربی معتقد بودند که در سال ۲۰۴۰ تمدن بشری دچار تغییرات عمیق خواهد شد و با پیش از آن، دارای تفاوت‌های بسیار خواهد بود. از نظر آنان، بشر پس از آن وارد مرحله نوینی از تمدن خود خواهد شد که آغازش البته از نظر آن‌ها، اروپا خواهد بود. از نظر آن‌ها، تمدن بشری بعد از سال ۲۰۴۰ با تمدن بشری قبل از سال ۲۰۴۰ یکی نخواهد بود و ویژگی‌های آن را هم برشمردند. زندگی، روابط افراد با همدیگر و برداشتی که از هم دارند و شیوه زندگی و غذا خوردن و کار کردنشان و ... با هم تفاوت خواهد داشت؛ مثلاً بسیاری از مشاغل امروزی کاملاً از بین خواهند رفت و مشاغل جدیدی روی کار می‌آیند که نمی‌توان فکرش را هم کرد و افراد بجای این که کار گروهی کنند و چند انسان در کنار هم باشند، انسان با ماشین و بالعکس همکار خواهد بود و این اتفاق است که شکل زندگی و تمدنی بشر

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۴۳

را تغییر خواهد داد. این اتفاق در اروپا در حال رخ دادن است، اما بسیاری از حوزه‌های تمدنی هنوز به شیوه کهن و اجدادی حرکت می‌کنند. بسیاری از تمدن‌ها را می‌توان تمدن‌های موروثی نام گذارد که با توان و اراده بسیار محدود، برای پذیرش تغییر و تحوّل تمدنی روبه‌رو خواهند شد.

بخش مهمی از مسئله پاسخ تمدنی با نظام‌های سیاسی و سیاست‌های آنان در هم‌آوردی در کارزار بحران‌های تمدنی است. نظام‌های سیاسی یا برآمده از نظام تمدنی است که یا در جهت حوزه تمدنی قرار دارد یا از نقطه‌ای در برابر، مانع یا عامل انحطاط آن می‌گردد. نظام تمدنی، اگر به وسیله نظام‌های سیاسی تعریف شود، آن وقت حوزه تمدنی، به بخشی از دستاورد خود، محدود و مجبور می‌شود. یکی از آفت‌های تمدنی که در بسیاری از کشورهای خاورمیانه وجود دارد این است که نظام تمدنی و سیاسی، جای خود را عوض کرده‌اند و نظام سیاسی تمام شئونات زندگی را در بر گرفته است. بحث تفکیک قوا، در نظام سیاسی، یک دستاورد فکری و تمدنی است، اما بسیاری از کشورها با وجود حفظ پوسته این دستاورد، بخشی از آن را برجسته و تقویت می‌نمایند، آن هم بر اثر رخدادها و روند تحولات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی. وقتی نظام سیاسی هرچه که می‌خواهد باشد، جمهوری یا پادشاهی و پارلمانی، چهارچوب تمدنی را ترسیم می‌کند، مشکل پیش می‌آید. چون هر نظام سیاسی در هر کجای دنیا، چهارچوب و محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند. صرف نظر از درست یا نادرست بودن آن، باید در نظر بگیریم که این محدودیت‌های سیاسی، ضربه‌ای مهلک به پویایی اندیشه در حوزه‌های تمدنی می‌زند. نتیجه این که با سقوط یک نظام سیاسی، بستر تمدنی ضعیف شده آن هم سقوط می‌کند، تاریخ تمدن،

گواه بسیاری از این افول و سقوط‌های تمدنی است.

در رویارویی با گسترش ویروس کرونا، بسیار اندک بودند نظام‌های سیاسی‌ای – مانند کره جنوبی – که توانستند به گونه‌ای نسبی بحران را مهار کنند. با این‌همه سایر حوزه‌های تمدنی، بویژه تمدن غرب بسیار شکننده و آسیب‌پذیر به این کارزار آمدند. نتیجه این ناکارآمدی در ارائه پاسخی تمدنی به یک بحران عمیق برخی از ساختارها و سازمان‌های سیاسی برآمده از بطن تمدنی، غرب را برای همیشه دستخوش تغییرات عمیق کرده و به سمت گسستی تمدنی پیش خواهد راند. نمونه آن، پرسش‌های جدی در برابر آینده اتحادیه اروپاست. چرا که در برابر پاسخ تمدنی دو نوع پرسش وجود دارد. نوع اول، پرسش‌های مطرح شده پیش از وقوع بحران است که در چهارچوب هشدارها و اعلام خطر، از سوی اندیشمندان و آینده‌پژوهان بیان می‌شود و نظام‌های تمدنی مانند لیبرالیسم و نئولیبرالیسم و دموکراسی لیبرال به آن اعتنایی نمی‌کند و حوزه‌های تمدنی دیگر هم مانند حوزه تمدن اسلامی، آن را «مسئله» خود نمی‌دانند. پرسش پس از پاسخ‌های تمدنی، نظام‌های سیاسی را نشانه می‌رود که پرسشی عمیق‌تر است و بیشتر پرسش‌هایی است که ماهیت و وجود نظام‌های سیاسی و فرهنگی و باورهای مذهبی را مورد سؤال قرار می‌دهد. تعطیلی اماکن مقدس و برگزار نکردن مناسک مذهبی و دینی، طرح مسئله طب اسلامی در برابر پزشکی نوین و مشابه چنین رخدادهایی در دراز مدت در حوزه‌های تمدن اسلامی، چالش‌های جدی را به وجود خواهد آورد. درست در همین جهت است که بحران‌های تمدنی بازگشت به مفاهیمی مانند تصمیم‌مدنی یا قضاوت یا گسست تمدنی به ایستگاه‌ها و نقاط عطف تاریخی نزدیک می‌شویم. باید در نظر داشته باشیم

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۴۵

که چالش‌های تمدنی آینده، کارزار و نبردگاه مفاهیم خواهد بود. در این پویه، تمدن اسلامی چنانچه به بازسازی خود نپردازد، بی‌تردید در مسیر ایستایی تمدنی و از دست دادن پویایی خود خواهد افتاد.

هر تمدنی با هر خاستگاه و سازگاری، نیازمند رخدادهای تمدن‌ساز است و این رخدادها بدون اندیشه ورزیدن میسر نخواهد شد. مسئله‌ای که اینجا اهمیت پیدا می‌کند، حوزه عمومی و حوزه خصوصی است. نظام‌های سیاسی با استدلال حفظ حقوق، در بسیاری موارد مرزبندی‌های تمدنی حوزه خصوصی و عمومی را مخدوش می‌کنند. این در واقع پریشانی تمدنی به بار می‌آورد. وقتی زیرساخت‌های معرفتی، چارچوب‌بندی نشده و حوزه‌های مشخص نیست، این اغتشاش تمدنی پیش می‌آید. در این تشویش و پریشانی تمدنی بیشترین ضربه اندیشه و نقد خواهد خورد.

درست در اینجا است که مفهوم «مدیریت تمدنی» می‌تواند در مدیریت بحران تمدنی به کار بیاید. مدیریت بایسته و شایسته در حوزه تمدنی را نباید با مدیریت سیاسی و اقتصادی و سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نظام‌های سیاسی، یکی گرفت. بحث محوری در مدیریت تمدنی، آینده تمدن بشری یا آینده‌پژوهی تمدنی است. ستون آینده‌پژوهی تمدنی، آینده‌پژوهی تحول و تغییر مفاهیم تمدنی است. در بسیاری از کشورها، بحث‌های تمدنی بسیار اهمیت پیدا کرده است. در ایران هم بحث‌های تمدنی مطرح است، مانند بحث تمدن نوین اسلامی که دغدغه آن احیای آینده تمدن اسلامی و شیعی است؛ اما بیش و پیش از طرح مسئله مدیریت تمدنی، می‌بایستی سازکار و زمینه‌های خلق و پویایی و احیای تمدنی ایجاد شود. گام نخست در این راه، آزاداندیشی است. باید حوزه‌های تمدنی جدید،

ویژگی‌های آن، مسیر و پویایی آن‌ها بررسی شود، گفت‌وگوی اندیشه‌محور شکل گیرد. در این پویه، ورود دانش آینده‌پژوهی در مسئله تمدن و فرهنگ، بسیار کارساز است. آینده‌پژوهی تمدنی، بحث بسیار مهمی است که باید در مباحث تمدنی که در ایران مطرح است، وارد شود. گرچه در مقابل این دانش مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد، حتی در کشورهای پیشرفته، چرا که روش‌های آینده‌پژوهی، بسیار متفاوت و گاه در تعارض با مفاهیم پذیرفته شده و هنجارها قرار می‌گیرد. بدون آینده‌پژوهی تمدنی، امروزه نمی‌توانیم بحثی جدی و پایه‌ای را در حوزه تمدنی مطرح سازیم.

باید تفاوت‌های بین مدیریت راهبردی تمدنی و آینده‌پژوهی تمدنی را در نظر بگیریم، بویژه اگر بخواهیم در حوزه تمدنی مطالعه و بررسی و برنامه‌ریزی کنیم. در مدیریت راهبردی، هدف کاملاً مشخص شده، مسیر، نقطه‌گذاری و تعیین شده تا رسیدن به هدف. چنانچه در این مسیر هم مانعی ایجاد شود، مسیرهای جایگزین را انتخاب می‌کنیم، اما در آینده‌پژوهی پدیده‌ای به نام «رصد کردن»^۱ داریم که نه تنها اتّفاقات و روندها را رصد می‌کنیم، بلکه در آینده‌پژوهی تمدنی با مفهوم مدیریت هوشمند مشاهده و رصد روبرو هستیم. در آینده‌پژوهی گاهی در نیمه راه به این نتیجه می‌رسیم که این هدفی را که ما انتخاب کرده‌ایم؛ در زمان تخمینی رسیدن به آن از اعتبار و اهمیت و اساساً هدف بودنش تهی شده و حتی ممکن است به ضدّ هدف تبدیل شود. در آینده‌پژوهی تمدنی، همه عناصر به طور دائم مورد مشاهده هوشمند قرار می‌گیرند، حتی اهداف ترسیم شده. مدیریت راهبردی، هدف را عوض نمی‌کند، اگر عوض کند روند سختی است، اما در آینده‌پژوهی ما

1 Observation

انعطاف زیادی داریم.

دیده‌بانی هدف، بازبینی روش، بازبینی هدف و شیوه‌ها و راه‌هایی که می‌تواند به هدف برسد و پویایی سناریوها، باعث می‌شود تا شما وارد شگفتانه راهبردی نشوید. باید تغییر و تحوّل در معنا و مفاهیم و کارکردها را در نظر گرفت. در نظر داشته باشیم، کتاب هانتینگتون که درباره جنگ یا تکانه تمدن‌ها بود، اما امروزه موضوعی به نام تمدن تکانه مطرح هست؛ یعنی تکانه و تقابل، تبدیل به تمدن می‌شود. این مسئله در مواجهه با گسترش ویروس کووید ۱۹ آشکار گردید. امروز با شتاب و سرعتی بیش از گذشته، به سوی یک جنگ تمام عیار تمدنی می‌رویم. مطالبی که هانتینگتون مطرح نموده بود حالا اشکال و حوزه‌ها و سازکار آن تغییر کرده است. ما هم اکنون در تکانه تمدنی نیستیم، بلکه در تمدن تکانه و تقابل، قرار داریم. حتی مسئله جهانی شدن هم نمی‌تواند از تقویت این روند جلوگیری کند. روندهای تمدنی به سمت و سویی می‌رود که به آن «بقای تمدنی» می‌توان گفت؛ یعنی بقا و دوام یک تمدن یا وابسته به تدوام تمدن «دیگری» می‌شود، یا با نابودی تمدن «دیگری» امکان می‌باید. دوران پس از کووید ۱۹ و عمیق‌تر شدن شکاف‌ها و گسست‌های تمدنی و در میان‌مدت از رویه همزیستی تمدنی فاصله می‌گیریم و به نظر نگارنده، ما وارد مواجهه با مفهوم «کوتاه مدت»^۱ در حوزه تمدنی خواهیم شد.^۲ برای آماده شدن در این کارزار تمدنی شیوه‌های بسیار پیچیده‌ای به وجود خواهد آمد که با روش‌های

1 La courte durée

۲. مفهوم «کوتاه مدت» برای نخستین بار از سوی Fernand Braudel تاریخ‌دان فرانسوی و یکی از بنیادگذاران مکتب آنال مطرح گردید که ما در فرآیند مفهوم‌سازی، آن را تغییر داده و به مفهوم «کوتاه مدت تمدنی» رسیدیم.

پیشین تفاوت‌های ماهیتی و ابزاری و مفهومی خواهد داشت؛ مثلاً کاربرد و کارکرد تکانه تمدنی تغییر بسیار خواهد نمود. احتمالاً تمدن غرب خودش تکانه‌های بیشتر تمدنی وارد خواهد ساخت تا به خودش تکانه وارد نکند آن پویایی رخ نمی‌دهد و این شوک با شوکی که تنه بزند به تمدنی که در آن رشد می‌کند و آن را پایین‌تر ببرد فرق دارد، همه اینها و حوزه‌ها و برنامه‌هایش باید مشخص شوند. از آن گذشته تمدن‌های دیگر، تاب تکانه‌های مستمر را نخواهند داشت. به نظر می‌رسد، مرحله‌ای بسیار پیچیده خواهد بود که تصوّر رخدادهای تمدنی در بافتار مسئله «بقا» دشوار خواهد بود. تمدن غرب، اگر بتواند وارد دوران «پساکرونا» بشود، به احتمال بسیار، در سازکارها و بنیادهای تمدنی خویش، تغییرات بسیار خواهد داد و به احتمال بسیار مسئله و پرسش‌های تمدنی امروز که مطرح است، وارد بخش‌های مهمّ تصمیم‌سازی سیاسی و اقتصادی خواهد شد. جنگ اقتصادی ایالات متحده علیه چین و اتحادیه اروپا و حتی کانادا، شدت بیشتری خواهد یافت و این همه با تضعیف مفهوم جهانی‌شدن^۱ خواهد بود.

در سال‌های گذشته، با اشتباه گرفتن مدیریت تمدنی و مدیریت سیاسی، مطالعات تمدنی با بحران در روش و باز تعریف مفاهیم دچار شده است. با تغییر در مرزبندی‌های معرفتی و کارکردی و فکری تمدنی، ما وارد مرحله‌ی جدیدی از مناسبات فردی و تمدنی خواهیم شد.

حال این پرسش پیش می‌آید که جهان اسلام یا تمدن اسلامی پس از

کرونا به چه سمت و سویی خواهد رفت؟

در ابتدا می‌بایستی مرزبندی مفهوم جهان اسلام روشن شود. به نظر

1 Mondialisation/ Globalization

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۴۹

نویسنده، دنیا یا جهان اسلام در گذشته وجود داشته، ولی امروز «جهان مسلمانان» را داریم و این خود، بازتعریف و بازنگری مفاهیمی است که می‌تواند جهت‌گیری مدیریت تمدنی ما را ترسیم نماید. وقتی می‌گوییم یک جهان تمدنی، یعنی جهانی یکپارچه که با وجود اختلاف و تفرق فرق و جغرافیا، یک چهارچوب آرمان‌های مشترک تمدنی را تشکیل داده و یک مسیر تمدنی را طی کنند. ما می‌توانیم بگوئیم جهان مسلمانان را داریم که هر کدام واقعیت و ویژگی‌های مرزهای سیاسی، جغرافیایی، ملی، رسوم و روند تاریخی و تمدنی خود را دارد. به این ترتیب، وقتی می‌گوییم جامعه مسلمانان، متوجه می‌شویم که این جامعه به هم پیوسته‌ای نیست و به همین دلیل نمی‌توانیم آن را کلیتی تمدنی، دست کم در شرایط کنونی تلقی نماییم، مگر آن که آرمانی تمدنی در آن شکل داده شود، مسئله‌ای که در طرح «تمدن نوین اسلامی» مطرح شده ولی آنچنان که باید و شاید بدان پرداخته نشد. ما می‌توانیم تمدن مسلمانان را در نظر بگیریم یا تمدن‌های مسلمانان و این نکته مهمی است. وقتی می‌گوییم تمدن مسلمانان، آنگاه متوجه می‌شویم که این مفهوم تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی، راهی دشوار را پیش رو دارد. این نکته یک آسیب‌شناسی مفهومی در حوزه تمدنی است که می‌تواند مدیریت تمدنی نوینی را طراحی و ترسیم نماید.

نمی‌توان برای نمونه، مسلمانی را که در اندونزی و مالزی است با مسلمانی که در نیجریه یا فرانسه است به لحاظ «آهنگ تمدنی» و آرمانی و مسیر و رویه فرهنگی و حتی مذهبی یکی و یکسان گرفت. درست است که در اعتقاد به خداوند یکتا و پیامبر (ص) و برخی احکام اشتراک دارند، اما در رفتارها و الگوهای فرهنگی و تمدنی تفاوت‌های زیادی وجود دارد که نمی‌توان به این

اعتبار آن‌ها را در یک «جهان» معرفتی، اعتقادی، تمدنی و فرهنگی قرار داد. در دوران طلایی تمدن اسلامی، مرزهای جغرافیایی و زبانی و فرهنگی تا حدود بسیاری از میان رفته بود. این ما را به این به «نقطه بازگشت» در حوزه تمدنی می‌رساند؛ مانند اتفاقی که در رنسانس اروپایی رخ داد. با این تفاوت که امروز برای بازگشت تمدنی راه بسیار دشوار است، زیرا تقابل و تخاصم تمدنی رقیب که همان تمدن غرب است، وجود دارد. این به معنای مسدود شدن همه راه‌های بازگشت و احیا نیست. مسیر این بازگشت را اندیشمندان روشن می‌سازند.

باید در نظر داشته باشیم که مسیر تمدنی خطی نیست و تمدن‌ها ممکن مسیره‌ای موازی داشته باشند. مثلاً، ما الآن جهان تمدنی شیعه و جهان تمدنی سنی را داریم که هر دو به طور نسبی و تاریخی تا حدودی در ادامه تمدن اسلامی در گذشته قرار دارند. مسئله ایجاد «نقطه تلاقی تمدنی» و سوگیری جدید، بر اساس آرمان‌های مشترک در مقابل تمدنی متخاصم است که جز استحاله و نابودی تمدن اسلامی، هدف دیگری ندارد. این اشتباه است که یک تمدن بیاید و در مسیر حیات خود نقطه گذاری‌های تمدن متخاصم را طی کند. وقتی هر تمدنی اهداف و آرمان‌های خود را داشته باشد، بنابراین جهت‌ها و مسیر متفاوت است. وقتی فناوری نوین و رسیدن به آن ملاک و سنج تمدنی می‌شود، طبیعی است که یک حوزه تمدنی پیش‌تر، و حوزه دیگر ناتوان‌تر باشد. این البته نکته جدیدی نیست. در ایران در تمام قرن نوزدهم و حتی اوایل قرن بیستم، اندیشمندان بسیاری بر این باور بودند که ما باید فناوری و دانش غرب را بگیریم و آداب و رسوم خود را نگه داریم. این اتفاق نیفتاد و در نهایت، نقاط پیشران غرب به کلیت تمدن غرب تعمیم

داده شد.

باید در نظر داشت وقتی می‌گوییم این اتفاق در غرب می‌افتد، یعنی این اتفاق تنها در فرانسه یا بریتانیا یا آلمان نمی‌افتد، بلکه در اسپانیا هم باید رخ دهد و این طور نیست که تمدن‌ها جایی جلوتر از جوامع می‌روند. پیش قراولان تمدنی را نباید به مثابه کلیت یک تمدن تلقی کرد، این اشتباه همیشه رخ می‌دهد. هر تمدن باید معیارها و سنجه‌های تمدنی خود را برقرار کند، اتفاقی که هنوز در حوزه تمدن اسلامی امروز رخ نداده است. تمدنی که برخی از پژوهشگران غربی از آن با عنوان «تمدن اسلامی سابق»^۱ یاد می‌کنند، دارای منابع بسیاری است که رویکردی اکتشافی در چهارچوب آینده‌پژوهی تمدنی، می‌تواند نقطه‌گذاری دقیق در جهت بهره‌مندی از آن‌ها در مقابل تمدن‌های رقیب ایجاد کند.

دانشمندان اسلامی اصلاً جغرافیا نداشتند، مدتی در مصر بودند و چند ماه بعد سر از افغانستان در می‌آوردند، این قدر جابجایی داشته‌اند. در نقاطی که فشارهای سیاسی کمتر بوده، دستاوردهای علمی، فرهنگی و تمدنی بیشتر بوده است. مثلاً، در جهان شیعی، پیش از روی کار آمدن فیصل و تشکیل کشور عراق، جا به جایی علمای شیعه بسیار هموارتر بوده است. از زمانی که مسئله دولت-ملت‌ها شکل گرفتند، شکاف تمدنی در تمدن اسلامی به وجود آمده بود شدت گرفت.^۲ به نگارنده، بعد از جنگ جهانی اول، ضربه‌هایی را

1. Ex-civilisation islamique

۱. یکی از اتفاقاتی که به جامعه شیعه ضربه زد، تفکر فیصل در عراق بود. وی گفت: هر کسی که می‌خواهد در عراق باشد، باید گذرنامه عراقی بگیرد و اگر نمی‌خواهد باید از عراق برود. ایجادکنندگان مرزهای سیاسی استخوان لای زخم گذاشتند، بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان داریم. برای جهان شیعی در

جهان اسلام خورد، نه تنها به علت سقوط امپراتوری عثمانی، بلکه به دلیل رشد ملی‌گرایی و رشد تفکرات اشتراکی که صدمه زیادی به جهان اسلام زد. تا هنگامی که جهان مسلمانان به جهان اسلام تبدیل نشود، نمی‌توانیم به بازسازی تمدنی و احیای آن و مهم‌تر از همه تمدن نوین اسلامی بیندیشیم. جهان‌های مسلمانان پس از جنگ جهانی اول به تدریج دچار گسست تاریخی، فرهنگی و تمدنی شد که هنوز ابعاد و لایه‌های آن مورد آسیب‌شناسی تمدنی قرار نگرفته است. بدون آسیب‌شناسی تمدنی نمی‌توان به مدیریت تمدنی که یک مدیریت پویا است دست یافت. اولویت در آسیب‌شناسی تمدنی، آسیب‌شناسی مفاهیم تمدن‌ساز یا برآمده از تمدن‌ها است.

همان‌طور که گفته شد، حتی پیش از مسئله بحران کووید ۱۹، اندیشمندان بسیاری در اروپا و آمریکا مطالعات تمدنی بسیاری را به سرانجام رساندند و پرسش‌های بسیار مهمی را مطرح و دیدگاه‌های کهن با رویکردهای نوین را مطرح ساختند. آن‌ها تا آنجا پیش رفته‌اند که شاخه «فروپاشی‌شناسی تمدنی»^۱ را بنیاد نهاده‌اند تا هم به دلایل سقوط و انحطاط تمدن‌ها بپردازند و هم به تمدن‌های کنونی و آینده آن‌ها بپردازند.^۲ یکی از

آن زمان، اصلاً ایران و عراق وجود نداشت، ولی با این دستور فیصل، جهان ایران و جهان اسلام شد. با این کار بسیاری از علما به ایران آمدند. این مرزبندی‌ها، به تمدن بسیار صدمه زد. امروزه با بحث‌های ملی‌گرایی و قوم‌گرایی، همین ترکیب هم به سمت تجزیه بیشتر جغرافیایی و تمدنی می‌رود.

1. Collapsologie

۳. این شاخه دانش در فرانسه و به وسیله Agnès Sinai و Yves Cochet بنیاد گذاشته شده است. مهم‌ترین کارکرد این دانش، رصد و اعلام هشدارهای تمدنی در حوزه‌های گوناگون حیات بشری است. جالب این است که تاکید این شاخه بر بررسی نشانه‌های خود ویرانگری تمدنی و خود فروپاشی است.

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۵۳

آن‌ها، دیدگاه‌های آخرالزمانی و دیگری دیدگاه‌های تقابل تمدنی است. برای اندیشمندان ایرانی، اینها مفاهیم ناآشنایی نیست. هم مفاهیم آخرالزمانی مطرح است برای آن اندیشه‌ها و هم چهارچوب‌های معرفتی، کارکردی و پیامدگرا وجود دارد. همچنین، بحث تقابل و تضادهای تمدنی نیز مطرح است. باید در نظر داشت که به مسائل تمدنی می‌بایستی نگاه و رویکردی تمدنی داشته و شتاب‌دهنده‌های فرهنگی و تمدنی را شناخت. طرح آسیب‌شناسی تمدنی برای تمدن ایرانی اسلامی و آسیب‌شناسی تمدن رقیب بیشتر از هر روز اولویت آن آشکار شده است. برای مثال، مفهوم جهانی شدن، اعتبار و کارایی خود را از دست خواهد داد و این یکی از ضربه‌های جدی است که بر تمدن غرب وارد خواهد شد. اگر چه این روند حدود چهار سال است که آغاز شده، ولی بحران ویروس کووید ۱۹ آن را تشدید خواهد کرد. حالا پرسش این است که با وجود کشمکش‌های درونی و بیرونی تمدن رقیب و متخاصم، چگونه می‌توان به «فرصت» تمدن‌ساز دست یافت؟ آیا امروز فاصله‌گذاری مفهومی بین تمدن بشری و تمدن مذهبی^۱ (از هر نوع آن) بیشتر خواهد شد؟ هم اکنون که تناقض‌های تمدنی^۲ بیش از پیش، توسط ویروسی که برای نخستین بار تمام کشورهای جهان را آلوده و درگیر خود ساخته است، جدال مفهومی و معرفتی بین تمدن بشری و تمدن مذهبی را تشدید خواهد نمود؟ البته در میان آشفتگی و پریشانی‌های نظری و معرفتی در چهارچوب پیامدهای ویروس کووید ۱۹ برای تمدن امروز، هستند

برخی از اندیشمندان هم مانند Max Lower بر این هستند که ظهور و گسترش ویروس کرونا، دامنه‌های این رشته را گسترده ساخته و کشور های دیگر در آینده نزدیک به آن روی خواهند آورد.

1. civilisations-religions
2. les paradoxes de la civilisation

نظریه‌پردازانی که «ویران‌سازی تمدنی» امروز را برای اعتلای تمدنی غرب نه تنها مفید، بلکه ضروری نیز می‌دانند. این افراد^۱ سال‌هاست که نظریه خود را مطرح ساخته‌اند و اینک در دوره ظهور ویروس کووید ۱۹ آن را به مثابه یک فرصت تمدنی تلقی می‌کنند برای غرب. حال پرسش این است چنانچه این نظریه و حتی نظریات «توطئه‌گرا» در مسئله گسترش ویروس کووید ۱۹، بخشی از یک حقیقت یا واقعیت باشد در مواجهه با این نظریه چه باید کرد؟ چرا که بر اساس این نظریه تمدن‌های شکننده‌تر برای همیشه کارکرد تمدنی خود را از دست خواهند داد. اگر بپذیریم که خاستگاه پیدایش و گسترش این ویروس طبیعی (از حیوان به انسان) بوده است، آیا تقویت نظریه‌پردازان ویران‌سازی تمدنی، قدرت‌های بزرگ را به سمت جنگ‌های زیست‌شناسانه نمی‌کشاند که منشأ آن دیگر طبیعی نیست، بلکه با برنامه‌ریزی پیشین و به صورت آزمایشگاهی بخش مهمی از حیات بشری را هدف خواهد گرفت.

در پایان این یادداشت کوتاه باید این نکته را اضافه نمود که پس از گسترش این ویروس، اشکال سلطه و جنگ‌های تمدنی تغییر خواهد یافت. مسئله «بقا»، و نه همزیستی، بیش از پیش برجسته خواهد شد. در فرانسه در برخی از دانشگاه‌ها مسئله «استقلال اندیشه»^۲ در حوزه‌های تمدنی به طور جدی مطرح شده که نشان دهنده آغاز روند پراکندگی تمدنی در غرب است. به دیگر سخن، از تلاقی، جنگ و تکانه تمدنی، بیش از پیش به سمت کارزار مفهومی و تلاقی تمام‌عیار تمدنی با یکدیگر پیش خواهند رفت. در واقع «بحران‌های تمدنی» تبدیل به «تمدن بحران»^۳ خواهد شد. تمدن‌ها بحران‌ساز

3. effondristes

. autonomie de pensée

5. Civilisation de crise

کووید ۱۹؛ عامل تغییری تمدنی یا آغاز افول تمدنی □ ۱۵۵

خواهد شد، هم برای خود و هم برای دیگر تمدن‌ها. از این روز مدیریت بحران در حوزه تمدنی رشته‌ای است که در آینده نزدیک گسترش خواهد یافت. تمدن‌هایی که هدف یا کارکرد آن‌ها به شیوه اجتناب‌ناپذیر به ایجاد بحران‌های گسترده و چندساحتی و چندجانبه در حوزه‌های تمدنی رقیب با هدف ویرانی یا استحاله کامل آن‌ها پیش خواهد رفت.^۱ حتی اگر در برنامه‌ریزی جدید مدیریت تمدنی، بخش‌هایی از تمدن خود را ویران کنند. به دیگر سخن، کووید ۱۹ بسان رودخانه‌ای خروشان است که تمام تمدن‌ها - از تمدن‌های پیشرفته و کهن تا تمدن‌های هنوز بدوی مانده - ناگزیر از عبور از آن و ناگزیر از پذیرش یک «جراحی تمدنی» دردناک و تغییرهای بنیادین در ساحت‌های گوناگون حیات خود هستند. در آینده قدرت و توانایی تمدن‌ها، متمرکز بر «توانایی وجود و بقا»^۲ بر اساس تغییر «الگوها»^۳ خواهد بود. بنابراین، پرسش این است که با وجود این زودرسی تمدنی^۴ سیر تحولات تمدنی که پیامدهای آن، اندیشمندان و نظام‌های سیاسی تمدن غرب را به تکاپوهای جدی وا داشته است، چنانچه با فرض مدیریت تمدنی به پختگی و قوام نسبی برسد، در مرحله پسا کرونا، تمدن‌های رقیب چگونه و در چه حوزه‌هایی می‌توانند با آن و کنش‌های جدید و پیچیده‌اش هم‌وردی کنند؟

۱. در فرانسه از حدود ۲۰ سال پیش «دانشگاه جنگ اقتصادی» Ecole de Guerre Economique تاسیس شده است. تاسیس چنین دانشگاه و مؤسسه‌های پژوهشی ویژه در چهارچوب تلاقی تمدنی، نشان از طوفان سهمگین تلاقی و کارزارهای جدید و تمام عیار ژدر تمام حوزه‌ها است.

۲. La puissance d'exister

۳. changement de paradigme

۴. در مقایسه با تاریخ تخمینی تحولات تمدنی مطرح شده از سوی آینده‌پژوهان و پژوهشگران حوزه

۱۰. پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران

حسین ابراهیمی کوشالی^۱

مقدمه

کلمه «تمدن» معادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است (جان احمدی، ۱۳۸۶) و متمدن شدن یعنی «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹). ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷).

۱. دانشجوی دکتری/ دانشگاه عالی دفاع ملی/ دانشکده مدیریت/ آینده پژوهی /h.ekoosha@gmail.com

تاریخ نگارش: سی‌ام فروردین ماه ۱۳۹۹.

در فرهنگ‌های انگلیسی، واژه civilization معادل تمدن است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis، به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۵). یونانیان با استفاده از واژه civilization، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱).

با مراجعه به آیات قرآن در حوزه تمدنی می‌توانیم به دو آیه مهم از سوره زمر استناد کنیم که می‌فرماید: «افلم یسیروا فی الارض فینظرو کیف کان عاقبه الذین من قبلهم کانوا اکثر منهم و أشدَّ قُوَّةً و اثاراً فی الارض فما اغنی عنهم ما کانوا یکسبون * فَلَمَّا جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بالبینات فرحوا بما عندهم من العلم و حاق بهم ما کانوا به یتهزءون^۱».

این آیات که در سوره غافر آمده، به این معنا اشارت دارد که تمدن‌هایی که پیش از شما بودند و میزان ایجاد در وجود آنان، بیشتر از شماها بود (أشدَّ قُوَّةً و اثاراً فی الارض) چون متناسب با آن ایجاد، ایضاح از وجود خود را تنظیم نکردند و به آن ایضاح پیشین، دلخوش بودند «فرحوا بما عندهم من العلم»، سرانجام همین امر سبب اضمحلال و نابودی آن‌ها شد. با استفاده از این آیات، تمدن را چنین تعریف می‌کنیم:

«تمدن عبارت است از ایضاح خاصی که یک جماعت انسانی از وجود دارد

۱. سوره زمر، ۸۲ و ۸۳، آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چه شد؟ آن‌ها زیادتر در روی زمین، نیرومندتر و پر اثرتر بودند، ولی آنچه به دست آورده بودند، بی‌نیازشان نکرد، و چون پیامبران‌شان دلایل آشکار برایشان آوردند، به دانشی که نزدشان بود، بالیدند و آنچه به ریشخند می‌گرفتند، آن‌ها را فرا گرفت.

پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۵۹

و بر پایه آن ایضاح و یا در خدمت آن، دست به دگربردسازی در وجود می‌زند و نیز پس از ایجاد دگربردگی، متناسب با آن، به تنظیم و متناسب با زمان‌سازی ایضاح پیشین خود، دست می‌زند که همه اینها در جهت تحقق هستی و چیستی آن جماعت انسانی است» (مهریزی، ۱۳۹۷). براساس این تعریف، دو ساحت برای هر تمدن، قابل فهم است، ساحت ایضاح از وجود و ساحت ایجاد در وجود.

الف) ساحت ایضاح از وجود که در لسان قرآن از آن با تعبیر (ماعدهم من العلم) یاد شده است، دارای دو پایه است: یکی دین و دوم زبان. دین به معنای آن اندیشه‌هایی که یک جماعت انسانی، به درستی و صدق آن باور دارند و آمادگی بذل در راه آن را دارند، حال تفاوت نمی‌کند که آن باورها به شکل ادیان ابراهیمی باشند یا ادیان غیر ابراهیمی، به شکل آیین‌ها و اسطوره‌های اقوام بدوی باشند یا ایدئولوژی‌های قرن ۱۹ و ۲۰، آنچه اهمیت دارد، نوع نگرش یک جماعت انسانی به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها است.

پایه دوم زبان است. زبان از آن جهت که تنها ابزار نیست، بلکه تجسم اندیشه است و در واقع تنها راه نیست، بلکه منزلگاهی است برای تفکر و اندیشه، اهمیتی بسزا می‌یابد، لذا جا دارد به مثابه پایه دوم ساحت نخست تمدن‌ها در آن تأمل کرد. به عبارت دیگر، زبان را باید همچون دین، دستگاهی سامان‌مند دانست که بر پایه آن، به عالم وجود معنا می‌دهیم و به تفسیر و ایضاح آن می‌پردازیم.

ب) ایجاد در وجود یا دگربردسازی جهان هستی است که در لسان قرآن از آن با تعبیر (قوه و آثاراً فی الارض) یاد شده است. در واقع تمدن با

۱۶۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

دگرگونی‌هایی که در وجود ایجاد می‌کند، نمود عینی می‌یابد، همان طور که نخستین تمدن‌ها، با یکجانشینی و کشاورزی که بدوی‌ترین نوع ایجاد در وجودند، پدیدار می‌شوند.

ساحت ایجاد یا دگربودسازی در دو افق به منصف ظهور می‌رسد: افق آفاقی و افق انفسی.

دگربودسازی در افق آفاقی به نه بخش تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱. میزان تولید ثروت و شیوه توزیع آن در جامعه؛
۲. میزان تولید علم و اندیشه؛
۳. وضعیت هنر و حجم شکوفایی کیفی و کمی آن؛
۴. جایگاه عدالت انسانی در نظام حقوقی و اجتماعی آن؛
۵. چگونگی گزینش حاکمان و چگونگی حکومت کردن آن‌ها و نوع تعامل آنان با مردم؛
۶. وضعیت جنبش‌های اجتماعی؛
۷. وضعیت خانواده؛
۸. نوع نگرش به مسائل جنسی؛
۹. اخلاق اجتماعی مردم؛

افق دوم ایجاد که دگربودسازی انفسی است، تنها یک بخش دارد که آن، اخلاق فردی مردم یک جامعه است. (مهریزی، ۱۳۹۷).

۱. کیفیت مواجهه تمدن غرب با پدیده کرونا

با این مقدمه و با توجه به ظهور پدیده بیماری فراگیر کرونا در جامعه بشری، می‌خواهیم بدانیم که آیا می‌توان به صورت عملی و تجربی، میزان پایداری تمدن غالب در جهان امروز را تحلیل کرد؟

پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۶۱

همان طور که از تعریف تمدن بر پایه آیات قرآن تحلیل شد، پس از طی مراحل ظهور و فراگیر شدن یک تمدن در جامعه بشری بر مبنای دو ساحت ایضاح و ایجاد، تداوم آن نیازمند مستدام بودن شرایط ایضاح در مقابله با الزامات و نیازهای جدید جامعه است. به عبارت دیگر، ایضاح از وجود برای این که دچار پستی‌گرایی نشود، باید بتواند متناسب با تحولات و تغییرات عالم وجود، معالم و مفاهیم مورد نیاز را عرضه کرده و در بستر تمدنی، پاسخگو باشد و بتواند مقبولیت خود را نزد مردم حفظ و تجدید کند و این تجدید مقبولیت که باید به طور دائمی صورت گیرد، با شناسایی نیازهای جامعه و ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده حاصل می‌شود.

بنابراین، هرگاه پیشران‌های یک تمدن غالب، به دلیل نشناختن نیازهای زمانه و یا ناتوانی در ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده به آن‌ها، دچار اختلال شوند، این شرایط را باید آغازی بر پایان آن تمدن تلقی کرد، هرچند که این امر ممکن است، سالیان متمادی به درازا بکشد.

در عصر فوران اطلاعات، بسیاری از اندیشمندان غربی، بر این عقیده بوده و هستند که با تسلط بر ابزارهای پیشرفته رسانه‌ای، امکان توقف در حرکت شتابان تمدن غرب وجود ندارد و ساحت ایجاد در وجود این تمدن، شتاب توسعه را آنچنان بالا برده که بشر امروزی فرصتی برای تردید در ساحت ایضاحی نخواهد یافت. حتی این موضوع مطرح است که ساحت ایجاد تمدن غرب با تولید و استفاده مداوم از فناوری‌های نوین، خلق نیازهای برساختی کرده و در این مسیر حتی فطرت بشری و وجدانیات را هم متأثر می‌کند، لذا نگرانی از ساحت ایضاحی خود ندارد.

پدیده کرونا با ایفای نقش یک ویروس کوچک، پایه‌های این فرضیه را

۱۶۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

متزلزل کرده است. این بیماری فراگیر غیرقابل مهار، در مقطع کوتاهی توانست دنیای بشری را درنوردیده و سحر فناوری‌های نوین رسانه‌ای را باطل کند. واقعیت این ویروس و احساس خطر از آن، سبب شد تا اقوام و ملت‌های مختلف به اصالت خود رجوع کرده و بار دیگر اهمیت فطرت، وجدان و حتی وحی را در زندگی خود احساس کنند.

بسیاری از تمدن‌های غربی یا غرب‌زده، در مواجهه با پدیده کرونا، با رجوع به باورهای اصیل خود و تأکید بر اصالت منافع فردی و شخصی به دور از قیامت باوری، راهکارهایی همچون هجوم به مراکز خرید اقلام بهداشتی و خوراکی، ترس و گریز از انجام وظایف کاری در لباس کادر پزشکی و درمانی، رها کردن بیماران کهنسال و دارای بیماری‌های مزمن، عدم مسئولیت‌پذیری نسبت به وضعیت اقشار بی‌خانمان در مواجهه با این پدیده، دزدی و راهزنی برای مصادره اقلام بهداشتی و پزشکی سایرین در سطوح خرد و بین‌المللی و امثال آن را برگزیدند.

از سوی دیگر، برخی از جوامع با تکیه بر آموزه‌ها و باورهای اصیل و ایمانی خود، راهکارهایی همچون؛ مجاهدت باورمند نیروها و کارکنان بهداشتی و پزشکی، حضور حماسی در میداین تولید اقلام مورد نیاز برای مقابله با کرونا، نهضت پاکسازی فضاهای عمومی جامعه به وسیله گروه‌های مردمی، پذیرش جمعی تصمیماتی همچون تعطیلی عبادتگاه‌ها، تفرجگاه‌ها و مسافرت‌ها را تجربه کردند.

در شرایط موجود اگرچه رسانه‌های پشتیبان تمدن غرب در تلاش برای انجام مأموریت خود و زیباسازی چهره تمدن حاکم هستند، اما واقعیت‌های میدانی ناشی از قدرت‌نمایی ویروس کوچک کرونا اجازه نمی‌دهد که تصاویر

پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۶۳
برساختی این ساحران عصر جدید در ذهن ملت‌ها اثرگذار شود و یا حداقل
بسیار کم اثر شده است.

۲. پدیده کرونا و فرصت ارائه نسخه‌های جدید تمدنی

در کنار تغییرات رفتاری تحمیل شده بر جامعه بشری در اثر مواجهه با پدیده
کرونا، باید به فرصت تفکر و دوباره‌اندیشی بشر اشاره کرد که موجب بیداری
فطرت‌ها شده و به درخواست عمومی از خالق برای رفع بلا، انجامیده است.
بسیاری از افراد در جوامع مختلف به فطرت خود رجوع کرده و فرصت یافتند
که فارغ از روزمرگی‌های رایج، فلسفه وجودی خود و جهان پیرامونی خود را
تحلیل کنند و در نتیجه شاهد تصاویر عجیب دعا و نیایش جمعی در برخی
از جوامع غربی و لائیک باشیم که نشان می‌دهد، علی‌رغم سرکوب درازمدت
جنبه‌های خداباورانه و دین‌دارانه مردم، کرونا توانسته ریشه‌های فطری
خداجویی را در بخش‌های از آن جوامع فعال کند.

این پدیده شگفت‌انگیز، نه تنها در عرصه باورمندی بشر و ایضاح شرایط
فعلی تغییرات اساسی ایجاد کرده، بلکه توانسته است چرخه اقتصادی نظام
حاکم بر دنیا را به مثابه موتور محرکه ساحت ایجاد تمدن غرب، متوقف
سازد و شرایطی را ایجاد کند که صاحبان تفکر سرمایه‌داری در جهان، نگران
تداوم این روند شوند و نسبت به سقوط سازه تمدنی غرب در صورت تداوم
وضع موجود هشدار دهند.

در این شرایط، آیا می‌توان گفت که پدیده کرونا و فراگیر شدن آن در
جامعه بشری فارغ از این که عامل ایجاد اولیه آن شرارت بشری بوده یا یک
اتفاق، نوعی هشدار به تمدن حاکم است؟ آیا می‌توان این گونه استنباط کرد
که بشر غربی در مسیر غفلت‌ورزی نسبت به فطرت خود، به جایی رسیده که

۱۶۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

باید شاهد اضمحلال تمدن عظیم ساخته شده‌اش باشد، چیزی شبیه به تمدن‌های نابود شده اقوام تکذیب‌کننده پیشین؟

نکته مهمی که در مورد تمدن غربی باید مورد توجه قرار گیرد، آن که این تمدن به واسطه بهره‌گیری از ابزارهای مدرن و فناوری‌های ارتباطی، توانسته است از ضریب نفوذ بسیار بالایی در همه جوامع بشری برخوردار شود و امروزه اکثر ملت‌ها با شدت و ضعف، در اداره جوامع خود از مصنوعات علمی و سیستمی این تمدن بهره گرفته و سبک زندگی مردمان متأثر از آن است. حال اگر پدیده کرونا را یک هشدار جدی برای بنیان‌های تمدن غالب بدانیم، رهیافت جامعه بشری در قبال این هشدار چه می‌تواند باشد؟ آیا تمدن فعلی قابلیت تصحیح رفتار متکبرانانه خود نسبت به خالق هستی را دارد یا چاره‌ای نیست جز این که طرحی نو در انداخت؟

رفتارهای پرخاشگرانه و غیرمنعطف جهان غرب نسبت به گفتمان‌های اصلاحی یا رقیب که در قالب کنش‌هایی همچون فشار همه‌جانبه به نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه منادی تمدن نوین اسلامی و سیاست مهار اقتصاد جمهوری خلق چین به مثابه منادی تمدن نوین سوسیالیستی نشان می‌دهد که سیاست‌مداران، نظریه‌پردازان و متفکرین تمدن غرب همچنان معتقدند که نیازی به اصلاح روندها و تغییر مبانی نیست و باید با هر روشی، گفتمان‌های اصلاحی و رقیب را سرکوب کرد؛ اما پدیده کرونا ثابت کرد که گفتمان لیبرال دموکراسی امکان پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی بشر را در بحران‌های فراگیر ندارد، چراکه نمی‌تواند مبنایی اصیل برای مفاهیمی همچون ایثار، از خود گذشتگی و فداکاری پیدا کند. لذا در رفتار هم دچار تناقض می‌شود و نمی‌تواند بدیهی‌ترین الزامات مقابله با پدیده‌ای

پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۶۵

جهانی همچون کرونا، یعنی ایجاد وفاق و همدلی در جامعه جهانی را محقق کند و در اوج مشکلات جهانی ویروس کرونا، درگیر تخاصمات ضد بشری خود در فلسطین، یمن، عراق، ونزوئلا، کوبا، سوریه، ایران و چین است. ویروس کرونا، چهره بدون نقاب تمدن غرب به سردمداری آمریکا و اروپا را در معرض دید جهانیان قرار داده و ناتوانی در ایضاح سیاست‌های اعمالی در این شرایط را آشکار کرده است.

۳. رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران در عصر پسا کرونا

در این شرایط وظیفه متفکرین و صاحب‌نظران گفتمان‌های رقیب بسیار مهم و راهبردی است. بررسی دو ساحت تمدنی ایضاح از وجود و ایجاد در وجود؛ در نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با پدیده کرونا، می‌تواند نقاط قوت و ضعف تمدنی کشور را در یک عرصه واقعی نشان دهد.

ایران اسلامی بر پایه چشم‌انداز تعیین شده خود در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دارد. نحوه مواجهه با پدیده ویروس کرونا در ایران، بر پایه ترکیبی از روش‌های رایج جهانی و شیوه‌های اختصاصی یک نظام ایدئولوژیک اسلامی، قابل تحلیل است. نمی‌توان ادعا کرد که در این عرصه، شاهد عملکردی درخشان و در تراز عالی تمدنی بوده‌ایم، اما می‌توان ادعا کرد که روش ترکیبی مورد استفاده، نتایج به مراتب بهتری نسبت به عملکرد نظام‌های غربی نشان داده است.

این آزمون حقیقی نشان داد که در ساحت ایضاح از وجود، با سرمایه گذاری صحیح نظام اسلامی در مبحث گسترش و تعمیق باورهای دینی و تأکید بر خودسازی مؤمنانه افراد و خصوصاً جوانان در مناسکی همچون اربعین حسینی، اعتکاف، شب‌های قدر و اردوهای راهیان نور برای گسترش

۱۶۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

فرهنگ جهادی و تربیت نیروهای مؤمن به وعده‌های الهی، شاهد ایفای نقش برجسته این افراد در مقابله با بحران بوده‌ایم؛ البته، در بخش‌هایی از جامعه که بر پایه تفکرات غربی و تحت تأثیر تصویرسازی رسانه‌ای آن‌ها رشد کرده بودند، واکنش‌های تأسّف‌باری مشابه جوامع غربی مشاهده شد. رهیافت میان‌مدت جمهوری اسلامی در این ساحت، تقویت باورهای توحیدی با تأکید بر دو گنجینه انس با قرآن همراه با تدبّر و مناجات با پروردگار همراه با توسّل به اهل بیت علیهم‌السلام است. همچنین باید نظام رسانه‌ای در تراز انقلاب اسلامی طّراحی و به مرحله اجرا در آید که بتواند با بهره‌گیری صحیح از ظرفیّت هنر، ذائقه‌سازی پاکیزه را متناسب با ضرورت‌های یک جامعه اسلامی مهدوی، در دستور کار قرار داده و نسبت به حمایت فکری از مستضعفین این عرصه همّت گمارد.

در ساحت ایجاد در وجود، با سرمایه‌گذاری کشور در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان طی سال‌های اخیر و همچنین رشد نسبی طبّ ایرانی در کشور، ظرفیّت بسیار خوبی برای پاسخگویی به نیازهای غیرمترقبه اجتماعی فراهم شده است. به نظر می‌رسد که باید در تداوم این مسیر درست و برای ارتقاء سطح کارایی دانش و فناوری، لازم است که متفکّرین ما به حوزه فناوری اسلامی در حوزه‌های مرتبط با سبک زندگی بپردازند؛ حوزه‌هایی همچون آموزش، کسب‌وکار، ارتباطات، بازی‌ها، رسانه‌های صوتی و تصویری، و جوه مختلف هنر، نظام حقوقی و قضایی، سازمان‌های مردم‌نهاد و فرآیندهای اداری و مالی.

در این شرایط، انتخاب رهیافت‌های صحیح به وسیله جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پدیده کرونا می‌تواند جوامع بشری را با توانمندی‌های

پدیده کرونا و رهیافت‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۶۷

تمدن نوین اسلامی، آشنا کند. توانمندی‌هایی که در بهره‌گیری مناسب از ویژگی‌های طب سنتی ایرانی-اسلامی، قدرت بسیج‌شوندگی جامعه ولایی، ظرفیت نیروهای مؤمن و جهادی و قدرت عملیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان به منصف ظهور رسیدند و می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به رهیافت‌هایی همچون سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه طب سنتی اسلامی-ایرانی، تقویت زمینه‌های رشد اعتقادی و باورمندی دینی جامعه، تقویت جنبه انعطاف‌پذیری شرکت‌های دانش‌بنیان در سبب تولید و ایجاد نهضت نرم‌افزاری برای تولید فناوری‌های اسلامی در حوزه‌های مختلف مورد نیاز جوامع بشری رهنمون شود.

۴. منابع

- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف، ص ۲۴.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع، ص ۵۴۰.
- آدمی ابرقویی، علی (۱۳۸۷)، درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری. تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۹.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین، ص ۳۵.
- فوزی، یحیی؛ صنم زاده، محمودرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۹، ص ۹.
- مهریزی، رضا (۱۳۹۷)، تمدن از دیدگاه قرآن، روزنامه اطلاعات، ضمیمه فرهنگی، ۲۴ مرداد

۱۱. کرونا و بی‌نظمی جهانی

امیرحسین عرب‌پور^۱

مقدمه

مراد از اصطلاح آنتروپی، کمّیتی دماپویایی (= ترمودینامیکی) است که اندازه درجه بی‌نظمی در هر سامانه را نشان می‌دهد. هر چه درجه بی‌نظمی بالاتر باشد، آنتروپی (= بی‌نظمی) نیز بیشتر می‌شود. حال جهانی که آنقدر غرق در فناوری و صنعت بود و دم از دهکده واحد منظم می‌زد، گویی دچار یک آشوب پیچیده‌ای شده و تصویر منظم و بی‌خط و خش خود را از دست داده است. همچون بی‌نظمی در بین مولکول‌ها!

وقتی سخن از نظم در روابط بین‌الملل به میان می‌آید، می‌توان آن را به مثابه نمودی از امر سیاسی و اعتبار کشورها دانست. امروز تقریباً امر اصلی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق (ع): Email:

a.arabpour@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: دوازدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۱۷۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

همه کشورهای دنیا، مسئله امنیت زیستی است که به واسطه شیوع ویروس کووید ۱۹، حیات انسانی را در کنار مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر جدی قرار داده است. بر همین اساس، کرونا باعث بر هم خوردن نظم جهانی شده و انعکاس افزایش عجیب و با شیب تند آنتروپی در بین کشورها است. نحوه رویارویی کشورها با این ویروس میکروسکوپی و چندگرمی، نشان از بر هم خوردن تصویر منظم جهان است. نکته آن است که در جوامع مختلف، افراد در مواجهه با خطر تهدید کرونا، خواهان ورود دولت‌ها و ساختار قدرت به این امر بوده و انتظار دارند دولت‌هایشان در مقابله با تهدیدات زیستی، واکنشی قوی بروز دهند و این ویروس را هرچه سریع‌تر مهار کنند.

یکی از ابزارهای نظم جهانی، ایجاد یک تصویر واحد و ترویج پیام مشترک است. این تصویر یکپارچه می‌تواند با حرکت منظم اقتصاد جهانی، روند معمول و روبه ترقی جوامع در زندگی و ارتباطات وسیع تولید شود. در حال حاضر همه کشورها امیدشان به همکاری و اتحاد برای کنترل کرونا هست، اما برای مثال اروپایی که نشان از وحدت، پول واحد و بی‌مرز بودن کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود، حال این کشورها، با شیوع کرونا در این قاره، مرزهای خود را بر روی یکدیگر بستند و خط‌مشی کاملاً جداگانه‌ای را پیش گرفتند. مواضع بریتانیا در مواجهه با بحران کرونا، در تناقض کامل با مواضع دیگر کشورهای اروپایی است. این نشان از عدم همکاری کشورهای اروپایی دارد که در گذشته‌ای نه چندان دور دارای نظم واحدی بوده‌اند. از سوی دیگر، عملکرد و رفتار ترامپ در زمینه کرونا، عدم اعتماد و پایان همکاری بازیگران بین‌المللی را تقویت می‌کند. عملکرد ضعیف همراه با اهمال، نسبت به مسئله

کرونا و بی‌نظمی جهانی □ ۱۷۱

کووید ۱۹، نظم خودساخته مدرنیته را به چالش کشیده است. تغییر در رفتار بازیگران بین‌المللی برای ادامه همکاری، ایجاد شرایط سخت به علت شیوع کرونا که به دنبال آن زمینه همکاری‌های تجاری، اقتصادی، سفر و ... را که از الزامات ایجاد دهکده جهانی بود، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ادامه شیوع کرونا، می‌تواند بستری برای قطع ارتباط همکاری بازیگران عرصه بین‌المللی شده و نهایتاً تحقق رؤیای تشکیل دهکده جهانی و به نوعی نظم نوین جهانی، مورد خواست امریکا را با معضلاتی جدی مواجه کند. در واقع، واگیری کرونا دو رکن اساسی و نظام‌مند اقتصاد جهانی و امنیت جهانی را به هم ریخته و آنتروپی جوامع را افزایش داده است. تزلزل این دو ستون می‌تواند به طور مستقیم بر نحوه شکل‌گیری آینده یک سامانه منظم جهانی تأثیر سختی بگذارد:

۱. اقتصاد جهانی

نوسانات اقتصاد جهانی باعث تعمیق لطمات اقتصادی بزرگ در آینده خواهد شد. در حال حاضر شاخص‌های اقتصادی دوباره زیرورو شده، بسیاری از صنایع زیربنایی کشورها به تعطیلی کشیده شده و توریسم، بحرانی عجیب را در خود نظاره می‌کند. این بیماری، آمار رشد اقتصادی چین را معکوس، روند تولید در این کشور را مختل کرد و قطار اقتصاد اروپا با سرایت بیماری به کشورهای ایتالیا، فرانسه، آلمان و اسپانیا، متوقف شد. کرونا، امریکا را نیز وارد بحران کرده است. با وجود مداخله عظیم ۷۰۰ میلیارد دلاری بانک مرکزی امریکا، بازارهای مالی، واکنش خوبی از خود نشان ندادند. کارشناسان اقتصادی ادعا می‌کنند که حجم اقتصاد جهانی دائماً کاهش خواهد یافت؛ بنابراین، واگیری کرونا ممکن است اقتصاد جهانی را بجای یک بحران مقطعی

۱۷۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

در یک بحران تاریخی فرو برد و یک تغییر وضعیت ساختاری در نظم جهانی را ایجاد کند.

۲. امنیت جهانی

موارد ابتلا و مرگ به علت ویروس کرونا، لحظه به لحظه در سراسر جهان در حال افزایش است و براساس گزارش‌های موجود تا لحظه نگارش این یادداشت، در سراسر جهان، نزدیک به یک میلیون و هشتصد هزار نفر مبتلا شده و بیش از صد هزار نفر فوت کرده‌اند.

با افزایش هراس در جامعه و مشاهده شدن لطمات ناشی از شیوع بیماری کرونا، آشوب‌های اجتماعی و بحران‌های سیاسی به بار خواهد آمد که می‌تواند سبب بروز هرج و مرج گردد. بر همین اساس، تاب‌آوری دولت‌ها و به تبع آن ملت‌ها، مورد آزمون جدی قرار خواهد گرفت. در واقع، همه کشورها سعی می‌کنند تا در وهله اول خود را نجات دهند. چین، ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، اسپانیا و بسیاری از کشورهای اروپایی، کانون اصلی این ویروس و تبعات آن شده‌اند. همه کشورها، تقریباً قصد دارند ارتباطات هوایی را با یکدیگر ببندند. فرانسه اعلام کرده است که تمام مرزهای زمینی را بسته است. از سوی دیگر، دور دوم انتخابات محلی در فرانسه به تعویق افتاده و تجمعات و گردهمایی‌های بیش از ۵۰۰ نفر در انگلیس لغو شده است، همه فروشگاه‌ها به جز داروخانه‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی در ایتالیای بشدت بحرانی، تعطیل و قرنطینه سراسری اعلام شده است. اسپانیا هم اعلام کرده که مدیریت بیمارستان‌های خصوصی به دولت منتقل می‌شود. در هلند، برای نخستین بار از زمان بحران نفتی سال ۱۹۷۳، نخست‌وزیر این کشور خطاب به ملت خودش سخن گفته است. در آمریکا

کرونا و بی‌نظمی جهانی □ ۱۷۳

که ترامپ تا چندی پیش سعی در ساده جلوه دادن کرونا برای مردم کشورش داشت، خرید تسلیحات و اسلحه در مناطقی که بیشتر از این ویروس تحت تأثیر قرار گرفته، افزایش یافته است و این کشور با بیش از ۱ میلیون مبتلا، در صدر کشورهای درگیر کرونا قرار گرفته است. این جوّ رعب و وحشت می‌تواند منجر به مشکلات عمیق در زمینه امنیت ملی کشورها شود و سپس باعث ایجاد اثرات عمیق ملی و بین‌المللی گردد.

۳. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد شیوع ویروس جدید کرونا (کووید ۱۹) که در ماه ژانویه ۲۰۲۰ از استان ووهان چین آغاز شد و در مدت کمتر از سه ماه در سراسر جهان شیوع یافت، نظام جهانی را عمیقاً آشفته کرده است. سیاست دنیا در ده سال گذشته شاهد تحولات متعدد جهانی بوده است. به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر، نظام جهانی مجبور شد با یک بحران امنیتی روبرو شود؛ اما با ظهور و گسترش داعش، بحران‌های امنیتی در مقیاس جهانی عمیق‌تر شد. در سال ۲۰۰۸، کل جهان با یک بحران مالی روبرو شد. با وجود دهه‌ای که گذشت اوضاع نظام جهانی بجای این که بهبود یابد، بدتر شده است. با این حال همه‌گیری جهانی بیماری کرونا به بحرانی بسیار عمیق‌تر از آنچه که انتظار می‌رفت تبدیل شده و به طور فزاینده‌ای آینده نظام جهانی و تصویر منظم آن را نامشخص کرده است.

۱۲. فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پساکرونا

رضا بنی‌اسد^۱

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی کوانتومی، رایانش کوانتومی، فناوری کوانتومی، اینترنت کوانتومی، آینده‌پژوهی، پساکرونا

مقدمه

به باور نویسنده، به مجموعه‌ای از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، شبکه‌ها، ارتباطات، محتوای دیجیتال، مغزافزارها و فرآیندهای مبتنی بر فناوری دیجیتال فضای مجازی گفته می‌شود. حال اگر این مجموعه‌ها، مبتنی بر فناوری‌های کوانتومی باشند می‌توان تعریفی از فضای مجازی کوانتومی ارائه

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/
رایانامه: baniasad@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: بیست و چهارم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۹۹.

کرد. غرق شدن در فناوری‌های مختلفی که هرروزه رشد و توسعه می‌یابند، فعالیت روزمره امروز بشر است. زمانی که فناوری‌های صنعتی و مکانیکی پا به عرصه وجود گذاشتند، همه با تعجب می‌پرسیدند که مردمان روزگار قدیم چگونه با اسب، کالسکه و ... زندگی می‌کردند؟ دیری نپایید که فناوری دیجیتال باعث تغییرات شگرفی در زندگی بشر شد. مصرف‌کنندگان این فناوری از خود می‌پرسیدند که مردم روزگار فناوری‌های صنعتی چگونه زندگی می‌کردند! این دومینو پایان‌ناپذیر است. انقلاب دوم دیجیتال که همانا انقلاب فناوری کوانتومی است در راه است و آن روز نیز مردمان خواهند گفت مردم چگونه در عصر فضای مجازی و صنعت نسل چهارم و فناوری دیجیتال می‌زیستند؟! در این یادداشت به فضای مجازی کوانتومی به مثابه مکمل فضای مجازی دیجیتال، نظاره شده است. موضوع قابل توجهی که ضرورت دارد در جنبه‌های مختلف آن، در دوران کنونی و پس از کرونا، توانمند شد.

۱. شیرجه ناگهانی در فضای مجازی در دوران کرونا

جهان و بویژه ایران، در حال تجربه تدریجی زیست در فضای مجازی بوده و هست^۱ تا از زندگی حضوری، واقعی، حقیقی و فیزیکی خود آهسته آهسته به فضای مجازی کوچ کند و پس از آن به اصطلاح دوزیست (زیست همزمان در فضای مجازی و واقعی) شود و ای بسا وزن زیست فضای مجازی بیشتر شود. پدیده کرونا محاسبات تدریجی را به یکباره به هم ریخت. دانش آموزان

۱. این تجربه تقریباً در ایران از سال ۱۳۷۲ شروع شد که در واقع در ابتدا اینترنت بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی داشت و قبل از استقرار ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فضای مجازی، به نوعی زیست اینترنتی را تجربه کرده و اکنون با همه وسعت در زیست فضای مجازی است.

فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پسا کرونا □ ۱۷۷

مدارس را مجبور کرد که بجای یادگرفتن شنا در قسمت کم‌عمق استخر فضای مجازی و سپس کوچ به قسمت نیمه عمیق و عمیق آن، به یکباره در قسمت عمیق این استخر شیرجه بزنند تا شاید با نرم‌افزار شاد، شاد به نظر برسند و آموزش‌های مجازی مادرمحور را بیشتر از گذشته تجربه کرده و خود با ضبط فیلم‌ها، تصاویر، صوت و حتی با خلاقیت‌های کودکانه، رسانه‌بودن و شدن را در مقیاس کوچک تجربه کنند.

این کوچ یکباره و افزایش سرعت آن در آموزش مجازی دانشگاه‌ها، نوچه به راه‌اندازی اقتصاد و کسب‌وکارها در فضای مجازی، تقویت دادرسی الکترونیکی، رشد دولت الکترونیک، مجازی‌محور شدن عمده تعاملات دولت و مردم، دولت و کسب‌وکارها و ده‌ها مورد دیگر در زمان شیوع کرونا محرز شد.

۲. قوی‌شدن در فضای مجازی دیجیتال و کوانتومی

بهره‌برداری از فضای مجازی با این وسعت در زمان شیوع کرونا، شروع یک انتظار بزرگ است؛ انتظاری از فضای مجازی که *نسل شبکه* دیگر مثل نسل گذشته به فیلم‌های کم کیفیت، کم حجم عادت نداشته و همچنین برای دریافت یک پوشه از فضای مجازی، چندان حوصله معطل ماندن و انتظار طولانی را ندارد. حتی فرهنگ، تعامل، تفریح، زندگی و موارد متعددی از مفاهیم روزمره زندگی، رنگ و بوی دیگری گرفته است. برای این نسل، آنچه را که دیروز در انتظارش بود امروز به توقع تبدیل شده و فردا هم با دستاوردهای امروز، خرسند نخواهد بود. چه کنیم؟ واضح است: «قوی شدن در فضای مجازی» و آن هم نه فقط فنی و زیرساختی، بلکه از جنبه‌های مختلف و البته در هر دو انقلاب آن؛ هم انقلاب دیجیتالی و هم انقلاب کوانتومی. همان طور که زیست واقعی ما با دنیایی از علوم مختلف دینی،

اجتماعی، انسانی، فنی، پزشکی، پایه و ... اداره می‌شود، فضای مجازی نیز باید از ابعاد مختلف قوت بگیرد. هرچند امروز در انقلاب دیجیتال زیست می‌کنیم، اما براسستی نباید با سرعتی که کرونا به زندگی مجازی بشر داده است، قوی شدن در فضای مجازی کوانتومی را نادیده بگیریم. در حقیقت، فناوری کوانتومی آنچنان با زندگی آیندگان گره خواهد خورد که تصور زندگی کردن بدون آن برای آن‌ها غیرممکن خواهد بود.

۳. سرمایه‌گذاری‌های عظیم کشورها روی فناوری‌های کوانتومی

امروزه در جهان از سوی کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای فناوری‌های کوانتومی می‌شود، زیرا آینده دنیا در دستان این فناوری است. هرچند جنگ آشکار آمریکا با چین و شرکت هواوی عمدتاً به رشد و توسعه آن در فضای مجازی دیجیتال برمی‌گردد، اما براسستی پشت پرده این جنگ قدرتمند چین در به دست آوردن فناوری‌های کوانتومی است که می‌تواند قدرت برتر دنیا در آینده نه چندان دور باشد. در کشور ما هم سازمان انرژی اتمی اقداماتی را ساماندهی کرده و به پیش می‌برد که در جای خود به مثابه یک سازمان پیشرو جای تقدیر دارد، اما این حوزه نیازمند بودجه‌ریزی، رشد و توسعه بسیار سریع‌تر از وضعیت فعلی است.

عمدتاً خاستگاه فناوری‌ها در حوزه‌های فنی، مهندسی و علوم پایه است. بنابراین، هر چند تمرکز مطالعات فنی و سخت‌افزاری درباره این فناوری‌ها است، اما مانند عمده مسائل ملی کشور، جنبه‌های علوم اجتماعی- انسانی این فناوری‌ها در اولویت دوم بوده و کمتر به آن توجه می‌شود. حال آن که فناوری، بدون توجه به بافت فرهنگ ملی، آسیب‌زا خواهد بود و در مواردی نمی‌تواند دردی را دوا کند. اگر امروز بتوانیم فناوری‌های کوانتومی را از نظر

فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پساکرونا □ ۱۷۹
سخت‌افزاری، وارد کنیم، نباید فراموش کنیم که عصر بعد از کرونا، چالش‌های
فرهنگی و اجتماعی زیادی را باید به نظاره بنشینیم.

۴. ضرورت رشد و توسعه فناوری‌های کوانتومی در کشور

اقدامات انجام شده در سطح جهانی از جنبه‌های فرهنگی و مدیریتی فضای
مجازی، رایانش کوانتومی و به‌طور کلی فناوری کوانتومی، به طرز قابل توجهی
رو به افزایش است. امید است که این گونه تحقیقات در کشور نیز با سرعت
رشد یافته تا بتوان در کنار بازوی فنی مطالعات و تحقیقات کوانتومی در
کشور، از نظر علوم اجتماعی- انسانی به ساحت این فناوری نظاره کرد
تا آسیب‌های آن‌ها در دوران پساکرونا کمتر شده و همچنین مقابله با
بحران‌های آتی احتمالی، تقویت شود.

هرچه از عمر بشر سپری می‌شود، مسائلی در زیست واقعی و مجازی به
وجود می‌آید که حتی پیشرفته‌ترین ابررایانه‌های الکترونیکی، قادر به پردازش
آن‌ها نیستند. به جرأت می‌توان گفت رایانه‌های کوانتومی سریع‌تر و بهینه‌تر
از رایانه‌های امروزی خواهد بود و انقلابی در تمدن بشری ایجاد خواهد کرد.^۱
باید توجه داشت که این انقلاب بدون چالش هم نخواهد بود و بیشترین
چالش‌ها در زمینه حکمرانی، امنیت، فقه، حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی و...
به وجود خواهد آمد.

امروزه بر اساس آمارهای مؤسسات معتبر، حجم اطلاعات موجود در فضای
مجازی از مرز چند زتابایت^{۱۰^{۳۱}} گذشته است. به عبارت دیگر، برای تقریب به
ذهن، بیش از چند میلیارد ترابایت است. بعید نیست در آینده حجم

۱. به نقل از: برنامه‌ریزی درسی کامپیوترهای کوانتومی / سامانه رشد وزارت آموزش و پرورش.

۱۸۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

اطلاعات به یوتابایت رسیده و حتی از آن گذر کند (هر یوتابایت با ضریب $۱۰^{۳۴}$ معادل هزار میلیارد ترابایت است). بنابراین، طبیعی است که در مواردی رایانه‌های الکترونیکی نتوانند برخی از پردازش‌ها را انجام دهند یا این که زمان بسیار طولانی جهت پردازش نیاز باشد.

۵. گسست‌های نسلی در دوران فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های فناوری

همین طور که امروزه در فضای مجازی دیجیتال در برخی موارد، گسست نسلی بین فرزندان، پدران و مادران وجود دارد، در آینده نیز این گسست بین فرزندان امروز با فرزندانشان و حتی والدین امروز با فرزندان، در زمینه فناوری کوانتوم وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، چالش‌های فراوانی برای حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی پدید خواهد آمد. عمدتاً چالش‌های فناوری، بویژه در حوزه علوم انسانی سه دسته‌اند:

(۱) **چالش‌های قبل از ظهور یا انتقال فناوری:** این چالش‌های پیشینی، چالش‌هایی هستند که قبل از ظهور فناوری باید حل شوند، زیرا وسعت رخدادها و ظهور فناوری آن قدر بالا است که هنگام فناوری یا پس از آن، حل یک چالش بسیار بسیار سخت است. در زمان کرونا، با توجه به رزمایش ملی که در فضای مجازی ایجاد شد، بسیاری از این چالش‌ها شناسایی شدند.

(۲) **چالش‌های هنگام ظهور یا انتقال فناوری:** این چالش‌های هم‌زمانی، چالش‌هایی هستند که به دلیل عدم شناخت از آسیب‌های عملیاتی‌سازی فناوری، هنگام تجربه فناوری در جامعه بروز می‌کنند که البته نسبت به نوع اول، اگر آمادگی کوانتومی وجود داشته باشد، قابلیت کاهش آسیب و چالش‌ها وجود دارد.

فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده پژوهانه آن در پسا کرونا □ ۱۸۱

۳) چالش‌های بعد از ظهور یا انتقال فناوری: ممکن است فناوری‌ها همواره اثرات اجتماعی- فرهنگی سریع و یکباره نداشته باشند و در مواردی این اثرات قابل پیش‌بینی باشد. به این‌گونه چالش‌ها، بیشتر از جنبه درمانی باید نظاره کرد. در حال حاضر، فضای مجازی دیجیتال نیز با وجود فناوری هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، تحوّل‌ی عظیم را ایجاد کرده است و به نوعی فناوری دیجیتال هم در آینده، بسیار پیشرفته‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، هم فضای مجازی کنونی در آینده بسیار پیشرفته‌تر خواهد بود و هم فناوری‌های کوانتومی بر پیشرفت و البته فرصت‌ها و تهدیدات آن خواهند افزود. پدیده کرونا توقع این رشد و قوّت را سرعت بخشید.

۶. انقلاب کوانتوم مکمل انقلاب دیجیتال و مشکلات ایران در مواجهه با آن

انقلاب کوانتوم، مکمل انقلاب دیجیتال خواهد بود و مسائل لاینحل فضای دیجیتال را سریع‌تر حل خواهد کرد. در این زمینه، پیشرفت قابل توجه در حوزه‌های مختلف زیست‌شناسی، پزشکی، علوم اجتماعی، امنیت وجود داشته و زیست‌شناسی کوانتومی، پزشکی کوانتومی و سایر شاخه‌های مرتبط را پدید می‌آورد.

موارد زیر برخی از مشکلاتی هستند که در زمان بحران کرونا و پس از آن، بروز کرده و ضرورت دارد که برای قوّت در فضای مجازی چاره‌اندیشی کرد:

- عدم رشد و توسعه فناوری کوانتومی کشور، نسبت به انقلاب کوانتومی در دنیا؛
- عدم تصویب نقشه راه فناوری کوانتومی؛

- توجه کمتر به پیوست‌های علوم اجتماعی- انسانی برای فناوری‌های کوانتومی و سایبر کوانتوم؛
- عدم وجود رشته‌های دانشگاهی مرتبط و حتی دانشکده‌های فضای مجازی و فضای مجازی کوانتومی؛
- توجه و رصد وضعیّت بهره‌برداری و رشد استفاده از فضای مجازی و ...

۷. ضرورت بهره‌برداری از مطالعات جهانی

شاید یکی از مهم‌ترین کارهایی که در ابتدای راه به نظر می‌رسد مفید باشد، توجه به مطالعات تطبیقی کشورهای پیشرو در این زمینه است. بنابراین، ضرورت دارد اقدامات فنی و علوم اجتماعی- انسانی در زمینه دستیابی به فناوری‌های کوانتومی در کشورها و سازمان‌های مرتبط مطالعه شود.

نظریه کوانتوم، نظریه جدیدی نیست و عمدتاً در حوزه‌های علوم اجتماعی، کاربرد این نظریه بررسی شده است. برای نمونه، در مطالعات مدیریت، برنامه‌ریزی کوانتومی، رهبری کوانتومی، مدیریت راهبردی کوانتومی و در اقتصاد و... وجود دارد. آنچه که مطالعه آن در کشور ما اندک است، جنبه‌های علوم اجتماعی- انسانی فناوری‌های کوانتومی است. به عبارت دیگر، کاربرد نظریه کوانتومی در علوم اجتماعی وجود دارد، اما کاربرد علوم اجتماعی برای رشد و توسعه فناوری‌های کوانتومی و کاهش چالش‌های آن، اندک است. فضای مجازی کوانتومی مفهومی جدید است که هنوز نظریه‌پردازی قابل‌توجهی در زمینه آن نشده است.

با بررسی اقدامات انجام شده کشورهای منتخب و پیشرو در زمینه فناوری کوانتومی همچون ژاپن، آمریکا، انگلیس، فنلاند، اتحادیه اروپا، هلند، کانادا و... مشخص می‌شود که این کشورها اسناد بالادستی در زمینه

فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده پژوهانه آن در پسا کرونا □ ۱۸۳

فناوری‌های کوانتوم را طراحی کرده و بودجه‌های قابل توجهی برای تجاری‌سازی، رشد و توسعه انقلاب کوانتومی آینده، تخصیص داده‌اند. عمدتاً اسناد کلان و بالادستی با عناوینی همچون نقشه راه^۱ فناوری‌های کوانتومی، راهبردهای ملی^۲، راهبردهای ملی فناوری کوانتومی^۳، برنامه کوانتوم^۴، راهبردهای رایانش کوانتومی^۵ و رایانش کوانتومی شرکت‌های نوآفرین^۶، مطالعه شده است. جدول ۱ برخی از پژوهش‌های مرتبط با کاربرد فیزیک کوانتوم در حوزه علوم اجتماعی را نشان می‌دهد:

-
1. roadmap.
 2. National strategy.
 3. national quantum technologies strategy.
 4. quantum plan.
 5. quantum computing strategy.
 6. startups quantum computing.

جدول ۱: پژوهش‌های مرتبط با کاربرد فیزیک کوانتوم در حوزه علوم اجتماعی

پژوهشگران	پژوهش	حوزه مطالعاتی
صوفیان و همکاران (صوفیان، صفیه؛ صوفیان، معصومه (۱۳۹۱))	باور دینی، ژن و فیزیک کوانتوم	زیست‌شناسی و معارف اسلامی
میترا پشوتنی زاده، مرتضی کوکبی (پشوتنی زاده و کوکبی ۱۳۹۳)	تفسیر اطلاعات با استفاده از نظریه فیزیک کوانتومی (نظریه کوانتومی اطلاعات)	علم کتابشناسی و ...
مهدی حمزه‌پور (حمزه پور ۱۳۹۷)	ارائه الگوی بومی رهبری کوانتومی در شرکت‌های دانش‌بنیان ایران	مدیریت
(افجه و حمزه‌پور ۱۳۹۴)	رهیافتی جامع از نظریه رهبری کوانتومی و کاربردهای آن در سازمان	مدیریت
(محمدهادی ۱۳۹۰)	پارادایم کوانتومی در علم مدیریت	مدیریت
(علیرضا منصوری، ۱۳۹۰)	اشیاء کوانتومی: تعبیر سیگما برای مسئله اندازه‌گیری در مکانیک کوانتوم	فلسفه علم
(علیرضا منصوری، ۱۳۹۰)	مسئله اندازه‌گیری در میانی فلسفی مکانیک کوانتوم	فلسفه علم

همانطور که مطالعات جدول فوق نشان می‌دهد، مطالعات انجام شده از کاربرد فیزیک کوانتوم در برخی از حوزه‌های علوم انسانی- اجتماعی حکایت دارد. باید توجه داشت که هنوز پژوهش‌هایی که به جنبه‌های سیاست‌گذاری در زمینه فناوری‌های کوانتومی و سایر مطالعات اجتماعی در کشور بپردازند، وجود ندارد و اگر هم پژوهشی انجام شده است، احتمالاً به صورت پراکنده

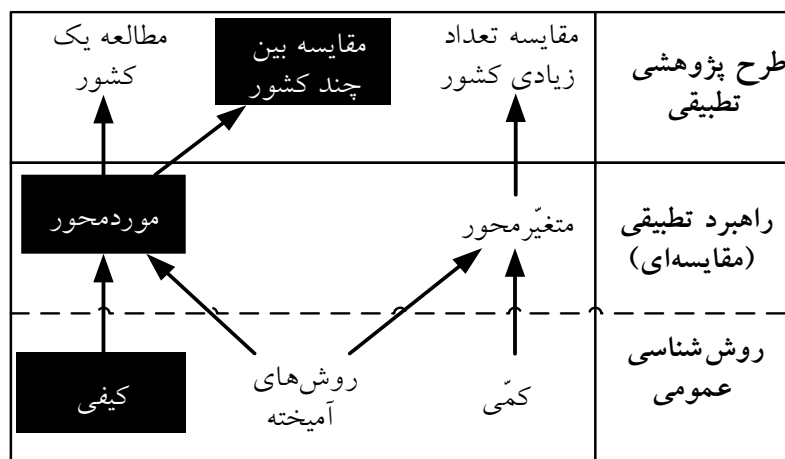
بوده و در مجلات معتبر به چاپ نرسیده است.

۸. پیشنهادی برای مطالعه تطبیقی فناوری‌های کوانتومی

حال که با شیوع کرونا، ضرورت مطالعه در فضای مجازی بیش از پیش احساس می‌شود، لازم است که ابتدا از طریق گردآوری و مطالعه اسناد منتشر شده کشورهای مختلف در زمینه کوانتوم، دانش انبوهشی کشور در این زمینه غنی شود.

در این طرح‌های پژوهش تطبیقی، ممکن است مطالعه تعداد قابل توجهی کشور، چند کشور یا این که فقط یک کشور در دستور کار قرار گیرد (کاساک و دیگران، ۲۰۱۳).

بر اساس نمودار ۲ برای مطالعه تطبیقی می‌توان یکی از روش‌ها، طرح‌ها و راهبردها را انتخاب کرد. برای مثال، می‌توان بررسی مقایسه‌ای بین چند کشور، راهبرد مورد-محور و روش شناسی عمومی-کیفی را انتخاب کرد که در نمودار به صورت خانه‌های سیاه‌رنگ مشخص شده است.



نمودار ۲: روش شناسی، راهبرد پژوهش و طرح پژوهشی برای مطالعه فناوری‌های کوانتومی

برای مقایسه بین کشورها و الگوبرداری از فعالیتهای آنها برای کشور، معیارهای عمومی کیفیت زیر وجود دارد:

- استفاده مناسب از نظریه؛
- انتخاب صحیح کشورهای مورد مقایسه؛
- انجام دقیق و منسجم طرح تطبیقی؛
- توجه به پیچیدگی مقایسه‌ای بین کشورها؛
- دقیق بودن روش‌های تحقیق؛
- ایفای نقش در دانش؛

کاساک بر این باور است که یکی از کاربردهای مطالعه تطبیقی، یادگیری از سایر کشورها برای کاربردی کردن در کشور مبدأ است (Cacace et al. 2013). بنابراین، لازم است که از راه رفته و تجربه کشورهای پیشرو در این زمینه برای رشد و توسعه آینده این فناوری استفاده شود.

۹. نتیجه‌گیری

حال که ظهور و شیوع ویروس کرونا، بهره‌برداری از فضای مجازی دیجیتال را سرعت بخشیده است، دیر یا زود کشور با مسائلی روبرو خواهد شد که عملاً با فناوری‌های دیجیتال، امکان پاسخگویی به آنها وجود ندارد، بنابراین، به منظور قوی شدن در فضای مجازی و پاسخ به چالش‌های آینده بعد از کرونا، ضرورت دارد که توجه همه‌جانبه به فضای مجازی کوانتومی صورت گیرد. بر این اساس:

- برای هرگونه فعالیتهای فناورانه در حوزه کوانتوم، پیوسته‌های فرهنگی آن مطالعه شده و در کنار اسناد بالادستی آن مصوب شوند. در زمان شیوع کرونا، تجربه‌های بهره‌برداری کشور و رزمایش عمومی آن در فضای مجازی، تجربه و داده‌های بسیار خوبی در اختیار می‌گذارد؛

فضای مجازی کوانتومی و چالش‌های آینده‌پژوهانه آن در پسا کرونا □ ۱۸۷

- بودجه قابل توجه از سوی دولت برای رشد و توسعه فناوری‌های کوانتومی در قالب حمایت از مؤسسات و شرکت‌های فعلی، حمایت از بخش خصوصی و کسب‌وکارهای نوآفرین (استارت‌آپ)ها و طراحی لوایح و قوانین مرتبط با آن اختصاص داده شود؛
- فواید اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... فناوری‌های کوانتومی در بعد وسیع بررسی شوند؛
- آماده‌سازی جامعه برای سواد رسانه‌ای فضای کوانتومی با توجه به تهدیدات قابل توجهی که در گسست نسلی، حریم خصوصی، هویت دیجیتال، فرهنگ دیجیتال و ... وجود دارد؛
- مدرسه‌های کوانتومی به صورت فراگیر تشکیل شود و در سراسر ایران، با حمایت‌های قابل توجه، به دانش‌آموزان آموزش‌های لازم ارائه شود (یک نمونه از این مدرسه در مدت موقت از سوی سازمان انرژی اتمی تشکیل شد)؛
- فعالیت در این حوزه محدود به یک سازمان و مؤسسه نباشد و انجمن‌ها، سازمان‌ها و همایش‌های مختلف برای این مهم تشکیل شود؛
- سیاست‌های کلی فناوری‌های کوانتومی طراحی و ابلاغ شوند؛
- راهبردهای ملی برای امنیت کشور در حوزه فناوری‌های کوانتومی طراحی شود و آمادگی الکترونیکی و کوانتومی برای آن فراهم گردد.

۱۰. مآخذ

افجه، سید علی‌اکبر؛ حمزه‌پور، مهدی (۱۳۹۴). رهیافتی جامع از نظریه رهبری کوانتومی و کاربردهای آن در سازمان، اندیشه مدیریت راهبردی. ۸

۱۸۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

(۲)، صص. ۱۶۱-۲۰۴.

پشوتنی زاده، میترا؛ کوکبی، مرتضی (۱۳۹۳). تفسیر اطلاعات با استفاده از نظریه فیزیک کوانتومی (نظریه کوانتومی اطلاعات) پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات ۲۹ (۳)، ۵۹۳-۶۱۲.

حمزه پور، مهدی (۱۳۹۷). ارائه الگوی بومی رهبری کوانتومی در شرکت‌های دانش‌بنیان ایران. اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۲ (۱)، صص. ۱۵۳-۱۸۴.

صوفیان، صفیه؛ صوفیان، معصومه (۱۳۹۱). باور دینی، ژن و فیزیک کوانتوم. پژوهش‌های علم و دین. ۲ (۴)، صص. ۳۹-۵۳.

علیرضا منصوری (۱۳۹۰). مسئله اندازه‌گیری در مبانی فلسفی مکانیک کوانتوم. فلسفه علم. (۱)

علیرضا منصوری؛ مهدی گلشنی؛ امیر احسان کرباسی‌زاده (۱۳۹۰). اشیاء کوانتومی: تعبیر سیگما برای مسئله اندازه‌گیری در مکانیک کوانتوم. متافیزیک. ۱۳۹۰ (۱۱).

محمدهادی، فریبرز (۱۳۹۱). پارادایم کوانتومی در علم مدیریت مجله علمی.

۹ (۲۳)، صص. ۷۱-

Cacace, Mirella; Ettelt, Stefanie; Mays, Nicholas; Nolte, Ellen (2013): Assessing quality in cross-country comparisons of health systems and policies: Towards a set of generic quality criteria. In *Health policy (Amsterdam, Netherlands)* 112. DOI: 10.1016/j.healthpol.2013.03.020.

بخش سوم: اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی

۱۳. مصائب انسان واپسین

سید مهدی ناظمی قره‌باغ^۱

راقم این سطور، تقریباً دو سال پیش در یادداشتی که در دی‌ماه ۹۶ در روزنامه صبح نو منتشر شد، نوشت: «ما در حال تجربه یکی از شگفت‌ترین برش‌های تاریخ حیات کشور خود هستیم. این شگفتی‌ها فقط به خاطر ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نیست، بلکه از نظر حیات طبیعی نیز وضع سخت و صعبی یافته‌ایم. این وضع سخت نیازمند تفسیر است، ولی تفسیر قابل توجهی در عرصه عمومی حضور ندارد ... عادی جلوه‌دادن وضع، همیشه بهترین راه نیست، زمانی که تفاسیر رایج، ضعف و ناتوانی خود را نشان می‌دهند، باید تلاش کرد برای ظهور تفاسیر راهگشاتر زمینه‌سازی کرد». از آن زمان تاکنون، سختی‌ها و شگفتی‌های کشور و جهان، نه تنها کمتر

۱. دکترای فلسفه از دانشگاه اصفهان / مدرّس فلسفه هنر در دانشگاه‌ها / رایانامه: s.m.nazemi.g@gmail.com

/ تاریخ نگارش: فروردین‌ماه ۱۳۹۹

نشده که بیشتر هم شده است. واکنش اولیه آدمیان به این بحران‌ها، واکنشی که بنابر طبع مألوف و اولیه انسان‌ها، امر قابل انتظاری هم هست، تلاش برای تقلیل بحران و فکر نکردن به وجوه تاریک و ناشناخته آن است. انسان تمام داشته‌های خود را به کار می‌گیرد تا در برابر فهم امر «جدید» مقاومت و بحران‌ها را به یکی از اعتقادات پیشین خود منتسب کند. شاید این خصوصیت ذاتی انسان، برای این است که بتواند از خود و داشته‌های خود در تندباد حوادث مراقبت کند، ولی به هر حال آن جایی که به تفکر نیاز است، این خصوصیت مبدل به مانعی بزرگ می‌گردد. اگر در دنیای قدیم خدای جنگ و صلح، خدای عشق و نفرت و مانند آن بر انسان خشم می‌گرفت، اکنون خدای عقل (ration)، خدای علم (science) و دیگر خدایان جهان مدرن هستند که ما از آن‌ها باید کمک بگیریم و اگر می‌بینیم که این امامزاده‌ها، حاجتی را روا نمی‌کنند، مانند هر متدین دیگری، باید آن را منتسب به خود انسان کنیم و نه به خدایان. گویی از این نسبت رادیکال فلسفی در نگاه اول گریز و گزیری نیست؛ اما این نگاه اول و این نسبت استعلایی (!) در نگاه دیگری هم قابل کنکاش است و آن نگاه، زمانی هست که به دنبال پیدا کردن راهی و گشایشی برای انسان باشیم. راهی که در آن انسان از بن‌بست و بحران خارج شود. این راه، نمی‌تواند تکرار مکررات باشد و این که می‌بینیم همه روزه در شبکه‌های اجتماعی یا هر رسانه دیگری (چه فرقی دارند با هم وقتی دیگر رسانه مرجعی وجود ندارد؟) هزاران نفر در حال بازتولید ارتجاعی دیدگاه‌های قبلی خود هستند، تا وضع موجود را به شکلی توجیه کنند و آن را در چارچوب‌های از پیش تعیین شده و عادی قرار بدهند، نه از سر این است که نخواهند کمکی به هم نوعان کرده باشند، بلکه از این روست که راهی

پیش چشم خود نمی‌بینند و چون تنها یک راه می‌بینند، هر بن‌بستی را باز با همان راه همیشه رفته و جواب مناسب ناگرفته، تأویل و تفسیر می‌کنند. از سوی دیگر تا حدی سرخوش از این هستند که مخالفان آن‌ها هم گویی حرفی برای گفتن ندارند و این را دلیلی تلقی می‌کنند برای قوّت و قدرت موضع خود، بی‌آن که توجه داشته باشند این وضع بی‌وضعی، این تهدید فزاینده، این بن‌بست بدون گشایش، این بیراهه و بی‌معنایی و بی‌امیدی، بسیار بزرگ‌تر از آن است که با اقاویل عامیانه آن‌ها (آن‌هایی که دیگر عوام مردم نیستند، دست بر قضا، بسیاری از آن‌ها تحصیل کرده و استاد دانشگاه و حوزه و اسم و رسم‌دار هم هستند و این خود اماره دیگری است بر بحران جهان امروز) تغییر کند. پس به تعبیری، همه هم حق دارند، زیرا مخالفان آن‌ها ضعیفند، چرا که همه ضعیفند و هیچ حرفی برای گفتن باقی نمانده است.

در این دریای مّوّاج عوام‌زدگی، کسی به این فکر نمی‌کند که بشریت برای اولین بار مقیم «یک» سفینه است و در همین کشتی است که باید با ظلمات کشتی بگیرد و آب حیاتی برای خود دست و پا کند و یا حداقل منتظر بنشیند و ببیند چه پیش می‌آید و این انتظار، از آن جا که طلب امکان دیگری در وجود است، امر سرسری و کمی هم نیست. اگر انسان‌ها می‌فهمیدند کرونا، عرب و عجم و مؤمن و کافر نمی‌شناسد، (همان طور که زلزله، ژاپن و ایران نمی‌شناسد و سیل، پاکستان و ترکیه و تروریسم و دیگر شرور) کمتر از جریان‌های سیاسی، بازی می‌خوردند و کمتر بردگی قدرت‌ها را می‌کردند و بیشتر تلاش می‌کردند کمکی به هم‌نوعان داشته باشند، اگر نمی‌توانند راهی باز کنند. معجزه ندادن امامزاده‌ها یا خاموشی خدایان، در

معنای اسطوره‌ای و دینی خود، سخن جدیدی نیست. حتی خشک شدن سرچشمه فکر مدرن هم چیز خیلی جدیدی نیست. آنچه جدید است، این است که هیچگاه مثل امروز و در ماجرای کرونا، بحران فکری به دل مردم کوچه و بازار نزده بود و به همین خاطر است که همه در حال گفتن و ندرتاً هم شنفتن هستند. نگارنده در همان یادداشت سابق الذکر دعوت به تفسیر کرده بود. تفسیر نکردن ماجرا یا تکرار اقاویل سطحی مندرج در جزوات، دینی برای مردم باقی نخواهد گذاشت. متولیان امور باید راه را باز کنند و تریبون‌های خود را در اختیار دانشمندان دینی قرار دهند تا تفاسیر مذهبی دیگر هم بیان شود، شاید که این کار، از دین و معنویت بیشتر نگهداری کند. شرور، از مهمترین عوامل بی‌دینی در سرتاسر جهان است و پاسخ‌های سطحی رایج به این مسئله که خود برآمده از تعالیم سطحی برخی از دانش‌آموختگان پس از انقلاب است، در حال آسیب زدن جدی به ایمان مردمان است.

از سوی دیگر، نخبگان علوم انسانی نیز بهتر است به ساحت زبان تفکر نزدیک‌تر آیند و با تأسی به استاد معزز، دکتر رضا داوری اردکانی که در مدت کوتاهی سه یادداشت قابل توجه نگاشت، با این ماجرا از سر تأمل برخورد کنند. کرونا، یک پدیده پیچیده و چند وجهی است که حیات کلی و نه فردی انسان و نیز تمدن مدرن را تهدید می‌کند. اگر نه این کرونا، از کجا معلوم که چند سال بعد با کرونا‌ی هولناک‌تری روبرو نشویم؟ مگر در سارس و ابولا و آنفولانزا و مانند آن، چنین روندی طی نشد؟ پس هر پرسشی غیر از این، یعنی چیستی و چرایی بحرانی که انتظار نبود پیش آید، ولی پیش آمده است و دورنمایی هم برای آن یا مانند آن نیست، تغافل از اصل مسئله و بی‌توجهی به مافی الضمیر مردمان است. انسان می‌خواهد بداند و باید بداند

که شرور چیستند و باید چگونه با آنها برخورد کند و چرا علم، فناوری، اراده جمعی و فردی، مدیریت نظام‌مند، آزمایشگاه، دموکراسی، واتیکان، قم، زیارتگاه و ... که قرار بود برای او ساحل امن و آسایش بیاورد، نتوانسته است آنها را نابود کند. استادان علوم انسانی ایران، بجای درگیر شدن با این مسئله و تلاش برای فهم‌پذیر کردن این شرایط دشوار و هول‌انگیز، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، یعنی اگر کانال و سایت خود را مبدل به شبکه‌ای خبری جهت نشر اطلاعات سخیف روزمره نکنند، با همان ادبیات فلسفی یا تخصصی دیگری که به آن دلبستگی دارند، درباره ماهیت مرگ و زندگی و انسان و جهان داد سخن سر می‌دهند. برخی که از همین هم عقب‌تر هستند و مکررات شبکه‌های تلویزیونی و ایدئولوژی چرنوبیلیسم بلوک غرب را رنگ و لعابی می‌زنند و تکرار می‌کنند. اگر عوام مردم تابع شبکه‌های تلویزیونی و جنگ روانی قدرت‌های بزرگ باشند، جای تعجبی ندارد؛ اما کسی که خود را استاد دانشگاه و پژوهشگر و نویسنده و هنرمند می‌خواند و نه سکوت می‌کند و نه سخنی از سر تأمل بر زبان دارد و در مقابل همان چیزی را که شب گذشته از شبکه‌های ماهواره‌ای یا شبکه‌های اجتماعی و ... شنیده یا خوانده است، با رنگی از ادبیات تخصصی بازگو می‌کند، قطعاً از عوام مردم هم عقب‌تر و فردی خودفریب و عوام‌فریب و بی‌مسئولیت است.

کرونا علنی شدن بحران عالم و آدم امروز است و این بحران، اجازه بی‌اعتنایی و نادیده گرفته شدن را به کسی نمی‌دهد. در فهم این بحران باید به یاد داشت که «نظام پزشکی» غیر از علم پزشکی است. علم پزشکی، دانشی است که برای نظام پزشکی پدید آمده است و نظام پزشکی برای اولین بار است که در عالم مدرن ظهور می‌کند تا امکان کنترل طبیعت و خود

انسان، با شعار *بدن انسان*، برای قدرت باقی بماند. با نظام پزشکی است که ما از تولد و حتی پیش از تولد تا مرگ، برای تک تک آنات و اتفاقات زندگی خود، مجوز استاندارد بودن دریافت کنیم. این مجوزها را دریافت می‌کنیم که اگر مرگ از بین نمی‌رود، حداقل زندگی تا زمانی که هست، ایده آل‌های علمی را داشته باشد. دانش پزشکی، آمده بود تا با نسخ کردن طبابت‌های حکمی و اسطوره‌ای، فلسفه جدایی طبیعت از رازآلودگی و الوهیت را تثبیت کند و انسان‌ها را به صورت فردی و اجتماعی برای یک چنین فلسفه‌ای و قدرت برآمده از این فلسفه، منضبط و چارچوب‌مند سازد. هر آنجایی که این نظام پزشکی ضعیف بود، به ضعف ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نسبت داده می‌شد و به همین خاطر، انتظارات برآورده نشده از آن، با تسامح نادیده گرفته می‌شد.

پس اتفاق هولناک کرونا، صرفاً در گستره وسیع آلودگی و تعداد قربانیان نیست. هولناکی این اتفاق این است که نظام پزشکی که امروزه مجهز به پیشرفته‌ترین فناوری‌های پزشکی و پشتوانه‌های دانشگاهی و قدرت سیاسی و اقتصادی جهانی است، دیگر توانایی مقابله با بیماری‌های برآمده از دل خود همین جهان مدرن را ندارد. نظام پزشکی، با اندیشه «کنترل» و در اصل با کنترل کردن همه ما، موفق شد بسیاری از بیماری‌های واگیر قدیمی، مانند سل، وبا و طاعون را «کنترل» کند، اما گویا نمی‌تواند بیماری‌های ویروسی عصر جدید را کنترل کند. به عبارتی، در مقابل چیزی که به دست آمده است، چیزهایی هم از دست رفته است که آن‌ها را نمی‌دیدیم. این همان جایی است که ما در کنار وظایف عادی اخلاقی، انسانی و اجتماعی خود برای کمک به هم‌نوعان، وظیفه جدیدی را نیز حسب استعداد می‌یابیم و آن *پرسش از*

کنترل کردن است.

پرسش از کنترل، پرسشی است که اولاً باید عواقب کنترل را بداند و فی المثل دریابد که در کنترل کردن، تک تک انسان‌ها ابژه می‌شوند و راه نجات از بیماری هم در جدایی حداکثری انسان‌ها تفسیر می‌شود و گویا متوجه نیست که این جداسازی، معنایی جز متلاشی کردن خصلت ذاتی انسان یعنی مدنی بالطبع بودن را ندارد و به همین خاطر، سیاست، اقتصاد و حتی اخلاق را نیز نابود می‌کند؛ بویژه آن که این تفسیر فردمحور^۱ از آدمی، از همان ابتدا، اخلاق و سیاست را هم آمیخته به کنترل می‌بیند و هر آنجایی که کنترل مخدوش شود، اخلاق هم مخدوش می‌شود.

ثانیاً باید از شرط امکان این کنترل پرسید، یعنی از این که چه شد ما گمان کردیم می‌توانیم و باید که جهان را کنترل کنیم؟ غلبه کدام خصلت بود که سبب شد تاریخی ساخته شود مبتنی بر اصالت یافتن وجه روشن وجود - که طبعاً قابل کنترل قلمداد می‌شود - و بی‌التفاتی به وجه غایب؟ اگر انسان می‌فهمید که هر آنچه هست، ریشه‌ای هم در نیستی دارد و چیزها اول نیستند و بعد هست می‌شوند، با نیستی و راز و رمز آن، از سر احترام برخورد می‌کرد. جهان مدرن، جهان کنار گذاشتن احترام و حرمت است؛ زیرا انسان مدرن همه چیز را روشن یا در حال روشن شدن می‌پندارد و با این پندار، دیگر نیازی به انگاره «حرمت» وجود ندارد. حرمت، یعنی ممنوعیت خودخواسته انسان برای آن «جا» و آن «گاهی» که او اجازه ورود به آن را ندارد یا به سختی دارد. وقتی جهان از شکل سایه‌روشن غیاب و حضور مبدل به شکل تمام‌روشن فعلیت و حضور می‌گردد، دلیلی هم برای حرمت و احترام

^۱. individualist

۱۹۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

نیست. به همین خاطر است که کنترل جای تعامل و حقوق، جای حرمت را می‌گیرد. جهانی که حرمت ندارد، طبیعت و بدن در آن ابژه پژوهش قرار می‌گیرند تا شرایط تصرّف را پیدا کنند. وقتی همین کنترل هم مخدوش و بی‌اعتبار گردد، همان مقداری هم که از حفظ حدود باقی مانده بود، از بین می‌رود و چیزی هم جای آن وجود ندارد.

دنیای مدرن، دنیای بسط حداکثری ایضاح، کنترل و تصرّف است و دنیای امروز ما دنیای فروپاشی علنی - بعد از فروپاشی نظری قرن نوزده و بیست - این کنترل و ایضاح است. امروز ما، روز انسان واپسین و مصائبی است که باید تحمّل کند.

۱۴. برساخت کرونا ویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس

محمدرضا زهرائی^۱

مقدمه

معتقدم پدیده ویروس کرونا یک مسئله اجتماعی است. بنا به نظر لوزویک (۱۳۹۱) به مثابه یک برساخت‌گرای اجتماعی، یک مسئله اجتماعی، باید دارای ویژگی تعدّد و تکثر، مشکل‌زا بودن، قابل تغییر بودن و اراده به تغییر داشتن، باشد. پدیده کرونا؛ مشکل‌زاست، قابل تغییر و کنترل است، اراده به تغییر درباره اش وجود دارد، تعداد مبتلایان کمتر از انگشتان دست، ولی احتمال گسترش آن قید تعدّد و تکثر را تأیید می‌کند. با این وصف، این یک مسئله

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی / واحد تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران/
رایانامه: hanizahrai@gmail.com / تاریخ نگارش: یکم فروردین ماه ۱۳۹۹.

۲۰۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

اجتماعی و نیازمند تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی و سیاست‌گذاری اجتماعی است. پدیده کرونا دارای یک بعد عینی و یک بعد ذهنی است:

۱. بعد عینی مسئله کرونا

بعد عینی کرونا، همان واقعیت کرونا است که شامل یک ویروس کرونا دارای علائم سرماخوردگی یا شدید تنفسی است، ولی همان طور که ویروس سرماخوردگی، همواره در حال تغییر است، این هم همان طور. اندیشه مرکزی پدیده این سرماخوردگی، «ارتباطات» است. این بیماری از طریق ارتباطات فیزیکی منتقل می‌شود. و با کنترل ارتباطات، کنترل می‌شود. این بیماری از نظر تهدید حیات، در صورت رسیدگی، بی‌خطر است، مگر برای افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای یا مزمن. پس تمام تلاش‌های انجام شده برای کنترل ارتباطات، مقدمه کنترل بیماری درباره افراد آسیب‌پذیر است نه همه مردم.

با توجه به بعد ارتباطاتی این پدیده، ب دلیل ظهور انواع فناوری‌های ارتباطی که افراد در نقش‌های مختلف ظاهر می‌شوند و شدت ارتباط در جامعه شبکه‌ای، تعداد تماس‌ها با «اشیای مشترک» و «بدن»ها بسیار افزایش می‌یابد، به علاوه این روابط توان جهانی‌سازی این واگیری را هموارتر کرده است، پس این پدیده، یک پدیده جهانی است.

آیا شرایط خطر با برساخت ذهنی عادی‌سازی و امیدافزایی، کاهش می‌یابد؟ هرگز چنین نیست. در کشورهای پیشرفته ظرفیت درمانی محدود است، در ایران هم محدود است. این محدودیت شامل تخت بیمارستانی، تجهیزات و لوازم و نیروی انسانی است. در ایران هر هزار نفر حدود ۱۴ تخت بیمارستانی دولتی دانشگاه علوم پزشکی وجود دارد. حال به تناسب مبتلایان به کرونا، محدودیت بیشتر تخت، تجهیزات وجود دارد. حال برای بیماران حاد

برساخت کرونا ویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس □ ۲۰۱

که نیاز به اقدامات فوری وجود دارد، به ازای آن، پوشش خاص، نیروی انسانی و تجهیزات، محدودیت زیادی خواهیم داشت. بنابراین، نباید سرعت شیوع و تولید بیمار بد حال، از ظرفیت درمانی پیشی بگیرد. نمودار ضمیمه، این مسئله را بخوبی نشان می‌دهد. بخش قرمز، سرعت شیوع بالا را نشان می‌دهد. آنچه از ظرفیت درمانی بالاتر می‌شود، بحران است و افزایش مرگ و میر را به همراه خواهد داشت.

با این وصف مردم باید موضوع را بسیار جدی بگیرند، با جزئیات تمام، شبکه روابط با افراد و اشیا را در طول شبانه‌روز در نظر بگیرند و این تماس‌ها را با دستکش یا ابزارهای خلاقانه دیگر کاهش دهند، حائل و ضد عفونی کنند. در ایران؛ موبایل، پول خرد، خودکار، کاغذ و نامه، کارت بانکی، کلید، دستگیره در تاکسی، اتوبوس و مترو، اماکن عمومی، نانوائی، عابر بانک، جایگاه سوخت، فروشگاه مواد غذایی و کالاهای، ملحقات آویزان معابر، مثل شاخه درخت و پلاستیک در فروشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و محل‌های تفتیش بدنی، عمده‌ترین این اشیا و تماس‌ها، هستند.

۲. بعد ذهنی مسئله اجتماعی کرونا

بعد ذهنی کرونا، شامل برساخت مسئله کرونا است. برای این برساخت یک دسته عاملانی وجود دارد و یک دسته شرایط. در میان عاملان: مقصر و قربانی قابل تعریف است. آنچه درباره مسئله کرونا در ابتدای شروع واگیری می‌توان دید، برساخت رسانه‌ای کرونا، به وسیله ماشین جنگ رسانه‌ای است که در کنار جنگ اقتصادی آمریکا-چین، به وسیله آمریکایی‌ها راه افتاد. در این میان مقصر، عامل چینی معرّفی شد و قربانی مردم جهان، ذینفع در این مسئله‌سازی آمریکایی‌ها و تولیدکنندگان محصولات بهداشتی شامل ماسک

۲۰۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

و دارو و دستکش در یک شبکه جهانی قابل تشخیص بود. با توجه به واقعیت عینی کرونا، ملت‌های چین و یا امروز مردم ایران مخصوصاً قم، متضرر و مورد هدف جنگ رسانه‌ای هستند. با توجه به بعد ذهنی، جامعه به مثابه میدان نبرد شناختی درباره این مسئله است؛ بنابراین در این میدان سازکارهای شناختی اهمیت می‌یابند. این واگیری برای بخشی از جامعه و تحت شرایطی مرگبار است. این مشکل‌زایی مسئله، مرتبط با حفظ حیات است، پس ترس به مثابه عنصر هیجانی-شناختی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. ترس به چه میزان؟

ترس یکی از عواطف انسانی است که در واکنش به خطر رخ می‌دهد و با گریختن پیوند دارد (اومن، ۲۰۰۰: به نقل از میرزایی و ذکایی، ۱۳۹۸: ۶۹). برخی از نظریه‌پردازان مانند اومن، اضطراب را محصول تهدیدات مهارنشده و متفاوت از ترس می‌دانند. برخی مثل نیومن (۲۰۰۸) نیز این دو را در کنار هم قرار می‌دهند. به نظرم تهدید و خطر تا زمانی که مقصر انسانی ندارد با ترس یا اضطراب قابل توضیح است، ولی آنگاه که مقصر انسانی داشته باشد، تبدیل به «خشم» خواهد شد. نیومن اشاره می‌کند که خشم با ایجاد آگاهی نسبت به کنشی ناروا با تعیین مسئولیت غلیان می‌یابد. خشم و اضطراب متفاوتند، خشم با پردازش غیر مدبرانه و کاهش درک خطرپذیری همراه است، درحالی‌که اضطراب به ارزیابی در سطح عالی و هوشمندانه اطلاعات مرتبط است.

بنابراین به نظر می‌رسد در ابتدای شروع بحران، به دلیل ناشناختگی و وحشت‌افزایی دیدن مرگ ناشی از کرونا، ترس و اضطراب، ممکن است در حد بالایی به ایجاد وحشت کارکنان بخش درمان کشور و فرار از انجام وظیفه

برساخت کرونا ویروس اجتماعی و ضرورت حفظ و مدیریت ترس □ ۲۰۳

منجر شود. همچنین، وجه محاسبه‌گری اضطراب، منجر به هجوم مردم به فروشگاه‌ها و داروخانه‌ها برای غارت اقلام ضروری، متناسب با برساخت رسانه‌ها می‌شود. این کنش‌ها با مرگ و میر بیشتر و ناامنی بیشتر، وضعیت را غیر قابل کنترل خواهد کرد. در این میان رسانه‌ها، اگر مقصّر برای این شرایط معرّفی کنند، به هر میزان، خطر بیشتر شود، خشم هم بیشتر خواهد شد و تهاجم به مقصّر ساختگی شرایط را از جنبه دیگر بحرانی می‌کند. معمولاً در این شرایط اگر مقصّر یک دولت باشد، شرایط سقوط دولت فراهم می‌شود. اگر یک ایدئولوژی مقصّر شناخته شود، تنفّر نسبت به آن و معتقدانش افزایش می‌یابد.

پس از جنبه سیاست‌گذاری در مرحله ابتدایی بحران باید ترس را کاهش داد تا بشود بر اوضاع مسلط شد.

کاهش انتقال ویروس، نیازمند دستورالعمل‌هایی است که بتواند تغییرات ساده‌ای در زندگی مردم ایجاد کند. مثل چگونگی خرید نان لواش در نانوائی که شامل خروج نان از تنور، انتقال به میز، برداشتن نان، گذاشتن در پوشش و پرداخت با کارت‌خوان، حفظ فاصله افراد و الزامات کارگران نانوائی دارد. این دستورالعمل‌ها باید تهیّه و در رسانه‌ها به مردم آموزش داده شود؛ همه این دستورالعمل‌ها در صورتی رعایت می‌شود که مردم از این واگیری بترسند و پردازش حسابگرانه شناختی آن‌ها فعال شود؛ اما به نظر می‌رسد مردم هنوز شیوع بیماری را جدی نگرفته‌اند. یک نظرسنجی، نشان می‌دهد که تقریباً با استفاده از ظرفیّت‌های فضای مجازی و صدا و سیما ۸۰ درصد مردم، اطلاع درستی از بیماری دارند، اما متأسفانه ۶۸ درصد مردم تصوّر می‌کنند که به این بیماری مبتلا نخواهند شد. همچنین در کلان‌شهر تهران، ۶۰ درصد

۲۰۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مردم علی‌رغم همه توصیه‌ها، بیماری را جدی نگرفته‌اند. متأسفانه ۴۰ درصد مردم معتقدند که ماندن در خانه تأثیری در عدم ابتلا به این بیماری ندارد. در عین حال ۳۰ درصد مردم در استان تهران، هیچ شیوه‌ای از پیشگیری را رعایت نمی‌کنند که قابل توجه است.^۱ این نشان می‌دهد مردم ایران نترسیده‌اند. در صورت برساخت مناسب مسئله، باید سرعت شیوع کاهش می‌یافت، مسافرت‌ها کم می‌شد و بار بیمارستانی و فشار بر کارکنان بخش درمان، کاهش می‌یافت. این رفتار، مردم ما ترسناک است. وحی منزل نیست که این ویروس مرگ‌بارتر نشود. آنچه سعی شد مردم نترسند، باعث شد که مردم تغییری در رفتار مراقبتی خود ندهند و این ترسناک است. به نظر می‌رسد با سرعت به شیوع بدبینانه نزدیک شویم. در این مرحله ضروریست که ترس را حفظ و مدیریت کرد. ترس در ذهن باعث ایجاد رفتار حسابگرانه می‌شود. برساخت خطرناک بودن شرایط در حالی که راه رفع خطر را تصویرسازی می‌کنید باعث رفتار حسابگرانه و عقلانی در مواجهه با خطر خواهد شد در حالی که دچار عوارض ایجاد بحران و ناامنی هم نخواهید شد.

۴. منابع

ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۸) عواطف در جامعه و فرهنگ ایرانی، تهران، آگاه.
لوزویک، دانیلین (۱۳۹۱) نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، سعید معیدفر، تهران امیرکبیر.

Neuman, Russell (2008). "Financialization of traditional media: the FCC at a nexus". Unpublished paper written for the research seminar, comm620Y on communication, technology, and power, los Angeles, university of southern California, Annenberg School for communication.

1. <https://aftabnews.ir/fa/news/641159/>.

۱۵. کرونا و طبّی‌سازی زندگی روزمره

داوود طالقانی^۱

«این را بخور، آن را نخور!»، «این کار را بکن، آن کار را نکن!» پزشکی امروزی هنجاری‌ترین نظام حقیقتی است که بر انسان‌ها (بیماران) حکمرانی می‌کند. پزشکان برای سلامت فردی، تجویزهایی می‌کنند و نسخه‌هایی می‌پیچند و بیماران برای بهبود خود می‌بایست این «بایدها» و «نبایدها» را پیروی کنند، اما پزشکی جدید، مرز بیمار و غیربیمار را برداشته و برای همگان نسخه تجویز می‌کند. ادوار پزشکی، بیمار را از سایر گروه‌های اجتماعی جدا می‌کرد. دیوانگان، معتادان، مجرمان، بیماران و ... از گروه‌هایی بودند که به وسیله علم جدید به حاشیه رفتند.

پزشکی جدید همگان را به دید بیمار می‌بیند. شاید این ادّعا در ظاهر قابل مناقشه باشد. به هر حال ایجاد فضایی به نام بیمارستان و تکوین

۱. داوود طالقانی، کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات / دانشگاه امام صادق علیه‌السلام /

رایانامه: Pr.davood1374@gmail.com / تاریخ نگارش: سیزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۲۰۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

سازمان‌هایی عریض و طویل دیوان سالارانه مانند وزارت بهداشت و سازمان جهانی بهداشت، حکایت از این می‌کند که پزشکی مخاطبان خاصی دارد و شامل همه نمی‌شود، اما برای آشکار شدن این مسئله باید عینک دیگری زد. عینکی از جنس «تولّد پزشکی بالینی» که مخصوص میشل فوکو ساخته شده است.

از نظر میشل فوکو، طبّی‌سازی، مسئله‌ای غیرپزشکی است که جزو مسائل پزشکی تلقی شده و دارو برای آن تجویز می‌شود. طبّی‌سازی تمام مراحل زندگی را در بر گرفته است و شأنی از شئون زندگی باقی نمانده که پزشکی و پزشکان حرفی برای آن نداشته باشند. هر کدام از ما مثال‌هایی و تجربه‌هایی از این مسئله داریم. (مثلاً نگارنده این متن علاقه زیادی دارد که هنگام صرف ناهار و شام، یک پیاله ماست نیز بخورد، اما خانم دکتر فرموده‌اند که نباید همراه غذا دسر، سالاد، آب یا هر چیز دیگری میل کرد چون به دلایل فلان و بهمان برای بدن ضرر دارد و سلامتی را به خطر می‌اندازد!) اسم رمز تمام تجویزهای طبّی‌ساز، به خطر افتادن سلامتی است. سیگار، نوشابه، برگک و پفک، خاک، هوا، آب، آتش و تمام عناصر جدول مندلیف از نظر پزشکی، می‌تواند برای انسان و جان او خطرآفرین باشد! خطر همیشه هست و سلامتی می‌تواند به یک اشارت به مرضی مردافکن تبدیل شود، اما آن چه به عنوان مراقبت‌های ویژه (مانند ضدعفونی کردن دست‌ها و سطوح، محدودیت تماس‌های لمسی، استفاده از ماسک و...) در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود، طبّی‌سازی را عینی‌تر کرده است.

به زبان والتر بنیامین، چه شد که پزشکان به راهبان معبد جامعه مدرن (سرمایه‌داری) بدل شدند؟ میشل فوکو به این سؤال پاسخ می‌دهد و جواب را

کرونا و طبی‌سازی زندگی روزمره □ ۲۰۷

در تولّد پزشکی بالینی و کلینیک می‌داند، اما مسئله‌ای که امروز گریبان ما را گرفته است، فراتر از روایت‌های فوکو و بنیامین است.

ویروس کرونا، طبی‌سازی زندگی را بالاخره توانست به مرحله عینیّت برساند. حالا برای بیرون رفتن از خانه، خواب و خوراک، تعاملات اجتماعی، درس خواندن، کار کردن و حتی خصوصی‌ترین مسائل زندگی هم باید از پزشکان اجازه بگیریم و نظر پزشکی را در این مورد بدانیم. فارغ از بیان اغراق شده، باید ببینیم که چگونه ویروس کرونا توانست وارد بیمارستان‌ها شود و در نهایت، تمام زندگی روزمره را طبی‌سازی کند؟ به دلیل قرارگیری در وضعیت حال استمراری کرونایی شاید جواب قطعی برای این مورد بسیار سخت باشد اما تاریخ مورد بررسی این قصه، از یک سال بیشتر تجاوز نمی‌کند و مواد لازم برای آن تاحدودی دم دست است. این فضاسازی بیمارستانی به واسطه کرونا مواردی جالبی را که کمتر می‌شنیدیم، به ما نشان داد. بعضی از بیماران مبتلا به کرونا، از بیمارستان فرار کرده بودند. واپس‌زنی فضای بیمارستانی از سوی بیمار کرونایی، می‌تواند دلالت بر این داشته باشد که فرد فرارکننده تمایلی به تبدیل شدن به «دیگری» از سوی فضا ندارد.

به دلیل قرارگیری در وضعیت حال استمراری کرونایی شاید جواب قطعی برای این مورد بسیار سخت باشد، اما تاریخ مورد بررسی این قصه، از یک سال بیشتر تجاوز نمی‌کند و مواد لازم برای آن تاحدودی دم دست است.

به تعبیری فوکویی، کرونا یک آگاهی سیاسی بود و نهادهایی به واسطه این آگاهی سیاسی به وجود آمدند (و خواهند آمد) نهاد صوری ستاد مبارزه با ویروس کرونا، بهترین مثال آشنا برای آن است. کرونا جان‌چندین سیاست‌مدار را هم گرفت و مجلس را تعطیل کرد و هیأت دولت‌های

۲۰۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کشورهای مختلف را ترساند. به نظر می‌رسد کرونا از یک آگاهی صرف فراتر رفته و به عمل نیز رسیده است. کرونا بازار را به مرزهای تعطیلی کشانده، توزیع کالاها را مختل کرده، مصرف لوازم شوینده و بهداشتی را افزایش داده و بعضی از بازار بعضی دیگر از اقلام را کساد کرده است.

کرونا مورد عجیبی برای علوم انسانی ماست. جامعه‌شناسی پزشکی را که جزو حوزه‌های کمتر پرداخته شده و نامحبوب در ایران است، بار دیگر به صدر مطالعات اجتماعی آورد. پزشکی اجتماعی را که در کشورمان بلا تکلیف بود، مکلف کرد. از همه این‌ها جالب‌تر، رسالت پزشکی مدرن را بار دیگر یادآوری کرد: «همه شما بیمار هستید، فقط خودتان خبر ندارید!»

پیشتر شهروندان به واسطه رژیم حقیقت پزشکی و آگاهی سیاسی مخصوص آن به مبتلایان به دیابت، ایدز، هپاتیت، دارای غلظت خون بالا یا مشمول بعضی نابهنجاری‌های روانی از جنس شیزوفرنیک و اختلال دوقطبی و... بودند. در طبقه‌بندی جدید، کرونا هرم هویت‌های بیمار را به نفع خود چیده است، گویی رده‌های دیگری از اول وجود نداشته است.

در تعامل‌های با یکدیگر نیز دچار تردید شده‌ایم و شکاکیت پیشه کرده‌ایم. کرونا کاری کرده است که هر فردی سلاحی کشتار جمعی تلقی شود. به همین سبب نیز کرونا چالشی مهم برای فلسفه‌های اخلاقی است که نیت و قصد انسانی را پایه و اساس کردار اخلاقی فرض گرفته بودند. شاید یک نفر بگوید «من تمام تلاشم را کردم که ناقل نباشم، اما بقیه ماجرا از دست من خارج بود» این مسئله برای کسانی که از بدیهیات مراقبت نیز چشم‌پوشی کردند، صدق نمی‌کند و بر آنان حرجی نیست.

منابع

کرونا و طبی سازی زندگی روزمره □ ۲۰۹

فوکو، میشل، تولد پزشکی بالینی، ترجمه فاطمه ولیانی، نشر ماهی، ۱۳۹۲
منجمی، علی رضا و غلامحسین مقدم‌حیدری، درسگفتار متن‌خوانی تولد
پزشکی بالینی، موسسه روزگار نو، پاییز ۹۸

منجمی، علی‌رضا، ابتدای علوم انسانی بر پزشکی بالینی: خوانشی نو از تولد
کلینیک، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه علم، دوره ۹، شماره ۱۷، بهار و
تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۳۹-۱۶۲

طالقانی، داوود، ارتباطات کرونایی: موقعیت‌یابی تقاطع غیرهم‌سطح
ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و هم‌دردی رسانه‌ها، ماهنامه
سروش، اسفندماه ۹۸

۱۶. کشکول کرونا!

سجاد هجری^۱

بلای کرونا پدیداری است که ابعادی بسیار دارد و آن را می‌توان از روزنه‌های گوناگون دید و با نگاه‌های مختلف بر رسید و آشکارا، در این روزها، اندیشمندان و دانشمندان به پژوهش این ابعاد پرداختند و نوشتارهایی تأمل برانگیز در آن ساختند؛ چنانچه می‌توان گفت که کرونای شرّ، زمینه‌ی خیر اندیشه‌ورزی و قلم‌فرسایی شده و بی‌گمان، جهان دانش و هنر را پیش برده و می‌برد! بیماری کرونا مرض‌های فرهنگی- تمدّنی را نیز بخوبی روشن کرده و بویژه، ضعف‌های حکمرانی‌ها را بخوبی نمایانده و اگر به آن همچون «عبرت» نگریسته شود، امید است که جهانی بهتر در پیش باشد! این نوشتار در چند پرده، به برخی موضوعات مرتبط با کرونا و جامعه ایران، اشاره می‌کند.

۱. مشاور و تحلیل‌گر ارشد پژوهش‌کده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت / رایانامه: sajjadhejri@gmail.com / تاریخ نگارش: بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۹۸.

۱. کرونا و تباهی و ناپیدی سنت‌ها!

این روزها که بلای کرونا دامن جهان را گرفته، یادداشت‌هایی فراوان و نوشتارهایی گوناگون در فضای مجازی ناظر بدان در سطوح و از جهات مختلف نگاشته و منتشر می‌شود و از قضا، برخی که در میان آن‌ها، فلسفه‌خوانان و دانایانی نیز هستند که در نوشته‌های آن‌ها، هر یک به نحوی و با ادله‌ای، نوید پیدایی «جهانی نو» پس از کرونا را داده شده است. پیدایش جهانی نو پس از کرونا چه میزان محتمل و این «پیش‌بینی» چقدر اعتناپذیرست؟ فارابی، حکیم اسلامی مؤسس، کتاب «قوانین» افلاطون بزرگ را که در پایان عمر نگاشته و در آن برخی آرای «جمهوری»، کتاب سیاست نامورش را نقد کرده، تلخیص نموده که با نام «تلخیص النوامیس» بارها نشر و به فارسی نیز ترجمه شده است. شَرّ کرونا مرا بیاد بند نخست گفتار سوم تلخیص انداخت؛ آن جا که فارابی-افلاطون می‌گوید: «ابتدأ یبین أن وضع النوامیس ودروسها وتجديدها لیس هذا شیئا محدثا فی هذا الزمان لکنه شیء قد کان فی الأزمان القديمة وسیکون فیما یأتی منها وبین أن فساد الناموس ودروسها یکون من جهتین أحدهما لمرور الأزمان الطوال علیها والأخری للحوادث العامة التي فی العالم مثل الطوفانات والأمراض الوبیئة المغنیة للناس» و به روشنی، علل یا عوامل تباهی و نابودی ناموس، قانون، سیره و سنتی را از گذشته جهان تا آینده آن، ۱. گذشت زمانی دراز ۲. رخدادهای فراگیر در جهان می‌داند و دو نمونه مثال برای این حوادث برمی‌شمارد: ۱. توفان‌ها (که توفان نوح علی نبینا وآله وعلیه‌السلام را به ذهن متبادر می‌کند!) و ۲. بیماری‌های واگیر نابودگر مردم که این دومین، بویژه «طاعون» را به ذهن می‌آورد که تاریخی بس عبرت‌آموز دارد و اکنون هر که

کشکول کرونا! □ ۲۱۳

این نمونه را بشنود یا بخواند، نخست کرونا بیادش می‌آید؛ زیرا چنان ذهن‌ها درگیر آن است که حتی کشتار مسلمانان در هند را نیز به چشم نمی‌آید!

آیا کرونا می‌تواند سنت، ناموس، سیره و قانون‌ها را دگرگون سازد؟! پاسخ به این پرسش دشوار و شاید غیرممکن است؛ ولی اگر به اطراف خویش بنگریم، هم اکنون کم نیست آداب و رسومی که به علت کرونا «تعطیل» شده است، مانند از دست دادن گرفته تا برخی مناسک عبادی!، اما آیا این پایدار است؟ شاید کسی بگوید که انسان که از «اُنس» است، چنان با شرایط نو خو می‌گیرد که میلش به بازگشت به آنچه پیش‌تر بوده، کم می‌شود و آنگاه که می‌بیند (احساس و تجربه می‌کند!) بدون آداب یا سنی، بی‌هیچ کمبود و خللی می‌تواند زندگی کند، گرایشش به رجوع بدان آداب و سنن کاسته می‌شود! اینجا باید «نگران» آن دسته نوامیس و رسومی بود که به نحوی در جامعه کمرنگ شده و برخی از آن می‌گریزند و برخی نیز با آن می‌ستیزند و کرونا نیز آن را به تعطیلی کشانده است! کرونا حتماً با خود چیزهایی نو می‌آورد و هم اکنون نیز در گفتگوی مردم آن‌ها را می‌توان دید و شنید تا آن‌جا که می‌توان به «فرهنگ کرونا» اندیشید! شاید کسی ژرف‌تر، از دگرگونی «دید» آدمیان به جهان با تجربه این بلای شرّ بگوید و شاید برخی که در چندین یادداشت به مقولات قضا و قدر و کیفیت ادخال شرّ در آفرینش که پرسشی کهن و تاریخی‌ست، پرداخته‌اند یا آنان که «ترس‌آگاهی» را که کلیدواژه برخی فلسفه‌های نو است درباره‌ی کرونا طرح کرده‌اند، چنین نگاهی داشته‌اند. سخن دراز است و پرسش بسیار.

۲. اهتمام به بلای کرونا و التزام به واجبات الهی!

در ماجرای کرونا آیات عظام با تأکید بر ضرورت عقلی-عقلانی و نقلی و

در نتیجه شرعی رعایت «بهداشت» و «درخانه‌مانی» برای پیشگیری ابتلای خود یا دیگران به این بیماری، توسّل و دعا را نیز توصیه فرمودند و وصایای ایشان اموری مأنوس و کارا مانند خواندن سوره حمد، آیت‌الکرسی، زیارت عاشورا و حدیث کسا بود که پیر و جوان و عالم و عامی می‌توانند به آن بپردازند و در حقیقت، آن بزرگواران در توصیّه‌های خود، عموم مردم را مورد خطاب قرار دادند؛ در این میان، تجویز فقیه مبسوط‌الید از گونه‌ای دیگر بود! گویا توصیّه‌ای نخبگانی کردند؛ زیرا ایشان، جوانان را به طور ویژه مخاطب ساختند و شاید می‌خواستند در کنار توصیّه، تعلیم نیز دهند! دعای هفتم صحیفه سجّادیه با طلیعه «یا من تحل به عقد المکاره» که نزد دعادانان مجرب است! اهل فن می‌دانند که صحیفه سجّادیه پس از قرآن، شاید معتبرترین میراث مکتوب جهان اسلام از آن دوران است! شاید بدانید که حکیمانی بزرگ چون میرداماد، شیخ بهائی، فیض کاشانی و سید علی‌خان مدنی بر همه یا بخشی از صحیفه شرح یا تعلیق نگاشته‌اند که نشان از ژرفای معانی آن دارد. فراوان می‌توان در شرح این دعا سخن گفت؛ اما آنچه بیش از همه در آن پیداست، «توحید» است که از سطر سطر آن می‌تابد؛ چنانچه حتی آنجا که می‌فرماید: «أنت المدعو للمهمات وأنت المفزع فی الملمات»، معرفه آمدن مدعو و مفزع نشان حصر و در نتیجه توحید است! و بویژه در گزاره «وتسببت بلطفک الأسباب» سببیت همه اسباب را «تنها» از او می‌داند؛ زیرا بلطفک را پیش از الأسباب آورده و هم «نظام اسباب» را اثبات می‌کند و هم غنا و استقلال آن را نفی می‌نماید که این خود به نحوی «أمر بین الأمرین» است؛ ولی با اسناد تسبیب به وصف/ فعل «لطف» خدا، به «فاعلیت تسخیری/ بالتسخیر» او می‌اشارد! بخشی از این دعا چنانچه «سید

کشکول کرونا! □ ۲۱۵

علی‌خان مدنی» (ریاض‌السالکین) و «سید نعمت الله جزایری» (نورالأنوار) به شهادت عبارت «سلطان الهم» در دعا و بویژه به قرینه عبارت‌های پسینش گفته‌اند، گویا به این اشاره می‌کند که «اندوه» می‌تواند آدمی را از ۱. واجبات/ فروض و ۲. مستحبات/ سنن دور کند و باز دارد: «ولاتشغلی بالاهتمام عن تعاهد فروضک واستعمال سنتک/ سننک» («چنان مکن که به سبب اندوه از انجام دادن فرایض و مستحبات تو بازمانم/ آیتی» یا «مرا به سبب غم و اندوه از رعایت و حفظ واجبات و به کار بستن سنت خود (مستحبات) باز مدار/ فیض‌الاسلام») که از وجوهی پذیرفتنی است و اگر آن اندوه بسیار گران باشد (در اهتمام مبالغه است!)، چنین است؛ اما شاید کسی بگوید که گاه اندوه برانگیزاننده آدمی به این دو است و این مقوله بسیار به زمینه‌های میراثی-تربیتی افراد بازمی‌گردد. البته باید توجه داشت که اهتمام با توجه بویژگی‌ها و کاربردهای باب «افتعال»، شاید به نحوی «اختیار» را نیز برساند که گویی فرد خود مقدمات این هم را فراهم کرده و «قاصر» نیست» (قرآن می‌فرماید: «ما أصابک من حسنة فمن الله وما أصابک من سيئة فمن نفسك» و البته، «قل كل من عند الله» که تفاوت «من الله» و «من عند الله» در تفاسیر آمده!)؛ ولی آیا «اهتمام» در این عبارت در معنای اندوه است؟ بر اساس علم ریشه‌شناسی «ه م م» «آهنگ کاری با آغاز انجام پیش‌نیازهایش» (هو العزم علی فعل مع شروع فی مقدماته) است و «الهم» «آهنگ کردن با فراهم‌آوری پیش‌نیازها، بی‌آن که به کار و سرانجام رسد» (والهم عزم مع تهيئة مقدمات من دون أن يصل إلى عمل ونتيجة) است. برخی نیز برابر اهتمام، «اعتناء» و «اتجاه/توجه» نهاده‌اند و البته، گفته‌اند: در «هم» فرد در فراهم‌آوری و آماده‌سازی پیش‌نیازها و مقدمات کار

۲۱۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

می‌کوشد؛ اما آن (با وجدان موانع!) به سرانجام نمی‌رسد و بی‌فرجام می‌ماند که مستلزم «حزن/ اندوه» است! با توجه به این ریشه‌شناسی گویا اهتمام، هر گونه آهنگ/ عزم/ قصد انجام کاری برای رسیدن به خواسته‌ای (رفع نیازی) است که شاید به سرانجام نرسد؛ از این‌رو، «محمد بن محمد دارابی» در «ریاض‌العارفین» گفته: «أی اهتمامی بالعوائق والأشغال الدنیویة» و آن را توجه و اعتنا به پیش‌آمدها (موانع) و همچنین کارها و سرگرم‌سازهای این‌جهانی/ دنیوی تفسیر کرده است. شاید تعبیر «لاتشغلی...» به «ابتلا» ی الهی اشاره دارد که گویا خدای ممتحن با اهتمام (که شاید ریشه در اراده فرد نیز دارد!)، او را می‌آزماید که آیا در ظرف سرگرم شدن به گرفتاری‌های این‌جهانی، واجبات را پاس می‌دارد و مستحبات را بکار می‌گیرد؟ بلای حزن‌انگیز کرونا که بشر در ایجاد و شیوعش بی‌تقصیر نیست و اهتمام به گرفتاری‌های دنیوی را بیش از پیش سبب‌ساز شده، «امتحانی» است از سوی «رب العالمین» که چه کسانی در ظرف آن همچنان پایدار در انجام واجبات الهی و بهره‌ور از مستحبات/ سنن او هستند و شادی‌انگیزی و روح‌افزایی را در دیگر چیزها نمی‌جویند!

۳. از رفاقت تا شهادت! (بلای کرونا و رفاقت پزشک، پرستار و بهیار با بیمار)

چندی پیش با جوانان «هسته‌ی سلامت» مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، آزادی و صفاری، اخبار نقل‌شده از معصومان علیهم‌السلام را برای «الهام‌گیری» در موضوع «نظام سلامت» و بویژه «نظام ارائه خدمت» می‌خواندیم و در این باب، موضوع «صفات الطیب» (بسنجید با «صفات الإمام» در کلام و «صفات القاضی» در فقه!) و به طور ویژه، «الکمالات الإلهیة

کشکول کرونا! □ ۲۱۷

فی صفات الطیب» (بسنجید با کتاب «الکمالات الإلهية فی الصفات المحمدية» از «عبدالکریم جیلی») را موشکافانه، مورد بررسی قرار دادیم. در میان اخبار، چند باری چشممان به عبارت دل‌انگیز و بهجت‌زای «الطیب الرفیق» روشن شد: «کن کالطیب الرفیق [الشفیق؟!...]» (کراچی و دیگران!) و ژرف‌اندیشانه دریافتیم که ویژگی «رفق»، از اوصاف خدای رحمان («رفیق» و اثره‌ای قرآنی: «وحسن أولئک رفیقا» و نامی نیک از اسمای حسناى اوست: «إن الله رفیق یحب الرفق...!»)، می‌تواند بیش از هر چیز دیگر، محور «نظام خدمت» در سلامت باشد و می‌توان این نظام را برمبنای آن «بازساخت» و «از نو پرداخت»! «رفق» در برابر «حُرق» و «عُنف» در اخباری فراوان (مانند «جنود العقل والجهل» که رفق در آن از سربازان عقل است!) آمده و در ساحت‌هایی گوناگون سفارش شده که ذکرش در این مجال نگنجد! رفق را در فارسی «سازگاری و نرم‌خویی» (مصطفوی) و رفیق را «یار»، «دوست» و «همراه» (دهخدا) گفته‌اند! سخن در رفق و تطبیقش بر نظام سلامت فراوان است که هسته سلامت یاد شده، مقاله‌ای در این باره در دست چاپ دارد؛ اما آنچه امروز پزشکان، پرستاران و بهیاران در مبارزه با «بلاى کرونا» مسئولانه، انجام می‌دهند که برخی از آن‌ها نیز در این راه به «شهادت» رسیدند، مصداق اتم «رفاقت» با بیماران است و آنان «مظهر» خدای رفیق‌اند و به تعبیر عرفانی، می‌توان آنان را «عباد الرفیق» خواند (کتاب «العبادله» ابن عربی را بنگرید). همه می‌دانند که در این سال‌ها، «نظام سلامت کشور» و بویژه «طبقه پزشکان» بسیار مورد انتقاد واقع شده است و بر نبود یا کمبود «اخلاق حرفه‌ای» در این قشر تأکید شده است. اگر چه صد افسوس، این نقد و مذمت درباره بخشی از این طبقه و قشر درست و بحق است؛ اما «فراگیر»

نیست و این روزها آن درمان‌گران که درگیر کرونا و در رفاقت با بیمارانشان هستند، این مهم را با رفتار رفیقانه خویش نشان دادند! امید می‌رود که این رفیقان، اسوه و الگوی همکاران خود شوند و پس از این بلای کرونا، شاهد افزایش «مسئولیت‌پذیری» و بهبود «اخلاق عمومی و حرفه‌ای» نظام سلامت و بویژه پزشکان و فراگیری ویژگی «رفاقت با بیماران» در همه آنان باشیم!

۴. کرونا و «بحران‌زیستی» ما!

چندی پیش بزرگی برای برخی، آمیزه «غوغازیست» را بکار برد و نگارنده این سطور، اکنون به مانندش آمیزه «بحران‌زیست» را بکار می‌برد! شاید شنیده باشید که «تویین‌بی»، تمدن‌پژوه بزرگ سده گذشته، باور دارد که دوگانه «چالش- پاسخ» تمدن‌ها را می‌سازد، می‌دارد («داشتن» بمعنای «حفظ/پاییدن» مانند سگانه «کاشت، داشت و برداشت»!) و فرو می‌پاشد؛ یعنی اگر چالشی نباشد یا باشد و بدان پاسخی درخور داده نشود، تمدنی رخ نمی‌نماید و اگر روی داده، نمی‌پاید و فرو می‌پاشد؛ از این‌رو است که باید چالش‌ها را ارج نهاد و آنان را با آغوشی باز فراخواند! این چالش‌ها هستند که «توش و توان» سامانی مردم را آشکار می‌کند و به بار می‌نشانند!

«بحران‌زیستی» به این معناست که سامانی از مردم گویا تنها در بحران زنده‌اند و «اضطرار» آنان را به تکاپو می‌اندازد؛ یعنی اگر بحران نباشد، چندان «علائم حیاتی» (ادراک و تحرک!) ندارند و در آستانه «مرگ» هستند. (سنجش و مانند کردن «مدینه» به «بدن» و «صناعت مدنی» به دانش طب، از گذشته‌های دور، پریسامد به کار رفته است، مانند «فصول منتزعة» فارابی!) بلای «کرونا» نشان داد که سامان ایران به عکس دیگران پیشرفته توسعه‌مند، «بحران‌زیست» است؛ زیرا در این شرّ بحرانی این‌چنین به

کشکول کرونا! □ ۲۱۹

«جنبش» و «جهش» درآمده؛ ولی آن کشورها در اوضاع عادی رو به «رشد» هستند و «چرخشان» می‌چرخد؛ هر چند در این بحران گویی کمرشان مو برداشته و شاید در آستانه‌ی «شکست» است!

۵. بحران کرونا و ضرورت گفتگو از/ در اجتهاد، حجیت و قطع در سیاست‌گذاری!

شاید بتوان گفت که «بحران»‌هایی چون «کرونا»، بیش از هر چیز، «حکمرانی»‌ها را بچالش می‌کشد و در این روزها گواهان بر این مدعا کم نیست! از آغاز بلای کرونا، «تزام» میان (دوراهی‌های) حفظ «سلامت/امنیت» مردم با «تحدید» (قرنطینه کردن!) و صیانت از «حریت/آزادی» آن‌ها، «حفظ امنیت/ سلامت» مردم با «تحدید» (تعطیل کردن!) و صیانت از «رشد اقتصادی» و «توسعه» کشور و ... اذهان مسئولان را درگیر کرده است! برخی کارشناسان و مردم می‌گویند: در این «تحدید» لازم، «تعلل» و «اهمال» شد؛ اما باید دانست که «سیاست‌گذار» و «تصمیم‌گیر» باید برای وضع سیاستی و اخذ تصمیمی به «قطع» (اصولی دربرابر «یقین منطقی») برسد و تا بدان نرسیده، نباید آن را بنهد و این را بگیرد و البته، هر قطعی حجت نیست و باید طریقهش حجت/ معتبر باشد و این بسیار مهم است که سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر باید حجت را «تحصیل» کند و نمی‌تواند منفعلانه، منتظر «حصول» آن باشد! این را نیز باید دانست که «قطع قطاع» حجت نیست و در کل، هیچ «قطاع»ی را نباید در مقام سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر قرار داد و می‌توان چنین گفت که از ملاک‌های «وثاقت» یک سیاست‌گذار یا تصمیم‌گیر، قطاع (و البته، «شکاک» و «ظنّان») نبودن است! قطاع «سریع القطع» است که از لوازم این سرعت، کثرت قطع است؛ از این‌رو، قطاع را

۲۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

«کثیر القَطع» گفته‌اند! دَقّت شود که به طور ویژه، قَطاع نبودن در فقه ما از معیارهای وثاقت «قاضی» است! و به طور کلی می‌توان گفت که قَطاع، «لیاقت/شایستگی» این دست مسئولیت‌ها را ندارد؛ اما چند پرسش:
پرسش ۱: راه معتبر رسیدن به قطع در سیاست‌گذاری چیست؟! (چرخه سیاست‌گذاری!)

پرسش ۲: «خبرگی» در سیاست‌گذاری یا «حدس خبرگانی» در آن یا «اجتهاد»، «عقل بسیط» یا ملکه سیاست‌گذاری چیست؟
پرسش ۳: ملاک‌های تشخیص «اجتهاد در سیاست‌گذاری» چیست و «اجازه اجتهاد» در سیاست‌گذاری چگونه است؟
پرسش ۴: چگونه می‌توان در سیاست‌گذاری مجتهد شد (به اجتهاد رسید)؟

پرسش ۵: قَطاع یا شکاک یا ظَنّان را در سیاست‌گذاری چگونه می‌توان تشخیص داد (تأیید/رد/عدم احراز صلاحیت!)؟
بی‌گمان، انسان در هر «عمل»ی برای آن‌که آن عمل «خطیئه» به شمار نیاید و او «معاقب» نشود، باید «حجّت» داشته باشد! «سیاست‌گذاری» یا «وضع سیاست» نیز یک عمل است. سیاست‌گذار و مدیر باید برای گذاشتن هر «سیاست» یا گرفتن هر «تصمیم» (اعم از اقدامات و احجامات/عدم اقدامات!)، «حجّت» داشته باشد و تا بدان دست نیابد، حقّ آن «وضع» و این «اخذ» را ندارد و اگر بی‌حجّت گذاشت و گرفت و سیاست/تصمیمش «تبعات منفی» و «مضرّات» داشت که آشکارا، مستحقّ «عذاب/عقاب/ مجازات» (دنیوی و اخروی!) است و اگر نداشت، در استحقاقش جای بحث و نظرست!

۱۷. جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸

مهدی مولائی آرانی^۱

وقایع و اتفاقات چندماه پایانی سال ۹۸ –بویژه در فصل زمستان- یکی از برهه‌های تاریخی حیات جمهوری اسلامی بوده است که دو ایام‌الله در آن رخ داد. به صورت خلاصه مرور کنیم: «در آبان‌ماه قیمت بنزین افزایش پیدا می‌کند و تجمّعات و اعتراضات خیابانی شکل می‌گیرد، در دی‌ماه حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس به وسیله رژیم منحوس آمریکا ترور می‌شود، مراسم تشییع ده‌ها میلیونی سردار شهید در چندین شهر ایران برگزار می‌شود، ۵۰ نفر از هموطنان در مراسم تشییع به شهادت می‌رسند، پایگاه آمریکایی عین‌الاسد به وسیله موشک‌های ایرانی درهم کوبیده می‌شود، هواپیمای اوکراینی با اشتباه پدافند هوایی، مورد اصابت قرار می‌گیرد، برف شدید استان گیلان را زمین‌گیر می‌کند، سیل در سیستان و بلوچستان زندگی

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه مطالعات فرهنگی- اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی/

رایانامه: m.molaeearani@isca.ac.ir / تاریخ نگارش: سیزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

۲۲۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مردم را با سختی و مشکلات زیادی مواجه می‌کند، انتخابات مجلس با مشارکت حدود ۵۰ درصدی مردم برگزار می‌شود و نهایتاً ویروس کرونا در ایران فراگیر می‌شود و زندگی روزمره را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. شاید آیندگان کمی تعجب کنند که چگونه مردم کشوری توانستند در اوج تحریم‌های ظالمانه جهانی، در مقابل این سیل حوادث، آن هم در یک بازه زمانی کوتاه، دوام بیاورند و شاید برای آن‌ها شبیه یک افسانه باشد! برای امثال ما که دوران انقلاب و دفاع مقدس را ندیده‌ایم، تجربه این حجم از اتفاق در این بازه زمانی تجربه جدید و عجیبی بود. شاید بتوان راجع به هر کدام از این حوادث به صورت جداگانه، ده‌ها جلد کتاب نوشت و سخنرانی کرد، اما در این مجال کوتاه، از حیث «مقاومت و تاب‌آوری مردم و تفاوت‌های کنشی آن‌ها» به این حوادث نگاه مختصری خواهم داشت:

۱. فرهنگ دینی؛ زیربنای جامعه

چگونه مردم یک جامعه می‌توانند این حجم از اتفاق را تاب بیاورند؟ این سؤال واقعاً جدی است و نیازمند شناخت دقیق فرهنگ مردم ایران است. نگارنده متن به دنبال اثبات یا نفی «نقش سختی و تحمل آن برای رشد جامعه» نیست و برای اینگونه مباحث نیازمند تخصص‌های الهیاتی است. سؤال بنده در مقام توصیف و خوانش رفتار جامعه‌ای است که این سختی‌ها و مشکلات را تحمل می‌کند و نه تنها از هم گسیخته نمی‌شود، بلکه نسبت به آینده امیدوار است و امید دارد سال ۹۹ خوب و خوشی باشد. خصوصاً آن که ویروس کرونا در زمانی وارد کشور شد و شیوع پیدا کرد که اکثر مردم جامعه در پی روزهای پایانی سال ۹۸ و نوروز ۹۹ بودند و انتظار آن را داشتند که بعد از زمستانی نسبتاً سخت، پایانی آرام و نوروزی سرسبز و

جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸ □ ۲۲۳

شاد داشته باشند، اما اتّفاقی عجیب و غیرقابل پیش‌بینی همگان را غافلگیر و بهت‌زده کرد. به نظر می‌رسد این اتفاقات، بسیاری از حقایق مجازی برساخته بشر امروزی را فروریخت و بشر امروزی را به تأمل درباره حقایق اصلی و واقعی فراخواند.

بشر امروز با استفاده از ابزارها و فنّاوری‌های مدرن و پیشرفت‌های سریع در ساحت‌های مادّی و فنیّ خود، به این باور نزدیک شده بود که همه چیز را تحت کنترل و سیطره خود در می‌آورد و قابل پیش‌بینی خواهد کرد. این امر خصوصاً در ساحت جسمانی و پزشکی بدن انسان بسیار بیشتر احساس می‌شد. تجربه اخیر و حتی دوران گذشته مانند دفاع مقدّس نشان می‌دهد آن چیزی که جامعه را در مقابل سختی و مشکلات مقاوم می‌کند حقیقت‌های مجازی نیست. زندگی معاصر و دوران مدرن مفاهیم واقعی مانند مرگ و معاد، اعتقاد به خداوند و ماوراء و توکلّ به خدا، اعتقاد به حضور حضرات معصومین و تمسّک و توسّل به آن‌ها، اعتقاد به دوساحتی بودن بشر (جسمانی و روحانی)، اصالت نهاد خانواده و ... را به حاشیه برده بود، اما حوادث اخیر و اتّفاقاتی مانند تسخیر قلوب و دل‌های مردم به وسیله سردار سلیمانی، نزدیک شدن مرگ به همه مردم با ویروس کرونا، بار دیگر این مفاهیم و باورها را به سطح جامعه برگرداند. سؤال اصلی این بود که چرا جامعه ایران با این حجم از حوادث، همچنان مقاوم ایستاده است؟ چرا به محض انتشار خبر ویروس کرونا در کشورهای دیگر (به‌ویژه غربی) - در حالی که هیچ کدام از حوادث قبلی کشور ما را هم نداشتند- با ترس بسیار شدید مردم، هجوم مردم به فروشگاه‌ها و حمله به یکدیگر مواجه شدیم، اما در جامعه ایران، نه تنها این اتّفاقات رخ نمی‌دهد، بلکه مردم به دنبال پیدا کردن

۲۲۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مسیرهایی برای کمک به کارکنان بخش درمان و پزشکی هستند. بسیاری از کارگاه‌های خانگی تولید ماسک راه‌اندازی می‌شود، بسیاری از کارخانه‌ها، خط تولید خود را برای تولید مواد شوینده تغییر می‌دهند و در ساحتی دیگر، بسیاری از مردم با ابزارهای مجازی برای درگذشتگان این ایام مراسم برگزار می‌کنند و سعی می‌کنند همدردی خود را به خانواده مصیبت‌زدگان بیان کنند تا تسلی خاطر آن‌ها باشند. گروهی دیگر هم در پی آن هستند تا خریدها و مایحتاج سالمندان را تهیه کنند و به آن‌ها برسانند. چه عاملی سبب می‌شود که نه تنها جامعه احساس فروپاشی نکند، بلکه در زمانه بحران و سختی، میزان همدلی و مقاومت و تاب‌آوری آن افزایش پیدا کند. یقیناً نظرات درباره علل این فرهنگ در جامعه ایرانی متفاوت است، اما به نظر بنده آن چیزی که باعث انسجام، تاب‌آوری، عدم گسست جامعه و وجود امید نسبت به آینده در مردم ایران شده است در درجه اول، باورها و اعتقادات دینی و ارزشی مردم است. اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و توکل به خداوندی که قادر و توانا بر انجام هر کاری است پایه‌ای‌ترین اعتقاد جامعه است. در دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ». در تمام دشواری‌ها تو را می‌خوانند و در بلیات و گرفتاری‌ها به تو پناه جویند، غیر از بلایی که تو دفع کنی بلایی برطرف نگردد و گرهی نگشاید مگر تو آن را بگشایی). این نظام ارزشی، چون باور به خدای حی و توانا دارد، او را حلال و توانا بر حل مشکلات خود می‌داند^۱ و فرو نمی‌پاشد و بر این باور است که با

۱. «... إلهي فكما فلقْتَ البحرَ لموسى عليه السلام ونجيتَه، أسألك أن تُصلِّيَ على مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَأَنْ تُنَجِّينِي

جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸ □ ۲۲۵

رعایت تمام و کمال توصیه‌های عقلانی و بهداشتی و درخواست و توسل به ساحت خداوند متعال و اولیای پاک او خواهد توانست به آسانی و یسر برسد. «فان مع العسر يسرا»^۱. در نظام ارزشی و فرهنگی حاکم در جامعه ایران، به محض وقوع بحران، اولین گروهی که برای همیاری و همکاری و همدلی وارد عرصه می‌شود مؤمنان هستند. موکب‌های سلامت، گروه‌های مردمی از مساجد و هیأت برای ضدّ عفونی کردن منازل و مناطق و حضور در بیمارستان‌ها برای کمک به کارکنان بخش درمان و پزشکی، نمونه‌هایی بسیار کوچک از پیوند وثیق مردم جامعه با یکدیگر دارد. در کنار نظام ارزشی و اعتقادات دینی، عشق علاقه به وطن و خاک ایران، دومین عامل مهم در پیوند مردم و تاب‌آوری آن‌ها در برابر حوادث است. این دو مؤلفه (نظام ارزشی و عشق به وطن) در دوران انقلاب اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته و عوامل کلیدی در موفقیت کشور برای عبور از بحران‌ها و حوادثی همچون دفاع مقدّس، فتنه ۸۸، ویروس کرونا و ... هست و خواهد بود. به نظر می‌رسد هرگونه جامعه‌شناسی از مردم ایران بدون در نظرگرفتن این دو مؤلفه نادرست و ناقص خواهد بود و هر برنامه و تدبیری که آگاهانه یا ناآگاهانه، باورهای اعتقادی و دینی مردم و بویژه نسل جدید را کاهش دهد، به فروریختن پایه‌های اصلی کشور و تخریب آینده، کمک خواهد کرد.

مِمَّا أَنَا فِيهِ وَتُفَرِّجَ عَنِّي فَرَجًا عَاجِلًا غَيْرَ آجَلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا! چنان‌که دریا را برای موسی (درود خدا بر او) شکافتی و نجاتش دادی، از تو درخواست می‌کنم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و از آنچه در آن گرفتارم مرا رهایی بخشی و بر من گشایش دهی گشایشی فوری نه دیر، به فضل و مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان.» (دعای امام سجاد (ع) (نقل از مقاتل بن سلیمان در مفاتیح الجنان)

۱. سوره انشراح، آیه ۵

۲. تفاوت‌های کنشی مردم ایران و متغیر «ملوک»

کنش‌های مردم ایران در هر کدام از این پدیده‌ها در عین برخورداری از لایه‌های حقیقی باورها و نظام ارزشی، در سطح روبین متفاوت از همدیگر است. در حوادث آبان حدّی از تنفر و انزجار نسبت به مسئولان و تصمیم‌اتخاذ شده را می‌توان مشاهده کرد، ولی در حادثه شهید سلیمانی اوج احترام و عزّت نسبت به یکی از مسئولان کشور و آن هم یک نظامی از مجموعه سپاه پاسداران مشاهده می‌شود که در تاریخ بی‌نظیر است و تبدیل به ایام‌الله می‌شود. در حادثه سقوط هواپیما بی‌اعتمادی افزایش پیدا می‌کند. در پدیده کرونا اوج همدردی با پزشکان و پرستاران دیده می‌شود و در عین حال بخشی از مردم نسبت به هشدارها و تقاضاها برای پرهیز از سفر توجهی نمی‌کنند و وارد جاده‌ها می‌شوند این رفتارهای به ظاهر متناقض، همگی در یک بازه زمانی کوتاه رخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر موقعیت مکانی که تغییر نکرده است و از حیث زمانی نیز، نه دولتی تغییر کرده و نه مردم و نسلی عوض شده‌اند و نه دشمنی آمریکا تغییر کرده است. همه این رفتارهای در عرض چهار ماه و برخی به فاصله کمتر از یک هفته رخ می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد متغیرهای تعدیل‌گر در تصمیمات مردم ایران بسیار زیاد است و خوانش ساده و یکسان از جامعه ایرانی، خوانشی نادرست و خطرناک است. رفتار جامعه ایران در قبال حوادث مختلف تا حدّ بسیار زیادی تحت تأثیر «ملوک» (الناس علی دین ملوکهم) است. به هر میزان ملوک و الگوهای

۱. عبارت «الناس علی دین ملوکهم»؛ به این صورت در روایات وارد نشده است. پدر مرحوم شیخ بهایی در کتاب أصول الأخبار إلى أصول الاخبار، ص ۳۰ از آن به عنوان «المثل السائر» (ضرب المثل معروف) یاد کرده است و همچنین مرحوم ملا صالح مازندرانی در شرح اصول کافی، ج ۱۲، ص ۵۶۰؛ ولی در کتاب کشف

جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸ □ ۲۲۷

مرجع جامعه متنوع و متغیّر باشد، رفتار مردم نیز متنوّع و متغیّر خواهد بود. اگر قدری معنای «ملوک» را توسعه دهیم و مراد از ملوک را مدیران، مسئولان و گروه‌های مرجعی بدانیم که مردم از آنها پیروی و تبعیّت می‌کنند می‌توانیم دو گروه ملوک را از یکدیگر تفکیک کنیم:

گروه اوّل، ملوک و مسئولان رسمی هستند. تصوّر این که مردم نسبت به ملوک رسمی خود بدبین و بی‌اعتماد هستند یا تصور این که مردم کاملاً عاشق و دوستدار آنها هستند، تصوّراتی بسیط، ساده و نادرست است. ادراک و تصوّرات مردم نسبت به ملوک، وابسته به رفتار و عملکرد آنهاست. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ: آن که خود را پیش‌وای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آن که به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد!» مردم به ملوک خود نگاه یکسان ندارند و از یکسان‌انگاری فاصله گرفته و قدرت تمایز آنها افزایش یافته است. میان مسئول و ملوک خوب با مسئول بد تفاوت قائل می‌شوند و همان طور که گفته شد این تفاوت وابسته به عملکرد و رفتار مسئول است. این مردم، در عین حال که عاشق و دل‌باخته شهید سلیمانی به مثابه یک مسئول رسمی کشور هستند، از مسئولی دیگر که خیانت می‌کند و مسئولیتش را به درستی

الغمة، ج ۲، ص ۲۳۰ بعد از ذکر این جمله می‌گوید: «كما ورد في الحديث والمثل: همان گونه که در حدیث و در مثل وارد شده است.» (نقل از سایت www.ahlolbait.com).

انجام نمی‌دهد، متنفر و منزجر هستند و از درخواست او تبعیت نمی‌کنند. گروه دوم از ملوک، گروه‌های مرجع غیررسمی هستند. امروزه برای برخی مردم «اخبار فضای مجازی، اینستاگرام، ماهواره و ...» نقش ملوک را ایفا می‌کند. اخبار منتشرشده از گروه‌های غیررسمی و متناقض با مسئولان رسمی برای آن‌ها باورپذیرتر شده و تلاش می‌کنند -به هر دلیلی که می‌تواند درست یا نادرست باشد- رفتاری متناقض با درخواست و تقاضای مسئولان رسمی انجام دهند. البته ذکر این نکته ضرورت دارد که ملوک غیررسمی، همگی از یک سنخ و گروه نیستند. بخشی از ملوک غیررسمی، همسو با نظام ارزشی جامعه و در پی تقویت بنیان‌های اعتقادی و تحقق آرمان‌های کشور تلاش می‌کنند و تنها راه برای شکست و ناکارآمدی ملوک غیررسمی غیرهمسو، قوی‌شدن ملوک غیررسمی همسو است. این قوی‌شدن، هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت، باید صورت پذیرد.

۳. دو توصیه برای قوی‌ترشدن حکمرانی

- ویروس کرونا یک آزمون واقعی و بسیار جدی برای نظام اداره کشور است. یکی از مهمترین نقاط تحول در افزایش یا کاهش قدرت نظام حکمرانی، تعیین دستورکارهای جلسات تصمیم‌گیری است. اگر دستورکار جلسات، به درستی تعیین شود، نشان می‌دهد قوه‌ی عاقله‌ی کشور به درستی نقاط کانونی مسائل را تشخیص داده و برای رفع آن تصمیم‌گیری خواهد کرد. تصور می‌شود «چگونگی استفاده بهینه از ظرفیت فرهنگ دینی مردم»؛ به مثابه یک عامل هویت‌بخش، تمایزآفرین و قدرت‌افزا برای مواجهه با بحران‌ها کمتر در دستور کار رسمی نهادهای سیاستگذار قرار گرفته است. مدیران کشور پس از

جامعه ایرانی و عبور امیدوارانه از زمستان ۹۸ □ ۲۲۹

اخذ تصمیم در حوزه‌های بهداشتی، اقتصادی، سیاسی و.. از ظرفیت‌های زمینه‌ای و بستر فرهنگ دینی جامعه بسیار بهره برده‌اند اما کمتر به آن اندیشیده‌اند که چگونه از ظرفیت فرهنگ دینی کشور، برای مواجهه‌ی فعالانه با این مسائل و بحران‌های استفاده کنند. غالباً دو اتفاق در این باره رخ می‌دهد، یا مردم و گروه‌های غیررسمی به صورت خودجوش و غیرسازماندهی وارد میدان می‌شوند و یا اینکه پس از تشدید حادثه و مسئله و گره‌خوردن حوادث، نهادهای رسمی به فکر بهره‌برداری و استفاده از این ظرفیت بی‌بدیل و بی‌نظیر می‌افتند. این اتفاق هم بیشتر به آن دلیل است که زیست مستمر با این فرهنگ و زندگی در درون آن، تبدیل به امری عادی و روزمره برای ما شده است و به صورت ناخودآگاه از ظرفیت‌های آن غافل شده‌ایم.

- از ساده‌انگاری، یکسان‌انگاری و بسیط‌دیدن جامعه ایرانی پرهیز شود. جامعه ایرانی، علی‌رغم داشتن هویتی نسبتاً یکپارچه، در مواجهه با حوادث و شرایط یکسان، برخوردهای متفاوت و گاه متناقض بروز می‌دهد. این تفاوت و یا تناقض‌ها، به معنای تغییر در فرهنگ دینی جامعه یا کم‌شدن علاقه و حب وطن مردم نیست بلکه ناشی از حضور متغیرهای تعدیل‌گری است که به دلیل کم‌توجهی مدیران و حکمرانان، به صورت قارچ‌گونه در کشور رشد کرده‌اند. دو متغیر اصلی و بسیار تأثیرگذار در رفتار ایرانیان، رفتار و عملکرد مدیران و گروه‌های مرجع خبری و رسانه‌ای (رسمی و غیررسمی) است. شدت همسویی مردم ایران با آرمان‌ها و اهداف کشور، تابعی از عملکرد مسئولان است. به هر میزان عملکرد و رفتار مدیران با گفتار و آرمان‌ها مطابقت داشته

۲۳۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

باشد، همسویی مردم هم افزایش خواهد یافت. در سویی‌ی دوم (گروه‌های مرجع خبری و رسانه‌ای) تنها راه برای شکست دادن مُلوک غیررسمی غیرهمسو که نظام ارزشی جامعه را تخریب کرده و مردم را به ضدیت با آرمان‌ها و اهداف کشور فرا می‌خوانند، «قوی‌شدن» گروه‌های همسو و هم‌جهت مانند گروه‌های جهادی و کانون‌های فرهنگی است. این قوی‌شدن هم از حیث کمّیت و هم از حیث کیفیت باید صورت پذیرد.

بخش چهارم: سیاست فرهنگی و دینی

۱۸. «تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت محتوایی رسانه با رویکردی تحلیلی- قرآنی

دکتر رضا محمدزاده^۱

چکیده

پدیده‌ها و بلایای طبیعی از دو جهت قابل توجه هستند: نگاه منفصل عرفی که اگر در جامعه گسترش یابد، موجب تنش فکری و مقتضی درگیری روحی و آسیب‌های روان جمعی می‌شود، و نگاه پیوسته یا به تعبیر قرآن، آیه‌مدار که از جمله عوامل تحکیم و تقویت روحیه ایمانی در جامعه دینی می‌شود. یافتن مبنای ایجاد تغییر در محتوای ذهنیت اجتماعی از جهت اول و به جهت دوم، نقش بسیار اساسی در برنامه‌ریزی‌ها در حیطه‌های مختلف فرهنگی، از جمله مدیریت محتوا در رسانه‌های جامعه اسلامی دارد. در این

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: mohammadzadeh@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: هیجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۲۳۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مبنایابی و مبنا گذاری، اندیشه «تعالی مفهومی» به همراه نگاه آیه‌ای- قرآنی و نظریه بسیار مهم «برجسته‌سازی» در حوزه ارتباطات و رسانه، می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی روش‌های مناسب ایجاد انتقال مذکور فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: تعالی مفهومی، محتوای رسانه، تئوری برجسته‌سازی، کرونا، رسانه و دین، محتوای حالات ذهنی.

مقدمه

پدیده فیزیکی کرونا که مدتی است ذهن و روح بشریت را درگیر خویش کرده، از جهات متعددی قابل مطالعه است. در این نوشتار، هدف بررسی اوصاف فیزیکی و طبیعی صرف این ویروس نیست؛ البته نویسنده هم در این خصوص، تخصصی ندارد. ابتلاء جمعی بشریت به این پدیده که علی‌رغم صغر وجودی، معضلات بزرگی را در جسم و روح بشریت ایجاد کرده، منشأ تمرکز اندیشه و تفکرات انسانی درباره آن گردیده است. رویکرد این مقال، در بررسی یکی از زوایای مربوط به این آفت ظاهری، رویکردی سه‌جانبه است که علاوه بر این آفت و معضل طبیعی، دو امر دیگر یعنی دین و رسانه در آن مورد ملاحظه‌اند. در این مقاله، نشان داده خواهد شد که رویکردهای قرآنی در نگاه آینه‌ای و آیه‌ای به امور عالم و نیز استفاده همزمان از نظریه‌های رسانه، می‌تواند مبنای خوبی در برنامه‌ریزی صاحبان رسانه جهت استفاده‌های مطلوب و اثرگذار از ابزار رسانه برای به ثمر رساندن اهداف مهم تربیت اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد.

۱. هم‌طراری «دین، رسانه و کرونا»

دین و رسانه را نمی‌توان هویت‌های عینی و انضمامی^۱ دانست، چرا که هیچ‌یک از آن دو نه وجود خارجی مستقل و نه هویتی جدا و منفرد از سایر هویت‌ها دارند. به همین دلیل، مطابق با آنچه اندیش‌مندان مسلمان و غیرمسلمان ذکر کرده‌اند، باید آن‌ها را هویت‌هایی فرایندی^۲ قلمداد نمود و به همین جهت قرار دادن پدیده‌ای طبیعی چون «ویروس کرونا»، به مثابه یک امر فیزیکی و انضمامی در کنار رسانه و دین نمی‌تواند موضوع یک بررسی علمی دقیق باشد. چگونه است که ذهن‌های نکته‌سنج و وقاد در مطالعات علمی محذوری از ذکر «ویروس کرونا» در تراز آن دو دیگر نمی‌بینند. به نظر می‌رسد این امر ناشی از امکان تعالی یک مفهوم از معنای طبیعی (درجه اول) به معنای متعالی (درجه دوم) با کارکردهای مخصوص آن است. تعبیر قرآنی و دینی این تعالی، همان نگاه آیه‌ای است که هم به ارتباط میان موجودات در جهان آفرینش با منشأ آن‌ها و نیز یکدیگر مربوط می‌شود و هم به پیام‌رسانی و رسانگی کتاب الهی و نوشتار وحی در مورد حقایق عالم. نگارنده این سطور بر آن است تا آن تعالی و این نگاه را در حدّ توان به نحوی شرح دهد تا زمینه استفاده بصیرت‌مدار در مدیریت محتوایی رسانه در راستای تحکیم و تقویت ارزش‌های دینی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی، فراهم گردد.

1. Concrete.

2. processing entities.

۲. تحلیل مفاهیم و اوصاف درجه اول و درجه دوم

ذهن و روح انسان در دریافت واقعیت‌ها و موجودات عینی، قطعاً باید از واسطه‌ای مناسب بهره‌برداری کند. ماهیت این واسطه از دیرباز مورد بررسی و مطالعه دانشمندان در رشته‌های مختلف علمی قرار گرفته است. رویکردهای غیرمادی، معمولاً این واسطه را امری مجرد قلمداد می‌کنند که گاه روح^۱، گاه نفس^۲ و گاه جان^۳ نام گرفته است. رویکردهای ماده‌انگار^۴ نیز بر آنند که طبیعت این واسطه در اصل امری مادی است^۵ که کارکرد آن ارجاع^۶ و یا بازنمایی^۷ از واقعیت‌های مذکور است^۸. هر یک از این نظریه‌ها، دلایلی بر مدّعی خود ارائه کرده‌اند، اما آنچه در این میان جالب توجه است، آن است در درک واقعیات از طریق چنین واسطه‌ای یک مثلث معرفتی قابل تصوّر است که یک گوشه آن به خارج (همان واقعیات خارجی که قرار است فهم

1. spirit.

2. Psyche.

3. soul.

4. Naturalist.

5. mind. موسوم به

6. referring.

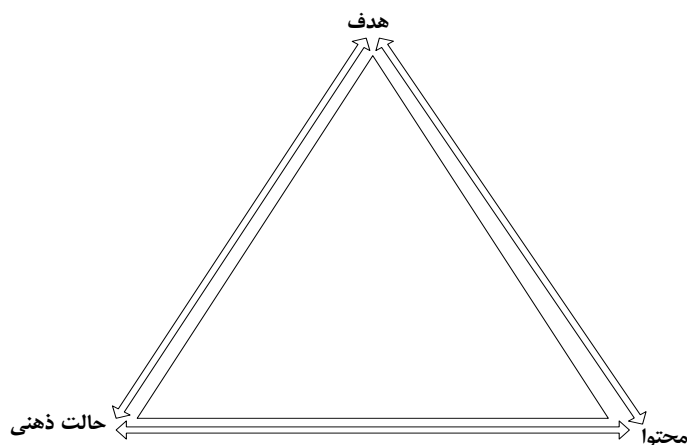
7. Indication/ representation.

۸. تنوع تئوری‌ها در این خصوص زیاد است، اما جمع‌بندی میان آن‌ها را می‌توان در دو منبع زیر یافت:

*The *Mechanical Mind: A Philosophical Introduction to Minds, Machines, and Mental Representation*, 3d edition, Tim Crane. New York: Routledge, 2016.

* *Meaning and Mental Representation*, 2nd edition, Robert Cummins. Bradford Book, 1991.

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت ... □ ۲۳۷
 شود و برخی آن را هدف^۱ و برخی آن را یا مرجع^۲ نامیده‌اند) و گوشه دوم آن
 به حالت ذهنی (مادّی یا غیرمادی) و گوشه سوم آن به محتوای ذهنی^۳
 مربوط می‌شود.



نمودار ۳: مثلث معرفتی در تبیین ارتباط میان هدف، حالت ذهنی و محتوای ذهنی

در این تحلیل میان حالت ذهنی و محتوای آن تفکیک شده تا: اولاً، روشن شود که چگونه پدیده خطاً^۴ یا کژنمایی^۵ به مثابه تغایر میان گوشه دوم (محتوا) و سوم (هدف) قابل تبیین است. بر این اساس، انسان هنگامی

-
1. Target.
 2. Referent.
 3. Content.
 4. Error.
 5. misrepresentation.

دچار خطا می‌شود که محتوای حالت ذهنی او با شیء خارجی هدف، انطباق نداشته باشد. لذا در فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای برای جلوگیری از ایجاد ذهنیت غلط و یا اصلاح ذهنیت‌های به وجود آمده باید به این امر توجه جدی مبذول نمود.

ثانیاً، معلوم شود چگونه می‌توان با هوش رسانه‌ای در حوزه محتوا، نگاه و دید جمعی را تغییر داد. در بسیاری موارد، فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی، دینی نمی‌تواند نقشی در تغییر اساسی دو گوشه «هدف» و «حالت ذهنی» ایجاد کند، اما چنان‌که خواهد آمد مبانی قابل توجهی در ایجاد تغییر در گوشه «محتوا» وجود دارد که اگر در سیاست‌ها و روش‌های مأخوذ در این‌گونه فعالیت‌ها مد نظر قرار گیرد، زمینه‌ساز ایجاد تحولات ذهنی و فکری در مواجهه با پدیده‌های طبیعی می‌شود که ممکن است اراده بشر تأثیر چندانی در جلوگیری از بروز این پدیده‌ها و نیز آثار طبیعی مخرب ناشی از آن‌ها نداشته باشد.

بررسی محتوای حالات ذهنی و ارتباط آن با اشیاء خارجی هدف در دریافت‌ها و ادراکات مختلف انسانی نیز حاکی از آن است که محتوای حالات ذهنی از یک سنخ واحد نبوده و دارای تنوع و تعدد هستند. یکی از تمایزهای شناخته شده در این خصوص، محتواهای درجه اول^۱ و درجه دوم^۲ و یا به تعبیر دیگر متعالی^۳ است.

محتوای درجه اول از واقعیات عینی، دقیقاً به جنبه‌های فیزیکی و ظاهری

1. first order.

2. second order.

3. High order.

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت ... □ ۲۳۹

آن‌ها مربوط است و با همین محتوا می‌توان از خواصّ عینی هر یک در حدّ خویش مطلع گردید (درست مثل مفاهیم و اوصافی که در هر یک از دانش‌ها و علوم طبیعی برای هر یک از اشیاء و پدیده‌های طبیعی مثل ویروس کرونا بیان می‌گردد).

محتوا و اوصاف^۱ و مفاهیم^۲ درجه دوم از واقعیات عینی، بیان‌کننده جنبه‌های فیزیکی و مادی آن‌ها تلقی نمی‌شود، بلکه حاصل نوعی اندیشه‌ورزی و تأملی عمیق در خصوص ارتباط وجودی هر یک از هویت‌های عینی با سایر هویت‌ها؛ یعنی علل و عواملی که نقش تعیین‌کننده در ایجاد آن اشیاء خارجی داشته‌اند (یعنی علل و عواملی که اشیاء در واقعیت خویش به آن‌ها بستگی با واسطه یا بی‌واسطه دارند)، است. به این ترتیب مفاهیمی چون: بدن، کالبد، نفس، روح... همگی مفاهیمی درجه اول‌اند و مفاهیمی چون: وابسته، نظام‌مند، هدفدار و غایت‌مند، خیر، شر... همگی مفاهیمی درجه دوم‌اند. رابطه مفاهیم و اوصاف درجه اول با مفاهیم درجه دوم در ذهن نیز شبیه رابطه میان اسامی^۳ و ادوات^۴ در زبان‌های طبیعی^۵ است. اگرچه در هر زبان طبیعی معنای مستقل را باید در اسامی جستجو کرد، اما بدون وجود ادوات و روابط، ایجاد معانی ترکیبی میان مستقلات یک خیال‌واهی تلقی می‌گردد.

-
1. properties.
 2. concepts or predicates.
 3. Nouns.
 4. connectives.
 5. natural languages.

۳. تعالی مفاهیم

تمامی مفاهیم درجه دوم همواره درجه دوم باقی مانده رتبه معنایی خویش را حفظ کرده و امکان تبدیل آن‌ها به مفاهیم درجه اول وجود ندارد، اما هر یک از معانی و صفات درجه اول در شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی قابلیت عروج و تعالی معنایی از مقام درجه اولی به مقام درجه دومی را حائزند. در این تعالی (که در ادبیات و دانش‌های زبانی از آن به مجاز یا استعاره یا ... یاد می‌شود و البته وقوع آن را باید با قرائنی که در کلام متکلم یا متن و سیاق کلام وجود دارد مورد شناسایی قرار داد)، دیگر نباید لفظ حاکی از معنای مزبور را به شکل عادی تبیین کرد، بلکه معنای آن را باید در قبال ارتباط هویت‌ها با یکدیگر جستجو نمود. مثال‌های جالبی در این خصوص در فرهنگ دینی، قرآنی و اسلامی وجود دارد که البته شرح هر یک فرصتی معتنا به می‌طلبد، اما برای مثال، در این خصوص اکتفا می‌شود. صلاه به معنای صدا و صیام به معنای سپر، شجر به معنای درخت و نور به معنای تابش محسوس، در کاربردهای دینی و قرآنی^۱، تعالی مفهومی یافته و به ترتیب به عنوان ارتباط جمعی یا فردی با خالق عالم، یا مقوله رشد از نازل به عالی یا فیض از عالی به دانی به کار رفته‌اند.^۲

۱. وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ (عنکبوت: ۴۵)؛ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم: ۲۴)؛ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نور: ۳۵).

۲. مثال‌های فراوان دیگری در این خصوص وجود دارد مانند قلم، کرسی، عرش، نور، شیطان... .

۴. روابط وجودی و ارجاع

همان‌گونه که در نظریه‌های معاصر، بازنمایی و ارجاع منحصر در عناصر زبانی^۱ نیست و شامل امور طبیعی و فیزیکی نیز می‌شود (مانند نظریه علی ارجاع^۲)، با همان ملاکی که در جای خود مورد توجه اندیشمندان معاصر است می‌توان بازنمایی و ارجاع را به تمامی موجوداتی که رابطه وجودی با یکدیگر دارند نسبت داد و البته برای تسری خاصیت بازنمایی به موجودات عینی نیاز به تمرکز و توجه به خصوصیت همگامی در تغییر^۳ نیز هست. مقصود از همگامی در تغییر آن است که وضعیت وجودی هر یک از موجوداتی که در یک ارتباط وجودی با یکدیگر قرار دارند (هر یک از آن‌ها یکی از دو طرف رابطه علی را تشکیل می‌دهد که از آن تعبیر به reletum و از جمع آن‌ها تعبیر به releta می‌شود) حالت ایستا و ثابت ندارد، بلکه تغییر هر یک از اطراف، منشأ یا مقتضای تغییر در طرف دیگر است. بر این اساس تمام موجوداتی که رابطه علی با یکدیگر دارند می‌توانند به مثابه مفاهیمی درجه دوم (و متعالی) نمایشگر و بازنمای موجودات (هویت‌ها و یا صفاتی) باشند که در این رابطه علی با آن‌ها همگامی داشته‌اند.

با توجه به معنای کلمات: نمایشگر^۴، بازنما^۵ و کلمه «آیه» در کلمات قرآن کریم و زبان عربی، می‌توان گفت: بازنمایی و نمایشگری با هر یک از این الفاظ بیان شود، منحصر به معانی ذهنی و الفاظ زبانی نیست و رابطه وجودی

-
1. Linguistic.
 2. Causal theory of reference.
 3. covariation.
 4. representations.
 5. indicators.

۲۴۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

و طبیعی میان موجودات نیز می‌تواند منشأ نمایشگری هر یک از آن‌ها نسبت به دیگری در ذهن و دایره مفاهیم ذهنی باشد. به این ترتیب پذیرش این که آیه و آیات به مثابه رسانه گاهی هویت زبانی و نگارشی دارند و گاهی هویتی فراتر از زبان و نگارش، اصلاً دشوار نیست.

قبلاً اشاره شده که پدیده‌های طبیعی چون «ویروس کرونا» یک هویت فیزیکی شناخته شده (نزد طبیبان و صاحبان علوم طبیعی) دارد. واژه‌ای مثل «کرونا» با توجه به اثرگذاری شدید آن به مثابه یک هویت فیزیکی در جوامع و اجتماعات گسترده انسانی، در بسیاری از فضاها و پارادایم‌های گفتگو و گفتمان، از معنای فیزیکی اولیه خویش فراتر رفته و به حیطه مفاهیم و معانی درجه دوم راه یافته است. در این حیطه اگرچه این واژه دارای معنای متعالی است، اما هنوز در برخی از جنبه‌ها به آن معنای اولیه ارتباط دارد؛ بر اساس این مرتبه معنایی و آن تعلق مفهومی است که گاه نسبت‌های متعارض همزمان به آن اسناد داده می‌شود؛ کوچک اما بزرگ، نادیده، اما پُر دیده، ریزنقش بزرگ اثر، مقهوری که قاهر است و باید شکست داده شود... جالب آن که تبعات تأثیر کرونا در جوامع انسانی از بدو پیدایش به هر میزان که گسترش یافته، فاصله میان دو طرف ناسازگار در نسبت‌های متعارض مذکور نیز در ذهن اندیشه‌ورزان کرونایی به نحوی متناسب نیز افزایش یافته است.

۵. نگاه آیه‌ای در قرآن کریم

یکی از توصیف‌های الهی نگاه آینه‌ای^۱ و آیه‌ای به حقایق و واقعیات عالم

1. mirror representation

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت ... □ ۲۴۳

است^۱ و البته این نگاه، صرفاً برقراری رابطه فیزیکی و عصب‌شناختی با واقعیات بیرونی نیست و لذا منشأ تفکر و اندیشه دانسته شده است^۲. البته خصوصیت آینگی و رسانگی ممکن است در بادی امر وصف برای اموری چون: زبان، نوشتار، عکس و تصویر، فیلم، ... به نظر برسد، چرا که اصل اختراع این موارد از سوی بشر ناشی از همین خاصیت رسانه‌ای آن‌ها است. در فضای مفاهیم قرآنی، خاصیت رسانگی (به معنای واسطگی در ارجاع به پیام یا نمایشگری پیام) خاصیت همه موجودات عالم آن هم برای مخاطب فعال^۳ یا به تعبیر قرآنی «اهل الذکر» به شمار آمده و عدم توجه به آن کارایی منابع ادراکی در انسان‌ها را زیر سؤال می‌برد^۴ و به همین جهت برای دریافت پیام الهی که می‌توان از آن به پیام نهایی تعبیر نمود، این واقع‌نمایی موجودات

۱. تعبیری که در قرآن از «آیه» استفاده شده و مراد از آن، امور واقعی یا طبیعی است بسیار فراوان است، برخی نمونه‌ها عبارت‌اند از: سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت: ۵۳)؛ فَأَلْيَوْمَ تُنْجِيكَ بِذَنبِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (یونس: ۹۲)؛ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيعِ كَانُوا مِن آيَاتِنَا عَجَبًا (كهف: ۹)؛ وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ مَا يُبْتُ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ. وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (جاثیه: ۴-۵)؛ وَ مِن آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (روم: ۲۰)، إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لِكَيْتَ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (بقره: ۱۶۴) ...

۲. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران: ۱۹۱).

3. Active audience.

۴. وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹).

۲۴۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

از کارآیی جدی و خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد در نگاه آینده‌ای و آیه‌ای هر جا سخن از رسانه به میان آید، حتماً باید پای امری موجود و عینی در میان باشد، اما مرتبه و موقعیت و ویژگی‌های رسانه‌ها به لحاظ قوت و ضعف، عرض و دامنه، پُر دسترس بودن و کم دسترس بودن... متفاوت است. قرآن، وحی و کلام و رسالت، همگی، درجه بالا و والایی از رسانه‌ای به شمار می‌روند که جایگاه مبدع و پیام‌دهنده در آن از حد موجودات انسانی فراتر رفته است. جالب است که کلمه «وحی» در زبان عربی تناسب بسیار زیاد و شگرفی با حقیقت رسانگی آن دارد زیرا «وحی» لفظی است حاکی از نهایت لطافت و خفاء پیامی که بدون وساطت این رسانه، اصلاً دریافت و فهم آن ممکن نیست.

به نظر می‌رسد آیات الهی دایره مدار کلید واژگانی چون: وحی، آیه، معجزه، اعتبار... را می‌توان با موضوعاتی چون: ویروس کرونا البته در مفهوم تعالی یافته آن به عنوان یکی از مصادیق عذاب، ابتلاء، خوف و... در خصوص ارتباطات اجتماعی و فرهنگی تحلیل کرد.

۶. ویژگی‌های قرآنی مفهوم درجه دوم «کرونا» و تأثیر آن بر مبنای نظریه برجسته‌سازی

کرونا آیتی از عجز بشر پیشرفته در موقعیتی است که ذهن عمومی بشر تحت تأثیر هیمنه علوم مادی از یک طرف و عظمت بدوی و ظاهری نهادهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر، حقیقت الهی را کم‌رنگ یا بی‌رنگ می‌بیند. سنت‌های الهی که معمولاً در کتاب‌های آسمانی مبتنی بر

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت ... □ ۲۴۵

وحی وجود دارد، حاکی از آن است که این کم‌رنگی و بی‌رنگی، معمولاً ختم به بلیاتی می‌شود که اگر منشأ نابودی بشر نشود، حتماً منشأ حذف و رفع کثری و انحرافات فکری و فرهنگی خواهد بود. شاید آن دسته از عذاب‌هایی که در آموزه‌های ادیان الهی به خصوص اسلام و قرآن حکم تذکر، بیداری، بصیرت، ... دارند، به همین معنا مُعجزه و اعجاز نیز تلقی شوند. اشاره به این نکته لطیف نیز شایسته است که انتخاب الهی در جنس و عامل عذاب‌ها، در بسیاری موارد آیتی از تقابل میان صغیر و کبیر، لطیف و قصیم، سبک و سنگین و ... صورت گرفته است. مروری بر مصادیق ابتلائات به گزارش قرآن کریم، نشان می‌دهد که منشأ بودن موجودات حقیر، صغیر و لطیف (همچون: سنگ‌ریزه، حشراتی ریز مثل شپش، آب، هوا یا باد، خون،... و اخیراً موجودات ویروس‌گونه) برای ابتلائات هولناک و سنگینی که گستره ابتلاء به آن‌ها لرزه در اندام حیاتی جوامع انسانی انداخته، وجهی ارجاعی یا به تعبیری ابزاری برای عبرت‌اندوزی و خویش‌تن آگاهی بخصوص برای جوامعی است که با برخورداری از یک روح جمعی واحد تحت تأثیر جنبه‌های ناپایدار، اما هیمنه‌دار اجتماعی، اقتصادی، نظامی... از حقایقی اصیل قرار گرفته‌اند، حقایق اصیلی که در ورای ظواهر مذکور چشم انتظار توّجه‌های جمعیت‌های انسانی هستند. در این ارجاعات: اگرچه واسطه این فهم آگاهی، موجودات طبیعی حقیر و پیش پا افتاده، البته در دامنه جغرافیایی و انسانی بسیار بزرگ و وسیع است، اما پیام نهایی در ابعاد طبیعی خلاصه نمی‌شود، بلکه تقابل طیفی مذکور ذهن را با پیام نهایی معنوی که در تعیین سرنوشت و سعادت جوامع بشری (نه صرف افراد و اشخاص) نقش تعیین کننده دارد پیوند می‌زند. این وجه ارجاعی از ابتلائات پردامنه (عام البلوی) مذکور، یکی از مهم‌ترین

مصادیق بُعد رسانه‌ای وحی در مسیر پیام‌رسانی و تبلیغ برای جمعیت‌های انسانی است که اگرچه حصر در جنبه‌های مادی برای ایشان خسارت‌بار است، اما رشد آگاهی و بلندای روحانی جمعیت آن‌ها در آستانه حق و حقیقت، از هر موجود دیگری بالاتر و فراتر می‌رود. این وجه ارجاعی است که رنگ رحمت و حکمت و خیریت به همه ابتلائاتی می‌زند که در بادی امر برای جوامع انسانی جز مصیبت و تاریکی و شر و آفت عام چیز دیگری در نظر نمی‌آورند.^۱ نویسنده معتقد است بر اساس آن چه گفته شد گاه صبر در کاربردهای قرآنی^۲ مربوط به تحمل فاصله زمانی است که میان تغییر ذهنیت اجتماعی از مرحله درک اولیه از پدیده‌ها و ابتلائات طبیعی عمومی و پردامنه^۳ تا مرحله درک متعالی از آن‌ها وجود دارد و این تحمل و صبر البته با کسب توان ناشی از ایمان و یاری جستن از خداوند موجب خاصیتی می‌شود که قرآن از آن تعبیر به «اتمام» کرده^۴ جامعه دینی را تداوم بخشیده^۵ به مقام رضا (رضای خلق از خدا و خدا از خلق^۶) می‌رساند. قرآن کریم به روشی بسیار هنرمندانه و زیبا میان مصیبت‌ها و طی فاصله معرفتی از ظواهر پدیده‌های مصیبت‌زا به معنای متعالی آن‌ها و احساس تمامیت معرفتی ناشی از این سیر با تعبیر

۱. وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره: ۲۱۶)؛ ^۱ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (نور: ۱۱).

۲. در آیاتی مثل وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۵).

۳. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا (احزاب: ۱۱).

۴. وَ إِذِ ابْتُلِيَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (بقره: ۱۲۴).

۵. اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضْبِرُّوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸).

۶. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ (توبه: ۱۰۰)؛ اِذْجَعَى إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً (فجر: ۲۸).

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت... □ ۲۴۷

رجوع به خداوند یاد کرده است^۱ و از نظر نگارنده دوسویه بودن نگاه به بلیات در ادبیات قرآن و تعلق آن‌ها از یک سو، به بشر و از سوی دیگر، به خداوند^۲ دقیقاً ناشی از محتوای حالات ذهنی درجه اول و درجه دوم (متعالی) مربوط به بلیات و پدیده‌های طبیعت مصیبت‌زاست. در این میان، البته نقش رسانه‌ها در جامعه اسلامی در کوتاه کردن این زمان و تحقق خاصیت «اتمام اجتماعی» بسیار مهم بوده تدبیر مناسب در این خصوص یکی از مأموریت‌ها و رسالت‌های رسانه در اجتماع دینی است.

روشن است که بلیه و ابتلاء اگر نتیجه‌ای روشنگر داشته باشد، با یک دید وسیع و گسترده و ناشی از حکمت نباید آن را شر^۳ مطلق دانست، بلکه به معنای حقیقی کلمه باید آن را خیر و حسن^۴ و زمینه سعادت و رشد دانست. همان گونه که قبلاً اشاره شد میزان خیریت و رشدمحوری در چنین امری به گستره و میزان اثرگذاری آن مربوط است و اینک که شر و آسیب‌های مربوط به معنای درجه اول پدیده طبیعی چون ویروس کرونا، ابدان و جان‌های میلیاردها انسان در سطح کره زمین را به خود درگیر کرده، به همان اندازه یا بیشتر، معنای متعالی و درجه دوم آن را باید آیت و حقیقتی دانست که در ارتباط با جوامع انسانی، در حدی بسیار گسترده: آگاهی‌بخش و بصیرت‌آور یا به تعبیری نمایشگر رشد و روشنی است.

۱. الذین إذا أصابتهُم مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره: ۱۵۶).
۲. وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ (شوری: ۳۰)؛ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (تغابن: ۱۱).

3. evil.

۴. وَ لِيُذِلِّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال: ۱۷).

در حیطه نظریه‌های معاصر مربوط به رسانه، «نظریه برجسته‌سازی»^۱ در فضای رسانه‌ای» نظریه‌ای است که بر مبنای آن تلاش می‌شود به نحوی تدریجی و برنامه‌ریزی‌شده، افکار موجود، اما نامطلوب درباره یک موضوع معین را به افکار غیر موجود، اما مطلوب و شایسته به نحوی اثرگذار تغییر داد.^۲ اگر این کار به روشی صحیح و بر اساس مبنای قابل وثوق انجام شود، موجب تغییر دیدگاه مخاطبان در اهمیت اداره امور می‌گردد (به نحوی مناسب ملاک‌های شخص در تعیین نامهم، مهم، و اهم را تغییر می‌دهد). بر اساس مطالب پیش گفته، درجه اهمیت آنچه در تداوم حیات اجتماعی و سرنوشت جمعی انسان‌ها مهم است، بسیار بیشتر از اموری است که به نحو موقت یا محدود، ایجاد معضل یا مصیبت می‌کند. و آنچه نگارنده تلاش کرده تا با توضیحات و مطالب پیشین بر ضرورت آن تأکید نماید آن است که با توجه به نظریه رسانه‌ای مذکور، لازم است در برنامه‌ریزی محتوایی رسانه‌ها در جامعه اسلامی و دینی تلاش شود تا مرکزیت توجه و نگرش در افکار مخاطبان رسانه‌ها از اوصاف درجه اول مربوط به شرور و آفت‌های طبیعی از جمله کرونا به اوصاف درجه دوم آن‌ها تغییر مسیر یابد و این امر از طریق استناد به آثار ثمربخش اجتماعی، فرهنگی، اجتماعی، معنوی و ... در خصوص ابتلائات و فاجعه‌های طبیعی همچون این ویروس از طریق مدیریت صحیح مسیریابی ذهنیت اجتماعی از اوصاف درجه اول بلیات به مفهوم متعالی آن‌ها صورت پذیرد.

^۱. Agenda-setting theory

^۲. <http://www.communicationtheory.org/agenda-setting-theory>.

«تعالی مفهومی» پدیده‌های طبیعی و استفاده از آن در مدیریت ... □ ۲۴۹

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه‌های مطرح در حوزه رسانه، انتقال اثرگذار پیام در جهت اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیاز به تأمل و توجه جدی به مبانی و روش‌های مناسب دارد. از مجموعه تأملات قرآنی- عقلی، یکی از مبانی مناسب برای مدیریت محتوایی رسانه‌ها استفاده از تعالی مفهومی پدیده‌های طبیعی است که بحران‌های زیستی و روحی در جامعه ایجاد می‌کنند و چنین امری با رویکرد آیه‌ای قرآنی در خصوص نگاه بصیرت‌مدار به حقایق عالم و پیوسته دیدن آن‌ها امکان‌پذیر است. استفاده از چنین رویکردی علاوه بر رفع بحران‌های روحی مذکور، موجبات رشد فکری و مثبت اندیشی اجتماعی را فراهم کرده، ریشه‌ها و بُن‌مایه‌های جامعه ایمانی را از استحکام و قوتی بیش از پیش برخوردار خواهد نمود.

۱۹. فرهنگی‌شدن ویروس کرونا

فرشاد مهدی‌پور^۱

گودزیلای کرونا از شرق عالم سربرآورده و هفته‌هایی است که ایران را نیز زیر ضربه گرفته؛ هراس اجتماعی فراگیر از این بیماری ویروسی و ویروسی‌شده را (مفهومی که برای انتشار پیام‌های با ضریب نفوذ بالا در فضای مجازی به‌کار گرفته می‌شود) می‌توان در تعداد اشخاص ماسک‌زده، چشمان نگران مسافران مترو و کاهش ترددهای خیابانی دید. هر کسی که سرفه‌ای می‌کند، عطسه‌ای می‌زند یا رفتار نامنتظره‌ای دارد، بسرعت می‌تواند متهم به کروناداشتن بشود. آیا می‌توان نشانه‌های این امر در حوزه فرهنگ ره‌گیری و درباره‌اش تأمل کرد؟ روند اعمال حکمرانی کرونایی در دوماهه اخیر، دست‌مایه بسیاری در این زمینه به‌دست می‌دهد.

اول. روشن‌ترین واکنش به بیماری‌های مسری عصر جدید، ترس از

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، رایانامه:

f.mahdipour@gmail.com / تاریخ نگارش: بیستم فروردین‌ماه ۱۳۹۹

۲۵۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

آلوده شدن به آن‌هاست؛ در فیلم «درخت گردو» ی محمدحسین مهدویان که در جشنواره فجر اسفند ۹۸ به نمایش درآمد، ما متوجه می‌شویم که مردم برخی شهرهای غربی ایران، از امدادسانی اولیه به افراد شیمیایی‌شده در سردشت و مناطق مشابه، سر باز می‌زنند. این نکته در فیلم بسیار غریب می‌نماید، ولی تصاویری که از اعتراضات محدود به انتقال بیماران کرونایی از بیمارستان یک شهر به شهر دیگر در برخی نقاط کشور منتشر شده و کاملاً خشونت‌آمیز است یا مقاومت تماشاگران یک بازی فوتبال که بدلیل امکان سرایت کرونا از حضور در ورزشگاه منع شده و مأموران ضدشورش مجبور به مقابله با آن‌ها شده‌اند، نشان می‌دهد که روایت درخت گردوی مهدویان لاقول در این بخش، نه تنها خالی از واقعیت تاریخی نیست، بلکه اتفاقی زنده و به‌روز می‌شود. این مسئله را می‌توان در احتکار ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده و موارد مشابه نیز دید؛ تقریباً در اسفندماه نمی‌شد به داروخانه‌ای سر زد و این محصولات را خواست و پاسخ مثبت شنید. چرا؟ چون دلالت، واردات‌چی‌ها و کاسبان سلامت، کالاها را در انبارها نگه داشته‌اند تا قیمت بالاتر از این برود و سود کنند. کاسبی با اعصاب مردم. این‌ها را می‌توان نشانه‌های از تضعیف اخلاق عمومی دانست و در پی داده‌هایی گشت که آن را تقویت نکند. این روند خوش‌بختانه به‌مرور کاهش یافت که بخشی از آن ناشی از برخوردهای حقوقی با کاسبان کرونا بود؛ اما بخش اول، همچنان در اشکالی دیگر خود را نشان می‌دهد: آن‌هایی که محدودیت‌های عبور- مرور طرح فاصله‌گذاری اجتماعی را زیر پا می‌گذارند و تصاویر دور زدن قرنطینه را بازنشر می‌دهد (مثلاً در اصرار به برگزاری مراسم عزای رقص‌آمیز یا غذاخوردن در ۱۳ بدن). هر چند که پیمایش‌ها و ارزیابی‌ها نشان می‌دهد

فرهنگی‌شدن ویروس کرونا □ ۲۵۳

بخشی از آن به مدد روحیه طنزپردازانه کاربران فضای مجازی، در حال تلطیف‌شدن است و قسمتی دیگر نیز با واکنش‌های نسبت شدید مخاطبان روبه‌رو شده است.

دوم. بخش عمده‌ای از مردم در سراسر کشور، کارمندان دستگاه دیوان‌سالاری دولتی یا خصوصی‌اند؛ آن‌ها ساعات زیادی را در محل‌های مأموریت خود می‌گذرانند و بخش‌هایی از آن‌ها، مجبورند با ارباب رجوع به‌طور مستقیم کار کنند. در سراسر دنیا بسیاری از حوزه خدماتی تعطیل شده‌اند و در ایران نیز، برخی مشاغل تعطیل یا محدود شده‌اند؛ اما چون محدودیت فراگیر نیست، برخی از سازمان‌های کوچک و بزرگ، به کارشان ادامه می‌دهند و خود باید چاره‌ای برای خدمات‌شان بیندیشند. بانک‌ها از اولین موارد رویاروی روزمره مردم هستند؛ متصدیان آن‌ها عمدتاً ماسک‌زده و از دست‌کش استفاده می‌کنند. در پروازها هم میهمان‌داران فعلاً از دست‌کش استفاده می‌کنند، هر چند تعداد پروازها، اتوبوس‌های بین‌شهری و قطارها به طرز واضحی کم شده است. در فروشگاه‌های بزرگ هم فروشندگان ملاحظات ایمنی را تا حدی رعایت می‌کنند. تا این لحظه، روال فعالیت دچار اختلال نشده؛ اما وقتی در مترو، یک نفر از دید همه واگن، مبتلا به کرونا تشخیص داده می‌شود، می‌توان حدس زد که چه بلوایی درون قطار و اولین ایستگاه مقصد به‌وجود می‌آید که تاکنون هم آمده (و البته کسی چندان انگیزه‌ای برای پرکردن جاهای خالی میان صندلی‌های مترو یا اتوبوس شهری را ندارد). با این‌همه، اکثریت کارکنان بیمارستان‌های درگیر با بیماران کرونایی را باید مورد توجه قرار داد که با از جان گذشتگی، مشغول کمک‌رسانی هستند، برخی از پزشکان و پرستاران این مراکز درمانی نیز به این بیماری مبتلا شده‌اند و

تعدادی قابل‌ذکری از کادر درمان تا امروز در ایران به شهادت رسیده و به طرزی کاملاً مظلومانه به خاک سپرده شده‌اند؛ این بدان معناست که با یک فرهنگ سازمانی پرقدرت رو به رو هستیم که جان بیمار را بر خود مقدم می‌دارد. کنش‌گری فراگیر گروه‌های جهادی در سراسر کشور، برای تولید مواد ضدعفونی و ماسک و توزیع آن در میان طبقات فرودست و نحوه پاک‌سازی معابر یا ایجاد بیمارستان‌های متعدد توسط نیروهای مسلح را هم باید به این فهرست اضافه کرد. جامعه‌شناسی این رفتار جهادی که برآمده از انگیزه‌های قوی فردی و متکی بر بنیه مذهبی است، می‌تواند بارها مورد بازخوانی و بازنمایی قرار بگیرد.

سوم. پیامدهای فرهنگی کرونا فقط در حوزه فرهنگ عمومی یا سازمانی ظاهر نمی‌شود؛ در چند روز گذشته، برخی اماکن در ایران تعطیل شده‌اند. در صدر فهرست مراکز آموزشی و دانشگاهی بوده‌اند. بعد سخن از مراکز مذهبی و بقاع متبرکه به میان آمده است. سپس متوقف‌کردن سینماها و سالن‌های نمایش و امثالهم؛ و در اتفاقی نادر، هم‌اکنون حرف رضوی در مشهد و سایر قبور مطهر امام‌زادگان در ایران تعطیل شده‌اند، در مساجد نماز جماعت برپا نمی‌شود و نماز جمعه نیز هفته‌هاست که در مراکز استان و شهرهای بزرگ و کوچک، برگزار نشده است. این تغییر عنصر زیارت و مناسک، فقط متوقف به اماکن دینی نیست، مراسم و برنامه‌های تشییع درگذشتگان، سوگواری‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و همه و همه رفتارهای مذهبی تحت شیوع ویروس قرار گرفته و در حالی‌که ماه‌های رجب، شعبان و رمضان، از لحاظ غنای مناسک در بالاترین رده‌ها قرار دارند، کلیه امور به حوزه فردی منتقل شده یا پخش زنده مجازی مدّاحی‌ها و نوحه‌خوانی‌ها. در جوار مذهب، عرف زیست هم تحوّل

فرهنگی‌شدن ویروس کرونا □ ۲۵۵

یافته و دیگر از صله رحم و دید و بازدید نوروزی، برگزاری مراسم سیزدهم فروردین و ... هم خبری نیست. در واقع سیاست فرهنگی، ذیل سیاست عمومی هراس‌کروناایی تعریف شده و نمایان‌گر عقلانیتی ایمانی است که در برخی کشورهای مذهبی مانند انگلستان هم مشابه ندارد. این احیاگری دین یا بازگشت بدان که سران آمریکا را هم در چنین لحظاتی نشان می‌دهد یا توصیه‌های مختلف به خواندن اذکار و ادعیه برای رهاشدن از این بحران، جلوه‌هایی از تعقل شیعی را در قیاس با مذاهب دیگر اسلامی یا سایر ادیان نشان می‌دهد که توجه به نحوه استمرار دینداری در عصر کرونا و پساکرونا را با اهمیت می‌کند. در این‌جا یادآوری نقش‌آفرینی چهره شهرت‌طلب (سلبریتی) نیز حائز اهمیت است؛ آن‌ها یا از حضور در برنامه‌های مردمی سرباز زدند (مانند رامبد جوان در خندوانه) یا پویش‌های عجیب مانند رقص به راه انداختند (مانند امین زندگانی) و یا سکوت پیشه کردند.

در رمان ستایش‌شده «کوری»، ساراماگو برای ما از شهری سخن می‌گوید که همه بیمارند و کسی، کسی را نمی‌بیند و فقط یک نفر زنده است. او یک زن است که می‌تواند ایجادکننده آرامش، برقرارکننده نظم و پایان‌دهنده بحران باشد. توجه به موقعیت این زن به مثابه فرهنگ، در چنین موقعیت‌کروناایی، برای ما می‌تواند هویداکننده نقش فرهنگ برای کنترل مشکل باشد. خوش‌بختانه هنوز رسانه‌ها بیدارند و دچار کوری نشده‌اند، هر چند آن‌ها هم دچار محدودیت‌هایی هستند و خبرنگاران آن‌ها در میان مبتلاشدگان به ویروس قرار دارند؛ مجازی‌شدن وسیع ارتباطات ناشی از کرونا، عملیات ارتباطاتی را با اهمیت‌تر از قبل کرده، چرا که مصرف فرهنگی جامعه به‌کلی دگرگون شده و نمی‌توان پیش‌بینی‌ای از تغییر چارچوب این مصرف، در دوره

۲۵۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

پساکرونا داشت.

اگر در جنگ کسانی بودند که ماسک‌شان را در برابر حمله شیمیایی به دیگران می‌دانند، همان وقت هم دیگرانی بودند که در پشت جبهه، در حال احتکار و تضعیف مردم بودند. اوّلی‌ها را هنوز پیکرهای پودر شده‌شان را از اتمسفر مقاومت برای ما به ارمغان می‌آوردند و دومی‌ها مشغول چپاول؛ اما فقط اوّلی‌ها هستند که می‌توانند آحاد توده‌ها را گرد هم آورند و امیدوار سازند. ظرفیّت‌های مذهبی و اعتقادی را باید علاوه بر تلاش‌گری مسئولانه و اطلاع‌رسانی دقیق و رسانه‌ای، به کار گرفت تا تاب‌آوری اجتماعی، افزایش یابد و فرهنگ عمومی مقاومت در برابر دشواری، روال زندگی در دوره زوال بیماری را به دست بگیرد؛ گودزیلای کرونا از شرق ظهور کرده و غرب مغرور و لجوج متکی بر علم تجربی را به زانو درآورده، ولی شرق زادگاه دین‌ها و دین‌پرستان است و باقی خواهد ماند.

۲۰. چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران

مریم منصوری^۱

اتفاقی که در ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی رخ داد و آن را به امری جهانی بدل ساخت، باعث شد تا یک مقایسه کلان در باب نحوه مواجهه با بحران ویروس کرونا در لایه‌های مختلف نخبگانی و مردمی رخ دهد.

ویروس کرونا یا بیماری کووید ۱۹، علی‌رغم جهانی بودنش، به نظر می‌رسد آزمونی بود برای دولت-ملت‌ها، و به نوعی به علت بحران بودنش، علی‌رغم ورود سازمان بهداشت جهانی به مثابه نهاد فراملیتی، برخی دولت‌ها در تقابل با یکدیگر، به بستن مرزها دست زدند یا بعضاً دیده شد که دعوایی بر سر محموله‌های بهداشتی رخ داد. لذا، بیش از آن که ما با یک دهکده جهانی متفق روبرو باشیم، با دولت-ملت‌هایی روبرو بودیم که تمام تلاش خود را

۱. دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، رایانامه: mrymmansouri@yahoo.com / تاریخ نگارش: پانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

برای حفظ و تعادل قلمروی تحت سیطره‌شان داشتند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، جنگ روانی از طریق فضای مجازی، اخبار و شبکه‌های برون‌مرزی را نیز تجربه کرد و دچار بحرانی ترکیبی بود. یکی از دلایل تشدید این بحران نیز آن بود که قم، به مثابه قطب قدرت دینی و حتی سیاسی جمهوری اسلامی، کانون شیوع کرونا نیز معرفی شد و همین موضوع، مسئله را نه تنها یک مشکل مربوط به حوزه سلامت و سیاست‌گذاری سلامت که مبدل به امری کاملاً سیاسی و حتی مذهبی کرد.

حدوداً پس از دو هفته از گذشت اعلام شناسایی اولین متوقی مبتلا به کووید ۱۹ در قم ایران، این بیماری، چهره جهانی خود را نمایان کرد و دیگر کشورهای جهان نیز همین بحران را تجربه کردند. اوج بیماری در ایتالیا، اسپانیا، آلمان، فرانسه، کشورهای کوچک و بزرگ در اقصی نقاط دنیا و نهایتاً ایالات متحده آمریکا رخ نمود و این کشورها همچنان در حال دست و پنجه نرم کردن با بیماری‌ای هستند که سرعت شیوع آن، بیش از خطر جانی آن، باعث ایجاد تبدیل شدن آن به یک بحران شده است. در این میان، هم اکنون، بحث از این که سیاست‌های کشورهای مختلف مبتنی بر چه اصلی پیش رفتند، به خودی خود، قابل توجه است.

عدم جوابدهی سیاست قرنطینه، در کنترل شیوع ویروس مذکور، باعث شد تا رویکردهای دیگری در مواجهه با بیماری در پیش گرفته شود. نکته حائز اهمیت آن است که بحران بیماری تنها به کمبودها در حوزه وسایل بهداشتی و شوینده‌ها دامن نزد؛ بلکه دنیا به چشم خود، مشکلات معیشتی و بحران در تهیه مایحتاج اولیه را در بسیاری از کشورها شاهد بود و این مسئله البته دلایل گوناگونی داشت. از جمله عدم اعتماد به نهادهای حاکم

چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران □ ۲۵۹

در این موضوع و مهم‌تر از آن، نگاه انسان‌ها به یکدیگر در این مسئله. البته که بشر، به تبع خویشندوستی، حدّی از انتفاع و سودجویی را در خود دارد، اما رویکردهای لیبرالیستی و البته فردگرایانه که حاصل نگرش اومانیستی به انسان است، این موضوع را تا سرحد نادیده انگاشتن دیگری در حالت عدم امنیت روانی پیش برده است. رویکردی که سابقه‌ی حدوداً ۴ سده‌ای در غرب دارد، اساساً با تعریفی از انسان که او را گرگ انسان می‌داند، تنها چاره را در این میان، قرارداد اجتماعی و دولت مقتدر برمی‌شمرد. البته که این تعریف، دست به توصیف انسان در وضع طبیعی می‌زند، لیکن جالب آن است که در همین اتفاق اخیر، شاهد رویکردهای انسان دوستانه‌ای نیز بوده ایم که در همین وضعیّت شبه طبیعی، انسان، گرگ انسان نبوده است و بیشتر از در دوستی با وی، درآمدی است. لیکن تفکر مدرن، حاضر به قبول رفتارهایی از جنس «ترجیح خود بر دیگری» به مثابه بُعدی از ابعاد ناشناخته وجود آدمی نیست.

در جمهوری اسلامی ایران در مسئله مواجهه با کرونا، پس از حدود یک ماه، آمار متوقّیان این بیماری در یک خطّ مشخص و نسبتاً ثابت نگاه داشته شد و البته آمار ابتلا هم سیر صعودی نسبتاً ثابتی را طی می‌کند که در حدّ خود، موفقیت محسوب می‌شود. در این میان، مدلی از نوع مواجهه با این بیماری رخ داد که به نظر می‌رسد هم می‌تواند به مثابه الگویی برآمده از توصیف انسان ایرانی- اسلامی قلمداد گردد و هم ظرفیت این موضوع را داراست که زین پس با بهره‌گیری از این الگو، بتوان نحوه سیاست‌ورزی در وضعیّت‌های چالشی پیش روی انقلاب اسلامی را چاره کرد.

این الگو حاصل چیدمان چندین نظرگاه در کنار یکدیگر است. اولین

۲۶۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

موضع، نگاه انقلاب اسلامی، به انسان، ذیل نگاه اسلامی است که اگرچه در ساحت سیاست‌گذارانه به سختی توانسته است آن را به نحو نظم‌یافته، اجرا نماید، اما گویی در این میان، با اصرار بر این رأی، ولو در حالت نامتوازن آن، تاحدی توانسته است جلوی نگرش‌ها بزی به انسان در عرصه‌ی سیاسی، ظاهر شود.

این نظرگاه، انسان را موجودی دارای کرامت در نظر می‌گیرد که اگرچه نتوانسته است حداکثر این کرامت را تأمین نماید. و حتی در موارد متعددی حداقل‌ها نیز تأمین نشده است. اما نفس اصالت این گفتمان و کوتاه نیامدن از آن باعث شده تا برای مثال، ما در بسیاری از جرایم، خصوصاً در حوزه‌های شهروندی، شاهد جریمه‌های سنگین و سرسام آور نباشیم و حدی از ضرورت اعمال قانون به فرهنگ عمومی سپرده شود. سرسپرده کردن انسان به آنچه حکومت صلاح دانسته و قانونمند کردن آدمیان به هر قیمتی، جزو سیاست‌های جمهوری اسلامی در مواجهه با مردم نیست و نبوده است.

هرچند، این مسئله، ابعاد دیگری نیز دارد. یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی حاکمیت در ایران، در برهه کنونی به این موضوع باز می‌گردد که مردم با نحوه‌ای از کارآمدی و نظم‌یافتگی در جهان تجدّد روبرو هستند که برای انسان، به تبع وجود روحیه منفعت‌طلبی، وسوسه برانگیز خواهد بود؛ اما این تنها، قسمت پیدای داستان است و قسمت ناپیدای آن، خود را در بحران‌ها نشان می‌دهد. شاید تلاش بسیاری از متفکران اخیر مدرن و پست‌مدرن از وبر گرفته تا متفکران مکتب فرانکفورت، آلتوسر، میشل فوکو، بودریار و ... از این جهت است که آن‌ها به این موضوع التفات یافته‌اند که این نظم‌یافتگی، چگونه در حال سرکوب بسیاری از ابعاد وجود آدمی است و بخش ناپیدایی از

چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران □ ۲۶۱

وجود او را نادیده انگاشته‌اند و این نکته بماند که اساساً تعریف ایشان از انسان، همچنان در قفسِ تصویری از این موجود است که ابعاد متعالی در آن وجود ندارد و البته روزبه‌روز بیشتر بر ساحات غریزی وی تأکید می‌شود. در این نگاه، کرامت‌خواهی، نوع‌دوستی (در مقابل خوددوستی) و دیگر ابعاد فطری که مال‌جویانه مبتنی بر نگاه توحیدی، لحاظ نمی‌شود. به عبارتی، متفکران پست‌مدرن، متوجه هستند که آنچه جهان تجدد پیش روی آنان قرار داده است، انسانیت را نشانه گرفته است، اما یا راه‌گریز را نمی‌شناسند و یا با ادعای شناخت چاره، از ورطه‌ای به ورطه‌ای خطرناک‌تر و از چاله به چاه فرو می‌افتند. چرا که تعریف ایشان از انسان، تعریفی جامع نیست.

علی‌ای حال، به نظر می‌رسد که در بحران کرونا، تصوّر انسان ایرانی از جامعه متجدد تا حدّی شکسته شد و یکی از دلایل این شکسته شدن، بازگشت انسان به وضع طبیعی بود که جامعه انسانی با همه نظم‌یافتگی و مناسبات چیده شده، رو به تعطیلی رفت؛ اما این وضع طبیعی در غرب، با برچسبی که عقل خودبنیاد بر انسان زده بود، باعث شد تا حد ممکن، جلوی دریدگی‌های این گرگ، با اعمال قانون‌های سفت و سخت از جانب حاکمیت زده شود؛ اما در ایران، روی دیگری داشت و آن تلاش روزافزون برای ارتقای سطح فرهنگی در جهت کنترل فرهنگی شیوع ویروس کرونا بود.

به عبارت بهتر، تلاش جمهوری اسلامی بر آن شد که تا حدّ امکان، اعمال قانون بیرونی در حالت حداقلی خود باقی بماند و انسان ایرانی، خود، برای خویشتن خویش، بستگان و شبکه اجتماعی اطراف خویش و جامعه خویش تصمیم بگیرد. یکی از تحلیل‌های دم‌دستی در این میان آن بود که اساساً جمهوری اسلامی ایران توان اعمال قانون در حد کشورهای صنعتی جهان اولی

۲۶۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

را دارا نیست؛ اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که سیاست و کردار حاکمیت در ایران، بر این مبنا نبوده است که «دولت مقتدر» را در دستور کار قرار دهد.

تأکید مکرر و مداوم رهبران ایران کنونی بر «مردم» به مثابه بزرگترین سرمایه کشور، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از این وجه نیز قابل پیگیری است. این که اساساً کارها، بیش از آن که با یک نهاد حاکمیتی مقتدر و کاملاً نظم‌یافته به پیش رود، با مردم باید پیگیری شود. لازم به ذکر است که این موضع، در وضعیتی فعلی که ما با یک تئوری نظم‌یافته و منسجم از تشکیل ساختارهای حاکمیتی ذیل نظریه ولایت فقیه مواجه نیستیم و عمده ساختارهای فعلی ما، برگرفته از ساختارهای جهان تجدّد است، بسیار راهگشا خواهد بود. چراکه در حال حاضر، تنها در این وضعیت است که می‌توان هم جمهوری نظام اسلامی را تأمین نمود و هم اسلامیت آن را، با توجه به مسئله ولایت فقیه- به مثابه اصلی اساسی و غیر قابل اغماض برای انقلاب اسلامی- در نظر داشت.

این الگو، البته در وضعیتی بحرانی که دولت- ملت‌ها به دلیل بزرگی رخداد و برهم خوردن قاطبه سیاست‌هایشان، در وضعیت آشفته قرار دارند، قطعاً راهگشا خواهد بود. تأکید ویژه بر «مردم» و حضور مؤثر و کارآمد خود مردم، برای مدیریت بحران (با توجه به این که بحران در شیوع بسیار گسترده‌ی بیماری است و نه در درمان آن) و این که حداکثر توان ورود دولت، مدیریت و تنظیم فعالیت نهادهای مردمی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی مسئله است، راهکاری بود که نه یک دولت مقتدر، بلکه یک حاکمیت مردم‌محور در پیش گرفته است.

چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران □ ۲۶۳

البته نباید از نظر دور داشت که در اینجا، ارزش و اخلاق، ذیل اندیشه خیر و امر مقدّس، نیز بسیار راهگشا بوده است. به عبارتی دنیای تجدّد به تبع تعریف امر اخلاقی ذیل قراردادهای اجتماعی و نظم نوین- و نه ذیل امر متعال- موجب شد تا مردم، تنها نهادهای قانونگذار را دارای صلاحیت تعیین امر اخلاقی بدانند. حال این که مسلمان ایرانی با مجموعه‌ای از امور اخلاقی مسئولیت‌محورانه بر این باور تأکید دارد که در مواقع بروز بحران، باید برای تأمین نیاز دیگر انسان‌ها، از هیچ کمکی دریغ ننماید و این رویکرد، بر محوریت رضای خداوند سامان یافته است. در این نظام ارزشی است که قشرهای ملتزم به مذهب، بیشتر از دیگر اقشار، در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، به ساماندهی افراد می‌پردازند و به جبران کاستی‌های ساختارهای حاکمیتی برای نگه‌داشتن و تعدیل نظم جامعه اقدام می‌نمایند.

بنابراین، در این نگرش، متفاوت از ایده سوسیالیستی که در شرق به کار گرفته شده است و یک دولت مقتدر قوی با اعمال کنترل‌های سخت‌گیرانه - و تا حدّی سرکوب‌گرانه - سعی در جلوگیری از شیوع ویروس می‌نماید و متمایز از غرب که با اندیشه شرارت انسان تلاش می‌کند تا اخلاقیات را نیز تحت قوانینی با عواقب پرهزینه در صورت تخطی و به مثابه نیرویی بیرونی و فرادست، سامان بخشد، در نظام اسلامی ایران، تلاش شد تا الگویی ارائه شود که همچنان دین را مقوم جامعه می‌داند و مردم و ساختارهای خرد مردم نهاد را مالکان اصلی جامعه و مسئول نظم اجتماعی قلمداد نماید. حاکمیت نیز علی‌رغم تمام کژکارکردها و نقاط ضعفی که دارد، مکرراً باید به مسئولیت خود در قبال مردم و خدمت به آنان وارد عرصه شود و نه کمتر یا بیشتر. بر این اساس، به نظر می‌رسد، در مواجهه با مشکلات و حل معضلات از

۲۶۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کوچک‌ترین آن‌ها تا بحرانی‌ترین آن‌ها، تکیه بر مردم و سیاست‌گذاری مردم‌محورانه و شکل‌گیری ساختارها ذیل این اندیشه و مبتنی بر نگاه کریمانه بر انسان مسئول، می‌تواند یکی از راهگشاترین طرح‌ها برای پیشبرد وضع موجود باشد که البته حداقل کژکارکردها را به همراه خواهد داشت.

۲۱. تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی

سیدمحمدحسین هاشمیان^۱

۱. هم‌نشینی و جانشینی دو رویکرد کلیدی در نشانه‌شناختی

دو رویکرد کلیدی در تحلیل نشانه‌شناختی پدیده‌های فرهنگی، استفاده از تحلیل هم‌نشینی و جانشینی است. در تحلیل هم‌نشینی به تبادر معنایی قرار گرفتن دو نشانه در کنار هم پرداخته می‌شود و در تحلیل جانشینی به اینکه جایگزینی یک نشانه به جای دیگری چه دلالت‌های معنایی برای هر دو نشانه ایجاد می‌کند، می‌پردازد.

۲. نحوه مواجهه سیاست‌گذارانه در تعطیلی اجتماعات مردمی

خط‌مشی ستاد ملی مقابله با کرونا در کنترل شیوع بیماری تعطیلی اجتماعات

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی / دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام / رایانامه: Hashemian@bou.ac.ir / تاریخ

نگارش: اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۲۶۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مردمی بوده است. با تکیه بر یافته‌های پزشکی تعطیلی اجتماعات و کاستن از تماس‌های فیزیکی افراد مناسب‌ترین روش برای مقابله با همه‌گیری بیماری کرونا معرفی شده است. آنچه در این میان محلّ تأمل است، نحوه مواجهه سیاست‌گذاران در تعطیلی اجتماعات مردمی است.

۳. دو سیاست در خصوص اجتماعات مردمی از بدو شیوع بیماری کرونا

به طور کلی دو سیاست در خصوص اجتماعات مردمی از بدو شیوع بیماری کرونا، به وسیله ستاد ملی مقابله با بیماری در دستور کار قرار گرفته است. سیاست اول تعطیلی بدون قید و شرط تمامی اجتماعات مردمی و سیاست دوم بازگشایی برخی اجتماعات و اصرار بر بسته ماندن برخی دیگر.

۴. سیاست تعطیلی بدون قید و شرط تمامی اجتماعات مردمی

مبتنی بر سیاست نخست، تعطیلی بدون قید و شرط تمامی اجتماعات مردمی، اعم از اماکن اقتصادی نظیر بازارچه‌ها و بازارها، اماکن فرهنگی ورزشی نظیر سینماها، موزه‌ها، پارک‌ها و سالن‌های ورزشی و محافل و اماکن مذهبی نظیر زیارتگاه‌ها، مساجد و هیئات با قاطعیّت اجرا شد. مواجهه یکسان سیاست‌گذار با تمامی اجتماعات اعم از اقتصادی، فرهنگی و دینی در بدو امر نشانگر اولویّت بخشی به مسئله تأمین سلامت جامعه است. با تأمل دقیق‌تر برخی کژکارکردها و یا کارکردهای پنهان این سیاست محلّ تأمل است. از منظر تحلیل نشانه‌شناسی، یکسانی مواجهه با اجتماعات دینی و اقتصادی و فرهنگی موجب هم‌نشینی موضوع اجتماع مردمی شده است. به عبارت دیگر، این شیوه مواجهه سبب شده است تا مکانی مثل حرم حضرت رضا سلام‌الله‌علیه، هم‌نشین با یک مکان فرهنگی-تاریخی، نظیر پل خواجه یا

تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی □ ۲۶۷

تخت جمشید و ... شود. از این منظر ما شاهد معنازدایی و قدسیت‌زدائی از این اماکن متبرکه شده‌ایم، اماکنی که به تعبیر قرآنی در زمره بیوت الهی قلمداد شده‌اند: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیہ اسمہ (نور/۳۶). این امر در حالی است که شیوع کرونا و مواجهه انسان مدرن با مرگ، بهترین فرصت برای یاد الهی و تقویت معنویت و تضرع جامعه به درگاه الهی قلمداد می‌شود: اخذناهم بالباساء و الضراء لعلهم یتضرعون (انعام/۴۲). پرسش کلیدی آن است که پس از بازگشایی این تصویر ذهنی از حرم، در اذهان توده مردم به جهت هم‌نشینی معنایی چه آسیبی خواهد دید؟

۵. سیاست‌گذاری مواجهه با و تداعی نشانه شناختی ناخودآگاه در افکار عمومی جامعه

نگارنده در مقام ردّ یافته‌های پزشکی و نادیده‌انگاری بعد بهداشتی و درمانی بیماری کرونا نیست. بحث بر سر این است که سیاست‌گذاری مواجهه با کرونا درباره تعطیلی اماکن مذهبی، می‌توانست طوری باشد که این تداعی نشانه‌شناختی ناخودآگاه را در افکار عمومی جامعه رقم نزند. برای مثال، بجای تعطیلی مطلق و حصار آهنی زدن بر حرم‌ها، با ایجاد محدودیت‌هایی سطح دسترسی را تقلیل داد. مثلاً در چارچوب مقررات بهداشتی، دسترسی‌ها فقط به صحن‌ها یا رواق‌ها حفظ می‌شد و یا سطح دسترسی محدود به ساعات مشخصی می‌شد و یا زائران محدود به برخی افراد نظیر کادر درمانی و خانواده متوقیان کرونایی می‌گردید، یا از منظری دیگر، کارکردهای اجتماعی مساجد و اماکن مذهبی در مقابله با کرونا را در سطحی وسیع به تصویر کشید و عملاً موضوع تعطیلی اماکن مذهبی را به محاق برد. با این سنخ اقدامات، عملاً نشانه تعطیلی حرم و در عرض یک مکان تاریخی فاقد معنای قدسی قرار

۲۶۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

گرفتن، به سادگی کنترل می‌شد و از سوی دیگر به جهت بهداشتی نیز با شیوع بیماری مقابله شده بود.

۶. تک‌بعدی شدن سیاست‌گذاری مقابله با کرونا

هر چند این نوشتار در مقام نقد فرایند سیاست‌گذاری موجود که منجر به چنین تصمیمی شده است نیست؛ اما در سطحی مختصر می‌توان علت این موضوع را در تک‌بعدی شدن سیاست‌گذاری مقابله با کرونا جستجو کرد. به عبارت دیگر، تجربه تلخ تکیه صرف بر بعد بهداشتی و درمانی موضع جمعیت، و نادیده انگاشتن ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی-امنیتی جمعیت که آن را از مسئله به بحران تبدیل کرد در فرایند سیاست‌گذاری مقابله با کرونا هم تکرار شده است. در بدو امر، صرفاً بر بعد بهداشتی و درمانی موضوع تأکید شده و سپس با توجه به تبعات اقتصادی و معیشتی بازگشایی اماکن اقتصادی در دستور کار قرار می‌گیرد. نکته شگفت‌انگیز آن است که برای سیاست‌گذار هنوز پیامدهای فرهنگی و دینی تصمیم گرفته شده و هزینه‌هایی که با تصمیم غلط تحمیل کرده، محل تأمل هم نیست.

۷. سیاست بازگشایی اجتماعات اقتصادی پر تردد و غیرضروری

اما سیاست دومی که این روزها توسط ستاد مقابله با بیماری کرونا در دستور کار قرار گرفته است نیز، خالی از مشکل نیست. در وضعیت موجود، شاهد بازگشایی اجتماعات اقتصادی پر تردد و حتی غیرضروری، نظیر بازارچه‌ها هستیم. مجال ورود به این بحث نیست که بازارچه نه صرفاً یک مکان اقتصادی، بلکه یک مکان فرهنگی است. به همین جهت، بسیاری از

تحلیلی نشانه‌شناختی بر سیاست تعطیلی اماکن مذهبی □ ۲۶۹

مردم از طبقات اقتصادی گوناگون علی‌رغم حضور در بازارچه‌ها، از بازارچه، کالایی برای مصرف تهیه نمی‌کنند، بلکه خود فضای بازارچه و گشت‌وگذار در آن را مصرف می‌کنند.

۸. معیشت و سلامت: دوگانه مبنایی سیاست‌گذار

علت اتخاذ چنین سیاستی را باید در دوگانه مبنایی سیاست‌گذار جستجو کرد؛ دوگانه معیشت و سلامت. در سیاست نخست سلامت انتخاب شده و به همین جهت تمامی اماکن اقتصادی که در معیشت مردم سهیم بوده است، تعطیل می‌شوند، اما در ادامه با توجه به فشار فزاینده بحران معیشت، بخش وسیعی از مردم، سیاست‌گذار سعی در حفظ توازن سیاستی میان معیشت و سلامت دارد. نکته قابل تأمل این است که هر دو قطب این دوگانه، مادی و غیرفرهنگی است؛ یعنی در این دوگانه، جایی برای معنویت جامعه‌ای که بهترین فرصت برای مرگ‌آگاهی و تضرع به درگاه ربوبی را یافته است و یا در غم فراق عزیزانش به سوگ نشسته وجود ندارد.

۹. آسیب‌شناسی دو سیاست

از منظر تحلیل جانشینی، می‌توان گفت سیاست دوم ناخواسته، امر معیشت و امر سلامت مردم را جانشین امر معنویت و دینداری کرده است؛ چرا که پاساژگردی، بازارگردی و گردشگری در طبیعت، جانشین زیارت و مسجد رفتن شده است. بی‌شک سطح آسیب سیاست دوم به مراتب از سیاست اول بیشتر است، چرا که نشان از آن دارد اماکن مذهبی، علی‌رغم آن‌که در پژوهش‌های علمی کمترین سهم را در شیوع بیماری داشته است، برای سیاست‌گذار جمهوری اسلامی در رده آخر اهمیت قرار دارد. چه بسا برای

۲۷۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

توجیه این امر، به دوگانه مناسک دینی و عقلانیت دینی یا مناسک‌گرایی در برابر عقلانیت‌ورزی دینی تمسک شده و تأکید شود که دینداری آسیبی از تعطیلی مناسک نمی‌بیند. این در حالی است که برای بخش زیادی از مردم، حضور در اماکن مذهبی و انجام مناسک دینی، کوتاه‌ترین و بهترین راه برای تقویت معنویت و معرفت دینی است. به عبارت دیگر، استناد به دوگانه مناسک‌گرایی در برابر معرفت‌گرایی دینی در این مقام صحیح نیست؛ چرا که مناسک دینی خود محملی برای انتقال و تقویت معنا و معرفت دینی است و به تعبیر قرآنی، در زمره شعائر الهی است که تعظیم آن‌ها واجب و نشانه تقوای قلوب خوانده شده است: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» (حج/۳۲).

۲۲. کرونا و تجلی عقلانیت جمهوری اسلامی

شهاب اسفندیاری^۱

یکی از مهم‌ترین محورهای حملات تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی که خصوصاً در دهه اخیر دشمنان، بسیار بر آن سرمایه‌گذاری کردند، این گزاره بود که «جان انسان‌ها برای این حکومت ایدئولوژیک اهمیتی ندارد». گویا تقدیر این بود که در بحرانی مانند کرونا حقیقت بوضوح بر همه آشکار شود. جمهوری اسلامی در اقدامی بی‌سابقه در تاریخ اسلام، تمام اجتماعات دینی و مناسک عمومی، از نماز جماعت و جمعه تا مراسم دعا، نیایش، هیأت‌ها، زیارت حرم‌ها و اماکن متبرکه که از مهم‌ترین ارکان حفظ و تقویت «هویت جمعی دینی» در این حکومت بودند را «بخاطر حفظ جان انسان‌ها» تعطیل کرد.

این حکومت ایدئولوژیک، مساجد و حسینیه‌های خود را در مقطعی از

۱. استادیار گروه سینما دانشگاه هنر/ رئیس دانشگاه صدا و سیما/ دکتری نظریه انتقادی و مطالعات فیلم از دانشگاه ناتینگهام انگلستان/رایانامه: s.esfandiary@art.ac.ir/تاریخ نگارش: پنجم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

۲۷۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

شیوع بیماری تعطیل کرد که در برخی کشورهای به اصطلاح مدرن و پیشرفته، مسابقات فوتبال و اسب‌دوانی با ده‌ها هزار تماشاگر هنوز برپا بود و بارها و کازینوها مالامال! حتی هنوز هم از سواحل سیدنی تا فلوریدا آکنده از جمعیت است.

این همان حکومتی است که متهم بود به «فربهی مناسک». همان حکومتی که آلوده به «تعصب و تحجر» تصویر می‌شد و دعوت به «عقلانیت» می‌شد. این همان حکومتی است که به آن توصیه می‌شد از دخالت در «دین مردم» خودداری کند. این همان حکومتی است که متهم بود مدّاحان میدان‌دار تصمیم‌های آن هستند.

هیچ‌کس منکر نقص‌ها، تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها و فسادها در این حکومت نیست. هیچ‌کس مدّعی نیست که به مرحله‌ای آرمانی رسیده‌ایم. هیچ‌کس منکر برخی نقاط قوت و پیشرفت دیگران نیست؛ اما این حدّ از تحقیر و تخفیف جمهوری اسلامی در قیاس با دیگران، چیزی جز جنگ روانی نبوده و نیست.

حقیقتی که بسیاری از روشنفکران، جامعه‌شناسان، فعالان سیاسی و رسانه‌ای داخل و خارج سال‌ها کتمان کردند و این روزها از پس ابرهای سیاه دروغ و غبارهای تیره وهم بیرون آمده این است:
«جمهوری اسلامی ایران یکی از عقلانی‌ترین و اخلاقی‌ترین حکومت‌های جهان است».

۲۳. کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین در حکومت اسلامی

لعیا شکوهی سنا^۱

دین اسلام به مثابه آخرین دین و در نتیجه کامل‌ترین دین، بر این ادّعا بود و هست که متناسب برای تمام زمان‌ها و مکان‌هاست و در هر زمانی از زندگی بشر می‌تواند زمام مدیریت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را به دست گیرد. این ادّعای دین اسلام که البته در مرحله ادّعا نمانده و تا کنون اثبات آن در برهه‌های مختلف زندگی مسلمانان، به معنای واقعی کلمه رخ داده است، بر این اساس است که این دین، مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول معدود است که فروع دین از آن نشأت می‌گیرد و متناسب با شرایط زمانی و مکانی، این فروع دین می‌تواند تحقّق و ظهور و بروزشان متفاوت باشد، اما در عین حال اصول دین ثابت می‌ماند. برای مثال، نماز به مثابه یکی از فروع

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: masho230@gmail.com / تاریخ نگارش: بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۹۸.

۲۷۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

دین، در زمان راحتی به یک نحو ادا می‌شود و در زمان جنگ و خوف به نحو دیگری؛ و هر یک از این انحاء، اگر در جای خود واقع شود چون نشان از پذیرش اصول دین و در نتیجه، نشانه عبودیت انسان در مقابل پروردگار متعال است، مورد قبول است و بالعکس؛ بدین معنی که اگر در زمانی که نماز خوف بر انسان واجب می‌شود، اگر به صورت نماز معمول اداء شود، نه تنها مورد قبول درگاه الهی نیست، بلکه می‌تواند نشانه عدم عبودیت انسان در برابر خداوند باشد.

به بیان دیگر، اصول دین همچون روح و باطنی است که جلوات و ظهورات رفتارهای دیندارانه را شکل می‌دهد که اصالت از آن این اصول است و رفتارهای دیندارانه و مناسک دینی، تنها در صورتی ارزش الهی می‌یابند که نشأت گرفته از این اصول باشد و الاً بروز و ظهور رفتار مناسکی در هر مکتب و آیینی حتی شیطان‌پرستی و عرفان‌های غیر دینی چون کابالا و مانند آن، رخ می‌دهد.

انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک انقلاب دینی و نیز به مثابه اولین گام از تحقق تمدن نوین اسلامی، زمانی امکان تحقق یافت که اصول و فروع دین در عمل پیشتازان آن نسبت صحیح خود را بازیافت به طوری که امام خمینی (ره)، رهبر این انقلاب، حیات و شخصیت‌اش تجسم اسلام ناب محمدی و تبلور انقلاب اسلامی بوده است و تقوای ایشان جهت رعایت این نسبت و اولویت نیافتن فروع بر اصول از مهم‌ترین عوامل باطنی و معنوی شکل دهنده این انقلاب است. سیره عملی امام در این موارد مشهود است؛ به طوری که همیشه و در هر زمان تنها به دنبال انجام تکلیف خود بودند و نه آن چیزی که شاید با دل انسان مأنوس‌تر و موافق‌تر باشد! این همان عنصری

کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین در حکومت اسلامی □ ۲۷۵

است که در نظریه حکومتی ولایت فقیه امام، نقشی قابل تأمل بازی می‌کند: اصالت داشتن ولایت الله و تسری آن در عالم بر ولایت معصوم علیه‌السلام و در عصر غیبت در ولایت فقیه که این ولایت تا آنجا دارای اثر است که حتی بنا بر شرایط خاصّ ولی فقیه می‌تواند در برهه‌ای از زمان احکام اولیه اسلام را نیز حتی تعطیل کند!

تداوم یافتن این انقلاب و حرکت آن نیز، بر همین اساس و با رعایت صحیح این نسبت است. به بیان دیگر، طی کردن دیگر گام‌های تحقّق تمدن اسلامی نیز با رعایت این نسبت در عمل پیشگامان و پیروان این راه در فراز و نشیب اتّفاقات و وقایع اجتماعی است.

امروز جامعه اسلامی ایران با یکی از این فراز و فرودها روبرو است، داستان کرونا که اگرچه داستانی عالم‌گیر است، اما در عین حال، در ایران اسلامی روایتی خاصّ خود را می‌تواند بیابد؛ چرا که از یک سو، می‌تواند به مثابه یک رزمایش، نقاط قوّت و ضعف این جامعه و حکومت را برای تحقّق گام‌های باقی مانده تمدّن اسلامی؛ یعنی گام‌های دولت اسلامی و جامعه اسلامی، نشان دهد و از سوی دیگر می‌تواند فرصتی برای بازتولید گفتمان انقلاب اسلامی متناسب با شرایط روز جامعه و در نتیجه رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوّت متناسب با این گفتمان شود.

یکی از نقاط ضعفی که در این رزمایش ملّی در موضوع کرونا خود را بروز و ظهور می‌دهد، جایگاه فروع دینی، چون تبرّک جستن از اماکن متبرّکه و به طور خاصّ بوسیدن ضریح امام و امام-زادگان، تشکیل اجتماعات دینی‌ای چون نمازهای جماعت و هیئات، مدل‌های کفن و دفن میت، چون ارزش بیشتر یافتن غسل میت بر تیمم بدل از غسل میت و ... در فقه فردی افراد

جامعه باشد. به طوری که هریک از این‌ها، آن چنان برای اقشاری از جامعه دینی ارزش و اصالت یافته است که نبود موقتی هریک از آن‌ها، بنابر یک مصلحت بالاتر دینی، برای این افراد برابر با از ریشه زدن دین و عدم دینداری شده است. این مسئله در برخی کلیپ‌های منتشر شده از سوی برخی سخنرانان و مدّاحان و نیز برخی مخالفت‌های عملی و ظاهری قشر مذهبی جامعه، نمود یافته است. حرف‌هایی که بیانگر این است که عدم شرکت مردم در این ایام در هیئات، نشانه فراموشی الطاف ائمه است که البته نهایت لطف ائمه در لسان این گویندگان اصولاً شفای امراض است و لا غیر! که خود نشان از عدم شناخت جامعه اسلامی از مقام و جایگاه امام به مثابه ولی جامعه است.

از سوی دیگر، این رزمایش ملی، ضعف بازتولید گفتمان انقلاب اسلامی و اسلام ناب برای اقشار مختلف جامعه را نشان می‌دهد. به طوری که در دیگر اقشار جامعه که شاید رفتار دیندارانه ظاهری در سکناات آن‌ها بروز و ظهور کاملی نداشته باشد و یا آن رفتارها مبتنی بر اعتقادات زیربنایی قوی نباشد، دوگانه‌های به ظاهر متناقض رخ داده که نشان از عدم توانایی دین در مدیریت و حلّ مسائل جامعه اسلامی است که در نتیجه راه حلّ نهایی برای این اقشار، پناه بردن به دامن روشنفکرانی است که مدّعی و خواستار پروتستانتیسم اسلامی، همانند پروتستانتیسم مسیحی و سکولاریزه شدن دین اسلام، هستند. سخنانی چون دوگانه الکل هیئت، حرمت الکل و ضدعفونی کردن حتی بقاع متبرکه با الکل (بدون فرق گذاشتن میان حرمت خوردن الکل و عدم نجاست برخی از انواع الکل) و به زانو درآمدن دین و فقه دینی در برابر علم از جمله گویه‌هایی است که بیانگر این معضل فرهنگی در

کرونا و معضل تقدّم یافتن فروع دین بر اصول دین در حکومت اسلامی □ ۲۷۷

موضوع کروناست. این افراد با تسرّی دادن فروع دین به کل دین، و در نظر نگرفتن اصول دین و رابطه میان اصول دین و فروع دین، و حتی عدم آگاهی دقیق نسبت به فروع دین، عملاً تغییرات کوتاه‌مدت رخ داده در مناسک دینی جهت مدیریت بحران کرونا را حمل بر ضعف و ناتوانی دین در تطابق با شرایط زمانی و مکانی می‌دانند.

جهت رفع این نقاط ضعف ذکر شده در این مقال و نیز دیگر نقاط ضعف احتمالی در فرهنگی اسلامی جامعه و نیز تقویت نقاط قوت این فرهنگ، مثل فرهنگ بسیج اجتماعی، ایثار و شهادت‌طلبی در حلّ و رفع مسئله کرونا، لازم است در روند فرماندهی قرارگاه مبارزه با کرونا وجهه پیوست فرهنگی به طور قوی‌تر مدّ نظر قرار گیرد و به عبارت، دیگر پدافند غیرعامل در حیطه فرهنگ اسلامی فعّالانه‌تر در این عرصه به فعّالیّت پردازد.

۲۴. سه سناریو برای بستن حرم‌ها

محمدرضا بذرافشان^۱

چکیده

بررسی سناریوهای مطرح شده پیرامون محدودیت زیارت اماکن متبرکه در ایام شیوع ویروس کرونا موضوع این یادداشت است. در این نوشته محمدرضا بذرافشان از سه سناریو برای بستن حرم‌های مقدس سخن به میان آورده که هر یک از آن‌ها در میان صاحب‌نظران، موافقان و مخالفان خود را دارد و در انتها با بررسی هر یک، سناریوی مطلوب و پیشنهادی را جهت اجرا در اماکن متبرکه مطرح ساخته است. در اولین سناریو عده‌ای با اشاره به شفاخانه بودن و پاک بودن حرم‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام قائل به باز بودن بدون محدودیت حرم‌ها در هر شرایطی بودند و بستن اماکن مقدسه را «بزرگ‌ترین توهین به حرم می‌دانستند». قائلان به سناریوی دوم علیرغم در نظر گرفتن شرایط حاد شیوع ویروس کرونا در ایران و انتقال آن از ناقلان به افراد سالم

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات / دانشکده فرهنگ و ارتباطات / دانشگاه امام صادق علیه‌السلام /

رایانامه: Bazrashan.mr@gmail.com / تاریخ نگارش: سیزدهم فروردین ماه ۱۳۹۹.

۲۸۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

در تجمعات، زیارت اهل‌بیت علیهم‌السلام را ضمن شعائر اسلامی برشمرده و تعظیم آن را از واجبات می‌دانند و بر این اساس به جای بستن حرم‌ها قائل به محدودکردن زیارت به منظور جلوگیری از ازدحام زائران هستند. در نهایت سومین گروه از صاحب‌نظران با توجه به خطرات ناشی از تجمع زائران در اماکن مقدس علی‌الخصوص در تعطیلات نوروزی که سیل مسافران به سوی شهرهای زیارتی روانه می‌شود، باز بودن حرم‌ها را مشوقی برای سفر به سوی شهرهای قم و مشهد می‌دانند که با توجه به ظرفیت درمانی محدود و ناقص این شهرها، پیامدهای ناگواری را به دنبال خواهد داشت. نویسنده این سه سناریو را تحت عناوین *باز بودن بدون محدودیت، بستن محدود و بستن کامل* مطرح ساخته و در نهایت با توجه به جوانب هر یک از آنها، سناریوی بستن کامل را به‌منظور اجرا در اماکن مقدسه به مثابه سناریوی مطلوب طی ایام شیوع کرونا در ایران پیشنهاد نموده است.

مقدمه

در روزهای پایانی اسفند ۹۸ و در شرایطی که ویروس کرونای جدید یا همان کووید-۱۹ با شیوع سریع و گسترده‌اش به یک بیماری همه‌گیر در ایران و برخی نقاط جهان تبدیل شده بود، تصمیم مسئولان ستاد ملی مقابله با کرونا و وزارت بهداشت بر ابلاغ طرح منع تجمعات، استوار گشت که در پی آن آستان قدس رضوی، آستانه مقدّسه کریمه اهل‌بیت سلام‌الله‌علیها در قم و آستان مقدّس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در شهرری، توقف موقت حضور زائرین در حرم‌های مطهر تا اطلاع ثانوی را از روز سه‌شنبه ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ اعلام نمودند. اعلام بسته شدن درب حرم‌های شریفه به روی زائران، واکنش‌های مثبت و منفی متعددی را از سوی عموم مردم، علما و نیز

صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی به دنبال داشت. در این میان صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی به بررسی و نقد و نظر پیرامون ریشه‌ها، شرایط، امکان و پیامدهای این تصمیم پرداختند.

۱. سناریوی اول: باز بودن بدون محدودیت

اقلیتی از توده جامعه، علما و روحانیون با اشاره به شفاخانه بودن حرم‌های اهل‌بیت (ع) و تأکید بر این که این مکان‌ها آلوده نمی‌شوند و نیستند، اصرار بر بازنگهداشتن آن داشته و دارند. این گروه به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخشی بدون توجه به دستورات بهداشتی توصیه شده، رفتارهای همیشگی خود در حرم‌ها، نظیر بوسیدن ضریح و در و دیوار و تبرک جستن و ... را ادامه داده و آن را متوقف نمی‌کنند. بخش دیگر، البته ضمن قبول شرایط بحرانی بهداشتی ناشی از تجمعات، با مقایسه حرم‌ها با اماکن دیگری که در آن تجمع صورت می‌گیرد، نظیر فروشگاه‌های بزرگ، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، بازارها و ... بستن حرم و در مقابل باز بودن مکان‌های تجاری نادرست دانسته و معتقدند حرم‌ها نیز مانند این مراکز تجمع باید باز باشند.

در پاسخ به این نگاه باید گفت مقایسه بستن حرم‌ها و مراکز تجاری نادرست و غیرقابل قبول است. چراکه بستن فروشگاه‌ها، بازارها و مثلاً پمپ بنزین‌ها، گذشته از حجم احتمالی خشونت لازم برای تحقق آن و تبعات انسانی احتمالی، منجر به سخت شدن معیشت مردم، شکل گرفتن قحطی کاذب، کاهش بسیار شدید توزیع در فروشگاه‌های کوچک و اتفاقاتی نظیر این خواهد شد که قابل جبران در کوتاه‌مدت نیست و زندگی روزانه مردم را با چالش‌های فراوان مواجه می‌سازد. در حالی که بستن موقت حرم‌های متبرکه این حجم از آسیب را به همراه نخواهد داشت. مضاف بر این، روایات و سیره

۲۸۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

معصومین علیهم السلام علی‌رغم تأکید بر سفر به سوی مشاهد مشرفه، اصل زیارت را منحصر به حضور فیزیکی در این اماکن مقدسه نمی‌دانند؛ لذا در متون روایی، احادیثی برای زیارت حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از راه دور وجود دارد که نشان می‌دهد، مراد حضور واقعی قلبی در زیارت است. لذا در شرایط کنونی که تزامنی میان زیارت و حفظ جان مردم شکل گرفته، می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود نظیر زیارت مجازی، قرائت زیارتنامه از بعید و ... جایگزین‌هایی برای زیارت قریب ائمه علیهم السلام تعریف نمود و بدین شکل هم زیارت را به انجام رساند و هم حفظ جان مؤمنین را که از واجبات است، محقق نمود.

۲. سناریوی دوم: بستن/زیارت محدود

بخش دیگری از دیدگاه‌ها با توجه به شرایط پیش آمده و ضرورت رعایت بهداشت و نیز تأکید بر ضرورت متوقف نشدن زیارت حرم‌ها، تعطیلی کامل مکان‌های زیارتی را نادرست می‌دانند و ضمن اشاره به ضرورت ایمن‌سازی و ضدعفونی کردن فضای حرم‌ها، قائل به ایجاد محدودیت در زیارت هستند. در این نگاه به مسئله زیارت نه به مثابه امری مستحب، بلکه امری واجب به مثابه یکی از شعائر مهم اسلامی نگریسته می‌شود که اکنون در مقابل واجبی دیگر، یعنی حفظ جان مردم قرار گرفته و اگر راه جمع نمودن میان این دو وجود ندارد، یکی را باید برگزید. به منظور اجرای طرح زیارت محدود پیشنهادهایی نیز برای مطرح گردید؛ از جمله راه‌اندازی سامانه‌ای برای ثبت‌نام و زیارت به قید قرعه تا از این طریق از ازدحام در حرم‌ها جلوگیری به عمل آید.

به عقیده این گروه از صاحب‌نظران در چنین شرایطی باید افراد کارشناس

سه سناریو برای بستن حرمها □ ۲۸۳

در حرم حضور داشته باشند تا با یادآوری توصیه‌های بهداشتی به زائران، ایشان را رفتارهایی که منجر به انتشار مریضی می‌شود، بر حذر دارند و فضای حرم را برای زیارت ایمن فراهم سازند. اتخاذ این رویکرد باعث خواهد شد تحقق هر دو امر یعنی بازبودن حرمها و حفظ جان مؤمنین میسر گردد؛ ضمن اینکه باز بودن درب‌های حرم بهانه را از دست عده‌ای که به دنبال ایجاد تقابل میان بخشی از قشر مذهبی جامعه و نظام هستند، می‌ستانند.

این نگاه، البته منتقدانی دارد. عده‌ای در مخالفت با این نظر، معتقدند محدود کردن زیارت چاره کار نخواهد بود؛ چراکه اعلام امکان زیارت ایمن و رساندن این پیام به مردم که امکان زیارت ولو به صورت محدود وجود دارد، باعث سرازیرشدن سیل مسافران به سمت شهرهای زیارتی از جمله مشهد خواهد شد که با توجه به زیرساخت‌های ضعیف بهداشتی و درمانی این شهر، تبعات عدیده‌ای به دنبال خواهد داشت. عده‌ای دیگر از منتقدان نیز تأکید رهبری بر رعایت دستورات کارشناسان پزشکی و بهداشت را که منبعث از منطق فقه و عقلانیت حکومتی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی است، به مثابه مهر تأییدی بر بستن حرمها می‌دانند که لازم الاجراست.

۳. سناریوی سوم: محدودیت/بستن کامل

دسته سوم نظرات با توجه به خطر زیاد همه‌گیری ویروس کرونا و تبعاتی که برای نظام درمانی شهرهای مقدّس خصوصاً مشهد دارد و با اشاره به ظرفیت درمانی محدود این شهر که رو به پایان است، بازبودن حرمها را به مثابه عامل مشوّقی برای مردم علاقه‌مند به سفر و زیارت می‌دانند. در حقیقت حرم امام رضا علیه السلام، از جنبه‌های مختلف بهداشتی و سلامت شرایط مناسبی دارد و عملیات ضدّ عفونی و پاکسازی به صورت مرتّب در آن صورت می‌گیرد

۲۸۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

و نگرانی از این حیث نگرانی وجود ندارد؛ اما آنچه تولیت حرم رضوی را بر اتخاذ این تصمیم واداشته، نه یک تصمیم شخصی و حتی درون سازمانی، بلکه با اصرار مسئولان شهری و استانی و به دلیل «مسئله سفر و هجوم مسافران به این شهر زیارتی» در ایام نوروز است. در بازه ۱۸ تا ۲۵ اسفند با تمام تلاش‌ها برای انصراف مردم از سفر به مشهد، آمارها و مقایسه نسبت ورود مسافر در مدت مشابه سال‌های قبل، نشان می‌داد که با ادامه وضعیت فعلی در خوش‌بینانه‌ترین برآورد، حداقل ۲۰ درصد جمعیتی که هرساله به طور معمول وارد مشهد می‌شوند، به این شهر مسافرت خواهند کرد. نگاهی به آمار حضور مسافران نوروزی شهر مشهد در سال‌های گذشته جمعیتی حدود ۹ میلیون نفر را نشان می‌دهد که در صورت تحقق تنها ۲۰ درصد از سفرهایی که هرساله در این ایام سال به مشهد صورت می‌گیرد، جمعیتی بالغ بر یک میلیون و هشتصد هزار نفر در ایام نوروز به مشهد سفر می‌کنند. بدیهی است ورود این حجم از مسافر در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا در کشور می‌تواند شرایط بحرانی منتهی به یک فاجعه را رقم بزند. برخی مشاهدات کنونی نیز حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از بیماران کرونایی در مشهد غیربومی هستند. لذا بستن حرم امام رضا علیه السلام، به طور چشمگیری انگیزه سفر به شهر مقدس مشهد را در میان مردم کاهش داده و جلوی رخ دادن یک فاجعه بهداشتی درمانی را خواهد گرفت.

عده‌ای از صاحب‌نظران سناریوی جایگزینی را مطرح ساخته‌اند و آن اعمال قرنطینه در مشهد و منع ورود مسافران نوروزی به این شهر به جای بستن حرم است و معتقدند در نتیجه آن، همزمان با بازبودن حرم‌ها و محروم نشدن مردم مشهد از زیارت حضوری، از ورود مسافران به این شهر نیز

سه سناریو برای بستن حرمها □ ۲۸۵

ممانعت به عمل خواهد آمد. در پاسخ باید گفت باز نگهداشتن حرم و اعمال قرنطینه شهری همزمان (بستن مبادی شهر مشهد یا سایر استانها) برای محدودکردن ورود مسافران و زائران به این شهر نیز جوابگو نیست، چراکه این امر ضمن به همراه داشتن خشونت فراوان که نیازمند هزینه زیاد برای نیروی انسانی، امنیتی، راهداری و نظامی است، کنترل مبادی غیررسمی شهر مشهد را که تعداد آن نیز بسیار است با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد و عملاً ایجاد محدودیت را بسیار سخت یا غیرممکن خواهد نمود.

بر این اساس، تأکید بخش سوم صاحب‌نظران بر بسته بودن حرمها و جدیت و قاطعیت مسئولان امر در برخورد با عده‌ای است که با تجمع در مقابل حرمها و ایجاد خشونت و درگیری با مأموران خواستار ورود قهرآمیز به این مکان‌های مقدّس هستند. از نظر ایشان نظام باید قاطعیت خود را در برخورد با عده محدودی از افراد که نمی‌خواهند در مقابل دستورات و تصمیمات شرایط بحران سر تسلیم فرود آورد، نشان دهد؛ در غیر این صورت در شرایط مشابه و بحران‌های آینده توان کنترل شرایط را نخواهد داشت. نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، این است که اصل گفت‌وگو با مردم و پیوست رسانه‌ای کار در این باره ضرورت دارد؛ چراکه تشریح شرایط به دلیل امنیتی و تخصصی بودن مسئله ممکن است به راحتی برای ایشان قابل درک نباشد.

۴. جمع‌بندی و پیشنهاد

به نظر می‌رسد، از میان سه سناریو طرح شده برای بستن حرمها در روزهای شیوع ویروس منحوس کرونا در ایران، مناسب‌ترین گزینه در شرایط کنونی سناریوی سوم، یعنی همان سناریویی باشد که مسئولان شهری، استانی و

۲۸۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

ملّی برای این شهر و حرم‌های مطهّر حضرت رضا، حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهم‌السلام در پیش گرفتند، چراکه اتخاذ هر رویکردی جز این، عامل مشوّقی برای روانه شدن سیل مسافران نوروزی به شهرهای مقدّس علی‌الخصوص شهر مشهد می‌شد که با توجّه به ظرفیّت محدود و ناقص شبکه بهداشت و درمان در این شهر، بار مضاعفی را بر آن تحمیل می‌نمود و موجب پدید آمدن شرایط بحرانی فاجعه‌باری می‌شد که خسارت‌های جبران‌ناپذیر مادی و معنوی را به دنبال می‌داشت. اعمال سناریوی سوم بی‌شک تأثیر بسزایی در کاهش سفرها به شهر مقدّس مشهد در ایّام نوروز داشت که به نوبه خود، مانع از به وجود آمدن فاجعه‌ای در سطح ملّی در این شرایط بحرانی کرونازده کشور شد.

تصمیم برای بازشدن مجدد حرم‌ها نیز نیازمند بررسی عواملی از جمله وضعیت شیوع و کشندگی ویروس کرونا در کشور، وضعیت شهرهای مقدّس از لحاظ مطلوبیّت نظام سلامت و بهداشت و میزان حضور زائران مسافر در این شهرهاست که از سوی مسئولان شهری و استانی و نیز ستاد ملی مبارزه با کرونا ابلاغ شده و به اجرا درخواهد آمد.

۲۵. گردشگری و کرونا

شهاب طلائی^۱

مقدمه

بحران شیوع کرونا، منجر به ایجاد محدودیت‌ها و هشدارهایی مبنی بر عدم مسافرت و تعطیلی تمامی زنجیره خدمات گردشگری، اعم از اقامت، غذا و نوشیدنی، تفریحی و سرگرمی، حمل‌ونقل و خدمات مسافرتی، در سراسر جهان شد.

در ایران، همزمانی بحران شیوع کرونا با تعطیلات سال نو و عید نوروز به مثابه بازه اصلی سفرهای داخلی و خروجی موجب شده است تا تمامی فعالان صنعت گردشگری با یک مخاطره بی‌سابقه واقعی روبه‌رو شوند، چراکه بر اساس تخمین‌های صورت گرفته از ۵ سال گذشته، می‌توان گفت سالیانه از ابتدای اسفندماه تا پایان فروردین‌ماه حدود ۱ میلیون مسافرت خارجی

۱. کارشناس و پژوهشگر حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی / مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی / رایانامه: Shahab_talaie@yahoo.com / تاریخ نگارش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰.

بوسیله گردشگران ایرانی صورت می‌گرفت و حدود ۸۵۰ هزار گردشگری خارجی در این مدت به کشور وارد می‌شدند. همچنین در این مدت حدود ۲۰ میلیون نفر سفر داخلی با ۷۵ میلیون شب اقامت (بر اساس میانگین نوروز ۱۳۹۸) بوسیله گردشگران داخلی ثبت می‌شد که با توجه به شرایط کنونی، این صنعت با رکود عمیق مواجه خواهد شد.

کسب‌وکارهای حوزه گردشگری (داخلی، ورودی و خروجی) که یکی از موتورهای اشتغال و رشد در دوران تحریم و به صادرات نامرئی محسوب می‌شوند، در این وضعیت پیش آمده، عملاً تعطیل شده و به عبارتی، چرخ این صنعت اشتغالزا نیز متوقف شده است و واحدها و فعالیت‌های فراوانی در زنجیره وابسته به آن (از جمله اقامت، حمل و نقل، غذا و خوراک، مجتمع‌های تفریحی و سرگرمی و سایر واسطه‌های بالادستی و پایین‌دستی) آسیب دیده و کارکنان آن‌ها ممکن است کار خود را از دست بدهند. هرچند که به علت فقدان نظام آماری منسجم در صنعت گردشگری کشور، نمی‌توان برآورد دقیقی از میزان اثرات ویروس کرونا بر صنعت گردشگری داشت، ولی بر اساس شواهد موجود و اظهارات دست‌اندرکاران امر، ایران اسلامی در سال ۱۳۹۸ میزبان حدود ۸ میلیون گردشگر خارجی بوده (غالباً از کشورهای همسایه) که موجب شده است کشور از نظر میزان رشد در جذب گردشگر خارجی در میان سه کشور اول جهان قرار بگیرد که در صورت استمرار وضع موجود اثرات آن بر تمام زنجیره خدمات صنعت گردشگری، به مراتب فزاینده خواهد بود.

۱. پیشنهادهایی برای رونق کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری

اگر سناریوی مدیریت و مهار ویروس کرونا مؤثر باشد، به علت ماهیت

بازگشت‌پذیری سریع گردشگری به شرایط عادی، احتمال دارد که سفرهای گردشگران ایرانی (بویژه گردشگری داخلی) در تابستان ۱۳۹۹ دوباره رونق گرفته و حتی نسبت به سالیان اخیر حجم این سفرها بیشتر شود، چرا که صنعت گردشگری در ایران و حتی جهان، با یک تأخیر در تقاضا روبه‌رو بوده است و این امر می‌تواند علاوه بر احیای کسب‌وکارهای این حوزه، تأثیر مستقیمی بر افزایش نرخ خدمات و حتی نرخ ارز داشته باشد که نیازمند مدیریت است. اگرچه با توجه به داده‌های علمی، تا حدود زیادی تحقق این سناریو دور از دسترس است، اما نامحتمل نیست، لذا، در صورت تحقق این سناریو می‌توان موارد زیر جهت رونق دوباره کسب‌وکارهای وابسته به صنعت گردشگری پیشنهاد نمود:

- برنامه‌ریزی برای اعطای مرخصی سفر به صورت سه مرحله‌ای از ۱۵ تیرماه ۱۳۹۹ تا ۳۰ مردادماه ۱۳۹۹ به همه کارکنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی (به صورتی که در سه بازه زمانی ۱۵ روزه در هر بازه حداقل یک سوم کارکنان شاغل در مرخصی سفر باشند).
- با توجه به صرفه‌جویی و کاهش مصرف بنزین در ایام تعطیلی ناشی از کرونا، دولت بسته‌های تشویقی برای افزایش تقاضای سفر عامه مردم (مانند اختصاص بنزین سفر) برای گسترش گردشگری داخلی بعد از کنترل ویروس کرونا ارائه نماید.
- دولت ۳۰ درصد تخفیف در حمل و نقل مسافران (هواپیما، قطار، اتوبوس‌های بین‌شهری) برای ۱۵ مقصد گردشگری کم‌برخوردار کشور را پس از بحران به مسافران و گردشگران اهدا نماید و بر رشد نامتعارف قیمت خدمات گردشگری ناشی از افزایش تقاضای سفر و گردشگری نظارت نماید.

۲۹۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- دولت دریافت مالیات بر ارزش افزوده همه دریافت‌کنندگان خدمات گردشگری در مناطق هدف گردشگری را به مدت یک سال بعد از بحران به حالت تعلیق درآورد.
 - عوارض خروج از کشور برای تمامی گردشگرانی که از خطوط هوایی داخلی برای مسافرت (رفت و برگشت) به خارج از کشور استفاده نمایند تا یک سال پس از بحران نیم‌بها گردد.
 - هزینه صدور ویزا و روادید (عوارض ورودی) برای تمامی مسافران و گردشگران ورودی (به استثنای ویزای تجاری) از همه کشورها صفر گردد.
 - نرخ عوارض آزادراهی برای اتومبیل‌های سواری شخصی در وضعیت کنونی دو برابر و پس از عبور از بحران کرونا، نیم‌بها گردد.
 - بهای ورودی همه موزه‌ها و آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی متعلق به دستگاه‌های اجرایی کشور، پس از بحران به مدت یک سال نیم‌بها شود.
- لکن، چنانچه به هر دلیل شیوع کرونا کنترل نشود (که بسیاری از پیش‌بینی‌ها از سوی مراجع مختلف بویژه سازمان بهداشت جهانی و کارشناسان داخلی حکایت از تحقق این سناریو دارد) و صنعت گردشگری کشور با ادامه دار بودن قرنطینه و طرح فاصله‌گذاری اجتماعی تا سال ۱۴۰۰ روبرو باشد، باید تدابیر و راهکارهایی را اجرا نمود که ضمن این که اشتغال موجود در این حوزه و کسب‌وکارهای وابسته به آن حفظ گردد، سفر و گردشگری مردم با امنیت و آرامش بهتری صورت پذیرد.
- آنچه مشخص است این که دولت باید با تدوین راهبردهای مناسب از صنعت گردشگری محافظت نماید و مانع از رکود در صنعت گردشگری کشور گردد. صنعتی که طی یک دهه گذشته توانسته است جایگاه خود را در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی بهبود داده و موجبات نقش‌آفرینی بیشتر در مؤلفه‌های اقتصادی، اعم از ایجاد اشتغال و درآمدهای ملی کشور گردد، در

گردشگری و کرونا □ ۲۹۱

این باره، به نظر می‌رسد که باید مهم‌ترین هدف دولت، سلامت آحاد جامعه و در گام بعد، حمایت از شاغلان (مستقیم و غیرمستقیم) این صنعت باشد. در این باره دولت تاکنون اقداماتی به شرح ذیل در نظر گرفته است:

۲. مهم‌ترین اقدامات دولت در این مدت

- الف) استمهال حق بیمه سهم کارفرما برای دوره سه‌ماهه منتهی به اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ به‌وسیله سازمان تأمین اجتماعی؛
- ب) استمهال هزینه‌های برق و گاز مصرفی برای دوره سه‌ماهه منتهی به اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ به‌وسیله وزارتخانه‌های نیرو و نفت؛
- ج) سررسید چک‌های برگشتی صاحبان کسب‌وکارها (اعم از حقیقی و حقوقی) که سررسید چک‌های صادره آنها در بازه زمانی ۱۳۹۹/۱۲/۱ لغایت ۱۳۹۹/۲/۳۱ بوده و برگشت خورده و منجر به صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت گردیده، حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ برگشت چک‌های مذکور، مشمول محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های ناظر بر چک‌های برگشتی نمی‌گردد؛
- د) استمهال یا بخشودگی کامل اجاره‌بهای اماکن و فضاهای گردشگری واگذارشده به بخش خصوصی در طول دوره تعطیلی فوق یا افزایش دوره بهره‌برداری، حسب شرایط چهارچوب واگذاری پس از تأیید کارگروه ذی‌ربط در وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛
- ه) اعطای تسهیلات با نرخ ۱۲ درصد به واحدها و کسب‌وکارهای آسیب دیده از شیوع ویروس کرونا (کسب‌وکارهایی که اشتغال خود را حفظ کرده اند) پرداخت خواهد شد. این تسهیلات دو‌ساله خواهد بود و اقساط آن بعد از چند ماه استراحت از مهر آغاز خواهد شد؛
- و) عدم اعمال محدودیت‌های تردد و مسافرت‌های بین‌شهری در انتهای

۲۹۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

اسفندماه ۱۳۹۸ و اعمال فاصله‌گذاری اجتماعی، پس از گذشت چهل روز از ورود کرونا؛

ز) رفع محدودیت‌های تردد بین‌شهری از اوّل اردیبهشت؛
ش) اعلام مکرر وضعیت عادی از سوی مسئولان و تکذیب و اصلاح آن از سوی دیگر مقامات.

۳. ارزیابی اقدامات دولت در حوزه گردشگری

۱-۳. اقدامات سلبی و ایجابی

آنچه در ابتدا می‌توان بیان نمود این است که قطعاً اعمال محدودیت‌های تردد و مسافرت‌های بین‌شهری قبل از تعطیلات مناسب‌تر، کارآمدتر و اثربخش‌تر از پایان مرحله اول تعطیلات نوروزی (۸ فروردین‌ماه) بود و به‌نوعی عدم هماهنگی و مدیریت واحد و یکپارچه جهت اعلام وضعیت و تکلیف هر بخش باعث سردرگمی بسیاری از افراد، خانوارها و کسب‌وکارها گشته است. مضافاً رفع محدودیت‌های مزبور از اوّل اردیبهشت، باعث افزایش ۸۱ درصدی تردها به استان مازندران (به مثابه یک مقصد اصلی گردشگری داخلی) شده است که می‌تواند موجب ایجاد موج دوم شیوع در این استان گردد. در ارتباط با تصمیمات حمایتی، می‌توان گفت تصمیمات دولت در حمایت از بخش‌های مختلف بویژه صنعت گردشگری، بیشتر ناظر بر بخش آشکار این صنعت است تا بخش پنهان و غیرمستقیم. متوسط جهانی سهم اشتغال کشورها از بخش گردشگری حدود ۱۰ درصد است که با فرض حدود ۲۴ میلیون نفر شاغل در کشور، سهم بخش گردشگری حدود ۲ میلیون نفر است. از این تعداد بیش از دو سوم آن‌ها به صورت غیرمستقیم در صنعت گردشگری شاغل بوده و کسب درآمد می‌کنند (بخش پنهان) که در استخدام

تأسیسات گردشگری نبوده و غالب آن‌ها نیز به علت ماهیت فصلی بودن گردشگری، مشاغل فصلی هستند (بهار و تابستان فصول اصلی سفر). به علاوه بیش از ۸۰ درصد کسب‌وکارهای گردشگری از جنس بنگاه‌های کوچک و خرد هستند که بخش عمده‌ای از این شاغلان بدون پوشش بیمه به واسطه شغل و دارای اشتغال فصلی و فاقد پوشش بیمه‌ای هستند. حتی بسیاری از راهنمایان گردشگری که به طور مستقیم اشتغال آن‌ها به گردشگری مربوط است در استخدام تأسیسات گردشگری نبوده و از پوشش بیمه‌ای خاصی برخوردار نیستند به طوری که حدود ۳ هزار نفر از این افراد هیچ‌گونه پوشش بیمه‌ای ندارند. لذا اعطای کمک و حمایت از تأسیسات گردشگری باعث می‌شود تا عملاً بخش زیادی از کسب‌وکارها و شاغلان مرتبط با صنعت گردشگری نتوانند از نتایج تصمیمات و اقدامات حمایتی دولت منتفع گردند. در نتیجه می‌توان گفت که بسته‌های حمایتی دولت برای تمامی فعالان، شاغلان و دست‌اندرکاران صنعت گردشگری کارآیی نداشته و صرفاً بخش بسیار محدودی از صنعت گردشگری را بهره‌مند خواهد نمود به عبارتی می‌توان گفت با اعمال این سیاست‌ها، صاحبان کسب‌وکارها (تأسیسات گردشگری) بیشتر از شاغلان کسب‌وکارها- که عمدتاً از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هستند- مورد حمایت قرار می‌گیرند، که این امر در واقع انحراف اعطایی تسهیلات و حمایت‌ها تلقی می‌گردد. بنابراین، ضرورت دارد که نسبت به اصلاح تصمیمات و مداخلات پیش‌بینی شده، اقدام عاجل صورت گیرد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه سناریوهای مختلف ارائه شده به وسیله مراکز علمی و پژوهشی در

سطح جهان، در خصوص آینده صنعت گردشگری و کرونا، به نظر می‌رسد، با ادامه روند موجود مبنی بر توصیه به در خانه ماندن و طرح فاصله‌گذاری اجتماعی، حداقل تا یک سال آتی، سفرهای بین‌المللی در حوزه گردشگری جهت جلوگیری از شیوع مجدد این بیماری، با تأخیر و ملاحظات خاصی همراه خواهد شد و کشورها بویژه کشور ما، که غالب ورودی‌های آن از کشورهای همسایه (که دارای امکانات پیشگیری و کنترل کمتری نسبت به کشور ما هستند) این ملاحظات را جدی‌تر دنبال خواهند نمود. در این شرایط بهترین سناریو برای حفظ و حمایت از مشاغل مرتبط با گردشگری، حمایت ویژه از توسعه گردشگری داخلی (با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی ستاد مبارزه با کرونا) خواهد بود، چرا که حدود ۸۰ درصد از گردش مالی صنعت گردشگری کشور به وسیله گردشگران داخلی ایجاد می‌شود و تحریک هدفمند تقاضا می‌تواند زیان ناشی از بحران کرونا را در این صنعت و کسب‌وکارهای وابسته به آن را به حداقل برساند.

از طرفی با توجه به سیاست‌های کنونی دولت در جهت رفع محدودیت‌های تردد بین‌شهری و استانی، سفر و گردشگری به‌وسیله عامه مردم در حال انجام است؛ بویژه این که کشور در نیمه خردادماه ۹۹ با تعطیلات عید فطر و نیمه خرداد مواجه است و فصل تابستان به مثابه فصل اصلی گردشگری ایرانیان را در پیش رو دارد. لذا از آنجا که کمتر از ۱۰ درصد اقامت مردم در اقامتگاه‌های رسمی (هتل‌ها، هتل آپارتمان‌ها، مهمان‌پذیرها، زائرسراها، مجتمع‌های گردشگری) است و بیش از ۶۰ درصد آن‌ها در اردوگاه‌های موقت (مانند چادر) و اقامتگاه‌های غیررسمی اسکان می‌یابند، به نظر می‌رسد که بستن این تأسیسات گردشگری و مراکز رسمی نمی‌تواند

کمک چندانی به کنترل این بیماری نماید. به علاوه، اقامت در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با وضعیت بهداشتی نه چندان مناسب می‌تواند سبب شیوع و گسترش این بیماری گردد. از طرف دیگر بسیاری از مراکز و جاذبه‌های گردشگری مانند موزه‌ها و مکان‌های تاریخی و فرهنگی که امکان مدیریت بازدید در آن‌ها فراهم است می‌تواند با رعایت دستورالعمل‌های مورد تأیید وزارت بهداشت و رعایت نکات طرح فاصله‌گذاری اجتماعی مانند کاهش تراکم حضور مردم در زمان بازدید، اضافه نمودن ساعات بازدید در طول روز، ضدعفوفی نمودن بازدیدکنندگان در ورودی و خروجی موزه‌ها و... مجدداً بازگشایی گردد به نحوی که امکان سفر و گردشگری درون‌شهری و منطقه‌ای فراهم گردد تا از حجم سفرهای غیرضروری خارج از شهر و منطقه کاسته شود، بار روانی ماندن در خانه کاسته شود و در نهایت کسب‌وکارهای مرتبط با این صنعت به حیات خود ادامه دهند. لکن، برای این مهم آنچه ضرورت دارد توزیع آسان و ارزان اقلام بهداشتی و پیشگیری بویژه ماسک، دستکش و مواد ضد عفونی به صورت گسترده جهت استفاده عامه مردم است. موضوعی که با وجود تولید مناسب اقلام مربوط، به جهت ناکارآمدی سیستم توزیع، سبب نارضایتی عمومی و امکان عدم رعایت مراقبت‌های بهداشتی توسط آن‌ها شده است. حال که امور کنترل و مدیریت شیوع بیماری به خود مردم واگذار شده است و عمده اقدامات پیشگیرانه دولت، به توصیه رعایت نکات بهداشتی توسط مردم تقلیل یافته و محدودیت‌های تردد درون‌شهری و بین‌شهری برداشته شده است، لازم است ضمن مدیریت توزیع اقلام بهداشتی مورد نیاز، سفر و گردشگری مردم از سوی دولت به نحوی برنامه ریزی شود که ضمن ایجاد آسیب کمتر به کسب‌وکارهای صنعت گردشگری و

۲۹۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مدیریت اوقات فراغت مردم، موجب تشدید وضعیت بیماری در کشور نگردد.

۲۶. صنایع دستی و کرونا

شهاب طلائی^۱

مقدمه

امروزه صنایع دستی نه صرفاً با رویکردهای فرهنگی که با رویکردهای اقتصادی و اجتماعی مورد توجه جوامع مختلف قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که به ادعای سازمان‌های متولی فرش دستباف و صنایع دستی در حدود ۲/۵ میلیون نفر کارگر ماهر (به صورت رسمی و غیررسمی) در این بخش فعالیت می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد شاغلین در حوزه صنایع دستی را زنان نشان می‌دهند که با توجه به اقتضائات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، رونق صنایع دستی مهم‌ترین ابزار برای تعادل بین کار و زندگی در جامعه زنان محسوب می‌شود.

۱. کارشناس و پژوهشگر حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، Shahab_talaie@yahoo.com تاریخ نگارش: دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

تجارت صنایع دستی با سهم بالا در ایجاد اشتغال، هزینه تولید پایین، تنوع تولید، عدم نیاز به زیرساخت‌های گسترده و حجم بالای سرمایه‌گذاری، یکی از ارکانی است که می‌تواند سهمی عمده و چشمگیر در رشد اقتصادی و افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صنایع غیرنفتی داشته باشد.

با این‌همه، به نظر می‌رسد که حوزه صنایع دستی در مقام اجرا، آن‌گونه که باید و در حدی که لازم است مورد توجه قرار نگرفته و در عرصه تجاری و تعاملات با طرف‌های خارجی، مدّ نظر قرار نمی‌گیرد. حال و در شرایط کنونی بحران کرونا موجب گشته است تا پیکر نحیف این بخش از اقتصاد فرهنگ با فشار حداکثری مواجه شده و فعالان این حوزه بیش از گذشته، آسیب‌پذیر گردند.

بنابر آمارهای ارائه شده از سوی معاونت صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بحران کرونا تأثیرات فراوانی بر مشاغل و کسب‌وکارهای حوزه صنایع دستی داشته و موجب شده است که فعالیت رسمی ۱۴۴/۵۳۵ کارگاه شناسایی شده و دارای مجوز از معاونت صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که حدود ۴۵۰ هزار شغل رسمی را ایجاد نموده‌اند با مخاطره جدی روبرو گردد.

همچنین در ۶ کلان‌شهر اصلی کشور بیش از ۲۵۰۰ فروشگاه صنایع دستی قرار دارد که نقش بسزایی در عرضه محصولات صنایع دستی دارند که این فروشگاه‌ها نیز تعطیل شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که لغو بازارچه‌های موقت نروزی در سال ۱۳۹۹ باعث از دست دادن فروش حدود ۹۰ میلیارد تومانی فروش و درآمد کسب‌وکارهای این هنر — صنعت در دوران کرونا شده است، به علاوه، به واسطه بسته‌شدن مرزها، صادرات صنایع دستی (اعم از

صنایع دستی و کرونا □ ۲۹۹

رسمی و چمدانی) به میزان حدود ۹۰ میلیون دلار (فقط ۲ ماهه اسفند ۱۳۹۸ و فروردین ۱۳۹۹) با کاهش چشمگیری مواجه شده است. شواهد نشان می‌دهد ایجاد اشتغال جدید در صنوف تولیدی کوچک و کارخانه‌های مقیاس پایین حداقل تا دو سال پس از تعطیلی امکان‌پذیر نیست و از آنجا که مشاغل و کسب‌وکارهای حوزه صنایع دستی از این جنس هستند، بیم آن می‌رود که استمرار وضع بحرانی موجود باعث شود که بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارهای وابسته این حوزه برای همیشه از گردش فعالیت اقتصادی کشور خارج شده و تعطیل گردند.

۱. مهم‌ترین اقدامات دولت در این مدت

الف) استمهال حق بیمه سهم کارفرما برای دوره سه‌ماهه منتهی به اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ توسط سازمان تأمین اجتماعی؛

ب) استمهال هزینه‌های برق و گاز مصرفی برای دوره سه‌ماهه منتهی به اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ توسط وزارتخانه‌های نیرو و نفت؛

ج) سررسید چک‌های برگشتی صاحبان کسب‌وکارها (اعم از حقیقی و حقوقی) که سررسید چک‌های صادره آنها در بازه زمانی ۱۳۹۹/۱۲/۱ لغایت ۱۳۹۹/۲/۳۱ بوده و برگشت خورده و منجر به صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت گردیده حداکثر تا سه ماه پس از تاریخ برگشت چک‌های مذکور مشمول محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های ناظر بر چک‌های برگشتی نمی‌گردد؛

د) استمهال یا بخشودگی کامل اجاره‌بهای اماکن و فضاهای گردشگری واگذارشده به بخش خصوصی در طول دوره تعطیلی فوق یا افزایش دوره بهره‌برداری حسب شرایط چهارچوب واگذاری پس از تأیید کارگروه ذی‌ربط در وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛

۳۰۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

هـ) اعطای تسهیلات با نرخ ۱۲ درصد به واحدها و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از شیوع ویروس کرونا (کسب‌وکارهایی که اشتغال خود را حفظ کرده‌اند) پرداخت خواهد شد. این تسهیلات دو ساله خواهد بود و اقساط آن بعد از چند ماه استراحت از مهر آغاز خواهد شد.

۲. ارزیابی اقدامات دولت در حوزه صنایع دستی

با توجه به آمار مجوزهای صادره از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سامانه مشاغل خانگی، در ۵ سال گذشته تعداد ۵۱۰۹۲ مورد مجوز برای مشاغل خانگی صادر شده است که حدود ۷۷٪ از مجوزهای صادره جهت فعالیت زنان، بوده است. از طرف دیگر بر اساس آمارهای ایجاد اشتغال در حوزه صنایع دستی برای زنان تا انتهای سال ۱۳۹۸ بر اساس پروانه‌های تولیدی انفرادی، کارگاهی و کارتهای شناسایی صادر شده تعداد ۳۶۹ هزار و ۲۹۹ نفر از زنان کشور به صورت مستقیم در حوزه صنایع دستی اشتغال داشته که درصد قابل توجهی از آنان زنان سرپرست خانوار و از طبقه متوسط به پایین جامعه محسوب می‌شوند. با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت که تدابیر حمایتی دولت برای کسب‌وکارها نمی‌تواند برای بخش صنایع دستی و شاغلان و فعالان این حوزه نتایج مؤثر داشته باشد چرا که غالب افراد شاغل در حوزه صنایع دستی به صورت انفرادی و در محیط خانه به فعالیت می‌پردازند در حالی که جنس حمایت‌های دولت غالباً بنگاه‌ها را مورد هدف قرار داده است.

۳. موارد پیشنهادی جهت مدیریت حوزه صنایع دستی

- هدایت کارگاه‌های تولیدی صنایع دستی و مشاغل خانگی مرتبط، در جهت تولیدات سلامت‌محور مورد نیاز شرایط فعلی کشور (مانند تولید ماسک، دستکش و ...)
- خرید تضمینی ۳۰ درصد از تولیدات خانگی هنرمندان و فعالان صنایع دستی به‌وسیله وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت صمت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جهت حمایت از طرح «در خانه بمانیم» و حفظ اشتغال؛
- تدوین سازکارهای مناسب برای تأمین موادّ اولیه مورد نیاز کارگاه‌ها و افراد فعال و شناسه دار حوزه فرش و صنایع دستی با استفاده از ظرفیت تعاونی‌های صنایع دستی، با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛
- تخفیف ۵۰ درصدی تولیدات صنایع دستی مرسوله (ارسال شده) از طریق پست؛
- برقراری امکان برگزاری نمایشگاه مجازی به‌وسیله مراکز توزیع و فروش صنایع دستی با حمایت دولت؛
- تعلیق دریافت مالیات بر درآمد دولت از کلیه فروشگاه‌های صنایع‌دستی تولید داخل در مناطق هدف به مدت یک سال بعد از بحران؛
- استمهال اقساط بانکی کارگاه‌ها و افراد دارای پروانه فعالیت صنایع دستی تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹؛
- عدم دریافت اجاره‌بهای شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۹ محل فعالیت صنعتگران و هنرمندان صنایع‌دستی که در اماکن با مالکیت سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر نهادهای اجرایی فعالیت می‌کنند؛

۳۰۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- مشارکت دستگاه‌های اجرایی در پیش خرید محصولات صنایع دستی فعالان و هنرمندان شناسه دار این حوزه؛
- امکان برگزاری نمایشگاه‌های موقت در تمامی دستگاه‌های اجرایی، بویژه مکان‌ها، اماکن تاریخی، فرهنگی و موزه‌ها به صورت رایگان بعد از عادی شدن شرایط؛
- معافیت کارگاه‌های تولیدی صنایع دستی از عوارض شهری در سال ۱۳۹۹؛
- ایجاد فروشگاه‌های دائمی صنایع دستی توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با همکاری وزارت صمت و شهرداری‌ها در دوران پسا کرونا؛
- مکلف شدن پایانه‌های مسافری (فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن و پایانه‌های اتوبوسرانی) به تخصیص مکانی برای تولید و عرضه مستقیم صنایع دستی به صورت رایگان پس از عادی شدن شرایط؛
- احیاء ظرفیت خانه‌های ایران در کشورهای خارجی جهت صادرات صنایع دستی، پس از بحران؛

۱. در حال حاضر، خانه‌های ایران (خانه فرهنگ) در خارج از کشور در اختیار وزارت خارجه، سازمان هواپیمایی و سازمان فرهنگ و ارتباطات و سازمان تبلیغات اسلامی است که قرار بود بخشی از آن به وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای عرضه محصولات صنایع دستی فاخر ایران در خارج از کشور اختصاص یابد که همچنان تحقق نیافته است.

۲۷. دعوت به طراحی «کنش نجات»

سید محمد علی غمامی^۱

چکیده

راه حلّ اصلی مواجهه با بحران‌ها همان چیزی است که به حاشیه و انفعال کشیده شده است، یعنی مردم و خانواده‌ها. در بحران کرونا، ما به مردم توصیه کردیم در خانه سرگرم بازی و فیلم باشند و همه چیز را به مسئولان بسپارند. رسانه‌ها نیز تمام تلاش خود را می‌کنند تا مردم و خانواده‌ها در خانه سرگرم بمانند و مزاحم اقدامات دولتی نشوند. عواقب بیکار نگاه داشتن مردم در خانه نیز فقط در سطح اقتصاد نماند، بلکه عواقب فرهنگی، روانی، طبیعی و نارضایتی‌های سیاسی و نافرمانی‌های مدنی متعدّد را در پی داشت. پیشنهاد این مقاله آن است که مردم در قالب «گروه‌های محلی نجات» با تقسیم وظایف و انگیزه‌های خیرخواهانه قادرند بخوبی ابعاد بحران را کنترل

۱. عضو هیأت علمی گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات / دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام / رایانامه:

Ghamami@bou.ac.ir / تاریخ نگارش: دهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۳۰۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کنند و دولت و رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های ایجاد «گروه‌های محلی نجات» را به مردم یاد دهند و تجارب ارزشمند آن‌ها را به اشتراک بگذارند. پزشکان یا مردم عادی نمی‌توانند شیوه‌های تشکیل «گروه‌های» نجات را طراحی کنند، بلکه محققان علوم انسانی و اجتماعی هستند که قادرند، الگوهای تشکیل گروه‌های نجات را با همکاری پزشکان و مهندسان نظریه‌پردازی کنند، اما متأسفانه محققان علوم انسانی مسئولیت چندانی در این خصوص احساس نمی‌کنند.

۱. انفعال علوم انسانی

چرخه بحران‌های طبیعی را اصولاً به سه مرحله تقسیم می‌کنند: پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران. در حوادث اخیر، از سیل و زلزله گرفته تا بحران بنزین و بیماری، مردم بوضوح در هر سه مرحله درگیر هستند و قربانی می‌دهند. نهادهای مسئول همچون دولت، رسانه‌ها و نیروهای امدادی و انتظامی، غالباً پس از شیوع بحران وارد میدان می‌شوند، اما برخی بخش‌ها در هیچ یک از مراحل نقش چندانی ندارند که ظاهراً علوم انسانی پرچم‌دار این بخش اخیر است. این مسئله کمتر به چشم می‌آید، اما واقعیت آن است که در تمام مراحل بحران، علوم انسانی کم‌فایده‌ترین دانش و در «حین» بحران بی‌فایده‌ترین آن‌ها «به نظر» می‌رسد!

مردم همواره در قالب کمیته‌های محلی و داوطلبان غیربومی از مال و جانشان برای کمک به آسیب‌دیدگان دریغ نمی‌کنند. پزشکان، نظامیان و مهندسان در جایگاه بعدی، هر کدام با بکارگیری دانش پزشکی، نظامی و فنی

دعوت به طراحي «کنش نجات» □ ۳۰۵

خود، عموماً نقش مهمی در امداد دارند. در این میان، سکوت و انفعال محققان علوم انسانی در میدان عمل، بهت‌آور و عجیب است. گویا دانش آن‌ها برای موقعیت‌های بحرانی حرفی برای گفتن ندارد. حتی انتقاد طلبکارانه آن‌ها نیز این احتمال را تقویت می‌کند که دست‌های آن‌ها خالیست.

در میان تحقیقات گسترده پزشکی و مهندسی برای مواجهه با بحران، تحقیقات علوم انسانی - تحت عنوان جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، ارتباطات و مدیریت بحران - سوزنی است در انبار گاه. همان چند تحقیق نیز، مطالعاتی مقدماتی هستند که تا رسیدن به مرحله عمل، باید گام‌های زیادی را طی کنند. تحقیقات علوم انسانی در خصوص بحران به جهت محتوا هم اشکالات اساسی دارند؛ اول آن که این تحقیقات ربطی به «حین» وقوع بحران ندارند و عموماً برای قبل و بعد از بحران قابل استفاده هستند، دوم آن که الگویی برای نجات به «افراد مواجه با بحران» ارائه نمی‌کنند، بلکه تنها برای متخصصان و مسئولان (نیروهای امدادی خارج از بحران) نسخه می‌پیچند. در میان صدها صفحه‌ای که در مورد جامعه‌شناسی یا ارتباطات بحران وجود دارد بیش از آن که حرفی در مورد الگوهای نجات آسیب‌زدگان باشد، فعالیت‌ها و وجهه سازمان‌ها مهم است.^۱ روانشناسی بحران نیز هنگام فوریت تقریباً نقش خاصی ایفا نمی‌کند و تنها بر مرحله «بازیابی و مداخلات درمانی پس از بحران، البته بدون همکاری با نهادهای مردم‌نهاد» متمرکز شده است.^۲ اقتصاد بلایای طبیعی هم بیشتر در مورد قبل و پس از بحران سخن

۱. خانیکی، هادی. «ارتباطات مخاطره، ارتباطات بحران: زمینه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها». فصلنامه رسانه

تابستان ۱۳۸۷: ۸۱-۱۰۵.

۲ نظری کمال، مینا. «چالش‌های کاربرد روانشناسی در مدیریت بحران، بررسی سه زلزله اخیر (هریس، شنبه

۳۰۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

می‌گوید و کمک‌چندانی در هنگام وقوع بحران به مردم نکرده است.^۱ ادبیات گسترده «مدیریت بحران‌های طبیعی» را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت، اما اکثر آن‌ها، فهرستی از دستورات تجویز می‌کنند که اساساً ربطی به زمان وقوع بحران ندارد؛ استقرار نظام‌های اطلاعاتی یا احداث مراکز امداد روش‌هایی برای کمک پس از مواجهه با بحران هستند.

این موضوع ما را بر آن می‌دارد از نخبگان علوم انسانی با این پرسش «دعوت» به عمل آوریم: استادان و محققان رشته‌های انسانی در دانشگاه و حوزه در «حین» بحران‌های طبیعی و انسانی چه نسخه نجات‌بخشی «خطاب به مردم» دارند؟

پیشنهاد‌های موجود غالباً به اصلاح ساختارهای امدادی مرتبط می‌شود که در این مقاله از آن به «ساختار نجات» تعبیر می‌کنیم. آمادگی، پیشگیری، مدیریت اطلاعات، رهبری چابک و اصلاح قوانین پیشنهادهایی در جهت ایجاد ساختار نجات هستند.^۲ حتی پیشنهاد‌های جالبی نیز برای کمک‌رسانی مجازی کاربران اینترنت برای یافتن مناطق بحرانی با استفاده از نقشه‌های ماهواره‌ای ارائه شده است.^۳ مشکل این پیشنهادها آن است که افراد در

و مورموری)، «همایش سالانه مدیریت سلامت در بلایا و فوریتها، ۱۳۹۵. اجلیلی، سید پرویز. «تحلیل اقتصادی بلایای طبیعی»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱. ۲کمالی، یحیی و جلال میرزایی، مقایسه ساختار مدیریت بحران در ایران، ژاپن، هند و ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری عمومی، (۱۳۹۶): ۲۸۹-۲۴۵. آقابخشی، حبیب‌الله. «منشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی (با نگاهی به زلزله بم)» فصلنامه رفاه اجتماعی (۱۳۸۲): ۱۳۳-۱۴۶. صلواتیان، سیاوش و علی سروری، جمع‌سپاری و افق به کارگیری آن در فرایندهای مدیریت بحران‌های طبیعی. (crowdsourcing) دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۵۱.

دعوت به طراحی «کنش نجات» □ ۳۰۷

معرض بحران را منفعل و منتظر امداد تعریف می‌کنند؛ افرادی که باید گوش به فرمان سازمان‌های امدادی باشند؟ چنین نگرشی به مردم حاضر در بحران نابجاست، زیرا سازمان‌های امدادی توان محدودی دارند و عموماً کسی جز خود بومیان به داد آسیب‌زدگان نمی‌رسد. نظام‌های اطلاعاتی و اجرایی بخصوص فضای سایبر و دولت را نباید مؤثرترین الگوی نجات و سرمایه امدادی تلقی کرد. اگر این ساختارها در کشورمان بخوبی عمل کنند - که تجربه، خلاف آن را ثابت کرده - می‌توانند به میزان قابل توجهی از حجم خسارات ناشی از بحران بکاهند، اما نمی‌توانند جایگزین عاملان مؤثر بومی در محل بحران شوند.

بگذارید مروری بر توصیه‌های عملی سازمان بهداشت جهانی (WHO) خطاب به مبتلایان به ویروس کرونا داشته باشیم. بیشتر این توصیه‌ها از این دست هستند؛ «دست‌های خود را با آب و صابون بشویید و با الکل ضد عفونی کنید»، «هنگام سرفه، جلوی دهان خود را با دستمال بگیرید و بلافاصله آن را دور بیندازید»، «در خانه بمانید و ویدیوگیم، بازی کنید»^۱ و «سبزیجات تازه مصرف کنید». این فهرست‌ها، کنش‌هایی را تجویز می‌کنند که می‌توان آن را «کنش ابزاری نجات» نام نهاد. بدین معنا که با داشتن چند ابزار و رعایت چند تکنیک فردی قادر خواهید بود از بحران نجات پیدا کنید. با وجود آن که خواندن و عمل به این توصیه‌ها خالی از فایده نیست، اما چنین تجویزهایی حداقل دو نقص اساسی دارند. اول آن که این اقدامات در یک نظم نظری و عملی تدوین نشده‌اند و انباشتی از اطلاعات هستند. برای مردمی که در وحشت ناشی از یک رویداد هولناک قرار دارند چنین توصیه

1. Play Apart Together

هایی آرامش نخواهد آفرید. دوم آن که پیشنهادهای فهرست‌وار موجود در برابر بحران، بیش از آن که سرمایه‌های فکری، انسانی و روانی را حفظ و افراد را به همکاری با یکدیگر دعوت نمایند، آن‌ها را سرگرم تعدادی ابزار و تکنیک فردی می‌کند. این توصیه‌ها، گاهی افراد را برای حفظ یا کسب ابزارها و سبقت از یکدیگر حریص و عصبی می‌کنند و ممکن است فاجعه طبیعی، به یک فاجعه انسانی تبدیل شود.

از آنجا که کنش نجات یک امر انسانی است، طرّاحی چنین کنشی با یک مطالعه‌ی میان‌رشته‌ای با محوریت محققان علوم انسانی و اجتماعی میسر خواهد بود. شاید لازم باشد همین جا تعریفی از کنش ارائه کنیم. کنش در ادبیات علوم اجتماعی، رفتاری نیت‌مند و معنادار است که متّکی بر آگاهی، ابتکار و انعطاف فرد نسبت به محیطش شکل گرفته است. فرض کنید صبح از خواب بلند شدید و برای اولین وعده‌ی روز آماده می‌شوید. تمام کارهایی که در این وعده انجام می‌دهید - از باز کردن در یخچال تا شستن ظرف‌ها - کنشی است که آن را صبحانه می‌نامند.^۱ صبحانه می‌تواند بر اساس سرعت، مقوّی بودن، سالم بودن و یا با مرکزیت خانواده معنادار شود. فرد بر اساس این معانی، از میان امکانات موجود گزینش می‌کند و یک نقشه عملی می‌آفریند؛ مثلاً اگر صبحانه، غذایی مقوّی معنا شود، می‌تواند با گزینش غذاهای پرکالری صورت گیرد و اگر صبحانه را غذای سالم معنا کنیم، ارگانیک و پر ویتامین بودن مهمّ می‌شود. اگر صبحانه بر اساس پدیده‌ی مادری یا خانواده معنادار شود، آنگاه بر سر سفره نشستن و حضور مادر و پدر ملاک‌هایی هستند که فرد را در انجام کنش صبحانه از درون راهنمایی می‌کنند.

1. Goffman, Erving. *Frame analysis*. New York: Harper & Row, 1974, p21.

دعوت به طراحی «کنش نجات» □ ۳۰۹

«کنش نجات» نیز به شیوه‌های مختلفی معنادار می‌شود و کنشگر را برای تحقق هدف مشخصی هدایت می‌کند. نجات می‌تواند مبتنی بر معنای استمداد، استفاده یا استقامت^۱ تعریف شود. هنگامی که نجات استمداد معنا شود آسیب دیدگان به اجرای فرمان‌های مسئولان مرتبط تشویق می‌شوند. معنای دوم فرد را به استفاده از چند فن یا فناوری ترغیب می‌کند؛ اما اگر کنش نجات، استقامت باشد، آن‌ها به همیاری و امیدواری در مقابل بحران سوق داده می‌شوند.

۲. طراحی کنش نجات

بگذارید اندیشه اخیر یعنی «کنش مقاومتی نجات» را به مثابه یک تز، کمی بسط دهیم تا دعوت این مقاله برای طراحی کنش، یک دعوت ایجابی باشد. پس از سیل‌های متعدد سال ۱۳۹۸، تصاویری در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «پلهایی که در برابر سیل مقاومت کردند» منتشر شد که قدمت اکثر آن‌ها به دوران صفویه و ماقبل آن باز می‌گردد. شاخص‌ترین آن‌ها پل لنگرود در شمال کشور است که از ساروج ساخته شده. ساروج ترکیبی طلائی از خاک رس و آهک است که توسط معماران ایرانی، متناسب با اقلیم ایران ابداع شده است. ساروج نه تنها در برابر آب مقاومتش را از دست نمی‌دهد، بلکه محکم‌تر می‌شود. ساروج با محیط‌زیست سازگارتر و از سیمان ارزان‌تر است. اما منافع شرکت‌های بزرگ سیمان جایی برای این ابتکار ایرانی باز نمی‌کند. پیوندهای اجتماعی نیز می‌توانند در ترکیبی خاص متناسب با زمینه‌های فرهنگی خود در برابر بلایای طبیعی و انسانی، خصلتی ساروجی پیدا کنند و با

1. Questing, Using, Resisting.

هزینه‌های اندک در برابر بحران مقاومت کنند. عناصر و مؤلفه‌های اصلی این ترکیب می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- طبیعت، فرهنگ و تمدن: کنش نجات باید با فهم نسبت میان طبیعت، فرهنگ و تمدن طّراحی شود. تمدن همان ساختارهای بزرگ شهری همچون سازمان‌های اجرایی و نظام‌های ارتباطی بزرگ (اعم از رسانه‌ها و راه‌های مواصلاتی) است که با «کنترل» طبیعت شکل گرفته است؛ اما فرهنگ یک جماعت^۱ نه چندان بزرگ، اما معنادار انسانی است که با «پرورش»^۲ طبیعت پدید آمده است. بلایای طبیعی در واقع اوج تعارض میان تمدن و طبیعت هستند. همان طبیعتی که توسط تمدن دستکاری و تخریب شده، هم‌اکنون علیه تمدن طغیان کرده و آن را فلج می‌کند. بی‌تردید کمک گرفتن از طبیعت طغیان کرده و تمدن از کار افتاده، گزینه‌ی اوّل مواجهه با بحران نیست. به طبیعت تا زمانی که آرام نشده و تمدن تا زمانی که به خود نیامده، نمی‌توان امیدوار بود. تمدن در منطقه حادثه، ناتوان شده و در مناطق خارج از بحران مسیرهای امدادی و ارتباطی خود را به سمت منطقه بحران از دست داده است؛ بنابراین در لحظات مصیبت‌بار فاجعه، بهترین گزینه نجات، فرهنگ یعنی شکل‌گیری جماعت‌های کوچک محلی خواهد بود؛ همان چیزی که محققان حوزه بلایای طبیعی از آن به «چرخش فرهنگی در مطالعات بحران» تعبیر می‌کنند.^۳

۲- گروه‌های محلی نجات: «کنش مقاومتی نجات» درون فضایی فرهنگی

1. Community

2. Cultivation

3. Rodríguez, Havidán. Handbook of Disaster Research. Switzerland: Springer, 2018, p109.

دعوت به طرّاحی «کنش نجات» □ ۳۱۱

شکل می‌گیرد و مهم‌ترین هدفش آن است که افراد در معرض خطر تا فرا رسیدن کمک‌های مردمی و دولتی در برابر بحران مقاومت کنند، یعنی از تمام ظرفیت‌های درونی خود استفاده کنند، همکاری کنند و امید خود را از دست ندهند. حاصل این کنش، تشکیل جماعت‌های کوچک مقاومت در برابر بحران خواهد بود که آن‌ها را «گروه‌های محلی نجات» می‌نامیم. این گروه‌ها، در برابر فشار طبیعت فلج نمی‌شوند، بلکه به عکس، به هر میزان که شدت بحران افزایش می‌یابد، تاب و توان بیشتری در تعاملات درون و برون گروهی بالفعل می‌شود. تحقیقات انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی بحران (Disaster anthropology) نشان داده است که حین وقوع بحران‌های طبیعی، تضادهای اجتماعی کم‌رنگ می‌شوند.^۱ آخرین یافته‌های این حوزه مطالعاتی نیز درباره «تاب‌آوری» (resilience) به مثابه راهکار و ارزش مرکزی در بحران تأکید دارند^۲ و برخی از محققان بر اساس آن مدل‌هایی طرّاحی کرده‌اند.^۳

همدلی و همفکری افراد در گروه‌های محلی نجات، از آن‌ها را در برابر اتّفاقات محافظت می‌کند، زیرا عقل و قلب جمعی قدرتمندی ایجاد می‌کند.

۳- ایمان و امید: ابعاد ایمانی «کنش مقاومتی نجات» اهمیتی اساسی

اشادی طلب، ژاله. «جامعه‌شناسی فاجعه» مسکن و محیط روستا (۱۳۷۳): ۱۸-۲۴.

2. James M. Kendra, Lauren A. Clay and Kimberly B. Gill. "Resilience and Disasters." Rodríguez, Havidán. Handbook of Disaster Research. Switzerland: Springer, 2018.

Building Community Disaster Resilience Through Private-Public Collaboration. National Academies Press, 2011.

۳مطهری، زینب السادات و مجتبی رفیعیان. «تبیین مدلی به منظور ارتقاء مدیریت خطر بحران با رویکرد

اجتماع محور، نمونه موردی: یکی از اجتماعات محلی تهران» معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۷

(۱۳۹۵): ۳۸۹-۴۰۲.

۳۱۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

دارد، زیرا مهم‌ترین عنصر نجات، «امید» است.^۱ در زمان بیم‌ها (خوف)، ضروری‌ترین بخش نجات، امیدها (رجا) هستند. کسانی که امید بیشتری برای نجات دارند قادر خواهند بود «گروه‌های محلی نجات» را شکل داده و رهبری کنند. حقیقت آن است که عملیات «نجات» صرفاً رهایی از دام طبیعت نیست،^۲ بلکه متضمن ارزش‌رستگاری^۳ است. امیدواری مؤمنانه، یک جماعت مصیبت‌دیده را به مقام «صابرین» می‌رساند (الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ)^۴. برای صابران، بحران یک دوره گذار و فرصتی برای آزمون و ارتقاء توانایی‌هاست (بلاء و ابتلاء)^۵ که از آن به بهترین نحو استفاده خواهند کرد و حاصل آن یک تغییر ارزشمند در ساختارهای حیات اجتماعی خواهد بود.

۴- ساختارها و فرآیندهای نجات: ساختارهای مدیریت بحران و نجات، اصولاً در خارج از منطقه بحران مستقر و فعال می‌شوند، اما باید دانست هیچ‌کس از خود «گروه‌های محلی نجات»، به بحران یا فاجعه نزدیک‌تر نیست و نباید شبکه‌های اجتماعی، اطلاع‌رسانی و امدادگران خارج از بحران را مغز یا قلب مدیریت بحران دانست. حتی باید بدانیم، در صورتی که گروه‌های محلی نجات شکل نگیرد، اطلاعات و کمک‌های خارجی با مدیریت این ساختارها چندان کارآمد و مورد اعتماد ساکنان محلی نخواهد بود. گروه‌های محلی هستند که اطلاعات، امکانات و مهارت‌های ضروری خود را تأمین می‌کنند، به

۱. دهشیری، اکرم. معناشناسی توصیفی واژه نجات در قرآن. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۵.

2. Rescue.

3. Salvation.

۴. بقره: ۱۷۷.

۵. بقره: ۴۹.

دعوت به طرأحی «کنش نجات» □ ۳۱۳

اشتراک می‌گذارند و در برابر بسیاری از مشکلات؛ بخصوص مشکلات حین بحران، مقاومت می‌کنند. در مراحل بعد ساختارهای نجات‌قادرند این تبادل اطلاعات، امکانات و تجربیات را تسهیل کنند. از این رو، لزوم خلاقیت در بستر خاص بحران، صرف به کارگیری ساختارها و فرآیندهای از پیش تعیین شده را به مثابه اولویت اصلی نجات در حین بحران، ناموجه می‌سازد.

۵- ارتباطات انسانی: ارتباطات در منطقه بحران به مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم «کنش مقاومتی نجات»، در بستر روابط انسانی شکل می‌گیرد. گروه‌های محلی نجات یک الگوی ارتباطی مبتنی بر حس تعلق فرد به یک مکان است. افراد در عین کمک به دیگران، خودشان را نیز درون یک محیط همدلانه حفظ می‌کنند. رسانه‌ها نیز به جای آن که افراد را به فیلم دیدن در خانه و سرگرم شدن مشغول کنند، شیوه‌های تشکیل گروه‌های نجات و مشارکت مردم در آن‌ها را بازنمایی می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه در عین رعایت بهداشت فردی، می‌توانند همدلی، همفکری و همکاری داشته باشند.

۶- تولید پیام (بلاغت): در زمان بحران، مهم‌ترین جمله‌ای که برای مردم تکرار شود، راهبرد اصلی مواجهه با بحران و راهنمای تمام اقدامات دیگر خواهد شد. جمله‌ای که بیشترین معنا را در ساده‌ترین کلمات بیان می‌کند. عموماً تولید چنین جملاتی بر عهده دانش بلاغت است که ریشه‌دارترین سنت نظری در ارتباطات به شمار می‌آید. علم بلاغت بر اساس «مقتضای حال مخاطب» و شیوه‌های «استعاره» پیامی بلیغ تولید می‌کند. در مواجهه با کرونا می‌توان ردپای دو استعاره اصلی را پیدا کرد :

- کرونا دشمن است: کرونا دشمنی است که به اجتماع انسانی هجوم آورده است و از آنجا که انسان اشرف مخلوقات است، در

این جنگ نیز پیروز خواهد شد. با این نگاه، استعاره «کرونا را شکست می‌دهیم» تولید می‌شود.

- کرونا آزمون است: کرونا برای اجتماع انسانی به مثابه یک امتحان است که با قبولی در آن، وارد مرحله جدیدی از حیاتش خواهد شد. حاصل این رویکرد، استعاره «آزمون کرونا» خواهد بود. اندیشه‌ای که رهبر انقلاب بدان اشاره کردند، اما همانند گذشته محققان علوم انسانی آن را دریافت نکردند چه رسد به آنکه، راهبرد واحدی بر اساس آن طراحی کنند.

هر دو راهبرد منشأ دینی دارند و آینده‌ای امیدوارانه را ترسیم کنند؛ اما هر دو اصطلاح سریعاً به یک جمله صوری تبدیل شدند و معنای استعاری مولد خود را از دست دادند و یک الگوی واحد کنشی را پدید نیاوردند. مخاطبان این پیام نه وجه ارزشی این پیام‌ها را دریافت کردند و نه وجه کنشی آن‌ها را. اساساً هیچ التفاتی به حیث بلاغی بحران کرونا نشد و راهبرد استعاری واحدی در جریان کرونا طراحی نگردید.

چند ماه بعد بار دیگر رهبر انقلاب، پیام دیگری را با استعاره «رزمایش» ایجاد کرد که به حرکتی ملی برای کمک به مستضعفان در ماه مبارک تحت عنوان «رزمایش کمک مؤمنانه» تبدیل شد. اندیشه «رزمایش» قادر است در خصوص مدیریت بحران نیز بکار آید و دو استعاره آزمون و دشمن را یگانه سازد و در عین حال کنش خاصی را نیز تجویز کند. مفهومی که قدرتمندتر و معنادارتر از پوییش و چالش در فضای مجازی عمل کرد.

با این توضیح می‌توان راهبرد جدیدی را در مواجهه با بحران‌ها تحت عنوان «رزمایش نجات» طراحی کرد. این راهبرد، فراتر از توصیه‌های فردگرایانه

دعوت به طرّاحی «کنش نجات» □ ۳۱۵

بهداشتی و ابزاری دست به تبیین می‌زند. رزمایش در بردارنده سه مضمون محوری است که به حوزه مفهومی نجات، نگاشت می‌شود: رزم، آزمایش و نمایش. رزمایشی که قلمروی رزم آن محلّه، قلمروی آزمایش‌اش ملی و قلمروی نمایش آن، جهانی است.

پیام‌های مکمل	پیام اصلی	استعاره
	رزمایش نجات	کنش نجات، رزمایش است
از خانه‌هایتان دفاع کنید. ^۱ [بحران] را شکست خواهیم داد. در برابر [بحران] مقاومت کنید. [نکات ایمنی و بهداشتی] سپر و سلاح شماست. [نکات ایمنی] [نکات بهداشتی]	بسیج محلّی نجات، تشکیل دهید.	کنش نجات، رزم است.
ملّت‌ها در آزمون، اندیشه‌ها در ترازو حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ^۳ (مؤمنان را نجات خواهیم داد).	[بحران] یک فرصت است. ^۲	کنش نجات، آزمایش است.

۱. اصولاً خانه در زمان بحران همانند یک زندان تصوّر می‌شود که یا باید در آن محبوس ماند و یا از آن فرار کرد. اگر کنش نجات به مثابه یک رزم و مقاومت در سطح محلّه تعریف شود، نه تنها مردم را از فرار از خانه منصرف کرده‌ایم که احساس افتخار را جایگزین انفعال و زندانی بودن در خانه نمودیم. در سیل‌های بهاری ۱۳۹۸ و بحران کرونا بخوبی می‌توان هر دو تصوّر و آثار آن‌ها را مشاهده کرد.
۲. رزمایش، شبیه‌سازی رزم است بدین معنا که سرباز در آن کشته نخواهد شد، بلکه فرصتی می‌یابد تا توانایی‌هایش را در عمل بیازماید.
۳. یونس: ۱۰۳.

<p>قُلِ اللَّهُ يَنْجِيكُمْ مِنْهَا ۱ (بگو خدا نجاتتان خواهد داد). [بحران] یک آیه است، در آیات خدا تدبّر کنید.</p>		
<p>خبرنگار محله خود باشید. پویش حماسه نگاری. Power-in-picture</p>	<p>روایتگر این حماسه باشید.</p>	<p>کنش نجات، نمایش است.</p>

بدین ترتیب اولین نسخه نظریه کنش نجات، با الگوی عملی «رزمایش» بر روی میز گفتگوی محققان علوم انسانی و اسلامی قرار دارد.

۳. منابع

آقابخش، حبیب الله. «منشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی (با نگاهی به زلزله بم)». *فصلنامه رفاه اجتماعی* (۱۳۸۲): ۱۳۳-۱۴۶.
بامداد، ناصر. «شناخت و اداره بحران: درس‌هایی از زلزله بم». *فرآیند مدیریت و توسعه* (۱۳۸۴): ۴۸-۵۶.
«جمع‌سپاری و افق به کارگیری آن در فرایندهای مدیریت بحران‌های طبیعی (crowdsourcing)» *دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران* (۱۳۹۵): ۲۳۷-۲۵۱.
خانیکی، هادی. «ارتباطات مخاطره، ارتباطات بحران: زمینه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها». *فصلنامه رسانه تابستان* ۱۳۸۷: ۸۱-۱۰۵.
دهشیری، اکرم. *معناشناسی توصیفی واژه نجات در قرآن*. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۵.
شادی طلب، ژاله. «جامعه‌شناسی فاجعه». *مسکن و محیط روستا* (۱۳۷۳):

دعوت به طراحی «کنش نجات» □ ۳۱۷

۲۴-۱۸.

مطهری، زینب السادات و مجبتی رفیعیان. «تبیین مدلی به منظور ارتقاء مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع محور، نمونه موردی: یکی از اجتماعات محلی تهران. «معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۷ (۱۳۹۵): ۳۸۹-۴۰۲.

Building Community Disaster Resilience Through Private-Public Collaboration. National Academies Press, 2011.

Goffman, Erving. *Frame analysis*. New York: Harper & Row, 1974.

James M. Kendra, Lauren A. Clay and Kimberly B. Gill. «Resilience and Disasters.

Rodríguez, Havidán. *Handbook of Disaster Research*. Switzerland: Springer, 2018.

۲۸. چند میلیون نفر مبتلا به کرونا هستند؟!

محمدرضا آرام^۱

پیش از این، با بایدها و نبایدهای پلیس زندگیمان را تحت تأثیر قرار دادیم. نکند تا مالمان را ببرند! افراد ناشناس و رهگذران را برای رضای خدا سوار نکنید! ممکن است سوء قصد به شما کنند و اموال و ماشینتان را بدزدند! در سفرها از همسفرهایتان چیزی قبول نکنید (رد احسان کنید)، چرا که ممکن است، قصد مسموم کردن یا بیهوشی شما را داشته باشند و بخواهند اموالتان را بدزدند! اگر درگیری خیابانی یا دزدی در اماکن عمومی مشاهده کردید، مبادا احساس مسئولیت کنید و دست به کار شوید. یا با پلیس تماس بگیرید یا با دوربین‌های خوشگلستان از صحنه‌های جرم فیلم بگیرید و برای ما ارسال کنید، ما رسیدگی می‌کنیم!

بگذار به دیگران بر بخورد، بگذار روابطت با دیگران محدود باشد، اما در

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی / پژوهشگر حلقه سیاست خانواده مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / رایانامه: mr.aram@chmail.ir / تاریخ نگارش: دهم

۳۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاهها و راهبردها (۲)

عوض اموالت در امان خواهد بود. احساس ناامنی بهتر از ناامنی است!

امروز هم نوبت به کرونا رسیده است که به بهانه دوری از آن و حفظ جان، آرام آرام جان ما را آب کند. به همه مشکوک باشید. مبادا به کسی نزدیک شوید، شاید کرونا گرفته باشد و خودش خبر ندارد. مبادا به مسجد و هیأت و نمازجمعه بروید. شاید مهرها آلوده و یکی از اطرافیانتان مبتلا به این ویروس هست و شما خبر ندارید. حالا بازار و شمال را که نمی‌توان تعطیل کرد. هرچه می‌خواهید به جای مراسمات مذهبی خرید کنید و در سواحل شمال قدم بزنید. آنقدر تو و دیگران را ترسانده‌اند که اگر آب در گلویت گیر کند و سرفه‌ای بکنی خانواده‌ات هم از تو دوری می‌کند و تا تست کرونا ندهی از فاصله دور نگاهت می‌کند. تست کرونا هرچند درمان کرونا نمی‌کند، اما تو را از حال و روزت باخبر می‌کند. به بیمارستان که وارد می‌شوی سیل افرادی را مشاهده می‌کنی که به خود مشکوکند. افرادی که یقین خود را به شک‌های خود یا اطرافیان به ارزانی فروخته‌اند و حالا از هول حلیم در دیگ آلوده بیمارستان افتاده‌اند. از این همه افراد مشکوک و مظنون، لاف‌ل یک نفر که مبتلا به این بیماری هست و همه افراد در بیمارستان را به این ویروس مبتلا می‌کند.

آمارهای مبتلایان به کرونا می‌گوید که حدود ۴۲ درصد از مبتلایان در بیمارستان‌ها مبتلا به کرونا شده‌اند! برای تشخیص درد احتمالی به بیمارستان مراجعه کرده‌اند، ولی با درد قطعی و مخوف به خانه برگشته‌اند.

مثل امروز ما، همان مثل دیروز ماست. شبی که احتمال زلزله در تهران می‌رفت همه همسایه‌ها به بیرون از منزل رفتند و آن شب سرد را در پارک‌ها سپری کردند تا مبادا شب زلزله‌ای بیاید و آجری بر سر کسی بخورد. آن شب

چند میلیون نفر مبتلا به کرونا هستند؟! □ ۳۲۱

زلزله نیامد، اما بیچاره همسایه ما که آن شب را در پارک ماند و دچار گازگرفتگی شد. اجلس فرا رسیده بود و به دیار باقی شتافت.

در هنگام شیوع یک بیماری چون کرونا، اگر اصل صحت و سلامت کنار رفت، آنگاه اصل با مریضی تمام اطرافیان (خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها و همشهری‌ها) می‌شود. حالا آمار مبتلایان به کرونا از چند میلیون نفر هم تجاوز کرده است. مهم نیست کرونا وارد جسم و جانت شده باشد، مهم این است که ذهن و روانت کرونایی شده است. حالا می‌توانی بخوبی تغییر را احساس کنی. از نگاه‌های اطرافیان گرفته تا ترس از نزدیک شدن و ارتباط گرفتن‌ها را. تازه اگر اهل شهری مثل قم که باشی و اوپلاست. قمی که باشی انگار نماینده تام‌الاختیار حضرت عزرائیل هستی و همگان باید از تو فراری باشند یا از روی احساس مسئولیت نام و نشان تو را فریاد بزنند. وای به روزی که مشکوک به بیماری باشی یا حتی بیماری بگیری که کم‌ارزش‌ترین هستی. مبدا کرونا - با تمام کوچکی‌اش - مرزهای بلند انسانیت را جابجا کند. یادمان باشد، بهداشت جسم به آن صورت و در آن حدی خوب است که بهداشت روح و روان را لجن‌مال نکند. یادمان باشد برای انسانیت گرد آمده‌ایم.

مشکل اساسی بسیاری از توصیه‌های پزشکی، مواجهه‌های فردگرایانه آن‌ها با بیماری‌هاست. در فرهنگ مدرن، بر خلاف فرهنگ سنتی ما، این دولت است که جای مسئولیت‌های اجتماعی را می‌گیرد. در تمدن غرب، انسان به مثابه اتمی است که دائماً حول محور خود و منافعشان می‌چرخد و همزیستی با دیگران، فرع بر او می‌شود. به همین دلیل است که قرنطینه کردن انسان‌ها در مواقع بحران، بدیهی انگاشته می‌شود و دستورالعمل‌های

۳۲۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

امنیتی ما همین متمیزه شدن افراد و تفردشان را بیش از پیش تقویت می‌کند.

گر از کرونا ویروس، دیگری شد هلاک / مرا ماسک و دستکش هست، از قرنطینه چه باک؟!

معضل اساسی این نحوه مواجهه با بحران‌ها، در این است که دولت‌های مدرن در رفع کامل مشکلات و بحران‌ها عاجزند و شهروندان هم به آن‌ها برای حلّ مشکلات اعتماد کافی ندارند. در این اوضاع، بهترین نهادهایی که می‌توانند با اتکا به نوعی مسئولیت همگانی به بهبود وضع موجود کمک کنند، نهادهای خانواده، خویشان و مسجد هستند. نهادهایی که در عین احساس مسئولیت، به اطرافیان خود احساس تعلق و وابستگی دارند.

بخش پنجم: مدیریت و حکمرانی

۲۹. کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا : آیا ایران موفق بوده است؟

دکتر حسن دانایی‌فرد^۱

مقدمه

بحران، فاجعه، رویدادهای غیرمترقبه از خواص ذاتی این جهان است که خاستگاه آن ممکن است به جوهره طبیعت برگردد یا دست انسان در کار باشد. علت آن، هرچه باشد در عصر وجود حکومت و دولت، کنترل همه این پدیده‌ها تا حد ممکن، از وظایف اصلی حکومت‌ها و دولت‌هاست. پدیده کرونا نیز از این قاعده مستثنی نیست، پدیده‌ای که همه کشورهای جهان را و از جمله ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. چند ماهی است کیفیت کشورداری حکومت و دولت ایران در بوته آزمون قرار گرفته است. بدون از سر گذراندن بحران‌ها، نمی‌توان در مورد کشورداری حکومت‌ها سخن به میان آورد. به نظر شما منظور از کشورداری چیست؟

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس / رایانامه: hdanaee@modares.ac.ir / تاریخ نگارش: اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹

۱. کشورداری: فهم محتوای و روابط سطوح

در هر کشوری، رفتار اداره کشور دارای سه سطح اصلی است که تعامل این سه سطح، کشورداری را رقم می‌زند:

۱-۱. سطح حکمرانی یا راهبری ملی

این سطح که رأس آن رهبری و بازیگران اصلی آن سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه هستند، عهده‌دار کارویژه‌های اصلی ذیل هستند:

۱-۱-۱. تبیین اهداف عرصه‌های ملی

این اهداف با تجلی یافتن در بیانیه‌های رسالت کشور در عرصه‌های مختلف و از قبل طرح راهبردی تدوینی اجرا می‌شود. این اهداف با تعریف غایی کشور در آن عرصه‌ها، چگونگی تحقق آن هدف غایی را شرح می‌دهند. طرح راهبردی کشور در هر عرصه، حلقه واسط دستگاه حکمرانی آن عرصه و سطح مدیریتی است که متولی تدوین راهبردها برای تحقق آن اهداف است.

۱-۱-۲. تعیین چارچوب اخلاقی حاکم بر عرصه‌های ملی

مشخص کردن ساحت‌های مهم رفتاری در اعمال مدیریتی و فعالیت‌های عملیاتی در عرصه‌های مختلف کشور. تعیین دستورالعمل‌ها/شیوه‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی برای ساری و جاری شدن در تار و پود جامعه.

۱-۱-۳. تعیین چارچوب شکل دهنده تعاملات مردم با هم (فرهنگ ملی)

تزریق دولت‌پذیری یا حکومت‌پذیری در میان آحاد ملت از طریق راهبردهای مورد عمل منصوبین سیاسی یا مدیران اجرایی. هدایت رفتاری، گفتاری و اندیشه‌ای ملت به سمت و سوی تحمل‌پذیری، خطرپذیری، تاب‌آوری ملی،

کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا... □ ۳۲۷
نوع دوستی، مراقبت از همدیگر، گذشت، ایثار، فداکاری، میل به تسهیم
داشته‌های خود با دیگران، یاری‌رسانی در شرایط بحران، کشور دوستی و عرق
ملّی و رعایت حلال و حرام الهی در رفتار، زبان و فکر.

۴-۱-۱. تعیین چارچوب تبعیت‌پذیری ملّی مدیریت و کارکنان کشوری

شناسایی، تدوین و اشاعه منظومه‌های تنظیم‌گری در جامعه، طوری که
اَعمال و کردار مدیریت و کارکنان در پرتو تبعیت از قانون منجر به تحقّق
اهداف ملّی شود.

۵-۱-۱. تضمین پاسخگویی مدیریت در قبال اهداف محوّله و اختیارات واگذار شده:

این کار از طریق ارتقاء کیفیت محیط اخلاقی و فرهنگی ابلاغی دستگاه
حکمرانی درون دستگاه مدیریتی کشور در عرصه‌های مختلف، و پاسداری
کارآمد و اثربخش از منابع در اختیار مدیریت و به کارگیری آن‌ها در جهت
خطّ‌مشی‌های ابلاغی و همچنین، اجرای با کیفیت طرح راهبردی و تحقّق
اهداف ملّی، محقّق می‌شود.

۶-۱-۱. عملکردبینی، پایش و نظارت بر مدیریت

از طریق ابلاغ اصول، ساختارها و ابزارهای پایش و نظارت بر عملکرد مدیریت.

۲-۱. سطح مدیریت

این سطح عهده‌دار وظایف ذیل است:

- پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای اجرای طرح راهبردی دستگاه حکمرانی؛
- سازمان‌دهی منابع در اختیار طرح راهبردی دستگاه حکمرانی؛

۳۲۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- جهت‌دهی، هدایت و همراستایی همه عناصر مدیریت، برای اجرای طرح راهبردی دستگاه حکمرانی؛
- هماهنگی افقی با هیأت حکمرانی و همین‌طور هماهنگی عمودی درون مدیریت و تعامل با سایر مدیریت‌ها؛
- کنترل نیل به اهداف مندرج در طرح راهبردی دستگاه حکمرانی.

۳-۱. سطح عملیات

این سطح عهده‌دار انجام عملیات اصلی در حوزه تخصصی است. انجام امور عملیاتی ممکن است به وسیله خود دولت، بخش خصوصی، غیردولتی و ... انجام شود.

۲. کیفیت کشورداری در مبارزه با کرونا

نکته قابل توجه این که این تقسیم‌بندی هم در کلیت کشورداری صادق است و هم در حالت موضوعی و همچنین، بر اساس قلمرو خط‌مشی‌ای. برای مثال، کشورداری در عرصه آموزش و پرورش، گردشگری، علم و فناوری، نظامی و انتظام، فرهنگی و اقتصادی.

نکته دوم این که پیوند بین «راهبری، مدیریت و عملیات» لزوماً در قالب یک سند جامع ممکن است ارائه نشود. بر این اساس، پیوند میان نظام راهبری مبارزه با کرونا- مدیریت آن- و عملیات مبارزه را در نظر بگیرید. اکنون در مورد کیفیت کشورداری در این حوزه می‌توان نکاتی متذکر شد:

۱-۲. چابکی در راهبری

اصل اساسی در کنترل بحران‌ها، چابکی در راهبری است. منظور از چابکی در راهبری، سرعت در تنظیم چارچوب هدایت مدیریت و در نتیجه انجام بموقع

کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا... □ ۳۲۹

عملیات است. همراستایی سه قوه با رهبری نظام از یک طرف، هماهنگی و به طور خاص، انسجام وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های تحت نظارت رهبری و همچنین، قوای نظامی در رسیدن به خط‌مشی‌ای واحد برای هدایت مدیریت عملیات مبارزه با کرونا، از طرفی دیگر، توانست تا حدّ زیادی از آسیب‌های جدّی این بحران به کشور جلوگیری کند. دلیل این امر به رهبری واحد کشور و کاهش فاصله بین سه قوه از یک طرف و از سویی دیگر، کشوردوستی و حفظ تمامیت حکومت اسلامی در میان همه راهبران ملی، جهت‌دهی واحدی را به سمت کنترل کرونا، تا حدّ قابل قبولی، ترسیم کرد.

۲-۲. چابکی مدیریتی

رمز موفقیت چابکی راهبری، در چابکی مدیریتی است. برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل اهداف مصوّب در هیأت راهبری کشوری، اگر به سرعت انجام شود، می‌تواند سرعت در کنترل بحران را افزایش دهد. به طور کلی، بر این اساس، چابکی مدیریت را باید در اعمال بهنگام فرآیند مدیریت بحران، جستجو کرد. مدیریت بحران، اشعار به فرآیند مواجهه اداره امور عمومی کشور با رویدادی غیر منتظره و ویرانگر است که کشور و شهروندان را تهدید می‌کند. اگر چه گام‌های مورد عمل در اجرای این فرآیند، بعضاً متفاوتند، ولی گام‌های ذیل در بیشتر شیوه‌های مدیریت بحران، مشابهت دارد:

- دارا بودن یک طرح؛

مشمول بر اهداف روش، راهبردها و اقدامات اجرایی مبارزه با بحران.

- تعیین یک سخنگو؛

نظر به این که جوانب مختلف بحران مورد توجه رسانه‌ها قرار خواهد گرفت و

۳۳۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

امنیت روانی شهروندان در اثر اخبار و گزارش‌های سوگیرانه رسانه‌ها و مطبوعات، آسیب خواهد دید، انتخاب یک سخنگو برای ارائه اطلاعات صحیح و مصاحبه با رسانه‌ها، می‌تواند گام دوم مفیدی باشد.

- صداقت و باز بودن در گفتار و کردار؛

القاء فقدان صداقت و شفافیت در فضای رسانه‌ای کشور، آسیب جدی بر روحیه شهروندان خواهد زد. باز و شفاف عمل کردن تا حدّ ممکن، می‌تواند بازار شایعات را کساد کند و مانع از دست‌اندازی رسانه‌ها به ذهن و روح شهروندان شود.

- آگاهی‌بخشی مستمر شهروندان؛

آگاهی‌بخشی مستمر شهروندان، می‌تواند اطمینان از فرآیند مبارزه با بحران را در اذهان شهروندان تضمین کند و علاوه بر کاهش میزان شایعات درون و برون‌کشوری، اثرگذاری گزارش‌های سوگیرانه بر روح و روان شهروندان را نیز کاهش خواهد داد.

- ارائه گزارش‌های به‌موقع به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و

کشورهای همکار و دوست:

سازمان‌های بین‌المللی و همسایگان باید گزارش‌های دست اول را از متولیان مدیریت کنترل بحران کشور دریافت کنند، نه از راه‌های غیر رسمی که زمینه‌ساز تبلیغات مسموم علیه کشور می‌شود. تعاملات آتی ما با این نهادها و کشورها، در گرو صداقت ارتباطاتی ما است.

- روزرسانی مستمر اطلاعات؛

ارائه اطلاعات مستمر و مکرر، بهتر از فرصت دادن به بازار شایعات است. از این رو، صدور بیانیه‌های مختصر مختلف، روزرسانی طرح‌های اقدامات عملی

کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا ... □ ۳۳۱

مبارزه با بحران و نوآوری برنامه‌های مستمر، می‌تواند شایعه‌سازان را بیکار کند.

- مدیریت رسانه‌های اجتماعی بجای مدیریت جامعه به وسیله رسانه‌های اجتماعی؛

رسانه‌های اجتماعی، مجاری بلاواسطه ارتباطاتی شهروندان است. ایجاد گروهی برای نظارت بر جریان رسانه‌های اجتماعی، ارسال مستمر اطلاعات به آن‌ها و واکنش پیوسته در سراسر بحران نسبت به آن‌ها، بخشی از مدیریت کنترل بحران است.

به نظر می‌رسد میزانی از چابکی، در اجرای مدیریت کنترل بحران کرونا در کشور انجام صورت گرفته است. طراحان پدیده مدیریتی ستاد ملی مبارزه با کرونا در ایران، تعیین سخنگوی ستاد، رعایت تقریبی مشی صداقت و شفافیت در نحوه مبارزه با کرونا و دستاوردهای آن، آگاهی بخشی مستمر شهروندان در حوزه‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی و ارائه گزارش‌های مستمر به سازمان بهداشت جهانی و همین طور سایر کشورهای دوست و همکار و همه کشورهای جهان، و نوآوری‌های مستمر در تقویت مبارزه با کرونا، و در نهایت، توسل مناسب به رسانه‌های اجتماعی، تا حد زیادی مدیریت فرآیند مبارزه با بحران کرونا را در کشور، عملیاتی کرده است.

۳-۲. سطح عملیات

در سطح عملیات، اعمال مدیریت کنترل بحران در سه طبقه ۱- پیش‌بحران ۲- واکنش به بحران ۳- پس‌بحران قرار می‌گیرد که می‌تواند در مراحل ذیل عملیاتی شود:

- پیشگیری: اشاره به اقداماتی دارد که دولت‌ها برای اشاعه بحران در پیش می‌گیرند. این اقدامات، جهت حفظ سلامتی جسمی و روحی

شهروندان، زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فناورانه کشور صورت می‌گیرد.

- **آمادگی مبارزه با کرونا:** تمهید ترتیبات، تدوین طرح‌ها و آزمون آن‌ها، آموزش و تسهیم اطلاعات برای آمادگی بازیگران جامعه، جهت مبارزه عملی با اثرات بحران.
- **واکنش به بحران:** کمک‌رسانی و مداخله عملی دولت در حین رخداد بحران و یا بلافاصله پس از شروع بحران. هدف، حفظ جان انسان‌ها و پاسداری از دارایی‌های شهروندان و کشور است.
- **بازیابی اوضاع:** فرآیند احیاء اوضاع بحران‌زده به شرایط عادی. احیاء امنیت روانی شهروندان، بهبود بیماران و برپایی ترتیبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور.

به نظر می‌رسد حکومت و دولت جمهوری اسلامی با انجام انواع اقدامات عملیاتی، سه مرحله نخست را تا حدّی با موفقیت نسبی پیش برده است. علت این امر، به چابکی تقریبی عملیات بر می‌گردد که به عکس کشورهای سرمایه‌داری که همه چیز در ید قدرت بخش خصوصی قرار دارد و حکومت به جای راهبری، تابع بخش خصوصی است، در ایران، عواملی همچون: سرعت در تغییر خطوط تولید کارخانه‌ها به علت ماهیت مالکیت آن‌ها، حضور نیروهای مردمی در سراسر کشور، حضور نیروهای نظامی و انتظامی و به طور خاص سپاه و بسیج، توانست به چابکی عملیات مدیریت کنترل کرونا، کمک کند.

۳. چالش فرارو

همان طور که گفته شد نظام کشورداری جمهوری اسلامی ایران (راهبری، مدیریت و عملیات) در مواجهه با ویروس کرونا (بنا به شواهد و گزارش‌های

کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا... □ ۳۳۳

ملّی و بین‌المللی) و با توجه به وضعیّت خاصّ ایران (از حیث تحریم‌های مختلف آمریکا) تا حدّ مطلوبی موفق بوده است. به نظر می‌رسد، درجه‌ای از چابکی سطوح سه‌گانه کشورداری و پیوند نسبتاً خوب این سه سطح، در کنار همراهی اسلامی- ایرانی مردم (با همه خطاهای دولت و رفتارهای بعضاً آزمایشی آن) تا حدّی این موفقیت را تبیین می‌کند. از آنجایی‌که ویروس کرونا، بحرانی را رقم زد که نااطمینانی‌ها نسبت به ظهور و بروز آن از یک طرف، علل و پیامدهای آن و همچنین شیوع و تداوم آن، از طرف دیگر بسیار بالا بود و جهان و همین‌طور ایران، تجربه مواجهه با این بحران را نداشت، بخشی از اعمال راهبری، مدیریت و عملیات همراه با آزمون و خطا صورت گرفت. از این رو، هم راهبری نرم و هم راهبری سخت دولت، بعضاً نتیجه‌بخش بود و در مواردی هم چندان با موفقیت قرین نبود. بر این اساس، رویکرد اولیه نظام مدیریت مبارزه با بحران کرونا، توسّل به اقتصاد رفتاری، یعنی به کار گرفتن بینش‌های رفتاری برای کنترل بحران (برای مثال، آموزش‌های صدا و سیما و دیگر رسانه‌های دیداری و شنیداری در مورد «ماندن در خانه ضامن امنیت جامعه است»، «برای جلوگیری از شیوع کرونا مرتباً دست‌هایتان را با آب و صابون بشوئید»، «چگونه از یکدیگر فاصله بگیریم تا مبتلا نشویم» و ...) بود. از آنجایی‌که اقتصاد رفتاری، مدّعی است عقلانیّت حاکم بر انسان‌ها، عقلانیّت هیجانی است، محاسبه زمان رخ دادن «خستگی رفتاری»^۱ در شهروندان تا کنون به نتیجه نرسیده است. از این رو، دولت بایستی زمان قرنطینه را طوری تنظیم می‌کرد که بازه اوج شیوع کرونا را در بر می‌گرفت و مانع بروز خستگی رفتاری می‌شد. آنچه اکنون با همه

1. behavioral fatigue.

تلاش‌های دولت ممکن است چالش مهمی فراروی ایران ایجاد کند، حفظ یک «خیر عمومی» یا کالای عمومی به نام «جلوگیری از شیوع کرونا» در کشور است. کالای عمومی کالایی است که (۱) استثناء ناپذیر است و مصرف آن غیر رقابتی است، یعنی همه می‌توانند آن را مصرف کنند. هوای پاک یا دفاع ملی نمونه دیگری از کالای عمومی هستند که دو ویژگی فوق را دارند. مسئله مهمی که در حفظ کالای عمومی باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله «سواری رایگان»^۱ است. سوار رایگان اشاره به این دارد که شهروندانی هستند که ممکن است هزینه‌ای بابت کالای عمومی پرداخت نکنند، ولی از آن کالاهای استفاده کنند. لحظه‌ای را تصور کنید که عده کثیری از شهروندان برای حفظ کالایی عمومی به نام «جلوگیری از شیوع کرونا یا نبود کرونا» خود را در قرنطینه حبس می‌کنند، ولی عده‌ای در کمال خونسردی و با استفاده از فضای آرام ایجاد شده در سطح شهر (خلوتی خیابان‌ها، سکوت شهر و هوای پاک و ...) به کسب‌وکار خود مشغولند و به اصطلاح «سواری رایگان» می‌گیرند. مردم در قرنطینه با مشاهده چنین شهروندانی، خود را فریب‌خورده قلمداد می‌کنند، از این رو، آرایشگرهای مردانه و زنانه، شیرینی فروشان، ورزشکاران، و در نهایت متولیان و علاقه‌مندان به اماکن و مراسم مذهبی، خواستار تخطی از منویات دستگاه راهبری مدیریت مبارزه با کرونا می‌شوند. به موازات بازگشایی دسته‌ای از اصناف، دسته دیگری خواهان رفع قرنطینه می‌شوند. نویسنده که چنین حالتی را به مثابه «نظریه تکامل توقعات» می‌نامد و مدعی است که این مهم، در گذر زمان، عنان کار را از دست دولت خارج خواهد کرد، چیزی که بنا به گزارش شاهدان عینی از آمریکا و اروپا (بنا به

1. free rider.

کیفیت کشورداری در محک کنترل کرونا: آیا... □ ۳۳۵

فلسفه حکومت‌های چین کشورهایی که قانوناً نمی‌توانند مردم را مجبور به ماندن در خانه کنند) شیوع کرونا را در آن کشورها سرعت بخشیده است. بنابراین، چالش‌های فرارو، مدیریت کاهش خستگی رفتاری شهروندان و همین‌طور مدیریت تدریجی افزایش توقعات شهروندان، برای رفع قرنطینه است که دولت باید به آن‌ها توجه کند.

۴. فهرست مآخذ

دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۷)، نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی. تهران، سمت.

Sapriel Caroline (۲۰۰۳): Effective crisis management: Tools and best practice for the new millennium. In Journal of Communication Management ۷(۴), pp. ۳۴۸-۳۵۵. DOI: .۱۳۶۳۲۵۴۰۳۱۰۸۰۷۴۸۵/۱۰/۱۱۰۸

ریچارد تیلر. (۱۳۹۸) کج رفتاری: شکل‌گیری اقتصاد رفتاری. ترجمه بهنام شهابی، تهران، کتاب مهربان نشر.

۳۰. وضعیت کرونایی و ضرورت گفتگو درباره شیوع کووید ۱۹، احتمالات آینده و پیامدهای فرهنگی- اجتماعی

شهاب اسفندیاری^۱

پدرم پزشک و استاد دانشگاه علوم پزشکی هستند. دیروز داوطلبانه چند ساعت در دانشگاه به تماس‌های تلفنی مردم درباره کرونا پاسخ داده بودند. پس از این تجربه، به شدت نگران شدند. نه بخاطر خطر ابتلای مردم به کرونا؛ بلکه به دلیل میزان اضطراب و استرس و هراسی که مردم را فرا گرفته است. زنی تماس گرفته و گفته «از بازار پارچه خریدم و گذاشتم در کمد و الآن شک دارم که آیا همه لباس‌ها در کمد به ویروس آلوده شده یا نه؟ جرأت ندارم در کمد را باز کنم». مردی تماس گرفته و گفته تنگی نفس دارم،

۱. استادیار گروه سینما دانشگاه هنر/ رئیس دانشگاه صدا و سیما/ دکتری نظریه انتقادی و مطالعات فیلم از دانشگاه ناتینگهام انگلستان/رایانامه: s.esfandiary@art.ac.ir/تاریخ نگارش: بیستم اسفندماه

۳۳۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

اما هیچ یک از سایر علائم کرونا را نداشته، با پرس و جوی بیشتر، مشخص می‌شود هر روز داخل ماشین خود را با الکل ضد عفونی می‌کند و از ترس ورود ویروس، شیشه‌ها را پایین نمی‌دهد و در اثر بخارات الکل (شاید از نوع صنعتی) تنگی نفس گرفته است. پدرم بعد از این تجربه، به مسئولان توصیه کرده‌اند روانشناسان و روانپزشکان را هم به ستادهای مبارزه با کرونا دعوت کنند.

در کنار این موارد، روایت‌هایی هم می‌شنویم از بی‌توجهی بخشی از مردم به توصیه‌ها. واقعیت چیست؟ آیا سیاست تبلیغاتی دولت و رسانه‌ها درباره کرونا، بیش از اندازه هراس افکنی کرده، یا این که به اندازه کافی هشدار دهنده نبوده؟ پاسخ این پرسش دشوار است. چون ابعاد ماجرا را نمی‌دانیم. اولاً، نمی‌دانیم خطر کرونا چقدر است. لاقلاً نسبت به سایر بیماری‌های ویروسی و مسری. روزهای اول مسئولان گفتند کرونا از ویروس‌های دیگر مثل N1H1 و ابولا و حتی آنفلانزا خطرناک‌تر نیست، اما مسئله فقط نسبت تلفات به ابتلا نیست. سرعت شیوع هم هست، یا سرعت دو برابر شدن مبتلایان. دکتر ریچارد هتچر، رئیس گروه تحقیق برای ساخت واکسن کرونا در انگلستان می‌گوید: «کرونا ترسناک‌ترین بیماری است که در طی ۲۰ سال کار تحقیقاتی‌اش دیده است». می‌گوید: «لاقل از سال ۱۹۱۸ چنین شیوع گسترده‌ای سابقه نداشته است». در سال ۱۹۱۸ یک بیماری ویروسی که به «آنفلونزای اسپانیایی» مشهور شد، جهان را فراگرفت. گفته می‌شود ۵۰۰ میلیون نفر، که معادل ۲۷٪ جمعیت وقت جهان بوده، مبتلا شدند. تعداد تلفات به دلیل سانسور آمار به وسیله دولت‌های وقت، دقیق نیست. چیزی بین ۱۷ تا ۵۰ میلیون نفر.

وضعیت کرونایی و ضرورت گفتگو در باره شیوع کووید ۱۹ □ ۳۳۹

دکتر هتچر تشبیه کردن شرایط کنونی به «وضعیت جنگی» را اغراق نمی‌داند و می‌گوید: «برای مقابله با این شرایط، به یک بسیج عمومی و مردمی نیاز داریم، باید همه هشیار و درگیر موضوع شوند». او تجربه چین، هنگ‌کنگ و سنگاپور که دولت‌ها با قدرت بیماری را کنترل کردند، موفق می‌داند. نکته مهم، پیش‌بینی او نسبت به آینده است. می‌گوید: «ساخت، تولید و عرضه واکسن کرونا حداقل ۱۲ تا ۱۸ ماه زمان می‌برد، در آن زمان هم واکسن برای همه در دسترس نخواهد بود. لذا، مهم‌ترین مسئله در کنترل بیماری هشیاری مردم و مشارکت جدی آن‌ها در رعایت توصیه‌های بهداشتی است». با این حال، برآورد او این است که کرونا به این زودی رفتنی نیست. می‌گوید: «جهان تا چند سال آینده درگیر کرونا خواهد بود». او که خود یک آمریکایی است، بشدت نگران ناکارآمدی نظام بهداشت و درمان «نابرابر و تبعیض‌آمیز» آمریکا در مقابله با شیوع کرونا است.

اکنون در اغلب کشورها بحث درباره این که «چه باید کرد؟» رایج شده است. آیا به دلیل خطر کرونا باید کشور را تعطیل کرد؟ در همین گفت‌وگو، مجری از دکتر هتچر درباره تعطیلی مدارس در انگلستان سؤال می‌کند، ولی او توصیه قطعی به تعطیلی همه مدارس ندارد. در مورد کار و اشتغال هم همین طور. نکته مهم این است که آیا عوارض تعطیلی کسب‌وکارها و مخاطرات آن سنجیده شده؟ عوارض میلیون‌ها نفر بیکار، میلیون‌ها خانواده بدون درآمد. اگر این شیوع نه چند هفته و چند ماه، بلکه چند سال ادامه داشته باشد، آیا همچنان می‌توان کشور را نیمه تعطیل نگه داشت و به مردم گفت در خانه بمانید؟ عوارض روانی و اجتماعی زندانی شدن مردم، قطع ارتباط خانواده‌ها، خصوصاً خانه‌نشینی کودکان و نوجوانان برآورد شده؟ تا چه

۳۴۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

زمانی می‌خواهیم به ده‌ها میلیون نفر بگوییم در خانه بمانند؟ ۲ ماه؟ ۶ ماه؟ تحریک شدن احساسات قومی و منطقه‌ای مردم علیه دیگر هم‌وطنان چه عواقب اجتماعی خواهد داشت؟

آن‌ها که درگیر مبارزه با کرونا هستند، به دلیل تمرکز بر ابعاد بهداشتی و درمانی، فرصت و توان فکر کردن به دیگر ابعاد آن را ندارند. چه بسا، صلاحیت آن را هم نداشته باشند. مخاطرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کرونا مغفول مانده است. باید درباره همه ابعاد این شیوع صحبت کنیم. این صحبت‌ها نمی‌تواند پشت درهای بسته اتفاق بیافتد. نمی‌تواند محدود به پزشکان باشد. از عالمان دینی و متفکران و جامعه‌شناسان و اقتصاددانان تا روانشناسان و مشاوران کودک و خانواده و صاحب‌نظران رسانه و ارتباطات باید مثل پزشکان و پرستاران در فضای عمومی بسیج شوند. از حرف زدن درباره این وضعیّت و احتمالات آینده، نباید ترسید. فقدان گفت‌وگو است که ابهام و تعلیق و ترس را تشدید می‌کند. اگر گفت‌وگوهای عالمانه نباشد، فضا مستعد شایعات بی‌اساس می‌شود. آگاهی مردم از ابعاد ماجرا، مشارکت آن‌ها در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را هم افزایش می‌دهد.

در این گفت‌وگوها ممکن است مشخص شود که مسئله اصلی کشور، فقط این نیست که چگونه کرونا را شکست دهیم. کرونا آنگاه «کشنده» است که به «زندگی» خاتمه دهد. پس شاید مسئله اصلی این باشد که چگونه (با حفظ همه توصیه‌های بهداشتی و نکات ایمنی) با کرونا زندگی کنیم!

۳۱. زنده باد سیاست در عصر پسا کرونا!

یحیی شعبانی^۱

اکنون در میانه داستانی علمی-تخیلی قرار داریم که سویه تراژیک آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. وحشت، انزوا، بی‌اعتمادی و تردیدی که ویروس کرونا با خود به همراه آورده است، سابقه‌ای در حیات بسیاری از ما ندارد. زمانی استالین گفته بود «مرگ یک انسان، تراژدی است، اما مرگ میلیون‌ها انسان، فقط آمار است». آمارها، هیچ‌گاه واقعیت فی‌نفسه پدیده‌ها را چنان که باید و شاید منعکس نمی‌کنند، بلکه همواره ابزاری برای حکمرانی به شمار می‌روند. آرتور بولی^۲ که از مهم‌ترین متخصصان علم آمار در ابتدای قرن بیستم است، زمانی گفته بود: «فهم آن چیزی که آماردان می‌گوید نیازمند

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه فضای مجازی / yahya.shabani@live.com تاریخ نگارش: هفتم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

2. Arthur Bowley.

شناخت روش‌های جمع‌آوری و گردآوری دولت است.^۱ منظور مشخص بولی آن بود که دینامیک درونی علم «آمار» و رویه‌هایی که درون «دولت» بسط پیدا کرده‌اند از منطق یکسانی برخوردارند. به عبارتی، دولت و آمار مفاهیمی یکریخت^۲ به شمار می‌روند. این یکریختی را می‌توان در رفتار زبانی دو واژه آمار (Statistics) و دولت (State) به سادگی مشاهده کرد. چنان که از ظاهر کلمه Statistics هویدا است این کلمه، هم‌ریشه با کلمه State است و هر دو در عبارت لاتین Status (وضع، حالت، موقعیت) ریشه دارند. شاید ترجمه این اصطلاح به «دولتیات» یا «علم‌الوضع» درست‌تر و دقیق‌تر باشد تا «آمار». باری، آمار همواره علمی سیاسی — استراتژیک بوده است نه علمی کاشف از واقعیات فی‌نفسه!

انزوا و ایزولاسیون در عصر جهانی‌سازی، به نوبه خود تضادی خنده‌دار محسوب می‌شود. عصری که نوید برچیده‌شدن مرزها و دیوارهای سیاسی را با خود به همراه داشت، اکنون هیچ توصیه‌ای غیر از «در خانه ماندن» برای انسان‌ها ندارد. معنای اکید این توصیه، ترسیم دوباره مرزها است، نه تنها مرزهای سیاسی، بلکه هر گونه مرزی. این توصیه که از دهشت مرگ خبر می‌دهد، نه تنها همسایه را از همسایه دور ساخته، بلکه مرا نیز با خودم غریبه کرده است. شستن چندین و چند باره دست‌ها در طول روز، بخوبی گویای آن است که «من»، این آشناترین مفهوم دوران مدرن، دیگر آن بداهت دکارتی سابق را ندارد و می‌تواند مهم‌ترین خطر جهان را در خود پنهان کرده باشد. دکارت «من» («می‌اندیشم پس هستم») را نقطه ارشمیدسی

1 Arthur L. Bowley, "The improvement of official statistics," *Journal of the Royal Statistical Society* 71 (1908): 459-495.

2. Isomorph.

زنده باد سیاست در عصر پسا کرونا! □ ۳۴۳

جهان مدرن می‌دانست و قرار بود هر یقینی از بداهتِ این «من» حاصل شود. اکنون این «من» به امری غریب و بیگانه تبدیل شده است و همنوا با آرتور رمبو شاعر بزرگ فرانسوی، می‌توان گفت «من، دیگری است».

در میانه این داستان دهشتناک، خبر می‌رسد که جمهوری خلق چین، بدون عرضه‌کردن یک «راه‌حل» نهایی پزشکی، توانسته است گسترش ویروس را کنترل کند و از وضعیّت واگیری خارج شود. در رسانه‌های جهانی، شاهد بحث‌های فراوانی در این خصوص هستیم که نوع حاکمیّت و حکمرانی دولت چین امکان چنین امری را فراهم آورده است؛ اما به نظر می‌رسد این تمام ماجرا نیست. مهم‌ترین نکته و درسی که می‌توان از ویروس کرونا آموخت اولویّت امر سیاسی است. به نظر می‌رسد ویروس کرونا، مجدداً تقدّم و اولویّت امر سیاسی را اعاده کرده است. چنان‌که می‌دانیم، اندیشه کلاسیک، سیاست را ناخدای زورقی می‌دانست که در دل دریاهاى طوفان‌زده گرفتار است و باید آن را هدایت کند؛ سیاست شرط قوام و دوام امور در جهان محسوب می‌شد؛ اما جهانی‌سازی، بویژه در چهره نولیبرالیسم، به نفع سود بیشتر روزبه‌روز از اهمیّت امر سیاسی در سپهر عمومی کاست. چنان به نظر می‌رسد که زورق حیات به ساحل امن پساتاریخ رسیده است و دیگر نیاز چندانی به هیاهوی سیاست نیست. در این شرایط سیاست اولویّت و اصالت خود را به نفع اقتصاد از دست داد؛ اما کرونا بار دیگر نشان داد هیچ ساحل امنی وجود ندارد. رؤیای عصر بی‌سیاست به پایان رسیده است و سیاست دیگر نمی‌تواند مسئولیتش را به دیگری واگذارد و تابع او باقی بماند. سیاست نمی‌تواند بی‌قدرتی خودش را اعلام کند و نقشی صرفاً تکنیکی و رگولاتوری ایفا نماید. ویروس کرونا به ما هشدار می‌دهد که در

۳۴۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

جهان نولیبرال سیاست مدتهاست جای خود را به اقتصاد داده است و باید تمام قد انتقام خود از اقتصاد را بستاند. نه با تانک می‌توان به جنگ ویروس رفت و نه با اوراق قرضه و سهام، تنها سیاست است که می‌تواند از غرق شدن زورق حیات جلوگیری کند و جمعیتی برپا نماید. شعار نولیبرال‌ها «نظم خود- جوش» بازار و امور بود و ویروس کرونا به سادگی نشان می‌دهد که از دل متافیزیک «نظم خود- جوش» فقط و فقط فاجعه بیرون خواهد آمد پس زنده باد سیاست. در جهانی که سیاست‌مدار «ذی‌نفع» اقتصاد است، تنها می‌توان گفت «سیاست را از دست سیاستمدار نجات دهید!»

۳۲. کرونا و فتح مکه

فرزاد جهان بین^۱

کرونا با ایجاد یک بحران جهانی، بخوبی عرصه‌ای برای آزمون دولت‌مندی و ملت‌مندی واحدهای سیاسی فراهم کرد. دولت‌مندی بدین معناست که یک نظام سیاسی به چه میزان می‌تواند در برابر چالش‌ها دوام آورده و در شرایطی که اوضاع از حالت عادی خارج شده، وضعیت را مدیریت کند. ملت‌مندی نیز بدین معناست که یک ملت چگونه در بحران‌ها، با تاب‌آوری و عقلانیت رفتار می‌کند. بلاشک نظام جمهوری اسلامی توانست در این بحران، نصاب بالای دولت‌مندی و ملت‌مندی خود را نشان دهد.

تأمین دارو، رفع مناسب و قابل قبول کمبودهای اولیه، خرید و وارد کردن کیت، ساختن کیت، ایجاد سامانه غربالگری، تنوع روش‌های درمان و خیز برای ابداع روش‌های علمی جدید، اقدامات گسترده نیروهای مسلح در مباحث درمانی، عدم کوچک‌ترین کمبود در نیازمندی‌های خوراکی و اولیه مردم،

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد/ رایانامه: farzadjahanbein@gmail.com

۳۴۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

مرجعیت صدا و سیما در جهت‌دهی و اطلاع‌رسانی، سیاست‌گذاری برای ترمیم فشارهای معیشتی گروه‌های آسیب‌پذیر، مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال ضررهای اقتصادی بخش‌های مختلف ...، از جمله این توان است که بحران را مدیریت کرده است.

همراهی بالای مردم و تن دادن به رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی علی‌رغم عادت‌های فرهنگی که جامعه ایران را به سمت کنار هم بودن و اجتماع سوق می‌دهد و اعتماد به تصمیمات نظام و پرهیز از رفتارهای هیجانی مانند غارت‌کردن فروشگاه‌ها و ...، از جمله نشانه‌های ملت‌مندی بالا است. فعالیت‌های تحسین برانگیز و فوق‌العاده گروه‌های جهادی در تأمین نیازمندی‌ها، از دیگر نشانه‌های این ملت‌مندی است. اینها در حالی است که کشور با تحریم‌های ظالمانه همه‌جانبه از زمین، آسمان، دریا، کشتی، هواپیما، بانک، بیمه، پول، نفت و دارو و غیره مواجه است.

عملکرد موفق نظام اسلامی در مواجهه با پدیده شیوع ویروس منحوس کرونا در مقایسه با وضعیت آشفته و حادث سایر کشورهای قدرتمند مانند آمریکا، فرانسه، ایتالیا و ... قابل تأمل است.

بلاشک ادامه این وضعیت و توفیق قطعی نظام اسلامی در مهار کرونا و دریدن پرده اغوا و فریب دشمنان به مانند فتح مکه خواهد بود که پس از آن، دل‌ها و ذهن‌ها متوجه الگوی نظام اسلامی خواهد شد «و یدخلون فی دین الله افواجا»! ان شاء الله.

۳۳. ویروس کرونا؛ نعمت یا نعمت؟ (خودباوری ملی، علاج بیماری‌های اقتصادی)

مسعود رسولی امیرآبادی^۱

مقدمه

از دسامبر ۲۰۱۹ بود که ویروس کرونا از چین شروع به گسترش کرد و امروزه تقریباً گسترش آن به سطح جهانی رسیده است و کمتر کشوری است که این ویروس به آن راه پیدا نکرده باشد، به صورتی که سازمان بهداشت جهانی آن را همه‌گیر جهانی اعلام کرد. کشور ما نیز از این غائله مستثنا نبود و از اوایل اسفندماه ۱۳۹۸ (اواسط فوریه ۲۰۲۰) بود که اولین مبتلایان به این بیماری شناسایی شدند و درواقع، کشور با این مسئله به مثابه یک تهدید بزرگ مواجه شد.

در حال حاضر، ویروس کرونا وارد جامعه ما شده است و به صورت کلی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/دانشگاه امام صادق "علیه السلام"/ گروه مدیریت/ رایانامه: Masoudrasouli110@gmail.com / تاریخ نگارش: یازدهم فروردین ماه ۱۳۹۹.

شیوع یک ویروس در کشور ذاتاً تهدید است، نه فرصت؛ اما این تهدید علاوه بر این که می‌تواند نقاط قوت و ضعف ما را در شرایط واقعی به ما نشان دهد، می‌تواند زمینه ایجاد فرصت‌هایی را که در شرایط معمول به وجود نمی‌آیند برای ما ایجاد کند. یکی از ابزارهای کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی در مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی مدل SWOT است، در مدل SWOT نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی که یک مجموعه و یا قلمرو با آن روبرو شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ما سعی داریم در این نوشته با توجه به فرموده سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که در سخنی پر مفهوم درباره نحوه مواجهه با تهدیدها و بحران‌ها فرموده بودند «میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست؛ اما شرط آن، این است که نترسید، نترسیم و نترسانیم»؛ به بررسی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌هایی بپردازیم که می‌توانیم از پس این بحران جهانی و این تهدید بزرگ کسب کنیم.

۱. نقاط قوت

۱.۱. سرمایه انسانی متعهد

در شرایط سخت جریان مبارزه با ویروس کرونا جامعه پزشکان، پرستاران و کارکنان بخش درمانی بیمارستان‌ها در خط مقدم این مبارزه در حال فعالیت هستند و حتی با توجه به این که این خطر برای خود این افراد نیز وجود دارد که به خاطر حضور در محیط آلوده به این ویروس مبتلا شوند، اما عرصه خدمت‌گزاری به مردم را خالی نکرده و به تمام قدرت در این جبهه جان‌نثاری می‌کنند و این ایثار و فداکاری زمانی جلوه پیدا می‌کند که جامعه پزشکی و درمانی در بسیاری از کشورهای به اصطلاح پیشرفته از ارائه خدمات استنکاف

می‌کنند.

۲-۱. نیروهای مردمی داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد

ایثار و فداکاری مردم ایران مخصوص این زمان و یا این برهه زمانی نیست، مردم همیشه از ابتدای انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌ها از جمله سیاسی مانند انتخابات و راهپیمایی‌ها، اجتماعی مانند وقایع غیرمترقبه مانند سیل و زلزله به مثابه یکی از نقاط قوت اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند و در این واقعه نیز در قالب گروه‌های داوطلب و جهادی به کمک نیروهای درمانی آمده و هر کس در حدّ توان و ظرفیت خود در این جریان کمک‌رسانی نمود، مثلاً خانم‌ها در خانه‌های خود برای تولید ماسک با چرخه‌ای خیاطی خود کمک می‌کردند و یا گروه‌های جهادی بسیج شبانه اماکن پر رفت آمد مانند عابر بانک‌ها ایستگاه‌های اتوبوس و ... را ضدّ عفونی می‌کردند.

۳-۱. شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی

با ورود ویروس کرونا اهمیت و تقاضای اقلام بهداشتی مانند ماسک و محلول‌های ضدّ عفونی‌کننده و ... افزایش یافت و میزان عرضه انجام‌شده پاسخگو نبود و در اینجا بود که بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری و بخش خصوصی کمر همت بستند تا این کمبود را برای کشور تأمین کنند. در همین شرایط اخبار از اقصی نقاط ایران شنیده می‌شد که حتی برخی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بخشی و یا کل خطّ تولید خود را برای تولید این محصولات اختصاص داده‌اند و نکته قابل‌توجه اینجا بود که این شرکت‌ها بعضاً نه به خاطر منفعت شخصی و سود مادی، بلکه به صورت داوطلبانه این فعالیت‌ها را انجام می‌دادند.

۲. نقاط ضعف

۱-۲. فقر فرهنگی در مواجهه با بحران

بروز این واقعه این نقطه ضعف ما که شاید ریشه در فرهنگمان دارد را بوضوح برای ما به نمایش گذاشت، با این که شورای مقابله با کرونا شرایط ویژه‌ای را برای رفت‌وآمدهای خارج از خانه از اسفندماه مقرر کرده بود و هشدارهای بسیاری را پیرامون سفر در نوروز داشتند، ولی بسیاری از افراد به این هشدارها توجه نکرده و به روال عادی زندگی خود عمل کردند و شاید به زبان ساده این ویروس را به شوخی گرفتند که این رفتار در کمتر کشوری در این وضعیت مشاهده شد و این هشدار را به ما می‌دهد که بایستی در آینده روی این نقطه ضعفمان از طریق فرهنگ‌سازی‌های صحیح رفع کنیم.

۲-۲. ضعف در زیرساخت‌های زنجیره تأمین و لجستیک

در همان روزهای اول ورود ویروس کرونا داروخانه‌ها که محل اصلی توزیع اقلام بهداشتی و پزشکی هستند با مشکل کمبود ماسک و محلول‌های ضد عفونی‌کننده مواجه شدند و این روند به صورت صحیح و دقیق مدیریت نشد به صورتی که افراد در مراجعه به داروخانه با این پیام روبرو می‌شدند که ماسک و محلول ضد عفونی موجود نیست، ولی چند مغازه آن طرف‌تر در مغازه‌های فروش مواد شوینده و یا سوپرمارکت‌ها ماسک و محلول ضد عفونی باقیمت‌های بالا و به صورت غیربهداشتی فروخته می‌شد.

۳-۲. نظارت ضعیف

از مهم‌ترین و بارزترین نقاط ضعفی که در این واقعه مشهود و ملموس بود، عدم نظارت صحیح و منسجم از زمان تولید محصولات تا زمان توزیع بود.

ویروس کرونا؛ نعمت یا نعمت؟ □ ۳۵۱

این‌که ما پس از وقوع یک اتفاق تازه به این فکر بیافتیم که محکرمین و اخلال‌گرانی که در یک حوزه فعالیت می‌کنند را مورد بررسی قرار دهیم رویکردی منفعلانه است. چرا نظام نظارت نبایستی به صورتی باشد که به صورت برخط و الکترونیک بسیاری از فعالیت‌های خود را انجام دهد تا در چنین شرایطی چابکی لازم برای استعلام‌گیری و کنترل ورودی‌ها و خروجی بنگاه‌های مرتبط با این صنعت را نداشته باشد و از طرفی نیز ضعف ساختاری در حوزه اتحادیه‌ها و اصناف نیز مزید بر علت این موضوع است و این عامل است که راه را برای سودجویانی که در این مواقع سر از لاک خود بیرون می‌آورد هموار می‌سازد.

۳. فرصت‌ها

۱-۳. تولید اقلام بهداشتی و درمانی و صادرات به کشورهای منطقه
کشورهای همسایه ایران، از نظر اقتصادی کشورهایی در حال توسعه محسوب می‌شوند، بنابراین تقاضا در این کشورها بالا بوده و برای تأمین آن، نیازمند واردات گسترده‌ای هستند. عواملی از قبیل نیروی انسانی متخصص، مواد اولیه، نیروی کار ارزان‌قیمت و ... مزیت‌هایی هستند که کشور ما را نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه پیشرو کرده است و حال با توجه به فعالیت بسیاری از فعالان بخش خصوصی و کارآفرینان می‌توان با بررسی دقیق و نیازسنجی بازارهای کشورهای همسایه و حتی کشورهای منطقه تمرکز خود را در این صنعت بالاتر برده و از ماجرا به صورت مطلوب استفاده کنیم.

۲-۳. توسعه فناوری اطلاعات

تا پیش‌ازاین استفاده از آموزش‌های برخط، کلاس‌های مجازی و یا جلسات

۳۵۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

غیرحضور، کمتر در جامعه موردقبول بود و شاید یکی از دلایل آن ضعف در زیرساخت‌ها و یا دلایل حاشیه‌ای بود، ولی این جریان باعث شد اجباراً اکثر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و مدارس به این سامانه‌ها روی آورند و از قابلیت‌های آن استفاده کنند. این فرصتی است برای کشور ماست تا از این اتفاق استفاده کند و پس‌ازاین نیز استفاده از سامانه‌های مجازی و برخط را افزایش دهد چون مزایای آن مانند عدم نیاز به حضور فیزیکی و رفت‌وآمد، کاهش هزینه‌های آموزشی، افزایش کیفیت یادگیری، استفاده از اساتید در مکان‌های مختلف و ... را ممکن می‌سازد.

۳-۳. باور بیش‌ازپیش به توان داخلی و اتکا به نیروی جوانان

یکی از موضوعات مهم و اساسی که مقام معظم رهبری از ابتدای سال جاری بارها مطرح نمودند، توجه به استعدادهای بومی و توان داخلی بوده است که نشان از دغدغه‌ای اساسی برای بیان واقعیتی تلخ و تأکیدی برای حرکت در مسیر تغییر و وضع موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب قابل ارزیابی است. این اتفاق به ما نشان داد که جامعه ما غنی از فرصت‌های مادی و معنوی است که نباید بسادگی از کنار آن عبور کرد و دقیقاً در زمانی که کشور در تنگناها و بحران‌ها قرار می‌گیرد این نیروی جوان و توان داخلی کشور است که راهگشای گره‌های کور و باز نشدنی است، پس چه خوب است که در زمان فراغت از بحران‌ها نیز برای پیشرفت و اعتلای کشور نیز از این ظرفیت استفاده شود.

مطمئناً دستاوردهای کم‌نظیر جوانان ایرانی مخصوصاً در عرصه پزشکی متولیان و مسئولان امر را بیش‌ازپیش به این باور اعتقاد پیدا کنند و بیش از این که امید به خارج از مرزها داشته باشند، متکی به نخبگان و جوانان

توانمند داخلی باشند.

۴. تهدیدها

۴-۱. آسیب‌پذیری کسب‌وکارهای کوچک

پس از تصمیم ستاد مقابله با ویروس کرونا مبنی بر این‌که کسب‌وکارهایی که در زمره کالاهای ضروری و مایحتاج موردنیاز مردم قرار داشته‌اند، می‌توانند به فعالیت خود در شرایط کرونا ادامه دهند و بسیاری دیگر ضرورتی بر استمرار فعالیت نداشته و مشمول تعطیلی قرار گرفتند، بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که دغدغه زنده نگه‌داشتن کسب‌وکار خود را در وضعیت سخت اقتصادی داشتند و از طرفی دیگر به طرق مختلف درگیر مشکلات و هزینه‌های مالی، اعم از اجاره‌نشینی، تسهیلات بانکی و غیره هستند در صورتی‌که از طریق سیاست‌گذاری‌های صحیح مورد پشتیبانی دولت قرار نگیرند آسیب خواهند دید و این آسیب به‌صورت زنجیره‌وار دیگر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی را به بار خواهد آورد.

۴-۲. کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی

به‌صورت کلی جدایی بودجه کشور از درآمدهای نفتی یکی از بزرگ‌ترین اهداف تصمیم‌گیران کشور است، ولی تا زمان جدایی کامل بودجه از این درآمد، ضربه‌پذیری و کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های آن موجب ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی‌های انجام‌شده در کشور می‌شود. با شیوع این ویروس و کاهش تقاضای جهانی برای نفت و فرآورده‌های آن قیمت‌ها به‌شدت کاهش داشته‌اند و همان‌طور که گفته شد به این دلیل که حجم بالایی درآمدهای ارزی کشور هنوز وابسته به

۳۵۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

فرآورده‌های نفتی است این کاهش قیمت‌ها و استمرار آن تهدید بزرگی برای اقتصاد کشور خواهد بود.

۵. جمع‌بندی

آثار زیان‌بار اقتصادی ویروس کرونا برای جامعه جهانی، امری غیرقابل انکار است و مطمئناً تمامی کشورها تا مدّت‌ها با آثار نشأت‌گرفته از این ویروس منحوس دست و پنجه نرم خواهند کرد، اما آن چیزی که مهمّ است استفاده به بهترین شکل از درس‌هایی است که می‌توانیم از این شرایط کسب کنیم. می‌بایست از فرصت‌های به دست‌آمده، به نحو احسن استفاده کرد و همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سخنان راهبردی خود در ابتدای سال جدید اشاره فرمودند، بایستی با باور بیش‌ازپیش به توان داخلی و اتکا به نیروی انسانی متعهد و متخصص، آستین همّت را بالا زنیم و با تحقّق اموری مانند توجّه بیشتر به شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی، تسهیل فضای کسب‌وکار، توسعه تجارت الکترونیک و دولت الکترونیک، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه تولید اقلام بهداشتی و درمانی و صادرات به کشورهای منطقه و ... به ایجاد جهش در تولید کشور و تأثیرگذاری آن بر زندگی مردم گامی مهمّ برداریم.

۳۴. ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت»

سید آرش وکیلان^۱

مقدمه

همه‌گیری جهانی (پاندمی) بیماری کرونا در زمستان سال ۱۳۹۸ باعث شد که سازمان جهانی بهداشت اعلام و وضعیت بهداشتی اضطراری در سطح جهان نماید و کشورها از جمله ایران تدابیر متعددی برای کنترل بحران بیماری کرونا و جلوگیری از افزایش تلفات آن را اتخاذ کنند. دولت ایران نیز ستاد مقابله با گسترش بیماری کرونا را در ۳ اسفند ۱۳۹۸ به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل داد.

۱. متخصص در حوزه سیستم‌های اجتماعی-فنی / کارشناس مرکز ملی فضای مجازی / دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام / رایانامه: a.vakilian@farhangmail.ir / تاریخ نگارش: پانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۱. بازاندیشی در صورت مسئله

بیماری کرونا طبق آمار رسمی تا ۱۰ فروردین ۱۳۹۹ تعداد ۳۸۳۰۹ را مبتلا کرده که ۲۶۴۰ نفر از آن‌ها درگذشته‌اند که به عبارتی ۶/۸ درصد (شش و هشت‌دهم درصد) از مبتلایان شناسایی شده بوده‌اند. حتی با احتساب افراد مشکوک نیز آمار تلفات بیماری درصد ناچیزی از کل مبتلایان است و حدود ۸۰ درصد از افراد مبتلا اصلاً نیازی به بستری در بیمارستان پیدا نمی‌کنند؛ یعنی در قیاس با بحران آلودگی هوای کلان‌شهرها که در اوج خود می‌تواند تا ۲۵ درصد از جمعیت کشور را درگیر کند، فراگیری این بیماری فعلاً بسیار اندک است. حتی شدت تلفات آن نیز هنوز کمتر از تلفات سالانه حوادث رانندگی است. ضمن آن که در بدترین سناریو از شیوع بیماری نیز جمعیت مبتلا به این بیماری، طی بهار ۱۳۹۹ حداکثر به ۵ درصد از کل جمعیت کشور، معادل ۴ میلیون نفر، می‌رسد. پس چرا این قدر این بیماری جدی تلقی می‌شود؟

آنچه به وضعیت این بیماری حالت بحرانی می‌دهد، تعداد بسیار زیاد مبتلایان نیازمند مراقبت ویژه پزشکی در ICU با استفاده از ونتیلاتور است که به سرعت بیش از ظرفیت درمانی کشور می‌شود. طبق اعلام رئیس انجمن مراقبت‌های ویژه ایران در دی‌ماه ۱۳۹۸، ایران ۲۰۰ هزار تخت بیمارستانی و تنها ۷۲۰۰ تخت ICU دارد که در شرایط عادی نیز کفاف نیاز جامعه ۸۰ میلیونی را نمی‌دهد. هزینه راه‌اندازی هر تخت ICU نیز ۱ تا ۵ میلیارد تومان برآورد می‌شود. این امر نشان می‌دهد که اگر فقط ۵ درصد از کل مبتلایان به بیماری و یا به تعبیر دیگر ۲۵ درصد از بیماران بستری شده، نیازمند مراقبت ویژه باشند در زمانی که تعداد کل مبتلایان در یک مقطع زمانی به ۱۴۴۰۰۰ نفر برسد یا تعداد افراد بستری در بیمارستان‌ها به ۲۸۰۰۰

ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت» □ ۳۵۷

نفر برسد، نظام سلامت ظرفیت پاسخگویی به افراد به شدت بدحال را نخواهد داشت و همین موضوع از عوامل افزایش درصد فوت بیماران در ایران (حدود ۸ درصد) نسبت به متوسط جهانی (حدود ۲.۵ درصد) است. ضمن آن که توزیع این تخت‌ها در ایران به طور یکنواخت متناسب با جمعیت نیست و بیمارستان‌های بخش خصوصی نیز بخش قابل توجهی از ظرفیت خود را صرف بیماران کرونایی نکرده‌اند. باید توجه داشت که اگر جمعیت مبتلای نیازمند درمان بیمارستانی در یک مقطع زمانی در یک منطقه خاص از ظرفیت تخت‌های بیمارستانی آن شهر بیشتر شود، عملاً نظام سلامت پاسخگوی موارد جدید نخواهد بود و نسبت تلفات می‌تواند تا ۲۰ درصد از جمعیت مبتلا نیز افزایش یابد. همچنین، در این شرایط نظام سلامت دچار فروپاشی می‌شود و بیماران بدحال غیرکرونایی که نیاز به مراقبت بیمارستانی دارند نیز، احتمالاً جانشان را از دست خواهند داد و تلفات غیرمستقیم بیماری نیز عددی قابل توجه خواهد شد.

علاوه بر آن، با توجه به طول مدت همه‌گیری، کارکنان بخش درمانی تحت فشار کاری بسیار سنگینی قرار می‌گیرد و حتی خود به بیماری مبتلا می‌شود و توان فعالیت خود را از دست می‌دهد. در حال حاضر، نظام سلامت کشور با حداکثر ظرفیت در حال خدمات رسانی است و این وضعیت در صورتی که از کنترل خارج شود، می‌تواند مانند لمباردی ایتالیا به فروپاشی نظام درمانی منجر شود؛ بنابراین، بحران اصلی نه «بحران سلامت» بلکه «بحران نظام سلامت» است؛ یعنی نظام سلامت نمی‌تواند پاسخگویی مناسب به بیماران نیازمند خدمات درمانی داشته باشد.

۲. اهمیت اتخاذ رویکرد متناسب

از منظر ساختاری، ما اکنون در شرایطی هستیم که نظام سلامت به مثابه یک نظام اجتماعی- فنی دچار بحران شده است و ممکن است نتواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد، در نتیجه پیام هشدار برای کل جامعه ارسال می‌کند. طبق اظهارات مقامات مسئول در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به علت تلاقی اولین موارد شیوع کرونا با همه‌گیری آنفلونزای فصلی در نیمه نخست زمستان و نیز احتمالاً کم علامت بودن اولین موارد ابتلا، این نظام بسیار دیر هنگام در پایان بهمن ۱۳۹۸ توانست بیماری کرونا را شناسایی کند و به جامعه هشدار دهد.

در قدم بعدی، عدم اتخاذ یک سیاست تهاجمی فراگیر در قبال شناسایی و جداسازی زودهنگام موارد مبتلا و اقدام دیر هنگام و کم اثر برای جلوگیری از تردد و تجمع مردم یا به اصطلاح قرنطینه در اسفند ۱۳۹۹، سبب شد که شیب رشد منحنی کاهش نیابد. در نتیجه، بیماری در کل کشور پخش شود و جمعیت گسترده‌تری در معرض بیماری قرار گیرند. به این ترتیب، می‌توان گفت که نظام اداره کشور بسیار دیر هنگام در اوایل فروردین ۱۳۹۹ ندای هشدار نظام سلامت را شنید و اقدام به قرنطینه سطح ۳ نمود و از فعالیت‌ها و تردد‌های غیرضروری درون‌شهری و برون‌شهری جلوگیری کرد. همین امر، سبب می‌شود که طول دوره همه‌گیری احتمالاً تا خردادماه افزایش یابد و نظام سلامت بیش از پیش مستهلک شود. البته، در این مدت، نظام اداره کشور کوشید تا با افزایش ظرفیت تخت‌های بیمارستانی از یک سو و بسیج منابع دستگاه‌ها کشوری و لشکری و نیز نیروهای داوطلب مردمی، امکان پاسخگویی به بیماری را افزایش دهد. با این حال، این اقدامات در برابر شدت

ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت» □ ۳۵۹

گسترش بیماری کم اثر تلقی می‌شود.

باید در نظر داشت، در شرایطی که بحران فعلی به مثابه «بحران نظام سلامت» تلقی شود، آن مجموعه‌ای که بیش از همه نیازمند کمک است، خود نظام سلامت و دستگاه متولی آن، یعنی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. این وزارتخانه، اکنون عملاً باید تمام توان خود را صرف سرپا نگه داشتن نظام سلامت بکند و نمی‌تواند به جنبه‌های متعدد و پیچیده وضعیت بحرانی نظیر مسائل اقتصادی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی بپردازد. ضمن این که دستگاه‌های متولی و متصدی هر حوزه نیز از آن تبعیت نمی‌کنند. در شرایطی که زیرنظام اجتماعی دچار بحران شود، لازم است یک بخش دیگر از نظام اجتماعی مسئولیت مدیریت بحران را بپذیرد و دستگاه بحران‌زده را یاری دهد.

نکته مهم آن است که با رویکرد تحلیل ساختاری، اگر بحران نظام سلامت به‌موقع و به‌سرعت حل و فصل نشود، بخش‌های دیگر کشور نیز بتدریج دچار اختلال در عملکرد می‌شود. برای نمونه، فعالیت نظام آموزش متوقف شده است. نظام اقتصاد هم در معرض یک رکود شدید قرار دارد که می‌تواند با بیکاری و ورشکستگی شدید بنگاه‌ها همراه باشد. حتی، تشدید بحران بر مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی نیز می‌تواند اثرگذار باشد.

۳. پیشنهاد

با توجه به وضعیت بحرانی نظام سلامت و جنبه چندوجهی بودن بحران که علاوه بر جنبه سلامت، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای یافته است، لازم است یک سازماندهی چندوجهی و مقتدرانه اداره امور را بر عهده گیرد تا نه تنها بتواند سیاست‌های پیشنهادی نظیر قرنطینه درجه ۳ را با

۳۶۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

قدرت پیش‌برد و عملیاتی‌سازی، بلکه بخصوص ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دیگر را از سرایت بحران حفظ نماید. این امر مستلزم همکاری بسیار بالا در سطح نظام حکومتی است به دور از درگیری‌های سیاسی و جناحی است.

در کنار آن توان دولت و بلکه کل دستگاه حکومت برای مقابله با این بحران گسترده ناکافی می‌نماید و در صورتی که کل جامعه برای مقابله با بحران بسیج نشود، بعید است توفیق مورد نظر حاصل گردد. لذا بسیج عمومی و جلب مشارکت اجتماعی لازمه مواجهه موفق ساختار اجتماعی با بحران است. حداقل سطح از مشارکت اجتماعی اجتناب از تردد و تجمع غیرضروری توسط همه مردم است. این امر سرعت انتشار بیماری را بشدت کاهش می‌دهد و جلوی فشار بیشتر بر نظام سلامت را می‌گیرد؛ اما در شرایطی که نظام‌های متعدد جامعه بخصوص نظام اقتصادی هم تحت فشار قرار می‌گیرد، این سطح از پاسخ برای تاب‌آوری در میان‌مدت ناکافی است. لازم است که از طریق ساماندهی اجتماعات محلی نسبت به مساعدت به افراد آسیب‌پذیر و کم‌توان اجتماعی و اقتصادی اقدام شود.

میزان موفقیت مدیریت بحران، متناسب با مشارکت مردم برحسب میزان احساس تعهد و خطر آن‌ها، میزان تاب‌آوری اقتصادی- اجتماعی و جلوگیری مؤثر از شرایط اجتماع و تردد است. کشور ما در دوره انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تجربه موفق در سازماندهی مشارکتی و محله‌محور مبتنی بر مرکزیت مساجد داشته است؛ اما پس از آن، این ظرفیت متروک شده و اکنون بازطراحی آن در بسیاری محلات جدید شهر که فاقد یک مرکزیت اجتماعی هستند، بسیار دشوار است. همچنین، هماهنگ‌سازی امور در سطح شهری و

ضرورت تغییر رویکرد از «بحران سلامت» به «بحران نظام سلامت» □ ۳۶۱

محلّه‌ای مستلزم همکاری نزدیک ستادهای استانی با شهرداری‌ها و مراکز فعالیت محلی است که چندان آسان نیست. به هر حال شاید بتوان این روش را با رویکرد راه‌اندازی از پایین به اجرا درآورد.

در نهایت، هر قدر بحران نظام سلامت زودتر مورد توجه قرار گیرد و کلیت جامعه بیشتر بتواند به یاری نظام‌های درگیر بحران برآید، میزان تاب‌آوری اجتماعی افزایش می‌یابد و بحران دیرتر سبب فروپاشی نظام سلامت یا تضعیف نظام اقتصاد می‌شود. بلکه، این همیاری و همکاری سرمایه اجتماعی عظیمی را خلق می‌کند که می‌تواند به مثابه یک دستاورد جمعی برای گذر از بحران‌های دیگر به کار گرفته شود.

۳۵. تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا

محمد مرادی^۱

شیوع ویروس کرونا به عقیده سران مختلف دنیا، بزرگ‌ترین چالش بشریت بعد از جنگ جهانی دوم است. این ویروس، علاوه بر تراژدی بیماری، یک تراژدی اقتصادی بزرگی را به دنبال دارد. این بحران یک معادله چند مجهولی است، چرا که حواشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیرامون بحران خود ممکن است باعث بروز عامل دیگری به بحران فعلی باشد. در کشور ما ایران با توجه به تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی و کاهش بهای نفت ایران در بازارهای جهانی و همچنین خطرپذیری صعود نرخ ارز به احتمال زیاد بحران‌های دیگری برای کسب‌وکارها به همراه خواهد داشت. پس لازم است ابعاد دقیق این بحران را بشناسیم، با راهکارهای مقابله با این بحران آشنا شویم تا آسیب ناشی از این شرایط را به حداقل رسانده و یا حتی تهدید به

۱. دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / رایانامه: m.moradiii.1998@gmail.com / تاریخ نگارش: چهاردهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

۳۶۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)
وجود آمده را به فرصت تبدیل کنیم.

۱. سناریوهای احتمالی

کسب‌وکارها برای ادامه فعالیت‌های خود باید ۳ سناریو را به مثابه حالت‌های پیش‌رو در نظر داشته باشند:

۱-۱. سناریوی اول؛ خوش‌بینانه

ترمیم سریع (بعیدترین حالت ممکن): در این حالت شیوع فوق‌العاده سریع بیماری کنترل می‌شود و اکثر اثرات مخرب اقتصادی تنها به سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ محدود می‌گردند.

۲-۱. سناریوی دوم؛ واقع‌بینانه

کند شدن رشد جهانی (سناریو اصلی): در این سناریو شاهد پایداری شیوع پیچیده بیماری و کند شدن رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ خواهیم بود.

۳-۱. سناریو سوم؛ بدبینانه

فراگیری بین‌المللی و رکود اقتصادی (حالت بدبینانه): در سناریوی سوم سرعت شیوع بیماری جهش چشمگیری خواهد داشت، حداقل یک سال با این ویروس درگیر خواهیم بود و موضوع ویروس‌های واگیر، جزئی از زندگی ما می‌شود، کانون‌های بحران جدیدی تشکیل خواهد شد و جهان شاهد یک بحران اقتصادی دیگر خواهد بود.

در بحران‌ها، بایستی همه سناریوهای احتمالی را در نظر گرفته و خود را برای بدبینانه‌ترین حالت آماده کنیم. حذف سناریوی بدبینانه و اتخاذ سناریوی خوش‌بینانه، یک ساده‌پنداری محض است و به شدت خطرناک

تحلیل وضعیت کسب و کارها در بحران کرونا □ ۳۶۵

است. ما باید باور به اتمام بحران داشته باشیم و توانایی مواجهه، حتی با بدترین حالت ممکن را داشته باشیم، خوشبینی در این شرایط مخرب است. این خوشبینی، سبب ضعف در آمادگی در مواجهه با بحران خواهد شد و در صورت عدم تحقق حالت خوشبینانه، منجر به افسردگی می‌شود. یادمان باشد که بحران‌ها معمولاً به صورت چند موج به سمت ما می‌آیند و باید بتوانیم برای همه موج‌ها آماده باشیم.

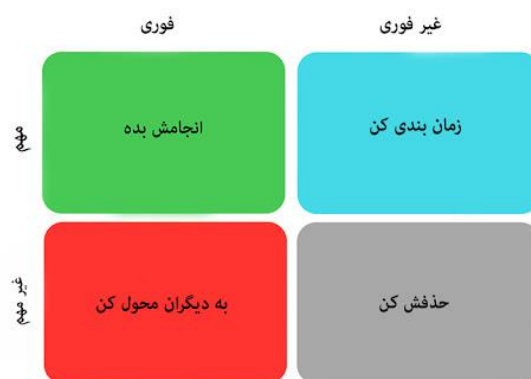
۲. مواجهه درستی با بحران داشته باشیم

در این بحران امنیت روانی مردم تهدید شده است. مردم با یک سردرگمی، عدم قطعیت و ناتوانی در پیش‌بینی آینده روبرو شدند. مردم در مواجهه با این بیماری سه گونه رفتار را از خود نشان داده‌اند: گروه اول افرادی هستند که ساده‌انگارانه با موضوع برخورد می‌کردند و اصول بهداشتی را رعایت می‌کردند. گروه دوم، افرادی هستند که آرامش خود را حفظ کرده، به توصیه‌های بهداشتی عمل کرده و نگاه واقع‌بینانه به مسئله داشتند و گروه سوم، افرادی هستند که از ابتدا ترس و دلهره‌ی داشتند، دچار وسواس فکری شده بودند و توانایی مدیریت استرس نداشتند. مردم نباید در این شرایط، آرامش روانی خود را از دست دهند و دچار تشویش شوند. مواجهه غلط ما با بحران‌ها، ابتکار عمل ما را خواهد گرفت.

مردم می‌بایست با حفظ آرامش و مدیریت احساسات، به بحران‌ها و طوفان‌ها، پاسخ درست بدهند نه واکنش غیرمنتظره. باید در نظر داشته باشیم که آرامش به معنای بی‌عملی نیست. باید صبر و استقامت داشته باشیم و بی‌قراری و بی‌ثباتی، به عادت تبدیل شود. در شرایط بحران نباید هیجانی عمل کرد.

۳. به فکر بقا باشید، توسعه تعطیل!

یکی از ضرورت‌های لازم برای این بحران، آمادگی ذهنی مواجه با بحران است. در شرایط بحران بایستی اولویتهایمان را تشخیص داده و بر اساس آن‌ها رفتار کنیم ما باید بتوانیم در شرایط بحرانی، حداقل ۷۰٪ از توان و انرژی‌مان را صرف مسائل «مهم و فوری» کنیم و ۳۰٪ را نیز صرف مسائل «مهم و غیرفوری». «غیرفوری و غیرمهم» و «غیرمهم و فوری» اینجا حذف می‌شوند.



نمودار ۴: ماتریس تصمیم‌گیری آیزنهاور

در بحران‌ها، ابهامات و سردرگمی‌ها، به اوج خود می‌رسد و پیش‌بینی آینده، تقریباً غیرممکن است و باید بر روی اولویتهایمان و مسائل کلیدی تمرکز کرد و از مسائل غیرضروری و دیر بازده صرف‌نظر کرد. پس می‌بایست از برنامه‌های بلندمدت و توسعه‌ای، صرف‌نظر کرده و در سرمایه و وقت‌تان، صرفه‌جویی کنید. البته این بدین معنا نیست که از فرصت‌های احتمالی غافل باشید. در بحران‌ها، قرار نیست فقط واکنش تدافعی داشته باشید.

بایستی به فکر پیشرفت باشید و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنید.

۴. کسب‌وکارها باید چه کنند؟

هر کسب‌وکاری یک زنجیره‌ی ارزش دارد. در تحلیل بحران‌ها و مشکلات کسب‌وکارهایمان باید ببینیم کدام یک از متغیرهای زنجیره ارزش‌مان بوسیله آن بحران، دچار مشکل شده است و روی آن‌ها متمرکز شویم. توجه داشته باشیم، هر کسب‌وکار با توجه نوع محصول یا خدمت، اهداف و مشتریان، از دچار ضرر و زیان متفاوتی شده‌اند و مشکل همه یکی نیست. باید در حل مشکلات و چالش‌ها، اقتضایی عمل کرده و نمی‌توان یک نسخه یکسان برای همه تجویز کرد.

۵. تغییر و تحولات پیرامون را در قالب راهبرد، ترجمه کنید

این تعطیلی یا نیمه تعطیلی اجباری کسب‌وکارها، فرصت مناسبی است که صاحبان کسب‌وکار و مدیران ارشد، یک بازنگری جدی در مأموریت‌های، چشم‌انداز، راهبرد سازمانی، ارزش پیشنهادی، فرهنگ سازمانی، فرآیندهای سازمانی، نحوه مدیریت و مسائلی از این جنس، داشته باشند. باید این نکته را در نظر داشت بحران‌ها، میدان ارزیابی هستند؛ در این زمان است که ارزش‌های سازمانی‌مان مشخص می‌شود؛ تصمیماتی که در زمان بحران اتخاذ می‌کنیم، نشانگر اولویتهایمان است.

به طور کلی یک صاحب کسب‌وکار یا یک مدیر ارشد سازمانی، بایستی توانایی داشتند باشد که تغییر و تحولات را در قالب راهبرد، ترجمه کند. در این برهه، تغییرات به صورت سریع صورت می‌پذیرند، پس بایستی به طور مستمر به رصد تغییرات، درک صحیح تغییرات و فهم تأثیر آن بر

۳۶۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کسب‌وکارمان بپردازیم و الزامات جدید سازمان برای برخورد با شرایط جدید را تشخیص دهیم. لازمه این فرآیند، توجهی هدفمند، متمرکز و بدون قضاوت نسبت به اتفاقات درونی و بیرونی است.

صاحبان کسب‌وکارها و مدیران ارشد، بایستی بر اساس روندها و تغییرات به‌وجودآمده، یک سند بازطراحی شده از چشم‌اندازها و راهبرد خود تهیه کنند و اگر تغییرات دیگری نیز به وجود آمد، آن چشم‌اندازها و راهبردها را بروزرسانی کنند. باید توجه داشت که می‌بایست کارکنان و ذی‌نفعان اصلی را در تدوین این چشم‌انداز مشترک جدید سهیم کنیم؛ چون توافق آن‌ها الزامی است و برای پیاده‌سازی برنامه‌های جدید، به مشارکت و همراهی آنان نیاز داریم.

۶. برای عبور از طوفان، پس‌انداز کنید

در بحران پیشرو، از اتفاقات احتمالی در آینده بی‌خبریم. این بی‌خبری، ممکن از تا ۶ ماه یا حتی بیشتر گریبان‌گیرمان باشد. ممکن تا ۶ ماه آینده، کسب‌وکارها تعطیل و یا نیمه تعطیل باشد و یا هیچ عایدی نداشته باشیم. ناگزیریم برای حرکت در مسیر نادانسته‌ها و ابهامات، صرفه‌جویی کنیم، پس‌انداز کنیم و از انجام کارهای ریسکی یا دیربازده بپرهیزیم. توجه داشته باشیم نقدینگی به مثابه‌ی خون در اقتصاد است. کسب‌وکارها، باید شرایط مالی خود را در جهت حفظ جریان نقدینگی، مدل‌سازی نمایند و عوامل مؤثر بر نقدینگی جاری و آتی شرکت را شناسایی نمایند و با توجه به هر عامل کلیدی شرکت، روش‌های مواجهه با آن را تعریف نمایند.

نارچارند برای بقاء، تمامی هزینه‌های اضافی را حذف کنند. برای مثال، اگر محل کار شما اجاره‌ای است، آن را تحویل داده و حتی پس از برطرف شدن

تحلیل وضعیت کسب و کارها در بحران کرونا □ ۳۶۹

این بحران، کارمندان به صورت دورکاری، وظایف سازمانی خود را انجام دهند.

۷. تعدیل نیرو ممنوع!

اگر در کوتاه مدت قصد اخراج و تعدیل نیرو را به هر دلیل داشتیم، صرف نظر کنیم و در شرایط بحران، مشکل بیکاری را به کارمند خود و خانواده آن تحمیل نکنیم. در شرایط مواجهه با بحران، حفظ نقدینگی و صرفه جویی در سرمایه، بسیار مهم و کلیدی است ولی کاهش هزینه‌ها از طریق تعدیل نیرو، باید آخرین گزینه باشد. تا جایی که امکان دارد، از راه‌های دیگر، صرفه جویی کرده و سعی در حفظ و نگهداشت کارکنان خود داشته باشیم.

۸. تعلل نکنید

در زمان بحران، استراتژی wait & see اجرایی نیست، یعنی تعلل در تصمیم‌گیری نداشته و باید تصمیمات با سرعت و دقت اتخاذ گردد. در شرایط عادی، خوب دشمن عالی است؛ یعنی نباید دقت را فدای سرعت کرد؛ و بایستی نهایت سعی خود را در پی یافتن بهترین راهکار انجام دهیم، ولی در شرایط بحران، به عکس است و عالی دشمن خوب است. عدم اتخاذ تصمیم در زمان مقرر می‌تواند نتایج جبران ناپذیری را به بار آورد. در بحران‌ها، سرعت اتخاذ تصمیم‌ها به مراتب با اهمیت‌تر از کیفیت آن‌هاست.

۹. لطفاً جوّزده نشوید

معمولاً کسب و کارهای سنتی که به دلیل این بحران، آسیب دیده‌اند، دلیل شکست‌پذیری خود را عدم حضور در فضای دیجیتال (فضای وب و شبکه‌های اجتماعی) می‌پندارند. این علت تا حدودی درست است، ولی تصمیم عجولانه‌ای که در پی یافتن علت، اتخاذ می‌کنند خطرناک است. ورود

۳۷۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کسب‌وکارها به فضای دیجیتال سهل‌ممتنع است؛ در ظاهر کار ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما نیاز به دانش و تخصص لازم، زیرساخت‌های فنی و انسانی دارد. پس نبایست، عجولانه و مدگرایانه بر روی این حوزه سرمایه‌گذاری کرد. ورود به فضای دیجیتال، جزو برنامه‌های توسعه‌ای و بلندمدت است، در بحران کرونا، فرصت خوبی است که شروع به فراهم ساختن زیرساخت‌ها کنیم؛ برای مثال کارکنان خود را از طریق آموزش‌های مجازی، برای ورود به این عرصه، آماده کنیم.

بایستی بین حضور اینترنتی و فروش اینترنتی، تفاوت قائل باشیم. ممکن است کسب‌وکار و شرکتی، به هر دلیلی، نمی‌تواند یا نمی‌خواهد فروش اینترنتی داشته باشد و به تصمیم آن شرکت برمی‌گردد، ولی حضور مؤثر کسب‌وکارها و شرکت‌ها، در فضای مجازی، یک ضرورت و الزام است. کسب‌وکارها و شرکت‌ها، در کوتاه‌مدت می‌توانند با فعالیت در سکوها (=پلتفرم‌ها) و بازارگاه‌ها^۱ به توسعه فروش خود کمک کنند، البته این پیشنهاد برای همه کسب‌وکارها، با توجه به نوع محصول یا خدمت آن‌ها، قابل پیاده‌سازی نیست. همچنین فروش تلفنی، هم می‌تواند جایگزین مناسبی برای فروش حضوری باشد. در مورد پیشنهاد حضور در سکوها و بازارگاه‌ها، این ملاحظه را در نظر داشته باشید که اتکای بیش از حد کسب‌وکارها به این سکوها، در بلندمدت باعث وابستگی بیش از حد کسب‌وکار به آن سکوها شده و برای آن کسب‌وکار خطرآفرین است.

۱۰. رنجی کم کنیم

زمان بحران، زمان تاب‌آوری و بقاست، نه سودآوری. ما در یک زنجیره‌ی

1. Marketplace

تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا □ ۳۷۱

اقتصادی بوده و همه به یکدیگر مرتبط هستیم. باید به فکر توسعه پایدار همگانی باشیم، حتی اگر به‌وسیله بحران کرونا، به کسب‌وکارمان آسیبی نرسیده و حتی باعث رشد سودآوری‌مان شده است، بایستی بخشی از آن را در جهت کمک به شرکای تجاری، حمایت از کارکنان شرکت و کاهش رنج مردم، اختصاص دهیم، چون در قبال آن‌ها مسئولیم.

در زمان بحران می‌بایست، یک واحد مجزایی برای انجام مسئولیت اجتماعی سازمان اختصاص دهیم. اقدامات شرکت در بحث مسئولیت اجتماعی، بایستی به دور از هرگونه چشم‌داشت، پروپاگاندا و حرکات نمایشی انجام شود. سوء استفاده از درد و رنج دیگران برای فروش و سودآوری دیگران – برای مثال اعلام کمک‌هایمان در تیزرهای تبلیغاتی – کار غیراخلاقی و خطرناکی است و باعث خدشه‌دار شدن برند سازمان خواهد شد.

۱۱. نوآوری؛ یک ضرورت انکارناپذیر

اساساً نوآوری در همه شرایط - چه شرایط عادی، چه شرایط بحرانی- ضرورت دارد و سبب بقا و شکوفایی خواهد شد. در شرایطی که عدم قطعیت بالاست، مانند بحران‌ها، نقش نوآوری بسیار پررنگ است. شرایط محیطی به شدت در حال تغییر و تحول است و ما از طریق نظام نوآوری می‌توانیم تغییرات لازم را انجام دهیم. بزرگ‌ترین نوآوری لازم در این دوران، نوآوری در مدیریت منابع انسانی است، به دلیل این‌که مهم‌ترین اولویت سازمانی در زمان بحران، منابع انسانی آن مجموعه است. در سطوح بعدی، نوآوری در مدل کسب‌وکار، نوآوری در فرآیندهای سازمانی و نوآوری در محصول یا خدمت در اولویت قرار می‌گیرد. داشتن یک فرهنگ سازمانی صحیح، می‌تواند کمک شایانی در ایجاد زیرساخت نظام نوآوری در سازمان و تقویت آن کند.

۱۲. دلسوزانه از کارمندان خود مراقبت کنید

از کارکنان خود حمایت کنید، به طوری که حس کنند خود و خانواده‌شان برای شما مهم هستند. این حمایت مشفقانه، سبب انجام وظایف مشفقانه توسط کارمندان خواهد شد. در این شرایط، نیازهای کارمندان تغییر کرده است و بسته‌های بهداشتی و معیشتی جایگزین بسته‌های رفاهی به کارمندان شده است.

شرایط کار را برای کارمندان تسهیل نمایید. تا جایی که امکان دارد، بستر دورکاری را فراهم آوریم. دورکاری اصول و ابزارهایی دارد، این اصول و قواعد را بایستی به کارمندان آموزش داد و ابزارهای لازم، بایستی فراهم گردد. در دورکاری، ارزیابی بر مبنای ساعت کاری، کار غلطی است و معیار ارزیابی در دورکاری، باید انجام وظایف در بازه زمانی توافق شده، باشد.

اگر مجبور به حضور فیزیکی کارکنان باشیم مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای و فروشگاه‌های عرضه اقلام ضروری، باید نهایت تلاش را در جهت حفظ سلامت کارمندان و مردم انجام داد. برای مثال اقلام بهداشتی لازم را به صورت رایگان در اختیار کارکنان و مشتری، قرار دهیم، بجای کاهش ساعات کاری، تعداد روزهای حضور کارکنان را کاهش دهیم، در چینش اقلام در فروشگاه و توزیع مناسب کارکنان در فروشگاه، دقت کافی را داشته باشیم تا تجمع در بخشی از فروشگاه انجام نشود و خطر ابتلا کاهش یابد.

۱۳. گذشته را جبران کنید و آینده را بسازید

مدیریت درست در زمان بحران، تأثیر بسزایی در آینده شرکت و کسب و کارتان خواهد داشت، می‌تواند اشتباهات مدیریتی گذشته شما را جبران سازد، سبب ایجاد همدلی و وفاداری در بین کارکنانتان شود و به برند سازمانی شما

تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا □ ۳۷۳

را ارتقاء خواهد داد. ارتباط شفاف شما با ذی‌نفعان اصلی‌تان (کارکنان، سهامداران، شرکای تجاری) بسیار با اهمیت و راهگشاست. شما به همفکری، همراهی و همکاری آن‌ها نیازمند هستید، پس با برقراری ارتباطی شفاف با آن‌ها، اعتمادشان جلب کرده و با خود همراه کنید.

۱۴. دنیای پس از کرونا

پس از یک تهوع راهبردی، یک تحوّل راهبردی در پیش رو است. پس از ریشه‌کن شدن کرونا، شاهد تحولات اساسی در حوزه‌های مختلف، خواهیم بود.

این بحران تأثیر بسزایی بر سبک زندگی مردم خواهد گذاشت. مردم مجبور به تغییر در رفتارهای خود شدند. در این ایام سرانه مصرف اینترنت مردم بشدت افزایش یافت و این امر باعث تسریع فرآیند دیجیتالی‌شدن مصرف‌کننده خواهد شد. پس از این بحران، مردم یا به تعبیری مصرف‌کنندگان، ذائقه و علایق متفاوتی خواهند داشت، رفتار مصرف‌کنندگان به طور کلی دچار تغییر و تحول شده است. کسب‌وکار باید خود را آماده تطبیق با رفتار مشتریان، کنند، چون بازار، تبلور رفتار مصرف‌کننده است. برای مثال، احتمالاً حوزه‌هایی از قبیل خرید برخط، آموزش برخط و سرمایه‌گذاری در بهداشت عمومی تقویت می‌شوند.

پس از بحران کرونا، ممکن است بسیاری از کسب‌وکارها، دچار سه وضعیت شوند؛

- برنندسازی مجدد؛

۳۷۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- جایگاه‌یابی مجدد^۱؛
- تغییر اساسی^۲.

به واسطه این بحران، برخی از تیرگی‌های فرهنگی مانند خودبتربینی‌ها، عدم یادگیری‌ها، بی‌اهمیتی نسبت به محیط و اطرافیان، عدم مشورت‌ها، اصلاح خواهد شد، ولی بدبینی‌های افراطی، به شدت رواج خواهد یافت.

۱۵. تأثیر کرونا در مناسبات بین‌المللی

به واسطه شیوع گسترده کرونا در سراسر جهان و تأثیرات مخرب آن در ابعاد مختلف، باعث تغییر و تحولاتی در اقتصاد سیاسی کشورها خواهد شد. این بحران منجر به افزایش حس ملی‌گرایی کشورها در مقابل نظریه جهانی شدن و بین‌المللی شدن گردید، ممکن است سبب ایجاد درون‌گرایی اقتصادها و خودکفایی و استقلال اقتصادی کشورها شود. حتی ممکن است منجر به کاهش تعهدات بین‌المللی شود. البته، باید در نظر گرفت که تمامی کشورها، دچار یک درد مشترک هستند و ممکن است این درد مشترک سبب ایجاد تعاملی قوی در سطح بین‌المللی گردد. حال باید دید اقتصاد دنیا، در کجای این طیف قرار می‌گیرد.

۱۶. نقش دولت در این برهه تاریخی

در جهت جلوگیری از فشارهای مالی و حقیقی اقتصاد، دولت نقش مهمی دارد؛ اما در این شرایط دولت نیز در وضعیتی مناسبی نبوده و نیاز به منبع جایگزین، برای تأمین مالی دارد. گسترش پایه‌های مالیاتی، یک منبع

1. Re-Positioning

2. Pivot

تحلیل وضعیت کسب‌وکارها در بحران کرونا □ ۳۷۵

مناسب، جهت رفع کسری بودجه دولت است. نرخ مالیات در کشور تا ۲۵ درصد قابل افزایش است، البته این افزایش نرخ مالیات، نباید مشمول قشر آسیب‌پذیر مانند کارمندان، کارگران و تولیدکنندگان شود. با بازنگری بر معافیت‌های مالیاتی بی‌جا و بی‌مورد و پیگیری فرارهای مالیاتی، دولت می‌تواند نیازهای مالی خود را برطرف سازد.

دولت می‌بایست بر اساس شرایط به‌وجود آمده، در بودجه ۹۹ بازنگری کند. لازم است دولت برای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، اعتبارات بانکی به کسب‌وکارها را افزایش دهد. تخصیص یارانه به کسب‌وکارها، مقدم بر اشخاص است. دولت برای تأمین کسری مواد اولیه لازم برای تولید، نیاز به واردات دارد. این واردات مستلزم مذاکره با شرکای تجاری‌مان‌علی‌الخصوص چین است. ما باید جهت حفظ مشتریان فعلی و گشایش بازارهای جدید، نیاز به دیپلماسی اقتصادی داریم.

۱۷. منابع

Martin Reeves, Nikolaus Lang, Philipp Carlsson-Szlezak (2020), Lead your business through the Coronavirus Crisis
Matt Craven, Linda Liu, Mihir Mysore, Shubham Singhal, Sven Smit, and Matt Wilson (2020), Implications for business COVID-19

۳۶. رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا

محمدحسین قنادانزاده^۱

بحران کرونا در اکثر کشورهای جهان شیوع پیدا کرده است و بخش‌های مختلف از جمله اقتصاد آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. میزان تأثیر اقتصادی که این بحران در کشورهای مختلفی که شیوع ویروس کرونا آن‌ها را به حالت آماده باش قرار داده است، متفاوت است. به طور معمول کشورهایی که کسب‌وکارها در آن از رویکردهای سنتی به رویکردهای جدیدتر مبتنی بر فناوری گذار کرده‌اند آسیب‌های کمتری از این بحران دیده‌اند. در این مقاله، قصد داریم به نقش رهبران کسب‌وکارها و وظایف آن‌ها در مدیریت بحران در کسب‌وکارها بپردازیم. مطالعاتی در این خصوص در دانشگاه کسب‌وکار هاروارد صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: Mh.ghannadanzadeh1997@gmail.com / تاریخ نگارش: یازدهم فروردین ماه ۱۳۹۹.

اشاره می‌شود.

در ابتدای شیوع ویروس کرونا تصوّر می‌شد که این بیماری واگیر، تنها در مرزهای چین باقی خواهد ماند؛ اما به مرور و با گسترش سریع آن، زنگ خطری جدّی در اکثر کشورهای جهان به صدا درآمد. در این شرایط، ضروری است بنگاه‌های اقتصادی سیاست و رویه‌هایی را که در آن‌ها برای محافظت از کارمندان، مشتریان و عملکردهای خود در نظر گرفته شده است را به دقت بررسی کنند. در این شرایط عدم اطمینان و تغییرات سریع، رهبران نقش موثّری برای کنترل و بهبود اوضاع دارند. در ادامه چند نمونه از وظایف و کارهایی که رهبران باید انجام دهند را بررسی می‌کنیم.

۱. بهبود ارتباطات در شرایط بحران

یکی از کلیدی‌ترین وظایف رهبران کسب‌وکار در شرایط بحران، بهبود ارتباطات سازمانی است تا بتوان اضطراب افراد را به حداقل میزان ممکن کاهش داد. به‌منظور بهبود ارتباطات گام‌هایی باید برداشته شود:

۱-۱. گام اوّل: یک گروه را برای ارتباطات متمرکز شکل دهید

در حالت مطلوب این گروه باید کوچک باشد و از ۵ تا ۷ نفر تشکیل شده باشد. شما باید یکی از اعضای گروه رهبری باشید و افرادی از بخش ارتباطات سازمانی، مدیرعامل منابع انسانی و یک متخصص در حوزه نگرانی^۱ باشند. این گروه وظایفی همچون جلسات منظم به منظور بررسی وضعیّت، ارائه اطلاعات به سایر اعضا، ارائه مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اطلاعات را به هیئت‌مدیره و ... باید ایفا کند.

1. area of concern.

۲-۱. گام دوم: با کارمندان ارتباط برقرار کنید

کارمندان مهم‌ترین عامل عملکردی و به مثابه سفیرانی هستند که می‌توانند پیام‌های سازمان را در جامعه نشر دهند. سازمان باید شرایط را برای کارمندان به نحوی تغییر دهد که فکر افراد آزاد شده و به آینده امیدوار بشوند. مطالعات نشان می‌دهد که رهبران به صورت خاص، نقش ویژه‌ای در کاهش اضطراب کارکنان خود دارد. به منظور برقراری ارتباط با کارکنان باید موارد زیر توجه کرد:

- اطلاعات را در یک مکان پربازدید به صورت منظم قرار دهید. این اطلاعات می‌تواند در یک مکان فیزیکی یا مجازی، اعم از پست الکترونیک، اینترانت شرکت، اسلک^۱ یا کانال فیسبوک قرار گیرد؛
- نحوه تصمیم‌گیری درباره موضوعاتی از قبیل مسافرت، کار از خانه و ... را توضیح دهد؛
- ارتباط برقرار کنید؛ آن هم نه کمتر از روزهای دیگر؛
- به جای اینکه صبر کنید تا تمام جواب را به دست بیاورید، سعی کنید اطلاعات را به موقع در اختیار قرار دهید.

۳-۱. گام سوم: به صورت منظم با مشتریان ارتباط داشته باشید

با توجه به اینکه شرکت‌ها دسترسی یکسان و متناوبی به این بخش ندارند، مشتریان به رویکرد متفاوتی نسبت به کارکنان نیاز دارند.

- درباره این موضوع تمرکز کنید که چه چیز برای مشتری اهمیت دارد؛

1. Slack.

۳۸۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- تا حدّ امکان، آرامش دهید. جت بلو^۱ اولین خطّ هوایی بود که به تغییر و لغو هزینه‌های مربوط به نگرانی‌های ویروس کرونا پرداخت. این حرکت، باعث اطمینان مشتریان فعلی و جذب مشتریان جدید شد. در مقابل شرکت‌های بیمه، ویروس کرونا را دلیل معتبری برای لغو پرواز نمی‌دانند؛
- بجای این‌که از این فرصت برای فروش استفاده کنید، بر همدلی متمرکز شوید. شرکت باید در مورد راهبردهای ترویجی و تبلیغاتی خود بازنگری کند تا با جریان‌های فعلی همسو باشد.

۴-۱. گام چهارم: به سهامداران اطمینان بدهید

- این بیماری همه‌گیر، نوسانات شدیدی در بازارهای مالی ایجاد کرده است. برای رسیدگی به روابط با سرمایه‌گذاران باید این موارد را انجام دهید:
- در برقراری ارتباط در چالش‌های قریب‌الوقوع شفاف باشید؛
 - از چالش به مثابه یک فرصت برای تقویت بنیادهای طولانی مدّت شرکت استفاده کنید؛
 - آنچه را که در مورد این مشکل انجام می‌دهید را با آنها در میان بگذارید.

۵-۱. گام پنجم: به صورت فُعال با جامعه در ارتباط باشید

- آنچه در خصوص ویروس کرونا در داخل سازمان اتّفاق می‌افتد، بر همه جوامع پیرامون آن تأثیر می‌گذارد. در حداقلی‌ترین حالت ممکن، سازمان‌ها باید اطمینان حاصل کنند که اقدامات آن‌ها تأثیری منفی بر اعضای جامعه نمی‌گذارد. همچنین شما می‌توانید در مورد بحران به مثابه زمانی برای تقویت روابط با جوامع محلی که در آن فُعالیّت می‌کنید، تفکر کنید:
- تأمین منابعی مانند تمیز کردن لوازم یا مواد غذایی برای افراد در قرنطینه؛

رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا □ ۳۸۱

- ارائه اطلاعات به رسانه‌های محلی در جهت کمک به آرام کردن جامعه و در عین حال به منظور افزایش اعتبار سازمان شما؛
- شفافیت در خصوص آنچه در درون شرکت اتفاق می‌افتد به جای سکوت.

۲. تبدیل فعالیت‌های حضوری به دورکاری

با افزایش یافتن تهدید ویروس کرونا، انتظار کارکردن در خانه، به طور فزاینده‌ای به سمت طیف وسیعی از کارگران در حال گسترش است. در صورتی که این اتفاق رخ دهد، الگوهای معمول کاری، شیوه‌های ارتباطی و پویایی گروه مختل می‌شود. عدم اطمینان و اضطراب فزاینده در خصوص خطرات شخصی این همه‌گیری و تأثیر آن بر اقتصاد، چالش سازگاری با این تغییرات کار را بیشتر می‌کند.

در اینجا راهکارهایی وجود دارد که رهبران می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند تا اطمینان حاصل شود که گروه‌هایشان به صورت مؤثر و با حفظ انگیزه به فعالیت خود در این کسب‌وکار ادامه خواهند.

۱-۲. اهداف و نقش‌ها را با جزئیات و مو به مو بیان کنید

گروه‌هایی که به صورت ناگهانی الگوهای کاری را تغییر می‌دهند- بخصوص زمانی که از یک مکان به مکان‌های مختلف پراکنده می‌شوند- باید در خصوص چگونگی انجام وظایف خود، تجدیدنظر کنند و از این موضوع که همه اعضا نقش خود را درک می‌کنند، اطمینان حاصل کنند.

۲-۲. بر تعاملات شخصی تأکید کنید

افرادی که به صورت ناگهانی مجبور شده‌اند از خانه کار خود را انجام دهند، احتمالاً احساس جدایی و تنهایی می‌کنند و این باعث کاهش بهره‌وری و

۳۸۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

تعامل^۱ می‌شود. رهبران بخصوص آن رهبرانی که عادت به مدیریت گروه‌های مجازی نداشته‌اند، ممکن است در خصوص نگهداشتن گروه در مسیر خودش احساس نگرانی کنند. تحت این شرایط، وسوسه می‌شوند که تنها در مورد روی کار متمرکز شوند. برای پرداختن به این چالش، ایجاد زمانی برای تعامل فردی از هر زمان دیگری، مهم‌تر است.

۳-۲. محیط‌های کاری جدید را عادی‌سازی^۲ کنید

کارکردن از خانه باعث ایجاد [عوامل] جدید حواس‌پرتی می‌شود و سوءتفاهم‌هایی را به صورت بالقوه در خود دارد. هر چه بیشتر اعضای گروه شما از محیط اطراف همدیگر بدانند، رفتارهای دیگران را بهتر می‌توانند متوجه شوند.

۳. حفاظت از کارکنانی که در محیط کار در خطر هستند

بررسی جدید ویس تاورس واتسون^۳ که بر درباره ۱۵۸ کارفرما در سطح جهان انجام داده است، بیش از نیمی از شرکت‌های چند ملیتی را کشف کرده است که اقداماتی را برای محافظت از کارمندان در دست دارند. همان‌طور که انتظار می‌رود، چین از این نظر جلوتر است. تقریباً ۹۰ درصد از شرکت‌های مورد بررسی، دسترسی کارمندان به مواد ضد عفونی را افزایش داده‌اند و بیش از ۸۰ درصد ارتباطات بهداشت عمومی^۴ (مانند پوسترهایی درباره جلوگیری از

1. Engagement.

2. Normalize.

3. Willis Towers Watson.

4 public health communications.

رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا □ ۳۸۳

گسترش ویروس) را بالا برده‌اند و کارمندان را به سمت کار از منزل هدایت کرده‌اند. در آمریکای شمالی که covid-19 که به تازگی پدیدار گشته است، شرکت‌ها در حال فعالیت هستند؛ ۷۰ درصد آماده و یا در حال برنامه‌ریزی برای افزایش ارتباطات هستند و بیش از نیمی از آن‌ها قصد یا برنامه‌ای را برای افزایش دسترسی به ضد عفونی کننده‌ها دارند.

۴. منع آلوده شدن در سازمان در صورت بروز علائم

کارکنان باید در صورتی که علائم ویروس کرونا را داشته باشند، در خانه بمانند؛ اما کارکنان وفادار در مقابل دورانی که این بیماری وجود دارد، مقاومت می‌کنند و خود را به محل کار می‌رسانند که ممکن است افراد دیگر را آلوده کنند. با وجود تهدیدی که این همه‌گیری ایجاد می‌کند، مدیران نباید از فرستادن کارکنانی که علائم کووید ۱۹ را دارند به خانه کوتاهی کنند. علاوه بر این، کارکنان و یا بازدیدکنندگانی که علائم و یا خطرپذیری بالای ابتلای به بیماری کووید ۱۹ را دارند، باید از [بقیه] کارمندان جدا شده و تمهیداتی اندیشیده شود تا محل کار را ترک کرده و ارزیابی‌های پزشکی را انجام دهند و در عین حال کمتر در معرض عموم قرار گیرند. برای مثال، آن‌ها باید از حضور در مکان‌ها و حمل و نقل عمومی خودداری کنند و در حالت آرمانی، ۶ فوت (معادل ۱/۸ متر) از دیگران فاصله بگیرند؛ مگر این که ماسک بزنند.

۵. تجدید نظر در سیاست‌های حقوق و مزایا

این احتمال که تعداد بیشتری از کارمندان به دلیل بیماری و یا محافظت در برابر دیگران، قادر به کار کردن نباشند بدین معنا است که شرکت‌ها باید سیاست‌های مرخصی با حقوق و مرخصی استعلاجی خود را تجدیدنظر کنند.

۳۸۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

سیاست‌هایی که به کارکنان اطمینان بدهد که آن‌ها جریمه نخواهند شد و می‌توانند مرخصی استعلاجی بگیرند، ابزاری مهم در تشویق به خود اظهاری و کاهش مواجهه‌های بالقوه است.

۶. دیوانسالاری را کنترل کنید

موضوعات بحث برانگیز، حساس و یا پراهمیت معمولاً از سوی مدیران ارشد، امور شرکت‌ها، بخش حقوقی و مدیریت خط‌پذیری مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر کدام از این مدیران درباره این موضوع که چطور باید با همدیگر تعامل داشته باشند، پیشنهادهایی می‌دهند که باعث کند و آهسته شدن روند کار می‌شود. جمع‌کردن گروهی قابل اعتماد کوچک و دادن فرصت کافی به آن‌ها برای تصمیم‌گیری سریع، تاکتیکی بسیار مهم است. مدیریت بیش از حد ارتباطات، زمانی آسیب می‌بیند که هر روز اطلاعات قابل توجه و جدیدی ارائه شود.

۷. شفاف باشید

هنگام برقراری ارتباط با یک گروه از راه دور، رهبران باید شفافیت مرزها و دستورالعمل‌ها را بیشتر کنند. در ابتدایی‌ترین آن، این کار شامل کمک به کارکنان در تعیین میزان دسترسی آن‌ها است: چه زمانی کار خواهند کرد، چگونه می‌توانند به خواسته‌های مختلف برسند و چگونه با چالش‌هایی مانند مراقبت از کودکان روبرو می‌شوند. این موضوع، نه تنها انتظاراتی را که از اعضای گروه داریم تنظیم می‌کند، بلکه به کارکنان بلندپرواز کمک می‌کند که به بی‌انگیزگی دچار نشوند. همان‌طور که در یکی از مقالات هاروارد توضیح داده شده است، بدون مرزهای مشخصی که در زندگی کاری افراد مشخص

رهبران کسب‌وکار در خط مقدم عبور از بحران کرونا □ ۳۸۵

می‌شود، افراد فعالی که در گروه شما هستند، ممکن است این حس را داشته باشند که روز کاری آن‌ها پایانی ندارد و باعث خستگی و عصبانی شدن آن‌ها شود.

رهبران همچنین باید معیارهای موفقیت جدید و قابل اندازه‌گیری را به اشتراک بگذارند؛ چراکه آن‌ها دیگر قادر نخواهند بود تا کارایی کارکنان را بر اساس ساعت‌هایی که در محل کار گذرانده‌اند ارزیابی کنند (که به نظر من این یک تغییر مثبت است). زمانی که نیرویی، کار از راه دور را برمی‌گزیند، مدیریت انتظارات و تمرکز بر روی اهداف مهم است. در مورد آنچه در حال انجام است نگران نباشید. در عوض درباره آنچه انجام می‌شود، تمرکز کنید. اگر اهداف خود را برآورده کنید، عالی است. اگر نه باید بیشتر به اوضاع نگاه کنید. تمام این‌ها مربوط به دستاوردها است و نه فعالیت‌ها.

در آخر، رهبران باید اهداف و نقش‌ها را بارها و بارها برای تمام گروه شفاف کنند. این حرکت به سمت کار در خانه، یک فرصت عالی برای گروه است تا اصول اولیه را بازبینی کنند تا اطمینان حاصل شود هر فرد اهداف گروه، نقش‌های فردی خود و نحوه مشارکت هر فرد در نتیجه را درک می‌کند. شفاف‌سازی نقش‌ها در میان گروه، به افراد کمک می‌کند تا متوجه شوند که چه زمانی می‌توانند بجای رهبر، به همکار تبدیل شوند که رهبر را از تنگنا نجات می‌دهد.

۸. فهرست منابع

- Jeff Levin-Scherz, & Deana Allen. (2020). 8 Questions Employers Should Ask About Coronavirus. *Harvard business review*
- Paul A. Argenti. (2020). Communicating Through the Coronavirus Crisis. *Harvard business review*
- Heidi K. Gardner, & Ivan Matviak. (2020). Coronavirus Could Force Teams to Work Remotely. *Harvard business review*

۳۸۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

Martin Reeves, & Nikolaus Lang, & Philipp Carlsson-Szlezak. (2020). Lead Your Business Through the Coronavirus Crisis. *Harvard business review*

Jason Wingard. (2020). Leading Remote Workers: The Coronavirus' Impact On Effective Management. *Forbes*

۳۷. دیپلماسی عمومی در عصر کرونا: فرصت‌آفرینی‌های بین‌المللی در جهان پس از کرونا

احسان امینی باغبادرانی^۱

۱. دیپلماسی عمومی در عصر کرونایی

بی‌شک با پدیده ویروس کرونا، نظم جهانی در حال تحوّل است و یکی از اساسی‌ترین مسائل این است که این تحوّل چگونه رخ خواهد داد و چه اثراتی را در پی خواهد داشت. برخی گفته‌اند که جهان، در عصر کرونا با انتقال قدرت از غرب به شرق مواجه شده است. این قطعاً از نتایج و پیامدهای کرونا است که انتقال قدرت از غرب به شرق را تسریع ببخشد، اما سؤال اصلی حاکی از این است که این مهم چگونه رقم خواهد خورد. اینجاست که دیپلماسی عمومی اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. مدیریت

۱. احسان امینی باغبادرانی، دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع) /ehsan.aminisu@gmail.com/ تاریخ نگارش: شانزدهم اردیبهشت‌ماه

تصویر به مثابه یکی از مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی عمومی در زمانه کرونا، اهمیت پیدا کرده است. این که یک کشور در محیط بیرون از قلمرو خود، چه وجهه و جایگاهی دارد و چه تصویری از آن در اذهان مردمان دیگر جوامع نقش می‌بندد، بسیار حائز اهمیت است. در واقع باید گفت این تصویرها هستند که تصمیم‌ها را می‌سازند.

اهمیت مدیریت تصویر در عصر کرونایی جهان دو چندان شده است، زیرا در زمان بحران‌ها زمینه برای تغییر سریع‌تر و آسان‌تر فراهم می‌شود. این فرصت و زمینه برای همه کشورها فراهم است تا تصویر خود را مخدوش کنند و یا بهبود بخشند. بحران کرونا باعث ایجاد تحولاتی در عرصه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای شده است. این فرصت برای ایران نیز فراهم است تا از ظرفیت‌های خود برای ارتقای تصویر بین‌المللی خویش بهره‌مند شود و از این تحول ایجاد شده بهترین بهره را برای فعال ساختن دیپلماسی عمومی تمدن ساز ببرد. در ادامه راهبردهایی برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از بحران کرونا در جهت بهبود تصویر ملی و فرصت‌آفرینی‌های بین‌المللی ارائه شده است.

۲. فرصت‌آفرینی بین‌المللی در عصر کرونا و پساکرونا

۱-۲. بازنمایی شکست تمدن غرب و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی فطرت از مهم‌ترین آزمون‌های کرونا، فعالیت کشورهای مختلف در زمینه دیپلماسی عمومی و ارائه تصویر مطلوب از کشور خویش است. کرونا باعث شده است تا چهره کشورها در دریای افکار عمومی مورد ارزیابی و آزمون دوباره قرار گیرد. موج کرونا در این دریای پهناور چهره برخی کشورها را مخدوش کرده و از طرفی فرصتی برای مطلوب جلوه دادن چهره برخی دیگر از کشورها شده است. کرونا چهره پوشالی و کثیف کشورهای غربی را نمایان کرد. آنان که

دیپلماسی عمومی در عصر کرونا □ ۳۸۹

خود را سردمداران بهره‌مندی از دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای می‌دانستند، امروز دروغ‌هایشان برملا شد. دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای که ناشی از قدرت پوشالی و استفاده از تکنیک‌های فریب افکار عمومی در عملیات روانی برای دستکاری ادراک مخاطبان و وعده‌های دروغین بود، امروز و با پدیده کرونا جای خود را به دیپلماسی مبتنی بر اقتدار حقیقی و صداقت داده است. تمدن غرب با این همه تبلیغات در برابر ویروس ناچیزی شکست خورده است. در این میانه است که ملت‌هایی که دارای اقتدار پوشالی نبوده و در مواجهه با کرونا، اقتدار خود را حفظ کرده‌اند می‌توانند با استفاده از این ظرفیت تصویر خود را بهبود بخشند.

بازنمایی قدرت پوشالی تمدن غرب و شکست دولت‌های آن در برابر کرونا در جهت آگاه‌سازی افکار عمومی جهانیان و ایجاد زمینه‌ای برای گفتگو با مردمان این کشورها با هدف بیدار کردن فطرت پاک آنان راهبردی است که از سوی متولیان دیپلماسی عمومی ایران قابلیت استفاده دارد. دیپلماسی فطرت همان دیپلماسی مبتنی بر قدرت حقیقی و الهی است. چه بسا در این ایام باید یادنامه مقام معظم رهبری به عموم جوانان غربی را دگر بار زنده کرد.

۲-۲. کمک‌های بشر دوستانه به ملت‌های مستضعف جهان و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی خدمت

خدمت به مستضعفان عالم از آرمان‌های انقلاب اسلامی و اسلام ناب است که موجب تسخیر قلوب و اذهان آنان و اتحاد حقیقی در برابر مستکبران خواهد شد. ارائه کمک‌های بشر دوستانه به ملت‌های مستضعف جهان که از فقر پزشکی و بهداشتی بهره می‌برند، در این زمانه بحران مطمئناً کمک

۳۹۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

شایانی در جهت بهبود تصویر ملی خواهد بود. ارسال تجهیزات بهداشتی و یا اعزام پزشکان ایرانی از جمله این موارد است.

اقدامات دولت چین در این زمینه مثال‌زدنی است. کشور چین که به مثابه منشأ کرونا شناخته می‌شد با استفاده از اعطای کمک‌های بشردوستانه به کشورهای درگیر مبارزه با کرونا هم از خود اتهام‌زدایی کرده و هم با استفاده از فرصت درگیری کشورهای اروپایی و آمریکا به کرونا و خلأ قدرت ایجاد شده برای جلب افکار عمومی و جذب کشورها، برای جهان پس از کرونا سرمایه‌گذاری کرده است. چین قصد دارد تا خود را برای پساکرونا قدرتی بلامنازع جلوه داده و تصویری به مثابه منجی بشریت از کرونا ارائه دهد. کشور ایران نیز با استفاده از این ظرفیت می‌تواند همچون دولت چین، با اعطای کمک‌های بشردوستانه تصویر خود در اذهان ملت‌ها را ارتقا دهد.

۳-۲. بازنمایی اقتدار و همدلی ملی ناشی از فرهنگ اسلامی ایرانی

تصویر آرامش ملی، همدلی و کمک‌های مؤمنانه در ایران در مقابل تصویر دعوای خیابانی برای خرید لوازم بهداشتی و صف‌های خرید اسلحه در کشورهای غربی یکی دیگر از راهبردهای بهبود تصویر ملی است. نکته اصلی در این بازنمایی توجه به فرهنگ اسلامی ایرانیان است. جایگاه نعمت سلامتی در اسلام و همچنین رعایت موارد بهداشتی با توجه به احکام اسلامی نشان‌دهنده این فرهنگ خواهد بود. بازنمایی این فرهنگ اسلامی ایرانی موجب تبلیغ و ترویج اسلام در میان دیگر کشورها خواهد شد.

۴-۲. آفرینش فرصت‌های بین‌المللی در زمینه دیپلماسی پزشکی

بازنمایی و ارائه تصویر مطلوب از نظام سلامت و پزشکی ایران از موفقیت در

مهار ویروس کرونا موجب رونق گردشگری پزشکی در ایران خواهد شد. قبل از کرونا نیز گردشگری پزشکی ایران در وضعیت مناسبی قرار داشت که استفاده از این فرصت می‌تواند این جایگاه را بهبود دهد. در باب ظرفیت‌های بین‌المللی در زمینه پزشکی ایران فرصت‌های فراوانی وجود دارد. با توجه به اهمیت مقوله سلامت در توسعه پایدار، لازم است دیپلماسی در عرصه سلامت به مثابه یکی از ابزارهای سیاست خارجی مورد استفاده دولت‌ها قرار گیرد.

بازنمایی مثبت از نظام سلامت و پزشکی ایران در زمان کرونا می‌تواند فرصت‌های ذیل را در جهان پس از کرونا برای ایران فراهم نماید:

- **بهره‌مندی از ظرفیت گردشگری پزشکی:** گردشگری پزشکی اکنون نیز در ایران از جایگاه خوبی برخوردار است. پیش از این نیز، از بیماران بسیاری از کشورهای خارجی به دلیل بهره‌مندی ایران از تجهیزات روز پزشکی و همچنین پزشکان خبره، برای درمان خود به ایران مراجعه می‌کردند. پدیده کرونا می‌تواند باعث توسعه زیرساختی نظام سلامت و تجهیزات پزشکی ایران شود تا در جهان پسا کرونا میزبان بیماران کشورهای خارجی باشد و از فرصتی اقتصادی برای ایران فراهم کند.
- **جهش تولید تجهیزات پزشکی:** با توجه به منویات مقام معظم رهبری پیرامون جهش تولید در سال پیش رو، باید این فرصت ایجاد شده را دریابیم و با ایجاد سازکاری مناسب به سمت تولید، تبلیغ و صادرات تجهیزات پزشکی پیش برویم که یک فرصت اقتصادی بسیار مناسب برای کشور فراهم می‌کند.

۳۹۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

- بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی آموزشی در زمینه پزشکی: توسعه زیرساخت‌های آموزشی جهت جذب دانشجویان بین‌المللی در زمینه علوم پزشکی نیز از راهبردهای قابل استفاده است. هم اکنون نیز بیش از ۴۰۰۰ دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مشغول به تحصیل می‌باشند. این دانشجویان بعد از دانش‌آموختگی در کشورهای خودشان سفیران علم و فرهنگ ایرانی خواهند بود.

۳۸. تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا

سعید مسعودی‌پور^۱

مهم‌ترین مسئله امروز کشور مقابله با بیماری کرونا است که ابعاد مختلفی دارد. از مهم‌ترین ابعاد آن‌ها، قطع زنجیره ابتلا، از طریق نگه داشتن مردم در خانه‌هاست. گلایه مسئولان و مقامات دولتی و همچنین فیلم‌های منتشر شده در فضای مجازی نشان می‌دهد که بسیاری از مردم در خانه نمانده‌اند. ترافیک شدید جاده‌های منتهی به شمال کشور که بعداً با رفتار پلیسی کنترل شد، نشان‌دهنده این است که مردم چندان به تلاش‌های حکومت، پاسخ مثبتی نداده‌اند. علیرضا زالی فرمانده عملیات مدیریت مقابله با کرونا در شهر تهران، در ۲۱ اسفند جملات مهمی در خصوص نتایج نگرش‌سنجی انجام شده در شهر تهران بیان کرد: «مطالعات ما حاکی از این است که

۱. دکتری مدیریت بازاریابی، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، رایانامه: masoodipoor@tsi.ir / تاریخ نگارش: بیست‌وششم اسفندماه ۱۳۹۸.

۳۹۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

متأسفانه، بر اساس نظرسنجی ما در کلان‌شهر تهران، ۶۰ درصد مردم علی‌رغم همه توصیه‌ها، بیماری را جدی نگرفته‌اند؛ همچنین متأسفانه ۴۰ درصد مردم معتقدند که ماندن در خانه، تأثیری در عدم ابتلا به این بیماری ندارد. در عین حال ۳۰ درصد مردم در استان تهران هیچ شیوه‌ای از پیشگیری را رعایت نمی‌کنند که قابل توجه است». سؤالی که این نوشتار در صدد یافتن به بخشی از پاسخ به آن است، این است که چرا تبلیغات اجتماعی و بازاریابی اجتماعی دولتی نتوانسته است به حد مطلوب عمل کند؟

بازاریابی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تغییر رفتار مردم به صورت داوطلبانه در موضوعات مختلف به حساب می‌آید. نکته جالب توجه این که کاربست اولیه این ابزار، در حوزه سلامت و بویژه پیشگیری از بیماری‌ها بوده است و بعد از آن در موضوعات دیگر مورد استفاده قرار گرفت. این نکته به این معنی است که مقالات و کتب منتشر شده برای کاربست بازاریابی اجتماعی در حوزه سلامت، بسیار بیشتر از حوزه‌های دیگر است. اولین مدل بازاریابی اجتماعی حوزه سلامت، در سال ۱۹۵۰ توسط کارکنان خدمات سلامت عمومی آمریکا ارائه شد. آن‌ها تلاش می‌کردند تا در پژوهشی به بررسی چرایی مشارکت و عدم مشارکت افراد برای کنترل بیماری سل بپردازند.

اجازه دهید تطبیقی سریع و کوتاه از اصول این مدل برای شرایط امروزه داشته باشیم. طبق این مدل، برای عمل مخاطب به رفتار مطلوب برای مقابله با بیماری کرونا که شامل ماندن در خانه، شستشوی دست و رعایت نکات بهداشتی می‌شود، ابتدا باید این باور در فرد به وجود بیاید که او استعداد ابتلا به بیماری را دارد و در معرض خطر است. علاوه بر این در صورت ابتلا به بیماری، برای او پیامدها و نتایج نامطلوبی پیش خواهد آمد؛ مثلاً ممکن

تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا □ ۳۹۵

است در کام مرگ گرفتار شود و یا حتی در صورت بهبودی، بخشی از ساختار تنفسی او تخریب شده باشد. در نهایت اگر برنامه تبلیغاتی توانست با استفاده از عنصر ترس، برانگیختگی لازم را در مخاطب ایجاد کند، او به دنبال راهکار پیشگیری خواهد بود که به آن رفتار مطلوب می‌گوییم. رفتار مطلوب نباید هزینه‌های چندانی برای فرد داشته باشد و فرد باید به این باور و ادراک برسد که در صورت تبعیت از رفتار مطلوب، او در معرض خطر قرار نخواهد گرفت.

در نهایت این که باید از راهبردهایی برای فعال کردن آمادگی افراد استفاده شود. به این معنی که از طریق رسانه‌ها و تبلیغات انبوه نشان داده شود که افراد بسیاری رفتار مطلوب را انجام داده‌اند؛ بنابراین، استفاده از عنصر ترس برای ایجاد برانگیختگی در مخاطب بسیار ضروری است و به نظر می‌رسد جز با جاذبه ترس نمی‌توان به آمادگی مخاطب برای انجام رفتار مطلوب رسید.

رویکرد تبلیغاتی مقابله با کرونا، تزریق ترس کنترل شده و رقیق شده به جامعه است. از آنجایی که ترس و نگرانی شدید می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد، تصمیم کلان دولت عدم ایجاد اضطراب و نگرانی در مردم است. هر چند مقامات برخی از کشورهای اروپایی، مانند آلمان و انگلیس در نقطه مقابل این رویکرد، به دنبال به حداکثرسانی ترس و اضطراب در مردم خود هستند و از این طریق تلاش می‌کنند تا رفتارهای پیشگیرانه در مردم را از این طریق تقویت کنند؛ بدون آن که نگران پیامدهای نامطلوب ترس زیاد باشند.

در ساعات اولیه خبر ابتلا به کرونا در شهر مقدس قم، رسانه ملی تلاش

۳۹۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

کرد تا وضعیت را عادی جلوه دهد. خبرنگار صدا و سیما به میان مردم رفت و از باز بودن مغازه‌ها و رفت و آمد عمومی مردم تصویر گرفت. این مسئله نشان دهنده یک اصل کلی در سیاست‌های رسانه‌ای و تعامل با مردم است: «در تحت هیچ شرایطی نباید مردم را زیاد نگران کرد». این مواجهه ساده انگارانه و عادی جلوه دادن شرایط در زمان‌های اولیه اعلام رسمی کرونا (که البته برخی شنیده‌های غیررسمی حکایت از تأخیر در زمان اعلام دارد)، دلالت روشنی بر عدم آینده‌نگری و فقدان آمادگی برای مواجهه با این بیماری در کشور است.

سیاست‌گذار حوزه سلامت، در سردرگمی و گیجی به سر می‌برد. از یک طرف او نمی‌خواهد مردم را نگران کند. دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، افراد در معرض خطر را جامعه سالمندان و افرادی که سیستم ایمنی آن‌ها به واسطه بیماری‌های زمینه‌ای دارای نقص هستند، معرفی می‌کند. به مردم اطمینان داده می‌شود که کودکان و بچه‌ها در معرض خطر نیستند. همچنین طبق آماري که بر سر زبان‌ها انداخته‌اند، نرخ مرگ و میر در این بیماری بسیار ناچیز است و اکثر مبتلایان خوب می‌شوند. این موضوع به معنی این است که اکثر افراد خود را در معرض بیماری نمی‌بینند. نگارنده بر این باور نیست که بهتر بود اطلاعات دروغ و غلط به مردم داده می‌شد، بلکه بر این باور است که نباید شدت ترس در مخاطب به این حد پایین آورده می‌شد که دیگر توصیه‌ها و التماس‌های (!) بعد برای در خانه ماندن بی‌فایده می‌شد. در فیلم کوتاهی در صفحات مجازی منتشر شده، هشدار ماشین‌های دولتی که با بلندگو نسبت به بیماری به آن‌ها هشدار جدی داده و از مردم می‌خواهد به منازل خود بازگردند، مورد تمسخر مرد جوانی که کنار پیاده‌رو ایستاده قرار

می‌گیرد.

ریشه اصلی سردرگمی، در غافل‌گیری سیاست‌گذار خلاصه می‌شود. شناسایی اولین بیمار مبتلا به ویروس کووید ۱۹ در چین، در اوایل آذرماه امسال بوده است. سرعت گسترش و ابتلا بیماری نشانه روشنی برای سیاست‌گذاران حوزه درمان بود که برای مواجهه با بیماری اقدام به طراحی سناریوهای محتمل کرده و آمادگی لازم را در صورت ورود ویروس به کشور داشته باشند. حتی شایسته بود در قالب مانورهای امدادی، پلیسی، پزشکی و رسانه‌ای، آمادگی مجموعه‌های مختلف به آزمون گذاشته شده و نقاط ضعف و قوت آن‌ها شناسایی می‌شد. هر چند سه ماه زمان برای برنامه‌ریزی و اقدام، زمان کافی به حساب نمی‌آید، اما برای ارتقاء مدیریت کشور، توجه به این درس آموزه‌ها مهم به نظر می‌رسد. روشن است که موضوع کرونا، آخرین اتّفاقی نیست که نیاز به آینده‌نگری، برنامه‌ریزی پیش از مواجهه و سناریوپردازی دارد. حتی می‌توان گفت اولین مورد هم نبوده است؛ در حوزه گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، فراگیری شبکه‌های اجتماعی، پول‌های دیجیتال و ... نیز تحولاتی در عرصه بین‌المللی رخ داد که بعضاً غافل‌گیری‌های تدریجی در کشور مشاهده شد. البته اهمیت موضوع ویروس جدید دوچندان است؛ چرا که با جان و سلامتی انسان سروکار دارد و غفلت دستگاه برنامه‌ریزی و آینده‌نگری کشور در این موضوع، واضح‌تر از بقیه دیده شده است.

مسئله عدم موفقیت کامل تبلیغات اجتماعی محدود به فقدان برنامه و یا عدم استفاده از الگوهای علمی بازاریابی اجتماعی و یا تبلیغات اجتماعی نیست. ریشه این مسئله به موضوع دیگری بر می‌گردد که شاید مهم‌ترین

توصیه سیاستی به دست آمده از آن، برای ارتقاء نظام آموزشی کشور باشد و آن، این است که مردم کشور، آمادگی لازم را برای فرمان‌پذیری شهروندی ندارند. منظور از فرمان‌پذیری شهروندی، جایی است که الزام و اجبار قانونی وجود ندارد و مردم تنها به دلیل این که مرجع دارای صلاحیت و مورد تأیید دولت، همکاری آن‌ها را خواسته است، رفتار مطلوب را انجام می‌دهند. این موضوع از آن جهت مهم است که هیچ‌گاه نمی‌توان تنها در قالب زور و اقدامات پلیسی رفتارهای مطلوب در جامعه را رواج داد.

گاهی اوقات در شرایط بحران قرار داریم و حل بحران نیازمند به همکاری سریع و بدون وقفه مردم است. این شرایطی است که به آن فکر نشده است و مردم برای تبعیت مدنی و شهروندی سریع از دستورات حکومت، آموزش ندیده‌اند. جامعه امروز ایران شبیه به خانواده‌ای شده است که پدر خانواده آن‌ها را از خطر مهمی آگاه می‌کند، اما دستورات پدر خانواده مسموع نیست و اعضای خانواده توجهی به حرف‌های او ندارند. این که چه عللی باعث شده است که مردم حرف‌های جدی و پر تکرار مسئولان، مبنی بر لزوم در خانه ماندن را جدی نگیرند، متعدد است که یکی از آن‌ها کاهش اعتماد اجتماعی به حکومت است که بویژه در سال‌های اخیر به شدت تنزل یافته است. نکته دوم این که چنین آموزش‌هایی در مدارس و سایر نهادهای تربیتی به مردم داده نشده است و این موضوع باید در برنامه تحول آموزش و پرورش گنجانده شود.

به ستاد مبارزه با بیماری کرونا پیشنهاد می‌شود که تیم تخصصی از استادان و صاحب‌نظران حوزه بازاریابی اجتماعی و تبلیغات برای برنامه‌ریزی بهتر فعالیت‌های تبلیغاتی ایجاد شود. بدون شک یکی از حوزه‌های ورود

تحلیلی از نواقص و مشکلات برنامه تبلیغاتی ستاد مبارزه با کرونا □ ۳۹۹

علوم انسانی برای کنترل بیماری کرونا، در حوزه تعامل با مردم و هدایت رفتارهای آنهاست. موفقیت ستاد مبارزه با کرونا، در صورتی است که با کمترین تلفات و ابتلا بتواند رفتارهای اجتماعی مردم را تحت کنترل خود در بیاورد و این موضوع بدون وجود برنامه بازاریابی اجتماعی ناممکن به نظر می‌رسد.

۳۹. طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی

سعید مسعودی پور^۱

بازاریابی اجتماعی به مثابه یکی از شاخه‌های پرکاربرد و سودمند دانش بازاریابی، می‌تواند سهمی مؤثر در راهکارها و سیاست‌های اجرایی امروز برای کنترل و مقابله با بیماری کرونا داشته باشد. متأسفانه حضور علوم انسانی و اجتماعی در اداره این بحران چندان دیده نمی‌شود و پشت کردن به ظرفیت‌های علمی کشور منجر به عمیق‌تر شدن، طولانی‌تری شدن و پرهزینه‌تر شدن مسئله خواهد شد.

برای طراحی راهکارها و راهبردهای بازاریابی اجتماعی برای کنترل ویروس کووید ۱۹، نیاز به داده‌های میدانی و واقعی از رفتار و نگرش مردم است. همچنین دسترسی به برنامه‌های ستاد مبارزه با کرونا و بویژه رویکرد

۱. دکتری مدیریت بازاریابی، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، رایانامه: masoodipoor@tsi.ir / تاریخ

نگارش: اول فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

۴۰۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

رسانه‌ای آن برای آسیب‌شناسی حائز اهمیت است. جستجوهای انجام شده در فضای مجازی نشان می‌دهد که یا نظرسنجی‌های کافی برای تولید داده به منظور برنامه‌ریزی انجام نشده است و یا در صورت انجام چنین مطالعات پیمایشی، نتایج آن به صورت عمومی منتشر نشده است. در ۲۱ اسفند، فرمانده عملیات مقابله با کرونا نتایج یک نظرسنجی که در شهر تهران انجام شده است را منتشر کرد. بر اساس این نظرسنجی ۸۰ درصد مردم، اطلاع درستی از بیماری دارند؛ اما متأسفانه ۶۸ درصد مردم تصوّر می‌کنند که به این بیماری مبتلا نخواهند شد و در حدود ۶۰ درصد مردم علی‌رغم همه توصیه‌ها، بیماری را جدّی نگرفته‌اند. ایسپا در نظرسنجی دیگری بعد از نظرسنجی اول، در ۲۱ تا ۲۵ اسفند با نمونه حدود هزار و پانصد نفر به صورت تلفنی، اقدام به پیمایش کرد. نتایج این مطالعه تفاوت آشکاری با نتایج مطالعه اوّل دارد. بر اساس نتایج منتشر شده حدود ۷۵ درصد به صورت زیاد نگران ابتلا خود و یا خانواده‌شان به این بیماری هستند، در حالی که این نگرانی در حدود ۲۰ درصد آن‌ها کم گزارش شده است. نکته قابل توجّه دیگر در این نظرسنجی این است که با افزایش سطح تحصیلات، شدت نگرانی از ابتلا به بیماری افزایش می‌یابد. با دقیق و درست فرض کردن روش‌شناسی هر دو نظرسنجی، نتایج نظرسنجی ایسپا با نظرسنجی اوّل، تفاوت آشکاری دارد. هر چند جامعه مورد مطالعه در نظرسنجی اوّل شهر تهران و در نظرسنجی دوم کل کشور است، اما به نظر می‌رسد نباید تفاوت در جامعه، چنین تأثیری در نتایج داشته باشد. به نظر می‌رسد فقدان داده معتبر و کافی برای تصمیم‌گیری و طراحی برنامه، یکی از مشکلات جدّی در مواجهه با مسئله کرونا است.

طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی □ ۴۰۳

به نظر می‌رسد رفتار نامطلوب و نهی شده مردم شامل حضور گسترده در بازارها و امکان پرجمعیت و نیز مسافرت آن‌ها دلالت روشنی از صحت نظرسنجی اول دارد. بر اساس نتایج نظرسنجی اول، رسانه ملی، فضای مجازی و سایر رسانه‌های ارتباطی توانسته‌اند در خصوص آگاهی و دانش مردم از بیماری عمل کنند؛ اما این افزایش دانش نتوانسته است محرکی برای رفتار آن‌ها باشد. مبتنی بر رویکرد پردازش اطلاعات شناختی رفتار انسانی زمانی شکل می‌گیرد که شناخت و آگاهی از چیستی، چرایی و چگونگی رفتار در فرد ایجاد شود؛ اما اگر این شناخت نتواند بر عنصر عاطفه و گرایش فرد اثرگذار باشد، نمی‌تواند محرک رفتار باشد. برای تعطیلات عید نوروز پیشنهاد می‌شود که راهکارهای زیر اجرایی شود:

اول؛ مهم‌ترین مسئله‌ای که در راهبرد رسانه‌ای دولت باید مورد اصلاح قرار گیرد، افزایش سطح ترس مخاطب از ابتلا به بیماری در دو مؤلفه افزایش احتمال ابتلا به بیماری و افزایش ذهنی پیامدهای ناگوار و نامطلوب ناشی از آن بویژه در گروه‌های نافرمان است. ارائه آمار تفکیکی دقیق از سن مبتلایان و افراد فوت شده در هر روز، ارائه درصد افرادی که دارای بیماری زمینه‌ای نبوده‌اند، مشاغل افراد مبتلاء شده و ... می‌تواند به افزایش احتمال ذهنی مخاطبین نسبت به ابتلا به بیماری کمک کند.

دوم؛ از دیگر راهکارهای دیگر افزایش ترس در مخاطب از طریق افزایش احتمال ابتلا، مصاحبه با بیماران است که به این بیماری مبتلاء شده‌اند و در بیمارستان بستری هستند. از جمله سؤالاتی که می‌توان از این گروه افراد پرسید می‌توان به این موارد اشاره کرد: آیا احتمال ابتلا به بیماری را می‌دادید؟ چقدر به قرنطینه خانگی پای‌بند بوده‌اید؟ چقدر نکات پیشگیرانه را

۴۰۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

رعایت می‌کردید؟ از سختی‌ها و مشکلاتی که در این دو هفته داشته‌اید، بگویید؟

سوم؛ با خانواده افراد فوت شده، بویژه افراد خارج از گروه‌های خطر (افراد کهنسال و دارای سابقه بیماری زمینه‌ای) مصاحبه تلویزیونی انجام شود. در مورد غربت دفن و عدم برگزاری مراسم و سختی فراق و مطالبی از این دست، از آن‌ها سؤال شود و در نهایت از آن‌ها خواسته شود که به مردم توصیه کنند که خطر را جدی بگیرند.

چهارم؛ نصب بنر در خروجی‌های شهر و جاده‌های منتهی به خروجی‌ها با جاذبه ترس در قالب تصویر و جمله. برای نمونه: آیا می‌دانستید با سفر در شرایط امروز خانواده خود و یا دیگران را به آغوش مرگ می‌فرستید؟ انتشار عکس قبرستان بیماران کرونایی و یا نحوه دفن آن‌ها در این امکان ضرورت دارد.

پنجم؛ توزیع بروشور با محتوای جاذبه ترس در خصوص پیامدها و آسیب‌های سفر به ماشین‌هایی که خروجی شهرها قرار دارند. ششم؛ مصاحبه با رویکرد تحقیر مردمی که تبعیت شهروندی ندارند و بدون توجه به هشدارهای متعدد دولت، اقدام به سفر کرده و یا در امکان شلوغ تردد می‌کنند. باید توجه داشت که برای حفظ افرادی که هنوز از رفتارهای نامطلوب پیروی نکرده‌اند، باید هزینه‌های ذهنی رفتار نامطلوب را افزایش داد. رسانه ملی باید تلاش کند تا جایی که امکان دارد افرادی در خانه نمی‌مانند را افرادی فاقد شعور انسانی، بدون مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سایر نکات منفی که می‌تواند به شکل‌گیری تصویر منفی از افراد و رفتارهای آن‌ها کمک کند، معرفی کند.

طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی □ ۴۰۵

هفتم؛ پخش برنامه کودک و نیز برنامه مختص نوجوانان و هدف قرار دادن آن‌ها از موضوعاتی است که جای خالی آن در رسانه ملی احساس می‌شود. کودکان و نوجوانان هرچند تصمیم‌گیرنده برای انجام رفتار نیستند، اما دارای نقش در فرآیند تصمیم‌گیری هستند.

هشتم؛ ضرورت حفظ یکپارچگی پیام از رسانه ملی و حذف پیام‌ها و نکاتی که می‌تواند منجر به تشویق مردم برای شکستن قرنطینه خانگی شود. برای مثال، تبلیغات فروشگاه‌های رفاه که در قالب برنامه‌های فوق‌العاده فروش (حراجستان) به دنبال کشاندن مردم به فروشگاه‌ها است، باید متوقف شود. متأسفانه در این تبلیغات، فروشگاه‌های رفاه، مملو از جمعیت نشان داده می‌شود. همچنین تیزرهای مربوط به افتتاح بزرگراه شمال نیز همخوانی و یکپارچگی با برنامه‌های صدا و سیما در خصوص کنترل بیماری کرونا ندارد.

نهم؛ تکرار در پیام، نقش مهمی در پذیرش پیام دارد. پیشنهاد می‌شود حتی به صورت زیرنویس، آرم ثابت در بالای تلویزیون و ... شعارها و پیام‌های در خانه ماندن تکرار شود. لازم است در صورت تکراری شدن پیام پس از هر هفته، پیام‌های جدید با همان محتوا جایگزین شود.

دهم؛ پیشنهاد می‌شود عوارض جاده‌ها تا ده برابر افزایش یابد و این افزایش هزینه برای کنترل بیماری در مناطق محروم هزینه شود.

یازدهم؛ پیشنهاد می‌شود که خودروهایی که بیشتر از ظرفیت خود، سرنشین دارند، در خروجی‌های شهرها، باز گردانده شوند. این ظرفیت با احتساب کودکان و نوزادان خواهد بود. همچنین کودکان تنها باید دارای صندلی مخصوص کودک باشند. این موضوع به اطلاع مردم باید برسد و بعد اجرایی شود. همچنین پلیس با وسواس مدارک تمام خودروها را بررسی کند

۴۰۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

و اجازه تردد افرادی که نواقصی در مدارک آن‌ها وجود دارد داده نشود.

دوازدهم؛ پیشنهاد می‌شود معافیت‌های مالیاتی برای چند ماه و یا تخفیف در آن برای واحدهای تجاری که اقدام به بسته بودن مغازه خود کرده‌اند، داده شود. فرآیند کار به این صورت است که افراد در سامانه‌ای ثبت‌نام کرده و بر اساس تراکنش دستگاه کارت‌خوان مغازه‌ها (که طبیعتاً باید تراکنشی نداشته باشد) و یا سرکشی‌های اتفاقی به صحت سنجی عملکرد مغازه‌ها اقدام می‌شود.

سیزدهم؛ از آنجایی که فوتبال و برنامه‌های ورزشی از جمله موضوعات جذاب برای بسیاری از مخاطبین صدا و سیما است، پیشنهاد می‌شود چندین ساعت از روز اقدام به ساخت یک برنامه تلویزیونی شود. پخش فوتبال‌های جام جهانی، مسابقات لیگ والیبال و ... از جمله این طرح‌ها است.

چهاردهم؛ لازم است تا در قالب یک مسابقه زنده تلویزیونی، افراد مجبور شوند برای رسیدن به جایزه بسیار با ارزش (مثلاً خودرو) چندین روز در خانه بمانند. سابقه ارائه این برنامه در قالب مسابقه برنده باش در تلویزیون ایران بوده است. الآن زمانی است که می‌تواند در قالب طرح‌های نو، برنامه‌هایی تدارک دید تا مردم در خانه بمانند؛ مثلاً پخش هفت ساعت مسابقه فوتبال‌های قدیمی و گذشته از تلویزیون که به صورت برخط افراد باید بگویند در صحنه بعدی چه اتفاقی خواهد افتاد و از طریق برنامه کاربردی پاسخ‌های خود را ثبت کنند.

پانزدهم؛ با توجه به طولانی بودن حضور بیماری در کشور، لازم است الگوهای خرید و حضور مردم در خیابان تغییر کند. پیشنهاد می‌شود در این زمینه آموزش‌های لازم به مردم داده شود. برای مثال، تغییر در الگوی خرید

طرحی نو برای کنترل بیماری کرونا مبتنی بر رویکرد بازاریابی اجتماعی □ ۴۰۷

از جمله موضوعات است. به این شکل که به جای خرید محدود و به صورت هفتگی، حجم خرید به صورت ماهانه یا دوماهانه انجام شود تا حضور مردم در فروشگاه‌ها و خیابان‌ها کمتر شود.

شانزدهم؛ آئین‌نامه ساخت تبلیغات تجاری مبتنی بر آموزش‌های لازم در خصوص کرونا و یا عمل به مسئولیت اجتماعی که هزینه پخش آن‌ها کمتر خواهد بود. در این آئین‌نامه نرخ کمتری برای پخش آگهی‌های بازرگانی که در آن‌ها آموزش‌های مورد تأیید وزارت بهداشت در خصوص پیشگیری از بیماری کرونا وجود داشته باشد، در نظر گرفته می‌شود.

طرح‌های نو مذکور بیشتر برای زمان عید کاربرد دارد و به نظر می‌رسد باید با توجه شرایط جدید تا سه ماه آینده اقدام به تولید راهکارهای جدید شود.

۴۰. بهبود آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس تحت تأثیر ویروس کرونا: مشکلات و ارایه راهکارهای مناسب آموزشی

محمدامین مذهب^۱

عباس منفرد^۲

چکیده

با ادامه بحران ویروس کرونا، بسیاری از دانشگاه‌های سراسر جهان، ناگزیر به تعطیلی و روی آوردن به ساختارهای آموزش برخط شده‌اند و این شرایط بی‌سابقه، الهام‌بخش نوآوری و ایجاد روش‌های جدید آموزش دانشجویان قرنطینه شده برای مؤسسات آموزش عالی گردیده است. یکی از

۱. استادیار زبان انگلیسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام / مدیر بخش زبان های خارجی، مرکز زبان / رایانامه: mozaheb.ma@gmail.com / تاریخ نگارش: نوزدهم فروردین ماه ۱۳۹۹.
۲. دکتری آموزش زبان انگلیسی / دانشگاه علامه طباطبایی / بخش زبان های خارجی / همکار مرکز آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام / رایانامه: abbasmonfared85@gmail.com.

۴۱۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

محسوس‌ترین نتایج همه‌گیری این بیماری، تحت تأثیر قرار دادن نظام‌های آموزشی در حداقل ۴۹ کشور از پنج قاره (تا این لحظه بنابر آمار یونسکو) بوده است. مدارس و دانشگاه‌های ۲۹ کشور تا کنون به طور سراسری تعطیل شده و بیش از ۳۹۱ میلیون دانش‌آموز و دانشجو در این کشورها و از جمله در ایران بیش از ۱۴ میلیون دانش‌آموز و نزدیک به ۳/۷ میلیون دانشجو خانه‌نشین گشته‌اند. شیوع ویروس کرونا چالش جدیدی را در ساختار آموزش برای استادان و دانشجویان در ایران نیز ایجاد کرده است. در این یادداشت سعی بر این است تا شیوه‌های مدیریت آموزش برخط، چالش‌های پیش رو و راه‌حلهایی برای آموزش بهتر در این شرایط ارائه گردد.

کلمات کلیدی: آموزش، کرونا، دانشگاه، آموزش مجازی، استادان.

مقدمه

با شیوع ویروس کرونا در جهان، بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها در جهان جهت جلوگیری از گسترش ویروس ناگزیر به تعطیلی شدند و سازمان آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز از ابتدای اسفندماه ۱۳۹۸ تمامی کلاس‌های حضوری را لغو کرد. بر این اساس، بسیاری از مدیران مدارس و دانشگاه‌ها، اقدام به برگزاری کلاس‌های برخط نمودند، ولی مشکل اساسی در این جهت، زیرساخت آموزش برخط، نحوه اجرا و ارزیابی، آموزش استادان، دانش‌آموزان و دانشجویان و فراهم کردن ابزار لازم از قبیل رایانه و زیرساخت اینترنتی کشور برای برگزاری بهتر آموزش مجازی در کشور بود.

بسیاری از استادان و اهل علم، معتقدند که در چند ماه گذشته، چشم‌انداز آموزش عالی جهانی به دلیل گسترش ویروس کرونا دستخوش تغییر شده است (پژوهشکده مطالعات ترجمه، ۱۳۹۹، ص ۱). مراکز آموزش

بهبود آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس تحت تأثیر ویروس کرونا □ ۴۱۱

عالی در مواجهه با این چالش‌ها از طیفی از اقدامات برای سازگاری با این شرایط جدید مانند ارائه برخی دروس برنامه‌ریزی شده به شیوه برخط، به تعویق انداختن تاریخ آغاز برخی از دوره‌های آموزشی تا ترم بعد، تعویق مهلت درخواست پذیرش برای دوره‌های پذیرش بعدی در دانشگاه، تغییر مهلت قبول درخواست پذیرش برای ترم بعد استفاده کردند (پژوهشکده مطالعات ترجمه، ۱۳۹۹، ص ۲).

در شرایطی که ویروس کرونا دانشجویان و مؤسسات بیشتری را به ملاقات و ارتباط از طریق ابزارهای دیجیتال مجبور می‌کند، روش‌های دیجیتال و برخط اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ارتباط مجازی دانشجویان با دانشگاه‌ها در دوران ابهام‌آمیزی قرار گرفته، دانشگاه‌ها می‌توانند پیوسته در تلاش برای ارائه آموزش با کیفیت بالا و ارتباط استوار با دانشجویان باشند. برای انجام این کار لازم است مؤسسات آموزش عالی به نیازها و نگرانی‌های دانشجویان گوش دهند و خود را با بروزترین ابزارهای فناورانه ارتقاء دهند (پژوهشکده مطالعات ترجمه، ۱۳۹۹، ص ۳). این امر ب‌مثابه چالشی برای دانشگاه‌ها محسوب شده، و همچنین مواردی همچون کاهش درآمد در سال تحصیلی آینده، به تعویق انداختن برنامه‌های کاری، بیکاری بخشی از کارکنان اداری و عدم پیش‌بینی بسترسازی امکانات دیجیتالی لازم و پشتیبانی شبکه آموزش برخط و... قابل ملاحظه است.

از جنبه زیست‌شناسی، مصرف طولانی‌مدت از ابزارهای الکترونیک که در آموزش الکترونیک اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود، نسبت به محیط کاربر طبعاً تا زمان پیدایش ویروس کرونا قابل پیش‌بینی نبوده و از استانداردهای

۴۱۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

لازم برخوردار نیست. این مطلب موجب بروز بیماری‌های جسمانی ناشی از عدم تحرک طولانی مدت و استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی در شرایط غیراستاندارد تعریف شده است؛ اما در مقابل آرامش روحی حاصل از مواجه نشدن با دشواری‌های محیط اجتماعی، بویژه در کلان‌شهرها از قبیل فشارهای ترافیکی، آلودگی‌های محیط عمومی از جمله آلودگی صوتی و آلودگی هوا و... موجب شکوفایی ذهنی و افزایش فرایندهای سالم ذهنی خواهد شد.

گرچه موضوع آموزش مجازی سال‌هاست پا به عرصه اجرا گذاشته و فارغ‌التحصیلان زیادی را داشته است، اما با هجمه گرایش کلی جامعه آموزش عالی در شرایطی ویروس کرونا بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و بر اساس پژوهش‌های انجام شده، احتمال آن می‌رود که گرایش دانشجویان در آینده به آموزش مجازی بیشتر باشد. البته، باید توجه داشت که آموزش حضوری و مجازی هر کدام از مزایای خود برخوردار بوده و افراد نسبت به شرایط برخی کلاس‌های حضوری و برخی کلاس‌های برخط را ترجیح می‌دهند.

برای مثال، در فضای رابطه حضوری، حواس پنجگانه به کمک یادگیری می‌آید، علاوه بر آن در شرایطی که چالشی ذهن فرد را درگیر کند دانشجو این امکان را دارد که همزمان با همکلاسی‌های خود موضوع را مورد تطبیق قرار دهد. یکی از نقایص مهم، آموزش حضوری وجود محدودیت در توجه آموزگار به نیازهای متفاوت و متنوع یادگیرندگان است که اگر عدم آمادگی آموزگار در پاسخگویی به بسیاری از این نیازهای متنوع، آنهم با فرض امکان کشف نیازها را به این نقص بیفزاییم حلّ این معضل را در آموزش حضوری تا حدود زیادی غیرممکن می‌یابیم (بوشهریان و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱).

۱. به کارگیری آموزش مجازی در شبکه آموزش

۱-۱. تهیه منابع درسی، آموزش و ارزیابی

خوشبختانه بسیاری از مدارس و دانشگاه‌های کشور زیرساخت لازم برای تدریس برخط را به صورت دوره‌های کوتاه مدّت داشته‌اند و منابع درسی مناسب را برای این مسئله طّراحی کرده‌اند. نکته مهمّ تنها نحوه ارایه منابع درسی و ارزیابی آن‌ها در دوره‌های آموزش برخط است. متأسفانه، در نظام آموزش سنتی، دانش آموزان و دانشجویان بسیار وابسته به استاد و آموزش حضوری بودند و آموزش مجازی این شرایط را فراهم نمود تا دانشجویان و دانش آموزان در یادگیری مستقل‌تر بوده و از خلاقیت و تفکر خود در آموزش بیشتر استفاده نمایند. ارزیابی دانش آموزان و دانشجویان نیز، مسئله مهمی در آموزش مجازی است. در آموزش مجازی استادان بایستی بیشتر درباره خلاقیت و ارزیابی برخط تمرکز نمایند و ارزیابی را مانند ارزیابی سنتی در نظر نگیرند و بیشتر هدف ارزیابی برای یادگیری و پیشرفت درسی باشد، و نه تنها ارزیابی نهایی دانش‌آموزان و دانشجویان.

۲-۱. آموزش مبتنی بر وب

در شرایط واگیری فعلی، دسترسی میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجو به اینترنت با سرعت بالا، نیازمند شبکه فناوری ارتباطات قوی و پهنای باند گسترده جهت دسترسی سریع و آسان است. بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان در مناطق محروم از این شرایط ارتباطی بی‌بهره هستند و این خود آموزش را در این مناطق سخت می‌نماید.

۲. آموزش برخط چالشی جدی در آموزش

۱-۲. مدیریت آموزشی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها

این موضوع به یک چالش کاملاً جدید آموزشی تبدیل شده است. مسائلی همچون مدیریت نحوه تدریس استادان، اطمینان از ورود تمامی معلمان و استادان کشور به شبکه آموزش یادگیری همزمان، میزان مشارکت دانش‌آموزان، اطمینان از کیفیت آموزش، نحوه اداره آموزش برخط، ارزیابی برخط و بازرسی این مسائل از سوی بازرسان آموزشی، بایستی در فهرست برنامه مدیران آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها باشد.

۲-۲. معلمان و دانش‌آموزان با تدریس سازگار نیستند

در شرایط همه‌گیری ویروس، تمامی اعضای خانواده در کنار هم در یک مکان زندگی می‌کنند و تمامی معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان مجبور به انجام فعالیت‌های آموزشی در منزل هستند.

قبل از شروع فعالیت‌های آموزشی، همه استادان، دانش‌آموزان و دانشجویان بایستی از نظر روان‌شناختی آماده شوند. از این گذشته، این اولین بار است که بیشتر استادان و یادگیرندگان زمان زیادی را در شبکه، صرف فعالیت‌های آموزشی در منزل می‌نمایند. علاوه بر این، ارتباط متقابل بین اعضای خانواده نیز آموزش مجازی را سخت‌تر می‌نماید. در تعامل بین استادان، دانش‌آموزان و دانشجویان در آموزش سنتی، ارتباط چهره به چهره در انتقال مطالب بسیار مؤثر و بایستی سعی شود تا ارتباط شنیداری نیز تأثیر قوی در آموزش داشته باشد.

۳. پیشنهادهای کاربردی جهت آموزش بهتر در ایام کرونا

۱-۳. بستر شبکه مخابراتی در آموزش

ظرفیت شبکه و عملکرد پایدار آن، نقش مهمی در آموزش دارد. اپراتور بایستی ظرفیت شبکه را بالا برده و این اطمینان را ایجاد نماید که هیچ قطع ارتباط و مشکلی در زمینه آموزش مجازی ایجاد نمی‌گردد. افزایش پهنای باند توسط مخابرات کشور و کاهش فشار بر شبکه و تقویت سامانه اینترنت می‌تواند نقش مهمی در اجرای قوی آموزش برخط در کشور داشته باشد.

۲-۳. آموزش استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان جهت استفاده بهینه از آموزش مجازی

مدیران آموزش بایستی فیلم‌های آموزشی را تهیه نموده و در اختیار استادان و یادگیرندگان در فضای مجازی قرار دهند. وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم نیز بایستی یک شبکه قوی آموزش مجازی را طراحی و با دسترسی آسان و رایگان در اختیار استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان قرار دهد و تمامی زیرساخت‌ها و حمایت‌های لازم را فراهم نماید.

۱-۲-۳. تعامل میان استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان

اول از همه، استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان، بایستی فضای آرام و صمیمی را در خانه برای آموزش مجازی فراهم نمایند. دوم، هم معلمان و هم دانش‌آموزان باید برای حفظ سلامت جسمی و روحی، ورزش مناسب انجام دهند و زیاد به اخبار منفی در مورد ویروس گوش ننمایند تا تأثیر منفی بر فعالیت آموزشی نداشته باشد. این آرامش می‌تواند سریع‌تر برای بازگشت به مسیر عادی زندگی کمک نماید.

۴۱۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

۴. پیشنهاد نهایی: یادگیری تلفیقی

با توجه به تحقیقات انجام شده در مقایسه کاربرد آموزش حضوری، مجازی و تلفیقی، تحقیقات محققان تأیید می‌کند که یادگیری تلفیقی در پیشرفت تحصیلی مؤثر است، البته این امر مرتبط با موضوع درس و نحوه ارائه مطلب در شرایط مختلف قابل بررسی است. لذا، می‌توان کاربرد آموزش تلفیقی را برای آینده آموزش عالی کشور مورد بررسی قرار داده و با استفاده از تجربیات دوره شیوع ویروس کرونا در زمینه آموزش الکترونیک موارد موفقیت‌آمیز این دوره را همراه با آموزش حضوری در برنامه‌های آموزش عالی در نظر گرفت.

۵. منابع

بوشهریان، امید؛ رضایی، محمدصادق (۱۳۹۰). ارائه معماری نوینی مبتنی بر هستان‌شناسی جهت ایجاد خودکار مسیر آموزشی الکترونیک در محیط سرویس گرا. ششمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی یادگیری و آموزش الکترونیکی 1-236-10.

پژوهشکده مطالعات ترجمه (۱۳۹۹). تأثیر کرونا بر گسترش آموزش عالی. دانشگاه علامه طباطبایی. برگرفته از آدرس <https://www.atnanews.ir/wp-content>

content

۴۱. کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش

امیرحسین غفاری^۱

نفوذ فزآینده فناوری در زندگی امروزه ما تا بدانجا پیش رفته است که برخی از صاحب‌نظران آن را بزرگ‌ترین تغییر ایجاد شده در زندگی بشری از پیدایش شهرنشینی تا کنون بر شمرده‌اند. ابعاد گسترده این نفوذ را می‌توان با تأملی کوتاه در میزان تعاملات گسترده روزمره مردم با یکدیگر از طریق فناوری‌هایی همچون موبایل، رایانامه، تالار گفتگو، پیام‌رسان‌های متنی، صوتی و تصویری و ... دریافت. استفاده از فناوری به نوعی در زندگی روزمره ما عجین شده و به جزئی جداناپذیر از آن تبدیل شده است. هوشمندتر شدن فناوری در طول دهه‌های گذشته از یک سو و تغییر ماهیت نوع فعالیت‌ها و تعاملات بشر از سوی دیگر، موجب تسریع در نفوذ فناوری در زندگی بشر شده‌اند. در این

۱. پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / رایانامه: a.ghafari@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: بیستم

میان، حیطة آموزش و يادگيرى از نفوذ فناورى در همه ابعاد زندگى انسان مستثنى و بى‌بهره نبوده است.^۱

در طول دهه‌هاى گذشته، فناورى موجب بروز تغييراتى در «حيطه» و «فرآيند» يادگيرى شده است. در بعد «حيطه»، مى‌توان گفت كه فناورى تحولى عميق را موجب شده است و موجب انقلابى در «دسترسى فراگيرتر و عادلانه‌تر» به فرصت‌هاى آموزشى در جهان شده است. امروزه، براى دسترسى به يادگيرى، مرزها و محدوديت‌هاى زمان و مكان تا حدود زيادى به لطف فناورى درنورديده شده‌اند. در نتيجه، علاقه‌مندان به يادگيرى در صورت برخوردارى از دانش پايه فناورى و زبان- و حتى بدون ملاحظه محدوديت‌هاى مالى- مى‌توانند تا حدود قابل توجهى به آنچه در پى يادگيرى آن هستند، دست يابند.^۲

نسل جديد يادگيرندگان در جهان به طور عمومى؛ و در کشور ما به طور خاص، در حال بروز و نشان دادن تغييرات اساسى و بنيادين نسبت به نسل‌هاى قبلى است. يکى از بارزترين اين تفاوت‌ها، ديجيتالى شدن و فناورانه شدن نسل جديد است. در اين ميان عرصه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان ايرانى، عرصه‌اى بس خطير و حساس است. استفاده بهينه، با دقت و همه‌جانبه از فناورى در اين عرصه خطير، نيازمند در نظر گرفتن همه ابعاد آن است.

۱. رضايى زاده، مرتضى (۱۳۹۵). مطالعه و تدوين چشم انداز آموزش مجازى در آموزش و پرورش جمهورى اسلامى ايران، شوروى اعلى انقلاب فرهنگى.

۲. رضايى زاده، مرتضى (۱۳۹۵). مطالعه و تدوين چشم انداز آموزش مجازى در آموزش و پرورش جمهورى اسلامى ايران، شوروى اعلى انقلاب فرهنگى.

۱. اهمیت فضای مجازی

چاره کار در مواجهه با این پدیده جدید، استفاده از ظرفیت‌ها و دوری جستن از آسیب‌های آن است. همان‌طور که در بیانات مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} مشاهده می‌کنیم، نگاه ما به فضای مجازی باید با نگاهی «فرصت‌محور و تهدیدمحور» توأمان باشد که در ادامه به قسمت‌هایی از بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵ در دیدار معلمان و فرهنگیان که در بردارنده نگاه تربیتی و راهبردی ایشان به مقوله فضای مجازی است می‌پردازیم:

« این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ‌تر شده؛ بعضی‌ها اصلاً در فضای مجازی تنفس می‌کنند؛ اصلاً آنجا تنفس می‌کنند، زندگی‌شان در فضای مجازی است. جوانان هم سروکار دارند با فضای مجازی، با انواع و اقسام چیزها و کارها، با برنامه‌های علمی‌اش، با اینترنتش، با شبکه‌های اجتماعی‌اش، با مبادلات و امثال این‌ها سروکار دارند؛ خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ‌کس نمی‌گوید آقا جاده نکش. اگر شما در یک منطقه‌ای جاده‌ای لازم دارید، خیلی خب، جاده بکش، جاده اتوبان هم بکش؛ اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه لازم را بکنید. ما نمی‌گوییم این راه را ببندید؛ نه، این که بی‌عقلی است. یک کسانی نشسته‌اند، فکر کرده‌اند، یک راهی باز کرده‌اند به مثابه این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید منتها استفاده درست بکنید؛ دیگران دارند استفاده درست می‌کنند؛ بعضی از کشورها طبق فرهنگ خودشان این دستگاه‌ها را قبضه کرده‌اند، ما چرا نمی‌کنیم؟ چرا حواسمان نیست؟ چرا رها می‌کنیم این فضای غیرقابل‌کنترل و غیرمنضبط را؟^۱»

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار در دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳/۰۲/۱۳۹۵

۴۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضا هیأت دولت در

سال ۱۳۹۵:

« فضای مجازی واقعاً یک دنیای رو به رشد غیرقابل توقف است، یعنی واقعاً آخر ندارد؛ آدم هرچه نگاه می‌کند، آن چیز اول بلا آخر، فضای مجازی است. هرچه انسان پیش می‌رود در این فضا، این همین طور ادامه دارد. این یک فرصت‌های بزرگی در اختیار هر کشوری می‌گذارد، تهدیدهایی هم در کنارش دارد؛ ما بایستی کاری کنیم که از آن فرصت‌ها حداکثر استفاده را بکنیم، از این تهدیدها تا آنجایی که ممکن است خودمان را برکنار نگه بداریم!»

بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی نوروزی سال ۱۳۹۹ خطاب به

مردم:

« امروز قوت در فضای مجازی حیاتی است؛ امروز فضای مجازی حاکم بر زندگی انسان‌ها است در همه دنیا؛ و یک عده‌ای همه‌ی کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوت در این [زمینه] حیاتی است.»

بحران‌ها، مخمصه‌ها و تنگناها گاه برای بشر به مثابه جهشی ژنتیکی، او را سال‌ها به جلو برده‌اند و بشر از این رهگذر به تجربه اموری دست زده که سال‌ها در طلب آن بوده است. در قرن بیست و یکم سازمان‌ها نیز همچون افراد از این الگو برای بازسازی، توانمندسازی و چابک‌سازی خود بهره برده‌اند و نمونه آن، نحوه مواجهه شرکت‌های بزرگ با رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ است.^۱

کرونا برای نظام آموزش و پرورش کشورمان مسئله‌ای دیگر است که از جوهی با سیل، زلزله و آلودگی هوا متمایز است. کرونا همه نظام آموزشی را

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضا هیأت دولت؛ ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

۲. بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی نوروزی؛ ۱۳۹۹/۰۱/۰۳

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۲۱
در بر گرفت و افزون بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها، این بار اولیای مدرسه را نیز
درگیر کرده است. فضای آموزشی امن در شرایط کرونایی وجود ندارد و امکان
حضور آموزشی رودررو در این موقعیت فراهم نیست^۱

آنچه امروز آموزش و پرورش در خصوص آموزش الکترونیکی در حال
انجام آن است آزمون عملیاتی تجربه نشده‌ای است که البته باید پیشتر به
محک آزمون نهاده می‌شد؛ اما در این خصوص دو نکته وجود دارد که تجربه
مواجهه نظام آموزشی با وضعیت کرونایی و آرایه آموزش الکترونیکی در
کشور را بسیار پراهمیت جلوه می‌دهد و ضرورت دارد متولیان وزارت آموزش
و پرورش آن را دریابند: نخست آن که وزارت آموزش و پرورش با توجه به
فراگیری کرونا در کشور و طولانی بودن احتمالی زمان حضور آن، باید از این
فرصت بهره کافی را ببرد تا بتواند به مثابه جهشی ژنتیکی به چابک‌سازی
نظام اداری و آرایه خدمت در شرایط حادث بپردازد؛ و دوم آن که حضور بخش
خصوصی در آرایه خدمات آموزشی الکترونیکی در صورت غفلت نظام آموزش
و پرورش رسمی با توجه به «کنکورزدگی» بخش خصوصی می‌تواند جایگاه
حاکمیتی نهاد مدرسه را به چالش بکشانند^۲. سوم این که با نگاه دستوری و
بخشنامه‌ای بدون در نظر گرفتن ابعاد همه‌جانبه اقدامات، نمی‌توان به نتایج
مطلوب هر اقدامی امیدوار بود. این موارد، ضرورت حضور فعالانه وزارت
آموزش و پرورش را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

استفاده از آموزش‌های مجازی در تعطیلات طولانی مدتی که بر اثر شیوع
ویروس کرونا به مدارس تحمیل شد، فصل جدیدی از آموزش را گشود،

۱. بیات، موسی (۱۳۹۹). آموزش و پرورش، کرونا و ضرورت جهش سازمانی: www.irna.ir/news/83700563

۲. همان.

۴۲۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

آموزش‌هایی که در برخی از کشورها سال‌هاست، اجرا می‌شود، اما در کشور ما تجربه جدیدی است و در تعطیلات اخیر برای نخستین بار به صورت گسترده تجربه شد.

پیش از این و در دوران جنگ، تجربه آموزش تلویزیونی دانش‌آموزان را داشتیم و این بار، با تحمیل تعطیلات طولانی مدت، یک بار دیگر از ظرفیت تلویزیون برای آموزش دانش‌آموزان استفاده شد و البته در کنار آن، فضای مجازی نیز بستری شده است تا معلمان به آموزش مجازی دانش‌آموزان بپردازند.

در آموزش الکترونیک، محتوا و روش آموزش خیلی مهم است، چرا که هر کدام از دانش‌آموزان تفاوت‌های خاص خود را دارند، و اینکه یک شبکه ایجاد کنیم و دانش‌آموزان در آنجا حضور پیدا کنند و تصور کنیم آموزش الکترونیک اتفاق افتاده، ساده‌انگارانه است، باید به تفاوت‌های کودکان و نوجوانان توجه کرد و محتوای ارائه شده و روش آموزش به شیوه تعاملی باشد که دانش‌آموز را وادار به تعامل و واکنش کند، در چنین شرایطی نیاز است متخصصان کنار هم بنشینند و کار را پیش ببرند تا نتیجه بهتری دریافت شود و از کارهای شتابزده جلوگیری شود.

از آنجا که بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان با حضور در کنار هم رخ می‌دهد، آموزش مجازی به لحاظ شیوه‌های تربیتی مناسب نیست و بلوغ اجتماعی را حاصل نمی‌کند، اما برای شرایط اضطرار، چاره‌ای نداریم و باید پیوسته‌های تربیتی و فرهنگی هر طرحی را مد نظر قرار دهیم.

امیل دورکیم، یکی از دلایل بحرانی و آشفته (=آنومیک) شدن جامعه را، سرعت ناگهانی تغییرات اجتماعی می‌دانست. پیامدهای ناشی از شیوع

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۲۳
کرونا، از لحاظ سرعت تغییرات اجتماعی در تاریخ وقایع آدمی بی‌نظیر
می‌نمایند، پدیده‌ای که سراسر جهان را در نوردیده و ملت‌ها و دولت‌ها را
درگیر خود ساخته است.

بر این اساس، سرعت در مواجهه با کرونا عنصر کلیدی محسوب می‌شود،
سرعتی که ناشی از تکرار و تمرین و پیش‌آمدگی خرده‌نظام‌ها باشد. آنچه
که ما در ایران مشاهده می‌کنیم، نمایشی از سرعت است که بر اساس
تعریف آن را، تکانش‌گری می‌نامند. طبق تعریف فرهنگ کمبریج، تکانش‌گری،
نشان دادن رفتاری است که در آن فرد به طور ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی و
در نظر گرفتن تأثیراتی که ممکن است آن رفتار داشته باشد، کارها را انجام
دهد.

مارتین هایدگر در مقاله «پرسش از فناوری» بیان می‌کند: «اگر فناوری را
امری خنثی تلقی کنیم، به بدترین صورت تسلیم آن خواهیم شد...». رفتار
تکانشی مسئولان آموزش و پرورش، پیشتر پرچم سفید تسلیم در برابر
فناوری را به اهتزاز درآورده بود، چه آن هنگام که الکترونیزه کردن مدارس را با
نام هوشمندسازی بر جهان نمادین ایرانیان تحمیل نمودند، و چه اکنون که
بدون در نظر گرفتن نظرات متخصصان حوزه فضای مجازی، در حال تحمیل آن
بر معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء هستند!

آنچه در جریان آموزش مجازی نگران‌کننده است، بحث یادگیری
دانش‌آموزان و ملاحظات تربیتی فضای مجازی است؛ یعنی مشخص نیست
آموزش‌های تلویزیونی یا مجازی تا چه اندازه به تعمیق یادگیری دانش‌آموزان

۱. صفی‌خان پور، فرزاد (۱۳۹۹). آموزش و پرورش یک نوع آرمانی از دانش‌آموز را در نظر گرفته که به فضای
مجازی دسترسی دارد: پایگاه خبری رتبه‌آخبار علوم تربیتی.

۴۲۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

منجر می‌شود و چه تأثیرات سوء یا مثبتی در تربیت دانش آموزان می‌تواند ایفا کند. همچنین نظام بخشنامه‌ای و دستوری بدون تعامل مستمر و هدفمند با معلمان، دانش آموزان و مدارس، کارآیی و اثربخشی مطلوب را ندارد.

۲. آموزش و پرورش مجازی و نوآوری به سبک مکانیکی و بخشنامه‌ای

بررسی سیر تحوّل نظام جدید آموزش و پرورش ایران، نشان می‌دهد که انطباق اجتماعی نوآوری‌ها در بازسازی و اصلاح این نظام، آنچنان مدّ نظر نبوده است و بیشتر، نوآوری‌ها به روش بخشنامه‌ای و دستوری، بر بدنه نظام آموزشی تحمیل شده‌اند. گویی، نوآوری قطعه‌ای از یک دستگاه مکانیکی است که به راحتی با قطعه فرسوده تعویض می‌شود. لذا، در موارد زیادی، میزان موفقیت نوآوری، در ورود به مدرسه، کلاس و فرآیند یاددهی-یادگیری دانش آموزان، کم بوده و گاهی هم با شکست مواجه شده است. این در حالی است که به اذعان کارشناسان طرح‌های نوآورانه، از نظر علمی و فنی، خوب طراحی می‌شوند، یا تلاش می‌شود که چنین طراحی شوند!

۳. آموزش مجازی بخشنامه‌ای و نقدی بر وضع موجود اشاعه نوآوری در آموزش و پرورش

با توجّه به شیوه مدیریتی موجود آموزش و پرورش که کاملاً متمرکز است، نوآوری‌ها از طریق دستورالعمل یا شیوه‌نامه، به سطوح پایین تشکیلات ابلاغ

۱. صفی خان پور، فرزاد (۱۳۹۹). آموزش و پرورش یک نوع آرمانی از دانش‌آموز را در نظر گرفته که به فضای مجازی دسترسی دارد: پایگاه خبری رب-اخبار علوم تربیتی.

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۲۵
می‌شوند. شاید بتوان گفت که در نظام آموزشی ایران الگوی رایج در اشاعه
نوآوری، الگویی است که در آن چهار مرحله زیر قابل تشخیص است:

- انتخاب و گزینش نوآوری (تصمیم‌گیری)؛
- تبدیل نوآوری به دستورالعمل یا شیوه‌نامه (انطباق با تشکیلات)؛
- ارسال و ابلاغ دستورالعمل (ارتباط با سطوح زیردست)؛
- اجرا توسط زیردستان.

این الگو، با توجه به تمرکز شدید در تصمیم‌گیری، شبیه «نصب کردن»
یک قطعه مکانیکی در یک سیستم مادی یا خط تولید یک کارخانه است.
چنین تصوّر می‌شود که جذب نوآوری در بدنه نظام، شبیه تغییر قطعه‌ای از
یک دستگاه مکانیکی است. به سخن دیگر، نوعی تفکر مهندسی در عقبه
این الگو وجود دارد که در آن، بخش‌هایی تنها استفاده کننده نوآوری و
مجری تصمیم‌ها محسوب می‌شوند و بخش دیگر، تصمیم‌گیرندگان هستند
که در سطوح بالای نظام قرار دارند. در این الگو، تصمیم‌گیرندگان مشخص
می‌کنند که چه چیزی باید تغییر کند و مجریان، نقش چندانی در
تصمیم‌گیری‌ها ندارند. معلّمان که عمدتاً، مجریان تصمیم‌ها هستند، ناتوان
تلقی می‌شوند و دخالت در این گونه تصمیم‌گیری‌ها را ندارند. این الگوی
اشاعه، الگویی مکانیکی و به نظر آیزنر، ناقص است و برای محیط‌های
آموزشی مناسب نیست^۱

می‌توان گفت، الگوی یادشده، مبتنی بر تصویری جبرگرایانه از انسان
است که در آن تولیدکننده محور و به زعم خود دارای تمامی شرایط استقرار
نوآوری است که گویی می‌خواهد قطعه‌ای را در بدنه نظام تعویض یا

نرم‌افزاری جدیدی را در رایانه نصب کند.

در این الگو، به سبب نبود ارتباط صحیح، بین استفاده‌کننده (مجری) و تولیدکننده (تصمیم‌گیرنده)، ملاحظات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اشاعه، یا به عبارت دقیق‌تر، استلزامات انطباق اجتماعی نوآوری نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه، روند اشاعه، مستعد آسیب می‌گردد. یکی از این آسیب‌ها که در فرآیند اشاعه پدید می‌آید، نرسیدن مجریان به درک صحیح و درست از پیام و محتوای نوآوری است. این درک ناصحیح، از نگرش منفی مجریان نسبت به تصمیم‌گیرندگان ناشی می‌شود. نگرش یادشده، بیشتر به سبب فاصله زیاد بین این دو جریان و موضع انفعالی استفاده‌کنندگان نوآوری ایجاد می‌شود. الگو رایج به سبب فقدان نظام ارتباطی قوی و قدرتمند و نبود پشتیبانی از طرف مجریان، با مشکلات جدی روبرو است.

این وضعیّت، موجب استحاله، نوآوری در جریان اشاعه و استقرا آن می‌شود. البته استحاله، با تغییراتی که نوآوری در جریان اشاعه، پیدا می‌کند، تفاوت دارد؛ زیرا در تغییرات، مجریان برای انطباق و سازگار کردن نوآوری با شرایط محیطی اشاعه، وارد عمل می‌شوند و پویایی بیشتری به آن می‌بخشند. این عمل نشان از فهم درست مجریان از نوآوری دارد. درست برخلاف آن، در استحاله نوآوری، دو ویژگی دیده می‌شود که به ضعف و نقص در اشاعه منجر می‌شوند؛ یکی سطحی‌نگری و دیگری کاهش‌گرایی.

۱-۳. سطحی‌نگری

سطحی‌نگری، یعنی یک نوآوری با ارزش و مهم، به قالبی خشک و بی‌اثر در حدّ اجرای رسمی یا ابزاری لوکس و تجملی برای مدیران تبدیل می‌شود. این استحاله، به سبب درگیری یا مشارکت خلاقانه معلّم و مدرسه در نوآوری

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۲۷
نیست، بلکه کاملاً به عکس، به سبب درگیر نشدن معلّم با نوآوری است. در
محیط‌های سازمانی بسیار دیوان‌سالارانه با مدیریت متمرکز، این پدیده
بیشتر رخ می‌دهد.

۲-۳. کاهش‌گرایی

فروکاستن، در واقع فرآیندی ذهنی است که در آن، وجه یا وجوهی از یک
پدیده، تمامی پدیده به حساب می‌آید و وجوه دیگر آن که شاید اهمیّت
زیادی هم داشته باشند، نادیده گرفته می‌شود. همین خطای فکری است که
به آن «مغالطه کنه و وجه» می‌گویند. این نوع مغالطه، در جریان اشاعه
گروهی از نوآوری‌ها که به لحاظ ذهنی، اندکی پیچیدگی دارند، به سبب درک
و فهم نادرست استفاده‌کنندگان نوآوری، فراوان اتفاق می‌افتد. به این صورت
که نوآوری در عمل بسیار ساده و مختصر می‌گردد و کم اثر اجرا می‌شود-
البته چنین کاربردی از نوآوری، آثاری منفی هم به دنبال دارد. به سخن دیگر،
جنبه‌ای از نوآوری مورد توجه قرار می‌گیرد و از جنبه‌های دیگر آن، بنا بر
دلایلی صرف نظر می‌شود!

اگر اندیشه‌ای، اندکی پیچیده باشد، در الگوی رایج اشاعه، به وسیله
مجریان، به ساده‌ترین شکل ممکن، تبدیل می‌گردد و عناصری از آن حذف
می‌شود. به عبارت دیگر، به شکل ساده فروکاسته می‌شود. البته در فرآیند
اشاعه نوآوری در نظام اجتماعی، نوآوری، متناسب با شرایط دچار تغییر
می‌شود، یعنی خود را با شرایط سازگار می‌سازد. درست به دلیل درک مناسب
از نوآوری و شرایط اجرای آن است که کارگزاران، چنین تغییراتی را در نوآوری

۱. راجرز، ام و شومیکر، اف (۱۳۷۷). رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی فرهنگی، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب
فناپی، شیراز: دانشگاه شیراز، ص ۶۰.

ایجاد می‌کنند، اما پدیده فروکاستن، به چند دلیل رخ می‌دهد: نبود ارتباط مناسب بین تولیدکننده و مصرف‌کننده نوآوری، نبود درک درست از نوآوری، بی‌اعتمادی به تصمیم‌گیرندگان و بی‌توجهی به زمینه‌های اجرای نوآوری. دلایل دیگری هم در این زمینه قابل بررسی است.

به طور کلی، می‌توان گفت، مدرسه یک نظام خرد آموزشی است که با تمامی عناصر محیط خود در تعامل و تعادل به سر می‌برد. اگر قرار است، طرح یا روشی نو، این وضعیت را تحت تأثیر خود قرار دهد و تعادل مذکور را بر هم زند، لازم است شیوه‌های مناسب انتخاب شود؛ زیرا نمی‌توان مدرسه را نظامی مادی تصور کرد که به سادگی برخی از تغییرات را در آن به وجود آورد. بویژه تغییراتی که به صحت و درستی آنها، تنها تصمیم‌گیرندگان پی برده‌اند و کارگزاران زیردست از دلایل ایجاد چنین تغییراتی آگاهی عمیق ندارند. به سخن دیگر، نمی‌توان استقرار اندیشه‌ای نو را در مدرسه، مانند تغییر قطعه‌ای از یک ماشین در نظر گرفت که در آن، به محض فهم نقص یا ناکارآمدی یک قطعه، قطعه‌ای دیگر طراحی، تولید و جایگزین آن نمی‌شود. چنین روشی، دلالت بر وجود نگرش مادی و مهندسی به محیط‌های انسانی چون مدرسه دارد.

اگرچه مدرسه در برابر فرآیندهای جدیدی که به آن تحمیل می‌شود، واکنش نشان می‌دهد و کم و بیش، به طور صوری، خود را با آن منطبق می‌سازد، اما این انطباق صوری که در نظام‌های مدیریت متمرکز شدیدتر است، حاکی از موفقیت در نوآوری نیست. زا بود (۲۰۰۲)، از فایراستون و همکاران او نقل می‌کند که بزرگسالان در وانمود کردن به پذیرش اصلاحات، بدون درگیری واقعی با آن، استادند؛ بویژه، هنگامی که دستور و فرمان از بالا

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوانسالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۲۹
باشد، بسیاری از نوآوری‌ها، پشت در کلاس متوقف می‌شوند.
نگاه مکانیکی به مدرسه و نظام آموزشی، نگاه ضعیفی است و به سبب
نداشتن تعریفی روشن و واقع‌بینانه از نقش و جایگاه معلم، مشکل اساسی
دارد.

از منظر دیگری نیز شاهد هستیم که چگونه نظام‌های بخشنامه‌ای و
دستوری و سازمان دیوانسالارانه آموزش و پرورش از هر فرصتی در جهت
تحکیم سازکارهای پیش و تثبیت موجودیت خود استفاده می‌کند و نه
اصلاح مسیر گذشته در جهت مسیر مطلوب در بخش زیر پس از بیان چند
نکته به نگاه ایوان ایلچ در ارتباط با مدرسه زدایی نامطلوب از جامعه
می‌پردازیم:

تلاش نظام آموزشی برای حفظ موجودیت سنتی خود در عصر کرونا، در
قالب بمباران اطلاعاتی و پر کردن ذهن دانش‌آموزان از مفاهیمی است که مدّ
نظر آموزش و پرورش مدرن است. فارغ از این که طرح و برنامه‌ها تا چه
میزان موفق هستند و خواهند بود و آیا توانسته‌اند به دستاوردهای مورد نظر
خود و استقبال مخاطبان نائل شوند، به نظر می‌رسد، چنین تلاشی ناشی از
این نگرش است که دانش‌آموزان بدون مدرسه و حضور در آن چیزی برای
خود ندارند و نظام آموزشی وظیفه تمام و کمال پر کردن وقت دانش‌آموز و
برنامه‌ریزی برای زندگی او و شکل‌دهی به هویت او را دارد.

این همان مسئله‌ای است که در طرح اندیشه «مدرسه‌زدایی»، مورد انتقاد
ایوان ایلچ بود. ایلچ در کتاب «مدرسه‌زدایی از جامعه» بر این باور است
که نظام آموزشی که قلب و محور تداوم آن مدرسه است، در قالب قوانین و
ساختار خشک و انعطاف‌ناپذیر مدرسه (بخوانیم سازمان دیوانسالارانه آموزش

۴۳۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

و پرورش مدرن) و سپس دانشگاه، موجب حرص و طمع دانش‌آموزان در رسیدن به مدارک بالاتر می‌شود، بدون آن که چیزی به دانش و مهارت عملی آن‌ها اضافه شود. در جامعه مدرسه‌زده، این نهادها هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی مشروع و درست و چه چیزی نامشروع و غلط است؛ از این‌رو، افراد، ارزش‌هایی برای خود و برخاسته از درون خود ندارند، بلکه دچار نوعی احساس کم‌ارزشی و عدم اتکا به خود می‌شوند که باعث می‌شود درمان خود را امری غیرمسئولانه، یادگیری مستقل را غیرقابل‌اعتماد و ایجاد تشکّل‌ها بدون دخالت دولت را نوعی آشوب و خرابکاری به حساب آورند. در چنین شرایطی مفهوم موفقیت و تحرک اجتماعی در وابستگی به آموزش و پرورش خلاصه می‌شود و به میزانی که وابستگی به نهادهای جامعه افزایش می‌یابد، ما دچار نوعی عقب‌ماندگی اتکا به خود می‌شویم.

می‌توان گفت که مدارس جدید محلّ کاملاً مناسبی برای تحقیق و پرورش که باید از عمق وجود متعلم نشأت بگیرد، نیست؛ بلکه محلی است که با طراحی برنامه‌ای از پیش تعیین شده و مخفی، سعی در آماده‌کردن دانش‌آموزان برای پذیرش ارزش‌هایی معین همچون زندگی در جامعه طبقاتی و سازمان‌های دیوانسالارانه و واگذارکردن نقش‌های اجتماعی معین به افراد پیش می‌رود.^{۱۵}

از نظر ایلچ، تنها راه‌هایی از مشکلات و پیامدهای ناگوار چنین مدرسه‌ای، انحلال آن و گشودن باب مدرسه‌ای به وسعت جامعه است که در آن هر کس بتواند آزادانه آموزش و پرورش مطلوب خود و فرزندان خود را فراهم سازد. شبکه‌ای که همه بتوانند مسئله مورد نظر خود را با افرادی که انگیزه پرداختن به همان مسئله را دارند در میان بگذارند و در واقع به افراد

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوانسالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۳۱
همان چیزهایی یاد داده شود که به آن علاقه دارند^۱

۴. فهم اثرات نامطلوب آموزش مجازی بخشنامه‌ای بر اهداف علمی و تربیتی

فهم آسیب ساختاری و آسیب شناسی نظام آموزش و پرورش مدرن، در گرو فهم معنای مدرن ساختاری است که نام دیوانسالاری بر آن نهاده‌اند.

۱-۴. آموزش و پرورش در چنگال دیوانسالاری و قفس آهنین

آن گونه که ماکس وبر به خوبی شرح داده است غلبه عقلانیت ابزاری در دوره مدرن و به تبع آن پیدایش عقلانیت صوری، روابط سازمانی را به وضعیت دیوانسالارانه رساند که ثمره‌اش گرفتار شدن انسان مدرن در قفسی آهنین است که جامعه را به ماشین انسانی عظیمی تبدیل می‌کند که در این ماشین عظیم، هر کسی فقط می‌تواند در جایگاه اجتماعی از پیش تعیین‌شده‌ای قرار گیرد و وظیفه از پیش تنظیم‌شده‌ای را انجام دهد و فرد را به پیچ و مهره‌ای تبدیل می‌کند که هرگونه قدرت خلاقیت و ابتکار از وی سلب شود. در رابطه با آموزش و پرورش در دوران انقلاب اسلامی، حقیقت این است که در اوایل دوره انقلاب اسلامی به سبب روحیه انقلابی و فضای جهادی‌ای که در سراسر کشور ایجاد شده بود، وجهه دیوانسالارانه این نهاد کاملاً به حاشیه رفت و خیل عظیمی از نیروهای انقلابی که با دغدغه تعلیم و تربیت وارد این نهاد شدند، تحوّل عظیمی را در این نهاد رقم زدند و واقعاً تا حدود زیادی آن را مصداق یک نهاد تعلیم و تربیت اسلامی کردند و همین

۱. راجرز، ام و شومیکر، اف (۱۳۷۷). رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی فرهنگی، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فناپی، شیراز: دانشگاه شیراز، ص ۶۰.

۴۳۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

امر بود که انتظار همگان را از این نهاد افزایش داد و با فروکش کردن آن حرکت انقلابی در دوره به اصطلاح سازندگی و پس از آن، این نهاد به همان وضعیت دیوانسالارانه خود برگشت و آسیب‌های متعددی را در پی آورد^۱.

به نظر می‌رسد چند پرسش جدی که می‌توان با توجه به دیدگاه ایلیچ و دیگر منتقدان به نظام آموزش و پرورش دستوری پرداخت و به مثابه یکی از تکانه‌های معرفتی کرونا و نوعی خودارزیابی برای نظام آموزشی ما به حساب آورد، این است که فرزندان ما بدون مدرسه و آموزش و پرورش رسمی، چه چیزی برای خود و از خود دارند؟ اگر کرونا برای همیشه تداوم یابد، فرزندان ما در دوری از مدرسه و سیاست‌های آموزش و پرورش رسمی تبدیل به چگونه انسان‌هایی خواهند شد، چه چیزهایی را از دست خواهند داد و چه چیزهایی را به دست خواهند آورد؟ آیا اگر تعطیلی مدرسه تداوم یابد، دانش‌آموزان ما واقعاً زیان خواهند دید؟ چه نوع نظام آموزشی می‌تواند دانش‌آموزان را از انفعال خارج سازد و آن‌ها را تبدیل به خودآموزانی کنشگر کند؟ آیا نظام آموزشی مسئولیت تمام و کمال رساندن دانش‌آموزان به ارزش‌های مورد نظر خود را دارد یا چنان که دیوئی نیز معتقد بود، باید به دانش‌آموز کمک کند تا جهان و ارزش‌های خود را بسازد؟

به نظر می‌رسد میراث ماندگار کرونا برای نظام آموزشی که می‌توان آن را تحت عنوان «یادگیری در عصر کرونا» مطرح کرد، تأکید بر مؤلفه مهم خودآموزی توأم با کنشگری و شوق تغییر و اشتیاق زندگی در دانش‌آموزان و آموزش و پرورش رسمی باید باشد. کرونا به ما می‌آموزد همان‌گونه که برای

۱. سوزنچی، حسین (۱۳۹۸). رسالت آموزش و پرورش در گام دوم انقلاب اسلامی، مجموعه آثار علمی همایش بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی: نهادهای علمی و بیانیه گام دوم با تأکید بر نقش نسل جوان، موسسه بوستان کتاب.

کرونا، آموزش مجازی و قفس آهنین دیوان‌سالاری اداری در آموزش و پرورش □ ۴۳۳

در امان ماندن از ابتلا به کرونا به خودمراقبتی و خودقرنطینگی نیازمندیم، برای ساختن دوباره جامعه نیز به خودآموزی کنشگرانه و فعال نیاز داریم و امروز، آموزش و پرورش باید با قرار گرفتن در خودقرنطینگی، بار دیگر به جایگاه مهم و اصیل یادگیرنده در نظام آموزشی بیندیشد، با این امید که پس از خروج از قرنطینه، قدر مهم‌ترین داشته‌های خود، یعنی سرمایه انسانی را بیشتر بداند^۱ و به فکر اصلاح ساختاری اساسی در سازکارهای خود باشد و از سازمان دیوانسالارانه به نهادی جهادی همچون اوایل انقلاب تبدیل شود. نهاد و رویکردهای جهادی و غیر آیین‌نامه‌ای و بخشنامه‌ای در آموزش و پرورش است که می‌تواند، بهترین بهره‌گیری‌ها را از کرونا در جهت جهش آموزش مجازی با دیدن همه ابعاد علمی و تربیتی دانش آموزان و استفاده بهینه، کارا و اثربخش از بستر فضای مجازی پی بگیرد و اکنون و آینده دانش آموزان را به بهترین شکل رقم بزند.

در انتها و ناظر به آموزش مجازی چند سؤال مهم مطرح می‌شود: «چگونه می‌توان از امکانات و فرصت‌های آموزشی مجازی به نحو احسن بهره برد؟»، «آیا زمینه برای ورود فاعل به نظام آموزش و پرورش و ظهور آموزش و پرورش مجازی مساعد است؟»، «مهم‌ترین پیش‌نیازهای آموزش و پرورش مجازی کدامند؟»، «مسئولیت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش و پرورش مجازی به عهده چه کسانی است؟»، «چگونه می‌توان اثربخشی این نوع از آموزش‌ها را تضمین کرد؟» و در نهایت این که «چه روندی برای آینده آموزش و پرورش مجازی پیش‌بینی می‌شود؟».

۱. زارع، الهام (۱۳۹۹). تحول یادگیری در عصر کرونا؛ به سوی خودآموزی کنشگرانه: پایگاه خبری رب-اخبار علوم تربیتی.

۴۳۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

متأسفانه، دولت هنوز چشم‌انداز و استانداردهایی را در این زمینه برای آموزش و پرورش منتشر نکرده است و هنوز دوره‌های آموزشی برخط به طور کامل در کشور وجود ندارند. فرآیند تحقق آموزش و پرورش مجازی نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی، الزامات و روندهای آینده این مسیر به صورتی شفاف و دقیق مشخص شده باشد. این همان چیزی است که از آن تحت عنوان «چشم‌انداز» یاد می‌شود. چشم‌اندازی که جای خالی آن را در آموزش و پرورش کشور بخوبی می‌توان حس کرد. چشم‌اندازی که باید با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران تدوین شود.

بخش ششم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی

۴۲. فرصت ویژه ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس منحوس کرونا

محمدرضا عابدینی^۱

«رَبِّ يَسِّرْ و لا تُعَسِّرْ، سَهِّلْ عَلَيْنَا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم». درباره ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس کرونا، ذیل چهار نکته مطالبی تقدیم می‌شود:

۱. تنها راه رسیدن به قرب و ولایت الهی، مسیر «ولایت ولیّ الهی و امام معصوم (علیه‌السلام)» است. همچنین نزدیک‌ترین و سریع‌ترین راه رسیدن به ولایت ولیّ الهی، «محبت و خدمت به مؤمنین و ولایت آنها» است. در روایات، زیارت و دیدار مؤمنین با یکدیگر، به‌مثابه قرب به ولیّ الهی و زیارت او و احیای امر اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و بلکه زیارت خدای سبحان مطرح شده است:

از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «هرکس به‌خاطر

۱. استاد فلسفه، تفسیر و عرفان اسلامی حوزه‌های علمیه/ تاریخ نگارش: یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸

۴۳۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاهها و راهبردها (۲)

رضای خدا، برادرش را دیدار کند، خدای عزوجل می‌فرماید: پس مرا دیدار کردی و پاداش تو بر عهده من است و من برای تو به ثوابی کمتر از بهشت راضی نمی‌شوم»؛

عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِيَّاي زُرْتَ وَ ثَوَابُكَ عَلَيَّ وَ لَسْتُ أَرْضَى لَكَ ثَوَاباً دُونَ الْجَنَّةِ. (كافی، ج ۲ ص ۱۷۶).

همچنین امام رضا (علیه‌السلام) به جناب عبدالعظیم حسنی سفارش می‌کند که «به مؤمنین امر کن به زیارت یکدیگر برونند که دیدار آنها با یکدیگر سبب قرب و نزدیک شدن به من است»؛ «فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَى ...». (الاختصاص، ص ۲۴۷).

یا این که امام باقر (علیه‌السلام) به خَیْثَمَه سفارش می‌کند که به دوستان و شیعیان ما بگو: «در خانه‌های خود با یکدیگر ملاقات کنند، زیرا دیدار آنها با یکدیگر مایه زنده ساختن امر ما است. خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده نگه دارد»؛

«أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنَّ لِقْيَا بَعْضِهِمْ بَعْضاً حَيَاةٌ لِأَمْرِنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا»
(کافی، ج ۲ ص ۱۷۶).

۲. گاهی حجاب عادت، سبب محرومیت‌های بسیاری می‌شود. خدای سبحان برای جلوگیری از سلطه عادت، تغییر و تفاوت را قرار داد تا دائماً با تغییر سال‌ها، فصل‌ها، ماه‌ها، هفته‌ها، روزها و حتی ساعت‌ها و حالات مختلف و متضاد مانند شب و روز، گرمی و سردی، خواب و بیداری، فقر و ثروت، صحت و مرض، موت و حیات، جذب و دفع، جنگ و صلح، بسط و

فرصت ویژه ارتباط با امام از طریق ولایت مؤمنین، در ایام شیوع ویروس منحوس کرونا □ ۴۳۹
قبض، دم و بازدم و ... ما را از حجاب عادت بیرون آورد تا گرفتار غفلت و عدم
توجه به نعمت‌ها نشویم و اسباب توجه و تذکر را از دست ندهیم. البته
ممکن است بعضی از تغییرات و حالات، تکویناً محقق شده و بعضی از آن‌ها
به دست ظالمین محقق شود. ولی در نهایت نتیجه آن، در خدمت رشد
مؤمنان و استحکام و بیداری آنان قرار می‌گیرد.

۳. پس از توجه به نعمت‌هایی که حجاب عادت باعث شده بود، قدرت
بهره‌مندی از آن‌ها کاسته شود، راه برگرداندن نعمت و جبران آن‌ها، عمل به
سنت‌های اسلامی در حد امکان است. لذا درباره ارتباط با ارحام و دوستان،
اگر امروزه از جهت بهداشتی منعهایی در ارتباط عادی ایجاد شده و در اثر
این منعهای پزشکی که ضروری هم هست، محرومیت‌هایی از جلب رحمت
الهی محقق شده است، می‌توان با ارتباطاتی از طریق تماس صوتی و
تصویری و پیامکی از احوال همدیگر با خبر شویم. یا اگر برای کسی مشکلی
پیش آمد، در صدد جبران جمعی برآییم. لذا با پیام‌های محبت‌آمیز بیشتر و
با گذشت‌ها و دیگر کارهای نیک، می‌توان محرومیت‌ها را جبران کرد و نعمت
را دوباره بازگرداند.

۴. این‌گونه حفظ ارتباط ولایی میان مؤمنین در حد مقدور، سبب ارتباط با
امام می‌شود و این فضای تهدید فعلی در جامعه را تبدیل به فرصتی برای
ارتباط ویژه با امام زمان (علیه‌السلام) می‌کند.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «إِنَّ رَجُلًا زَارَ أَخًا لَهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى،
فَأَرَادَ اللَّهُ عَلَى مَدْرَجَتِهِ مَلَكًا، فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ، قَالَ: أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ أَرَدْتُ أَخًا لِي
فِي قَرْيَةٍ كَذَا، قَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرْتُبُهَا؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنِّي أَحْبَبْتُهُ
فِي اللَّهِ، قَالَ: إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَحَبَّكَ كَمَا أَحَبَّتَهُ فِيهِ»؛

۴۴۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

(کشف الریبه، ص ۸۰؛ نهج‌الفصاحه، ص ۵۱۰).

مردی برای دیدن برادر دینی خود به دهکده دیگری رفت، خداوند فرشته‌ای در گذرگاه او گماشت و فرشته به او گفت: کجا می‌روی؟ جواب داد: برادری در این دهکده دارم. گفت: آیا برای تو نعمتی هست که برعهده اوست که به تو بدهد و به دنبال آن می‌روی؟ جواب داد خیر، تنها به خاطر این است که او را برای خدا دوست دارم. فرشته گفت: من فرستاده خدا به سوی تو هستم [تا به تو بگویم] همان‌طور که تو او را به خاطر خدا دوست داری، خدا هم تو را دوست دارد.

۴۳. تلاشِ جهادگران سلامت، گامی به سوی ظهور

محمّدرضا عابدینی^۱

با توجّه به این که گفته شده است قبل از ظهور حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدّه کثیری از افراد با موت ابيض (مرگ سفید) از دنیا می‌روند (مرگ سفید به معنای مردن در بیماری‌های واگیر مثل طاعون، در مقابل موت احمر - مرگ سرخ - که مردن در جنگ‌هاست^۲).

۱. استاد فلسفه، تفسیر و عرفان اسلامی حوزه‌های علمیه/ تاریخ نگارش: یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۸
۲. مشهورترین تعبیر در اشاره به بیماری‌های مُسری بیان شده در روایات، ابتلای عمومی مردم به موت ابيض (مرگ سفید) است که ائمه (علیهم السّلام) یکی از مصادیق بارز موت ابيض (با بیماری واگیر) را با مثال بیماری طاعون یاد کرده‌اند. بعید نیست طاعون کنایه از دیگر بیماری‌های زیست‌شناسانه دسته اول، مانند ویروس کرونا، آنفولانزا، آبله، سیاه زخم و ... نیز باشد.
و از آنجا که «موت ابيض به طاعون»، در ردیف «موت احمر به سیف» آمده، می‌توان آن را نبردی با ابزار طاعون مانند نبرد با ابزار شمشیر و از مصادیق نبردهای آخرالزمانی برشمرد، بنابراین، مقاومت و جنگ در برابر سلاح زیست‌شناسانه را نیز صحنه جهاد مؤمنان محسوب نمود.
برای نمونه: قال أمير المؤمنين (عليه السلام): بين يدي القائم (عليه السلام) موت أحمر و موت أبيض و جراد في حينه و جراد في غير حينه، أحمر كالدم، فأما الموت الأحمر فبالسيف و أما الموت الأبيض فالطاعون

۴۴۲ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

این مطلب شاید دلالت می‌کند بر این که یا جنگ‌های آخرالزمانی جنگ زیست‌شناسانه است و یا در اثر اعمال غیر کنترل شده، عکس‌العمل هستی به صورت بیماری‌های جدید، خودش را می‌نمایاند.

طبق این بیان، در این برهه، قدرت یافتن ما برای کنترل بیماری‌ها، یکی از مصادیق بارز «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) است.

در عین سختی بیماری کرونا، بسیج کشور در جهت بالاتر رفتن آمادگی‌ها در مقابله با بیماری‌های واگیر، می‌تواند یکی از رزمایش‌های عمومی مهم با مقاومت در جبهه‌ی سلامت، در جهت آمادگی برای ظهور باشد. لذا می‌توان با این نگاه مهم، این فضای تهدید را تبدیل به فضای فرصت کرد و از منظر آمادگی برای مراحل بعدی، به آن نگاه کرد.

طبق این منظر، جهاد سلامت در میان مردم ما، فقط در کنترل این بیماری خلاصه نشده و بایست نگاه عمیق‌تر و درازمدت‌تر در نقشه حرکت به‌سوی ظهور داشته باشیم.

توسل و استمداد از حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) می‌تواند در حل و تسهیل این حرکت مؤثر بوده و همچنین کوشش بیشتر علمی و درمانی میان جهادگران سلامت، در این جهت حرکتی در جهت بسترسازی برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) دیده شود.

پس ای مردم مجاهد و مقاوم و شما ای جهادگران سلامت در خط مقدم مراکز درمانی، با روحیه ایمانی و امید الهی، تلاش خود را در جهاد مقدس

(الغیبه للنعمانی، ص ۲۷۷ ج ۶۱ / الغیبه للطوسی، ص ۴۳۸ ج ۴۳۰ / کتاب الغیبه فی الامام الثانی عشر القائم الحجة (سلام الله علیه) ج ۲ ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

علاوه بر آن، روایاتی که به موضوع مرگ سفید و طاعون در حوادث آخرالزمان پرداخته‌اند، عمدتاً آن را ابتلائی عمومی دانسته و گاهی نیز درباره برخی اقوام یا سپاهیان خاص مطرح کرده‌اند.

تلاشِ جهادگرانِ سلامت، گامی به سوی ظهور □ ۴۴۳

منتظرانِ ظهور بیابید و به فضل الهی، با پیروزیِ بزرگ در مبارزه با این بیماری، پایگاه مقاومتی عظیم‌تر بیافرینید برای آماده‌سازی جبهه‌ی مجاهدانِ نستوه در رکاب امام زمان (علیه‌السلام).

۴۴. کرونا و بازگشت به خانواده

عاصمه قاسمی^۱

در دهه‌های اخیر نظریه‌پردازی و بازاندیشی در خصوص نهاد خانواده در کانون توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی قرار گرفته است. علی‌رغم این که برخی از متفکرین معتقد به فروپاشی خانواده در جوامع مدرن هستند، برخی دیگر به دگرگونی خانواده و کارکردهای آن سخن گفته‌اند. آن‌ها معتقد به تغییر شکل خانواده و تغییر نقش‌های خانوادگی و رواج انواع گوناگون خانواده (مانند خانواده‌های ترمیمی و تک والد) هستند. در این رویکردهای جامعه‌شناسی، از «خانواده‌ها» بجای «خانواده» سخن به میان می‌آید و در نتیجه تعاریف مختلفی از خانواده ارائه می‌شود. طبعاً هر جامعه‌ای باید متناسب با ارزش‌ها و هنجارها و ساختارهای فرهنگی-اجتماعی خود، خانواده را تعریف کند.

۱. استادیار و مدیر گروه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات/ دکترای جامعه‌شناسی با گرایش زنان و ارتباطات از دانشگاه ناتینگهام/ رایانامه: asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir / تاریخ نگارش:

اگرچه در بسیاری نظریه‌های جامعه‌شناسی، نهاد خانواده مهم‌ترین کارگزار «جامعه‌پذیری» افراد مطابق با فرهنگ یک جامعه شناخته می‌شود، لیکن در رویکردهای جدید دیگر خانواده نهاد «مرکزی» و «بنیادین» جامعه نیست. وقتی نهادی از مرکزیت بیفتد و در حاشیه قرار گیرد طبعاً برای افراد یک جامعه نحوه مواجهه با خانواده و گذراندن وقت در آن و تعامل با اعضای خانواده دیگر دغدغه اصلی نیست. حتی در زندگی مدرن خانه تبدیل به «خوابگاه» می‌شود، جایی برای استراحت فیزیکی و آماده شدن برای حضور در نهادهای اجتماعی به اصطلاح «مهم‌تر».

در اینجا است که در برهه‌ای مانند شرایط کنونی که بسیاری نهادها و مراکز اجتماعی تعطیل می‌شوند و قرار است شهروندان تمام‌وقت خود را در خانواده بگذرانند با چالش‌هایی مواجه می‌شوند، چرا که یک نهاد «فرعی» دوباره تبدیل به یک نهاد «اصلی» می‌شود.

فراگیری ویروس کرونا در جوامع و توصیه و یا الزام به قرنطینه خانگی در این روزها جوانب و پیامدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. اما آنچه از منظر خانواده قابل توجه است، تبدیل شدن خانواده به «اصلی‌ترین» و «مهم‌ترین» نهاد برای زندگی فردی و اجتماعی است. تغییر ناگهانی «فضای» زندگی و حضور طولانی در جایی که برای آن آمادگی و تمرین قبلی وجود نداشته، سخت است. لذا عجیب نیست که گزارش‌های نهادهای مختلف اجتماعی و حقوقی جهان از افزایش چشمگیر خشونت خانگی علیه زنان و کودکان در کشورهای مختلف بعد از قرنطینه شدن افراد در خانه‌ها خبر می‌دهند.

به گزارش یورونیوز (۲۸ مارس/ ۹ فروردین) وزارت کشور فرانسه اعلام کرده است شکایت‌ها در خصوص خشونت خانگی در فرانسه از ۱۷ مارس (۲۷

اسفند) که قرنطینه شروع شده است ۳۰ درصد افزایش داشته است.^۱ همچنین گاردین در گزارشی (مورخ ۲۸ مارس) به نقل از فعالان و متولیان حوزه آسیب‌های خانوادگی، نسبت به «افزایش انفجاری» خشونت خانگی در کشورهای مختلف از برزیل تا آلمان و از چین تا یونان هشدار داده است. در این گزارش وضعیت خشونت خانگی در کشورهای مختلف که به دلیل ویروس کرونا در قرنطینه قرار گرفته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. به طور مثال، اگرچه دولت اسپانیا از ابتدای قرنطینه و اعمال جریمه‌های سخت برای نقض قوانین قرنطینه، اعلام کرده بود که زانی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند، برای خروج از خانه و ثبت شکایات جریمه نمی‌شوند، اما تنها ۵ روز پس از قرنطینه اولین خشونت خانگی با قتل زنی به وسیله شوهر جلوی چشمان فرزندان ثبت شده است.^۲

فارغ از این که افزایش قابل توجه خشونت خانگی در طول مدت چند هفته قرنطینه نشان از عدم موفقیت بسیاری از شعارها در زمینه احقاق حقوق زنان و توانمندسازی آن‌ها است، بیانگر این است که در دنیای امروز مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری یعنی خانواده در درون خود با چالش جامعه‌پذیری و تعامل اجتماعی روبروست.

در هر حال، قرنطینه فرصتی است برای بازگشت به خانواده به مثابه اصلی‌ترین نهاد در جامعه‌پذیری و تربیت نسل آینده، مرکزی‌ترین نهاد برای حمایت و پشتیبانی عاطفی انسان‌ها از یکدیگر، و مهم‌ترین نهاد در زمینه‌سازی گفتگو و تعامل اجتماعی صحیح. باید برای تعامل و گفتگوی اجتماعی از خانواده شروع کنیم. امید است با حضور فراگیر رسانه‌ها در خانه‌ها و به‌خصوص گسترش فضای مجازی، این فرصت از

1. <https://www.euronews.com/2020/03/28/domestic-violence-cases-jump-30-during-lockdown-in-france>

2. <https://www.theguardian.com/society/2020/mar/28/lockdowns-world-rise-domestic-violence>

۴۴۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۲)

دست نرود^۱.

۴۵. تداوم کرونا و ضرورت احیای نظم اجتماعی خانه‌محور

سینا کلهر^۱

مقدمه

شواهد و داده‌های تجربی حکایت از آن دارند که اگر اتفاق علمی خاصی از قبیل کشف واکسن یا روش درمانی مؤثر پیش نیاید؛ کرونا در جهان باقی خواهد ماند و موج‌های مختلف آن در فواصل زمانی مختلفی ظاهر خواهند شد. اگر این پیش‌بینی درست باشد؛ بشریت و جوامع مختلف برای بقا ناچار از بازاندیشی در نظم اجتماعی و سبک زندگی خود خواهند بود. اگرچه همچنان چشم بشر به آزمایشگاه‌های علمی و مراکز و مؤسسات علمی برای درمان این بیماری است، اما باید دولت‌ها و نهادهای حکومتی خود را برای بدترین شرایط و وضعیّت‌ها آماده سازند. این یادداشت بر اساس فرض

۱. استادیار مرکز پژوهش‌های مجلس / گروه آموزش عالی و تحقیقات / رایانامه: Sina.kalhor@gmail.com

تاریخ نگارش: پانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹.

بدبینانه تداوم کرونا تلاش کرده است تا امکان‌های پیش روی زندگی اجتماعی در شرایط تداوم شیوع ویروس کرونا را بررسی کند.

دو اندیشه متفاوت درباره تغییرات زندگی جمعی و سبک زندگی می‌توان در نظر گرفت. اندیشه نخست بر محوریت نظم موجود و تلاش برای کاهش ارتباطات افراد و تداوم فاصله‌گذاری اجتماعی. این روش در بلندمدت امکان تداوم ندارد و به دلیل تمایلات جمع‌گرایانه انسان‌ها در عمل شکست خواهد خورد. الگوی دوم اصلاح بنیادین نظم اجتماعی است.

نظم اجتماعی در جهان پیشاکرونا بر جدایی محل کار از خانه و انجام کارهای جمعی از سوی مردم در قلمروهای مختلف بنا شده بود. اگرچه فردگرایی روح حاکم بر جهان سرمایه‌داری بوده و هست با این حال شیوه انجام کارها و ارائه خدمات و گذران زندگی مبتنی بر تجمع‌های انسانی در محیط‌های شغلی؛ آموزشی؛ تفریحی و مذهبی دور از خانه سامان یافته است. به‌گونه‌ای که برخی از محققان اجتماعی جدایی کار از خانه را یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تحوّل در دنیای مدرن دانسته‌اند. هر چند سخن گفتن از تحولات آتی جوامع بسیار دشوار است اما اگر برای کرونا درمانی یافت نشود، به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین رویدادی که باید برای آن آماده شد باز طراحی و اصلاح نظم اجتماعی بزرگ‌مقیاس و تبدیل آن به نظم‌های کوچک مقیاس و خانه‌محور است. در واقع این سرنوشت محتوم بشر و مسیر آتی جوامع برای حفظ و بقا خواهد بود؛ بنابراین، جوامعی که تمهیدات و تدارک لازم برای چنین تغییر و تحوّل را آماده کرده باشند با چالش‌ها و هزینه‌های کمتری این تغییر را از سر خواهند گذراند. باید بر این نکته مجدّد تأکید شود که آنچه در این مرحله باید انجام شود ضرورت آماده کردن طرح‌ها و برنامه‌هایی است که اگر تغییری در شرایط درمان بیماری ایجاد نشود؛ سردرگمی و

غافلگیری پیش نیاید. برای انتقال به نظم جدید مبتنی بر جمع‌های کوچک مقیاس نیاز به دوره انتقالی در نظام‌های اصلی حیات اجتماعی است. موارد بیان شده در این یادداشت صرفاً اندیشه‌های اولیه و پیشنهادات کلی است که ضروری است در مراکز تحقیقاتی به مثابه طرح‌های شرایط اضطراری مورد بررسی قرار گرفته و تکمیل شود. این موارد عبارت‌اند از:

۱. اصلاح نظام اقتصادی و کسب‌وکار

اولین و مهم‌ترین تحوّل باید در نظام کسب‌وکارها و مشاغل کشور انجام شود. دولت باید با طبقه‌بندی مشاغل بر محوریت انجام خانگی آن‌ها زیرساخت‌های لازم را برای انجام کارها بر محوریت کار خانگی فراهم سازد. با توجه به این که بخش عمده مشاغل کشور در کارگاه‌های کمتر از ۵ نفر انجام می‌شود، به نظر می‌رسد بیشترین چالش دولت در خصوص مشاغل خدماتی از قبیل رستوران‌ها؛ مراکز تفریحی و غیره باشد. علاوه بر این که بسیاری از مشاغل باید تغییر روش و ماهیت دهند برخی از مشاغل هم از بین خواهند رفت. از همین الان باید به فکر بود و به افراد برای یافتن شغل در شرایط نظم کرونایی هشدارها و مشورت‌های لازم را داد.

۲. اصلاح نظام اداری

با اداره به معنای سنتی آن باید خداحافظی کرد. همه تجربه‌های دورکاری و کار مجازی باید به خدمت گرفته شود و دولت طرحی برای نظام اداری غیرحضوری مبتنی بر دولت الکترونیک را به سرعت نهایی کند. بسیاری از مراکز همچون پلیس +۱۰ و دفاتر خدماتی باید به فضای مجازی منتقل شوند و در عمل نظام اداری مجازی راه‌اندازی شود.

۳. اصلاح نظام آموزشی

مدرسه، دانشگاه و معلم به شکل کنونی هم احتمالاً به تاریخ خواهد پیوست. نظام آموزشی باید یک تغییر اساسی پیدا کند و از نظام آموزش محور به نظام آزمون‌محور تغییر پیدا کند. به این ترتیب اگرچه الگوی مدارس و کلاس‌های مجازی قابل پیگیری است اما عملاً کارآمدی نخواهد داشت. دولت مدارک تحصیلی افراد را صرفاً بر اساس موفقیت در آزمون‌ها صادر می‌کند و تمرکز خود را به حمایت از آموزش‌های اقشار محروم و مستضعف می‌گذارد. در حال حاضر دولت برای هر دانش‌آموز نزدیک به ۶ میلیون تومان هزینه می‌کند. این مبلغ در قالب حساب اعتباری به خانواده‌ها پرداخت می‌شود و معلم‌ها نیز در قالب معلم راهنما متناسب با تقسیم‌بندی منطقه‌ای به هدایت دانش‌آموزانی می‌پردازند که والدین آن‌ها به لحاظ تحصیلی توانایی آموزش فرزندان خود را ندارند. ارتقای آموزش‌های راه دور مناسب‌ترین گزینه برای جایگزینی آموزش عالی در کشور است.

۴. اصلاح مناسک و آیین‌های دینی

اگرچه اصلاح الگوهای مناسکی دینی دشوارهای زیادی خواهد داشت، اما کوچک‌مقیاس شدن مساجد و تعدد آن‌ها به‌جای مساجد بزرگ با الگوی هر کوچه یک مسجد و همچنین تغییر الگوهای بزرگ‌مقیاس زیارتی به الگوهای خانوادگی زمان‌بندی‌شده در کنار اصلاح معماری اماکن مذهبی با هدف کاهش حجم تردد و تراکم افراد می‌تواند ایده‌های نخستین در این حوزه باشد.

۵. اصلاح الگوهای خانواده

خانواده هسته‌ای که بر اساس الگوی تفکیک نقش‌های مبتنی بر کار بیرون

تداوم کرونا و ضرورت احیای نظم اجتماعی خانه‌محور □ ۴۵۳

از خانه طراحی شده بود نیازمند اصلاح اساسی است؛ بازتعریف نقش‌های اعضای خانواده و تغییر نظام انتظارات و نگرش‌های آن‌ها علاوه بر این که برای ایفای نقش محوری خانه در نظم اجتماعی جدید ضروری است امکان تداوم خانواده را نیز ضروری می‌سازد. اصلاح قوانین طلاق و حل اختلاف با هدف تسهیل حل اختلافات خانوادگی از جمله پیش‌شرط‌های این تحوّل است. همان‌طور که گفته شد ممکن است نیازی به این تغییرات نباشد، اما از سوی دیگری مرگبار بودن کرونا ممکن است این تغییرات را بسیار سریع‌تر از آن چیزی که ما تصوّر می‌کنیم ایجاد کند. آنچه در حال حاضر لازم است آمادگی ذهنی و تدارک برنامه‌های لازم برای شرایط غیرقابل‌پیش‌بینی است.



CORONAVIRUS ORDEAL

Views and Strategies

VOL 2

Compiled by:

Mohammad Hadi Homayoun (Ph.D)

Reza Baniasad (Ph.D)

بیماری کووید ۱۹ و شیوع ویروس کرونا، یک آزمون بزرگ، پدیده‌ای چندوجهی و امری فرارشته‌ای برای جامعه جهانی است که لازم است در کنار جنبه‌های پزشکی و دانش‌های وابسته به آن، به سایر جنبه‌های علوم توجه کرد. در مجموعه دوم، علاوه بر همکاران علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، از اندیشه‌ورزی جمع گرانقدری از استادان و صاحب‌نظران سایر مراکز علمی نیز بهره برده‌ایم. این نوشته‌های ارزشمند، در ۶ بخش و ۴۴ مقاله و یادداشت تنظیم شده و به مدافعان سلامت هدیه می‌شود: در بخش اول، سخن با چیستی و پیام کرونا آغاز شده است تا جنبه‌هایی از این پدیده آشکار شود. بخش دوم، جنبه‌های تمدنی و آینده‌پژوهی را به بوته تحلیل می‌گذارد و در بخش سوم، اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی از نقد و نظر صاحب‌نظران به دور نمی‌ماند؛ در بخش چهارم، کرونا و مباحث جانبی آن از دریچه سیاست فرهنگی و دینی نظاره می‌شود و بخش پنجم برای ختم غائله شیوع کرونا و مقابله با ابعاد مختلف آن، نوشتارهای مدیریتی و حکمرانی را پیشنهاد می‌کند و سرانجام در بخش ششم نسخه‌هایی عملیاتی برای ارتباطات انسانی و سبک زندگی تجویز و توصیه می‌کند. امید است به یاری خداوند متعال، این پژوهش‌ها بتواند در کنار پژوهش‌های پزشکی دو بال پرواز و موفقیت در مقابله با ویروس کرونا را برای کشور اسلامی ایران به ارمغان آورده و زمینه نظاره‌کردن چندوجهی و فرارشته‌ای را برای این آزمون، حادثه، مشکل، مسئله و ابتلای بزرگ بوجود آورد.

